tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

UCLA

START

UCLA Reprographic Service

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

UCLA

REEL 108

UCLA Reprographic Service

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

Microfilmed 1990

University of California
Reprographic Service
Los Angeles, CA 90024-151804

6 inches

Reduction Ratio 11:1

UCLA Reprographic Service

pdf.tarikhema.org

National Preservation Program for Biomedical Literature:

Preservation of Persian and Arabic Medical Manuscripts

Funded in part by the
National Library of Medicine
and the
University of California at Los Angeles

(Contract Number N01-LM-9-3534)

October 1989 - September 1990

tarikhema.org

The material on this microfilm is of varying quality. Portions of the material may illegible due to:

Aged paper
Foxed, stained, or insect damaged paper
Water damaged paper
Glossy paper
Illegible script or faded ink

Red and purple within the manuscripts may appear paler.

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

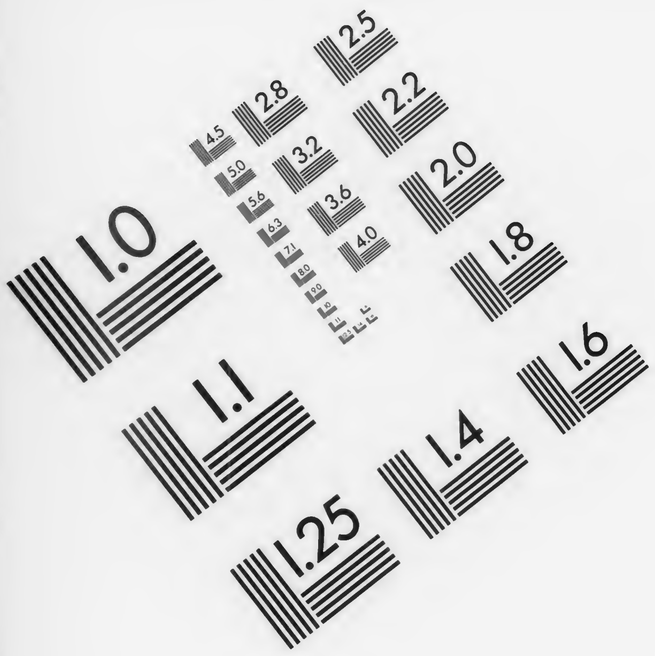

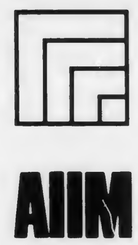

Association for Information and Image Management

1100 Wayne Avenue, Suite 1100
Silver Spring, Maryland 20910

301/587-8202

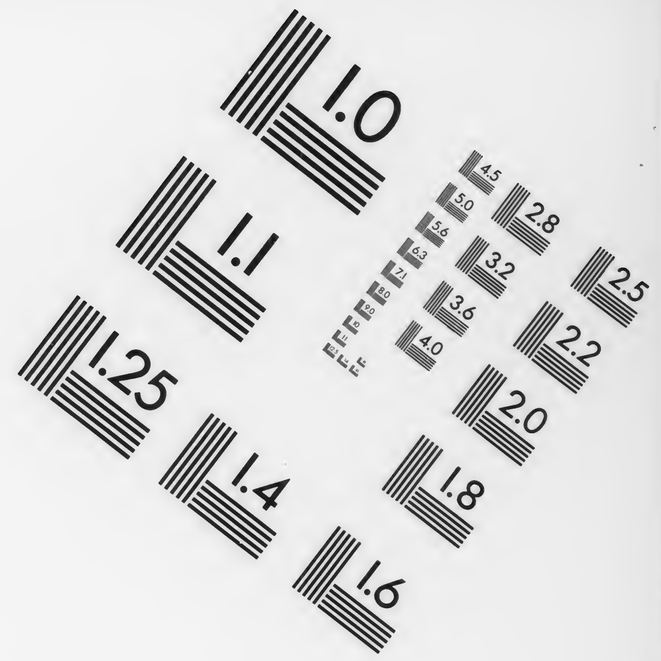

MS303-1980

Centimeter

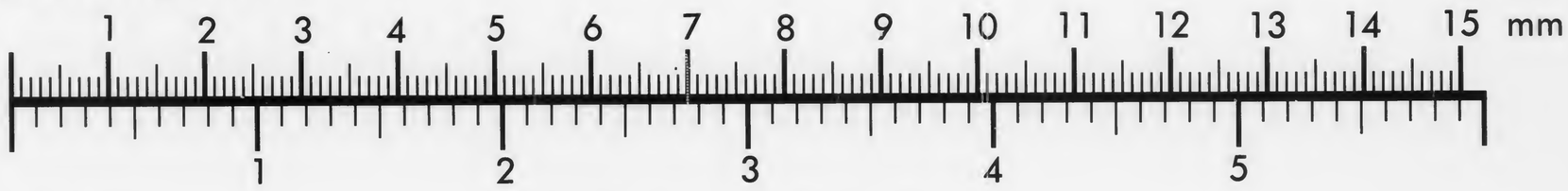

Inches

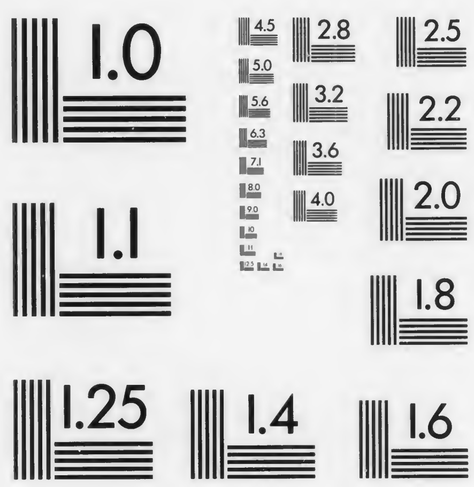

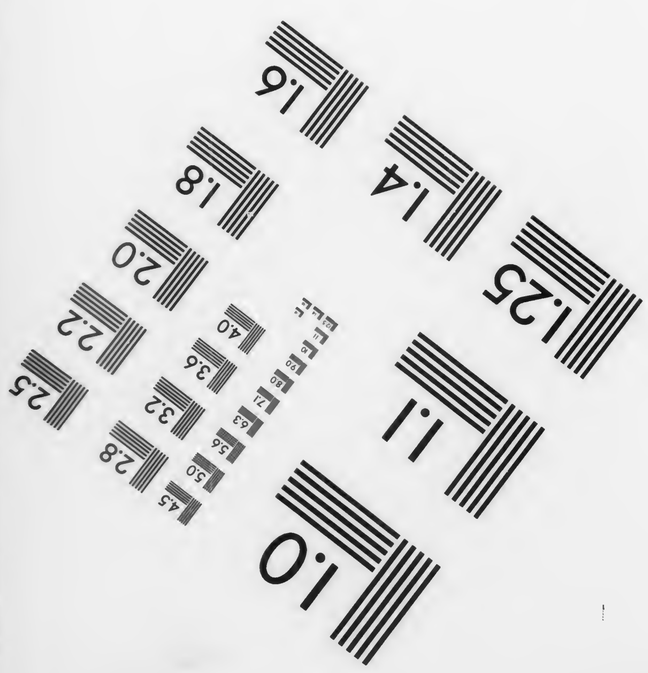

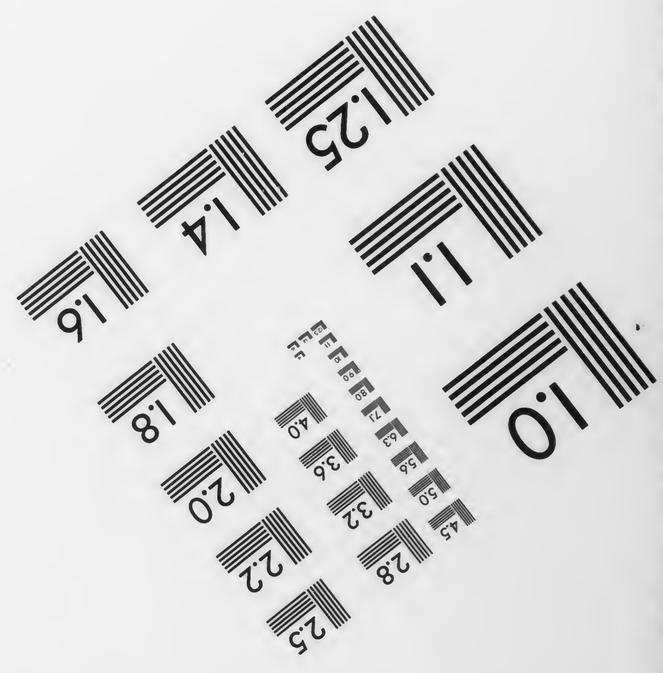

MANUFACTURED TO AIIM STANDARDS
BY APPLIED IMAGE, INC.

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

Los Angeles, University of California

Louise M. Darling Biomedical Library

History and Special Collections Division

Persian Medical Manuscript Collection

(Shelved as Ms Collection 60)

For permission to publish, or obtain copies of microfilm, write to:

History and Special Collections Division
Louise M. Darling Biomedical Library
University of California, Los Angeles
Los Angeles, CA 90024-1798
U.S.A.

pdf.tarikhema.org

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. -- ca. 1100-ca. 1900.
150 v. ; 15 x 8-38 x 24 cm.
Entire collection microfilmed as part of a National Library of Medicine preservation project: the preservation master negative is at NLM; the printing master negative is at the University of California's Southern Regional Library Facility; a positive copy is housed in the UCLA Biomedical Library's History Division.
Formerly a part of: Near Eastern manuscript collection, Dept. of Special Collections, University Library, University of Califonia, Los Angeles, and assigned accession no. 1117. Transferred to the History Division of the UCLA Biomedical Library in

CLU-M ejf 891113 CLUHsl SEE NEXT CRD

*Ms.
coll.
no.60
RARE

Persian medical manuscripts. ... ca. 1100-ca. 1900. (Card 2)
March, 1986.
Finding aids: Annotated and indexed list available in library: Richter-Bernburg, Lutz, Persian medical manuscripts at the University of California, Los Angeles : a descriptive catalogue (Malibu : Undena Publications, 1978)
1. Medicine, Arabic. 2. Manuscripts, Medical. I. University of California, Los Angeles. Louise M. Darling Biomedical Library. History and Special Collections Division. II. Series: Near Eastern manuscript collection ; no. 1117.

CLU-M ejf 891113 CLUHsl

tarikhema.org

Persian Medical Manuscript Collection

Ms. 110

(Richter-Bernburg No. 93)

Author: Moẓaffar b. Moḥammad al-Ḥosainī "Shefāʾī"

Title: [Qarābāẕīn]

200 fols., 210 x 155 mm

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

Text on fore-edge
filmed at end of manuscript

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

Calif. 1117
MS 110

DOCTOR.
CARO OWEN MINASIAN.

THE LIBRARY
OF
THE UNIVERSITY
OF CALIFORNIA
LOS ANGELES

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين

الحمد لله الحكيم العليم والصلوة على من اولى الحكمة والكتاب الكريم
ويشفى بلفظ السقيم وانه لعلى خلق العظيم واله الهادين الى صراط مستقيم
اما بعد پوشيده نماند كه فقير حقير مظفر بن محمد الحسينى الشفائى
در مدت مديد تركيبى چند كه در معالجات امراض از آن كريزى نيست
كرده بود خواست كه در سلك ترتيب در آورد بعضى از مركبات موثره
معقول عليها حكماء متقدمين و متأخرين منتخب و مترجم نمود بدين منظم
كرد تا كتاب جامع و مغنى از ساير قرابادينات باشد و بترتيب حروف تهجى
مرتب ساخت مأمول از كرام آنكه چون بدين اطلاع يابند بر قصور شفقت
فرمايند و اين كينه مع قلة البضاعة والاعراف وبا العجز والجهالة بيت نفرمايند
والله الولى الهداية والتوفيق من عنده وبه الاعانة باب الف انوشدارو
اعضاء رئيسه را قوت دهد و خفقان و تفرعه را نافع بود و فرح آورد و
نيكو گرداند و بوى دهن و عرق خوش كند و اشتهاى طعام آورد و بى

از طعام

از طعام و بيش از طعام توان خورد صفت گل سرخ شمشدم سعد كوفى
پنجدرم قرنفل مصطكى اسارون سنبل الطيب از هر يك سه درم فاقله خفاقا
گبا و زرنب و بسباسه جوز بوا قرفه زعفران از هر يك دو درم امله مغربى رطل
و عسل مناصفه صد و هشتاد مثقال امله در نيم خيانيده يك شبانروز
بشويند و در نه رطل آب بجوشانند تا مهرا شود و از پشت غربال صاف كنند
و عسل بقوام آورند و وادويه كوفته و بيخته بآن بسرشند انوشدارو روى مهرا
محى با قرص مروارید ناسفته لعل ياقوت كهربا بسد يشب عود قماری سعد كوفى
گل گاو زبان زرشك از هر يكى قرنفل فرنجمشك هليون يا در بخبويه درنج
عقربى پوست پسته پوست اترج صندل سفيد گل سرخ از هر يك دو مثقال
عنبر اشهب مشك از هر يك يك نيم مثقال ورق طلا پنجاه عدد ورق نقره
صد عدد سنبل الطيب ساذج طباشير ابريشم مقرض از هر يك سه مثقال
مصطكى پنج مثقال زعفران شش مثقال امله منقى شصت مثقال قند
دو برابر اجزا عسل يك برابر شيرى دو مثقال انوشدارو كوبى تقويت قلب
گبد و معده و دماغ را قوت دهد صفت مروارید ناسفته بسد يشب

صفته

انوشدارو مروارید ناسفته

صفته

سعد کوفی از خرا زهریک دو مثقال عود خام سه مثقال و نیم طباشیر سا
دج سنبل الطیب گل ارمنی ابریشم مقرض از هریک سه مثقال زعفران
دو مثقال عنبر اشهب نیم مثقال بیزه املج سی مثقال عسل و قند
سه وزن ادویه ترکیب کنند ارسطی صغی نافعست از جهت سل و وجع بطن
وجعی مختلف و ریح و قولنج و وجع رحم و برودت بدن صفت افیون
مصری چهار درم افاقیا فلفل از هریک ده درم عاقرقرحا سه درم حماما
بیست درم سلیخه چهار درم زعفران سه درم کوکرد زرد ده درم
عسل صاف بقدر احتیاج ادویه را کوفته و بیخته چنانکه رسمست بعد
سازند شربتی یکمثقال انقرویا نافعست از جهت فالج و استرخا و لقوه و
ماغ را از خلط رویه پاک کند و ذهن را تیز پاک کند و عقل را زیاد کند
صفت سنبل صلیخه ساذج هندی مورد زعفران درمنه ترکی افیون
فقاح اذخر ریوند چینی حب بلسان قرنفل از هریک دو درم حب البان
مقشر زنجبیل از هریک یکدرم مصطکی و عسل بلادر فوفل از یک سه درم
غاریقون دو درم صبر سقوطری ده درم امدی بیست درم بیخ

سه شبانه روز

سه شبانه روز در سرکه خیسانند و بعد از سه چهار جوش از آتش باز گیرند
و آن سرکه را صاف کرده با سه رطل و نیم عسل مصفی با آتش نرم بجوشانند تا بقوام
آید و ادویه را کوفته با آن مزوج سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربت
یکدرم با آب نیم گرم بیاشامند انقرویا کبیر فالج و لقوه و صرع و نسیان
و جمیع امراض بلغمی را نافع باشد و هضم را قوت دهد و باهره را زیاد کند
صفت عاقرقرحا شونیز قسط فلفل دار فلفل وج از هریک ده درم سذاب
حنطیانا حلتیت زراوند مدحرج حب الغار جند بیدستر شطراج هندی
خردل از هریک پنج درم عسل بلادر چهار درم و نیم دارو ها کوفته و بیخته
بروغن گردکان چرب کنند و با عسل بلادر در سه وزن ادویه عسل صاف
بسرشند و بعد از شش ماه استعمال نمایند شربتی یکمثقال انقرویا صغی
منافع آن قریب بمنافع کبیر است صفت هلیله پوست بلیله امله مقشر از
هریک ده درم سعد کوفی سنبل الطیب کندر وج فلفل زنجبیل عسل
بلادر از هریک پنج درم دارو ها کوفته و بیخته بروغن گردکان چرب
کنند و با عسل بلادر در سه وزن ادویه عسل صاف بسرشند و بعد از

انه دریای دیگر

ششماه استعمال کنند مصروع را بغایت نافع باشد صفت پوست هلیله
کابلی پوست بلیله آمله مقشر کتیرا خشک اسطوخودوس از هر یک پنج
درم عود خام خام زنجبیل صعتر عسل بلادر از هر یک سه درم عسل صاف سه وزن
ادویه بر رسم معهود معجون سازند اطریفل سیاه جگر و پیه را سود دارد و سده بدن
بول براند و سنگ از گرده پاک کند و در ابتداء استسقا نافع باشد صفت بزرکرمانی
دو قو عود بلسان سلیخه قرد مانا فتاح از ضرر کرفس از هر یک یکدرم قسط
فلفل از فلفل هر یک نیم درم مرصاصه سه درم حب الغار ده درم وج زعفران
از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی مقابل یکفندق در آب گرم
نافع بود اناناسیا کبر او جماع کبد و طحال و معده و اسهال بلغمی و سعال مزمن
و قی الدم و عسر و وجع کلیه و مثانه و بر ریاح را نافع باشد و بادها بکند
و دردها تسکین دهد صفت مرافیون زعفران جندبیدستر بنیر النج قسط فرمانا
خشخاش اغاقیا شاخ راست بزمرق جگرکرک خشک کرده مجموع مساوی آنچه کوفتنیست
بکوبند و آنچه کداختنیست در شراب بگدازند و با عسل مصفی معجون سازند و بعد از
ششماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال تا یکدرم با آب سیب اناناسیا صغیر

منافع آن

منافع آن قریب بمنافع کبریت صفت میعه زعفران قسط سنبل افیون سلیخه از هر یک
چهار درم عقاره غافث هشت درم اصل السوس و دو درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی مقدار یکفندق در نیمه دیگر عود بلسان و مر از هر یک چهار درم اطریفل کبیر
بواسیر را نافع بود و لون را نیکو کند و باه را زیاده کند و معده و امعا را
قوت دهد طعام را هضم کند صفت هلیله سیاه پوست هلیله پوست هلیله کابلی آمله
مغز فلفل دار فلفل از هر یک سی درم زنجبیل اسپاسه بوزیدان شطرج هندی
شقاقل تودری درخ تودری تردد لسان العصافیر مغز حب القلقل کنجد مقشر
سفید بهمن سرخ بهمن سفید از هر یک ده درم کوفته بروغن بادام یا روغن
گاو چرب کنند و بعسل بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند اطریفل صغیر
و بواسیر را نافع بود و ذهن را نیکو کند و لون را صافی گرداند صفت پوست بلیله کابلی
بلیله پوست هلیله زرد هلیله سیاه آمله مقشر مازو کوفته و بیخته بروغن بادام چرب کنند
و با سه مقدار آن عسل بسرشند شربتی دو درم اطریفل کبیر معده را قوت دهد درد سر
و درد چشم و درد گوش را که سبب آن بخار باشد نافع بود صفت پوست بلیله کابلی

پوست بلیله هلیله سیاه املهٔ منقی کنیز خشک مساوی کوفته و بیخته بروغن
گاو چرب کرده با سه مقدار آن عسل بسرشند و بعد از دو ماه استعمال کنند
اطریفل مقل حهت بواسیر عظیم نافع بود صفت پوست هلیله زرد املهٔ منقی پوست بلیله
ده درم مقل سی درم داب کنند تا بگدازد و شصت مثقال عسل اضافه کنند
و بجوشانند تا بقوام آید و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند اطریفل مقل ملیح
نرم کند و بواسیر را نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی هلیله سیاه املهٔ منقی
افتیمون اسطوخودوس از هر یک ده درم مقل و فلوس خیار شنبر از هر یک
سی درم مقل و فلوس را در آب بگدازند تا حل شود و با عسل بقوام آورند و داروها
کوفته و بیخته با روغن بادام چرب کنند و معجون سازند اطریفل کرمهای دیدان
خورد و بزرگ و حب القرع را بکشد صفت بزرگ کابلی ده درم تربد حب النیل قسط
تلخ از هر یک پنج درم قنبیل ترمس افسنتین درمنه ترکی افتیمون نمک نفطی
خردل شحم حنظل سعد را مقشر از هر یک سه درم کوفته و بیخته با دو مقدار
از عسل بسرشند شربتی از دو مثقال تا چهار بحسب مزاج نافع

اطریفل مقل نوع دیگر

اطریفل مقل نوع دیگر است پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی
هلیله سیاه املهٔ منقی از هر یک پنجاه درم تربد سفید هفت درم
مصطکی سه درم مقل ازرق و روغن بادام از هر یک بیست
درم عسل نیم من آب کنند تا بقدر حاجت مقل را در آب حل سازند
و با عسل بقوام آورند و معجون سازند شربتی هر شب دو مثقال
اطریفل انتهوت بیماریهای سودائی را عظیم نافع است و سیاهی مو را
نگاه دارد تا زود سفید نشود صفت پوست هلیله کابلی پوست بلیله
هلیله زرد پوست بلیله املهٔ از هر یک ده درم سنا مکی تربد
سفید افتیمون از هر یک پنج درم شطرج هندی سه درم بسفایج
فستق درمنی انیسون و نمک هندی از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یک مثقال تا چهار درم توان خورد اطریفل حناق و خنا عددی
زیرا سودا دارد صفت هلیله سیاه پانزده درم بلیله املهٔ تربد سفید
غددی که در گردن گوسفند میباشد خشک کرده از هر یک پنج درم
افتیمون ده درم بسفایج فستق اسطوخودوس سنا مکی از هر یک هفت

درم شراج زرنباد غاریقون توشادر از هر یک سه درم انیسون
مصطکی جوز بوا سنبل از هر یک دو درم کوفته و بیخته با عسل سرشته
شربتی پنج درم قوت دهد طریق و بهق سفید و برص را سود دارد و
سیاهی موی را نگاه دارد و امراض بلغمی را نافع باشد صفت پوست بلیله
کابلی بیست درم پوست بلیله آمله مقشر از هر یک ده درم برنگ کابلی
مقشر پانزده درم شطرج هندی سعد زنجبیل از هر یک سه مثقال
سادج پنج درم سیفایج اسطوخودوس از هر یک هفت درم غاریقون
شش درم قسط سه درم جوز بوا حنظل دار فلفل نارمشک مصطکی
کندر افتیمون انیسون از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
شربتی از سه درم تا چهار درم طریق دیگر عرق بدبوی اسود و اگر روزی دو
پیاپی استعمال نمایند مداوا این علت را پاک گرداند صفت پوست بلیله کابلی
پوست بلیله آمله مقشر تربد سفید زنجبیل قنبیل اسفاناج کوفته و
بیخته بروغن بادام چرب کنند و با عسل سرشته شربتی سه درم
طریق دیگر اعضاء غذا را پاک کند و فضول از دماغ فرود آورد

ماهان

صفت

دو درم

دو درم

دو درم

دو درم

ولقوه و اگر

ولقوه و گرانی گوش و زبان و استرخاء مثانه و معده و سایر اعضا
و انجاع مفاصل و قولنج را نافع باشد صفت سنبل دارچینی عود بلسان
سلیخه مصطکی استارون زعفران از هر یک جزوی مر سقوطری دو جزو
ادویه شربتی دو درم بعسل و آب گرم طریق دیگر مرغ دماغ نخولیا و فالج و سکته
و رعشه و لقوه و تشنج و جذام و داء الفیل و برص و بهق و قوبا و سعفه
و صداع شقیقه و دوار و هم و شهوت کلبی و عسر النفس و درد گوش
و مثانه و تقریس و مفاصل و عرق النسا و درد گوش و داء الثعلب
و داء الحیه و ریشهای امن بسیار نافع بود و دیگر بگشاید و این مهل
مبارکست و اسهال او بزحمت باشد صفت تخم حنظل پنج درم پیاز
عنصل مشوی غاریقون اسقمونیا خربق سیاه اشق اسقودریون
از هر یک چهار درم و نیم افتیمون کمادریوس مقل مر از هر یک سه درم
خاشاهو فاریقون سادج هندی فراسیون جعده سلیخه فلفل سفید
جاوشیر مصطکی جندبیدستر قرطا اسالیون زراوند طویل عصاره
افسنتین فرفیون سنبل حماما زنجبیل دو درم جنطیانا اسطوخودوس

لوغاذیا

از هریک یکدرم و نیم کوفته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال بایک
وعسل بعد از شش ماه استعمال نمایند تا چهار سال استعمال مرتب
نمود ایارج لوغاذیا دیگر منافع هر دو فریب یکی است صفت شحم حنظل
ستمونیا مر از هریک پانزده درم بصل الفار هشت درم افیمون
غاریقون مر یک سیاه از هریک ده درم خاشاد و سه درم فراسیون
بسفایج سلیخه از هریک هفت درم فلفل سیاه دار فلفل سنبل
عقران دارچینی مر قطرامنالیون از هریک چهار درم جاوشیر سک
بیخ عصاره افسنتین اسطوخودوس کمادریوس اسطوخودوس
از هریک پنجدرم زنجبیل چند بید سرنجبر اوقد طویل قطرایا
رومی از هریک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند شربتی چهار درم با یکدرم نمک طعام در
طبخ افیمون ایارج بالیوس نفع این از لوغاذیا بیشتر است لقوه و فالج
و تشنج و استرخاء مثانه و امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد و سلسل البول
باز دارد و اخلاط غلیظ و لزج را از بدن پاک کند صفت شحم حنظل

غاریقون بصل الفار اشق سقمونیا مر یک سیاه فرفیون از
هریک پانزده درم بسفایج کمادریوس افیمون سلیخه از هریک
هفت درم مر سکبینج زراوند طویل و مدحرج و فلفل و فلفل
سفید و دار فلفل و دارچینی جاوشیر چند بید سرنجبر اسارون
از هریک چهار درم کوفته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال
اغبرباذوی جرب را و سبل را و شرناق و ضعف باصره را نافع است
صفت توتیای کرمانی شسته شبح محرق مغسول از هریک ده درم
مروارید ناسفته ششدرم نبات پنجدرم صلایه کرده
استعمال نمایند اکبرین که قرحه و موی مژه را نافع است صفت
سفیداب ارزیز هشت درم اقلیمیاء نفره صمغ عربی از هریک چهار
درم نشاسته و افیون از هریک دو درم صلایه کرده استعمال
نمایند آب کام که معده را قوت دهد و بلغم را دفع کند و اشتهای
طعام آورد صفت نان تازه گرم در کوه آب ندیده بکنارند تا سرد
شود و بعد از آن در سرکه خمیر کنند و در آفتاب بکنارند تا

و سرکه بر سر آن میریزند و ده روز دیگر بدو شاب خمیر آن تازه کنند و ده
روز دیگر بشیره انگور خمیر آن تازه کنند و بعد از آن ادویه کرم کوفته
و بیخته بر سر آن ریزند چون خواهند ابکامه رقیق بگیرند از این
خمیر مقدار یکمن بگیرند و سه من سرکه کهنه بر سر آن کنند و کیسه
پر از ادویه کرم در آن اندازند و چهل روز در آفتاب بگذارند و
بعد از آن استعمال نمایند باب البابادهج بر رودت معده و جگر و رحم
و احتباس طمث را نافع بود و ریاح غلیظ را دفع کند و سده
جگر و پیه زرد را بگشاید صفت نبات در پنج عقربی افیون چند
بیدستر عاقرقرحا فلفل دار فلفل سلیخه هوم الجوس دینار انج
قسط البیوجا و شیر زعفران از هر یک شش درم بار ارد مر
از هر یک دوازده درم مروارید ناسفته دو درم عسل دو رطل
و یه بطریق متعارف معجون سازند بر سبیل نسخه شیخ ابو علی
زکام و نزله را نافع بود و اوجاع را ساکن گرداند و قطع فو
رفتن کند صفت فلفل سفید مدبر انج از هر یک بیست مثقال افیون

دو مثقال زعفران پنج مثقال سنبل الطیب عاقرقرحا فرفیون از
هر یک یک مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند و بعد از
ششماه استعمال نمایند بنادق بزر حرق البول و قروح کلیه و مثانه
و عسر البول را نافع باشد صفت مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار
پنج درم مغز تخم کدو پنج درم مغز تخم خرفه تخم خطمین و مغز
بادام مقشر کتیرا اشاسته رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی
تخم کرفس از هر یک دو درم بکوبند و بنادق سازند شربتی سه درم
بشراب خشخاش بنادق کندری ذرب و اسهال معده را نافع بود صفت
مازریون سبز یک درم کندر و کزمازج از هر یک پنج درم افیون
چهار درم حب الآس ده درم کوفته و بیخته بنادق سازند بنادق مکس
وجع قولنج بارد را تسکین کند صفت جند بیدستر شونیز ناخواه
افیون مساوی کوفته و بیخته بنادق سازند هر یک دو دانگ
بنادق مقص و وجع قولنج مرار را ساکن کند صفت تخم کاهو تخم
خرفه افیون مساوی کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا مرشته بنادق

سنا زند هر یکی دو دانگ بیخی از ترکیب حکما هند است و از جهة
جذام عظیم النفع است صهلیه سیاه شیطارج الهندی از هر یک
دو درم فلفل پنجدرم بیخ سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته و
بروغن گاو چرب کنند و بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال
بزرگی این ترکیب نیز از هند یافتست و همان خاصیت دارد صهلیه
امله شطرج از هر یک چهار درم جوز بوا خربق اشق کندر
موفود از فلفل نار مشک کندش عصاره اسقیل سنا دج از
هر یک شصت مثقال بیش از چهار مثقال کوفته و بیخته بیامیزند
معجون کنند شربتی یک مثقال بدرد چرب سداب و دم موبیا
وسیل و ضفدع نافع باشد صد و تیای کرمانی مقشور ده درم
پوست هلیله زرد زنجبیل زرد جوبه از هر یک پنج درم دارفلفل
مامیران چینی از هر یک سه درم نمک هندی یکدرم کوفته و
بیخته بحریر بیست روز در آب قوره بپرورند و در سایه
خشک کنند و دیگر باره بکوبند و بیزند بر دو نیم درم نافع

بود
صفت بنفشه کنبر خشک بریان کرده صمغ عربی کتیرا از هر یک دو درم
سه درم کوفته و بیخته بیخ نوبت در سرکه بپرورند و دیگر باره سایه
بحریر بیخته استعمال نمایند بودی که قرحه و مور سرج را نافع بود
صفت سفیداب از زیر پانزده درم اقلیمیا ده درم صمغ عربی هفت
درم و نیم شادنج مغسول و روی سوخته نشاسته افیون از هر
یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند بر درد استخوان هلیله
کابلی سوخته دو درم نمک اندرانی و مازو از هر یک یکدر
م و نیم کوفته و بیخته استعمال نمایند بر درد پاره قوت باصره بیفزاید
و محافظت چشم کند صفت توتیا مادقشیثا اقلیمیا نقره از هر یک پنجدر
م سنبل سادج زعفران از هر یک یکدرم مروارید ناسفته د
و درم کافور دانگی مشک دانگی صلایه کرده استعمال نمایند
بر درد چشم را خشک گردانند و سوزش باز دارد صفت شادنج مغسول
ده درم روی سوخته پنجدرم مروارید ناسفته یکمثقال و دو دانگ
نبات یکدرم صلایه کرده استعمال نمایند بر درد سوء دمعه را باز دارد

وبیاض بر د هفت سرمه وتوتیای مغسول از هر یک دوازده د
م مروارید ناسفته دو درم شادنج هندی یک درم زعفران نیم د
م مار قشیثا هشت درم مشک وکافور از هر یک دانگی صلایه
کرده استعمال نمایند باسلیقون کبیر تا دیگی چشم وابتدای آب و دمعه و
جرب وسبل وظفره وشرناق را نافع باشد هفت کف دریا اقلیمیا نقره
از هر یک ده درم نمک اندرانی سادج هندی سفیداب ارزیز
فلفل دار فلفل سنبل الطیب سرمه اصفهانی از هر یک دو درم
نمک هندی قرنفل دواله از هر یک یک درم صبر سقوطری عصاره ما
میثا مس سوخته از هر یک پنجدرم مامیران چینی مر دنوشادر زر
چوبه از هر یک سه درم پوست هلیله زرد چهار درم کوفته و
بیخته بحریر استعمال نمایند باسلیقون صغیر قریب بمنافع کبیر است هفت
اقلیمیا نقره پنجدرم روی سوخته ده درم ونیم سفیداب ارزیز نمک اندرا
نی نوشادر جعده فلفل از هر یک نیم درم کوفته وبیخته استعمال نمایند بنفشه
تا دیگی چشم را ودمعه وجرب وحکه را نافع باشد هفت شادنج مغسول

دو درم دم الاخوین دانگی ری سوخته دار فلفل سنبل الطیب از هر یک
نیم درم ساذج هندی دو دانگ قاقله ومسکت از هر یک دانگی کافور
دانگی کوفته وبحریر بیخته استعمال نمایند بر بواسیر ورمد را نافع باشد وضربانرا
بنشاند ودع ماده کند وچشم را هم دو روز باصلاح آورند هفت شیاف
مامیثا انزروت از هر یک هشت درم کتیرا یک درم وزعفران دو درم
افیون نیم درم کوفته وبحریر بیخته بآب باران بسرشند ودو وقت بسعد تخم
مرغ حل کنند واستعمال نمایند بخوری که زکام ونزله را باز دارد هفت
کندر بلعه بابسه مر وتسط سنبل روس مساوی کوفته وبیخته گلولها سازند
در آتش نهند وس بخار آن بدارند بخوری که نزله وزکام حار را نافع باشد
هفت سبوس گندم آرد جو باقلا صندل سفید گل سرخ بنفشه گل کزاز
هر یک نیم درم کافور دانگی کوفته در سرکه خیسانیده وخشک کنند
دیگر باره کوفته وبیخته بگلاب بسرشند وحب سازند ودو وقت جا
جت بر آتش گذارند وس بخار آن دارند بخوری که مقوی ذهن و
دماغ است وخفقان وغشی وضعف حواسل نافعست هفت عود

هندي قسط شيرين صندل سفيد از هر يك يك درم مشك وكافور از هر
يك نيم درم كوفته وبيخته بگلاب بسرشند وگلولها ساخته بخور كنند
بخوري كه بالبستي معين باشد صفت ميعه سايله با زرد چوب انغار مساوي
كوفته وبيخته بعسل بسرشند وبعد از ظهر سه روز متوالي هر روز يك
درم از آن بخور كنند وبعد از مباشرت نمايند بخوري كه بران همين خاصيت
دارد صفت سداب مشك كوفته با موم گداخته وبه پشم خرگوش سرشته
بخور كنند بخوري كه مشيمه وبچه مرده را بيرون آورد صفت مر با زرد چوب
مساوي كوفته وبيخته زهره گاو بسرشند وگلولها سازند وزير طغار
سوراخ كرده دود كنند وفرج را بر آن سوراخ نهند بيخته بوشير بردت
معده وجگر ووجع ظهر ومفاصل وقولنج ولقوه ونسيان ووجع كليه را
نافع بود لون را صافي كند وبوي دهن را خوش كند ومعده وباه را قوت
دهد وحفظ را زياده كند وبول را براند وبادها بشكند صفت آب اكليل
وسبده صندل من گوشت تعلي فربه پخته بيست من عود خام ده درم جو
زبو وزعفران مصطكي خولنجان از هر يك نيم درم سليخه يك درم خربق

كبابه زرنباد قرنفل سعد كوفي لبابه از هر يك سه درم زنجبيل
دچيني سنبل الطيب عاقرقرحا از هر يك يك درم عسل ده رطل كوفته
اجزا را در كيسه كنند وسر كيسه را نرم به بندند وبدان اندازند در هر
لحظه بدست بمالند ويك رطل گلاب اضافه نمايند وصاف سازند
وبدو درم دبند وبعد از شش ماه استعمال نمايند واگر خواهند مرغ و
كبوتر وكبك بيخته وامثال اينها اضافه نمايند واز گوشت گوسفند چربي
كم كنند باب الثاء ترياق فاروق وآنرا ترياق كبير گويند مضرت
گزيدن افعي وعقرب وزنبور وسگ ديوانه وهمه جانوران ز
هردار دفع كند ومن بل همه زهرهاي كشنده است وجذا
م وفالج ورعشه وصرع وسكته ولقوه ومالنخوليا وضيق النفس و
خناق سوداي وبلغمي واستسقا ويرقان سدي ودوار وصدا
ع وقولنج بلغمي ودرد كرده ومثانه را سود دارد وسنگ كرده
ومثانه را بريزاند وسده جگر وسپرز بگشايد وحيض براند وبول
وبادهاي غليظ كه در احشا بود دفع كند وورم صلب وجگر وسپرز

را تحلیل دهد و هیضه را باز دارد و حب القرع را دفع کند و شهوت
و شهوت کلبی و ناقص و حمیات بلغمی و سوداوی و جمیع امراض سودا
وی و بلغمی را نافع باشد و حرارت غریزی را افزاید و روح را قوت
دهد و باه را برانگیزد اما مقدار شرب تریاق کبیر از هر مرض آنست
که در سرفه یجهة درد سینه و پهلو که سبب آن باد غلیظ باشد مقدار
یک ترمس با ماء العسل دهند و از جهة گزیدن مار و عقرب و سگ
دیوانه و زنبور گزیده را در سرکه
حل کرده بر موضع مالند و از جهة دفع مضرت ادویه سمیه مثل افیون
و شوکران و فرفیون و ذراریح و امثال آن در شراب دهند و در تریاق
سدی یک ترمس در طبیخ اسارون دهند و در استسقا یک فندق
بس که ممزوج دهند و از جهة فالج و لقوه و رعشه در ماء الاصول د
ماء هند و از جهت جذام در الجبن دهند و خداوند حب القرع در طبیخ
قیسوم دهند و در ناقص و حمیات بلغمی و سوداوی یک ترمس با کرم
با شراب دهند و در تولیخ و نفخ معده و مقص ریحی و سقوط شهوت و

دربو و انقطاع صورت و برص یک ترمس با ماء العسل با شراب دهند
و در ضیق النفس سکنجبین عسلی و در صرع و صداع شقیقه یک ترمس در آب
گرم دهند و خداوند هیضه را دو دانگ لبشراب سیب دهند و
از جهة احتباس و اخراج جنین مست در طبیخ ابهل با مشکطامیثا با سداب
دهند و در جمیع امراض اندک اندک یک طوح و لبسیاران یکمثقال باشد
صفت اقراص عنصل چهل هشت مسقال اقراص اندروخون رد و اقراص
افعی فلفل سیاه انیسون دارچینی از هر یک بیست چهار مسقال ورق گل
سرخ تخم شلغم بری تودم بری ابرساغا دیفون رب السوس روغن بلسان از
هر یک دوازده مسقال مر مکی زعفران زنجبیل دیوند چینی جنطیانا
فوتنج فرسیون فطراسالیوس قسط فلفل سفید اسطوخودوس دارفلفل
مشکنا مشبع کند دفقاع اذخر صمغ البطم سلیخه سنبل جعده از هر یک شش
مسقال لبن بجنم کرفس سیسالیوس حرف کاه دردبوس کمانطوس نانخواه
عصاره لحیه التیس نارون سلیخه مرفو دارزیانه گل مختوم زاج محرق حاما
رج حب بلسان هیوفاریقون صمغ عربی قردمانا انیسون اقاقیا از هر یک چهار

مسقال جند بیدستر دوقوقنه مقل الیهود جاوشیر قنطوریون دقیق زرا
وند مسج سکبنج از هر یک دو مسقال عسلی که از کل حاشا باشد دو رطل
شراب ریحان هشت رطل بوزن بغداد که هر رطلی از ان نود مسقال
باشد صمغها و عصاره ها را و اقراص را در شراب خیسانند و عسل بر سر ان
بریزند و یکشبانه روز بگذارند و بعد از ان ادویه کوفته و بیخته بر روغن
چرب کنند و بیکدیگر بسرشند و بعد از چهار ماه بلکه شش ماه استعمال کنند
و بعضی گفته اند بیش از پنج سال استعمال نباید کرد و بعضی گفته اند بعد
از دوازده ماه استعمال باید کرد انزمان در غایت خوبی و قوت باشد تا
سی سال و چون از سی سال گذشت تا شصت روز و شصت سال قوت
ان باقیست و بعد از ان حکم ان حکم معاجین کبار باشد از جهة جمیع امراض
مذکوره نافعست الا دفع سموم و گزیدن جانوران تریاق مختوم کسی را که
زهر داده باشند این تریاق بدهند قی آورد و اگر نداده باشند نیاورد
صفت گل مختوم حب الغار ابرسا مساوی کوفته و بیخته بر روغن گاو چرب کنند
و بعسل بسرشند شربتی مقابل فندق تریاق اربعه دفع گزیدن جانوران ز

زهر ناک

زهر ناک کند و بادها بشکند و قولنج بگشاید و اخراج جنین میت و
تسهیل ولادت کند و جمیع امراض بارده را نافع باشد صفت جنطیانا
حب الغار زراوند طویل مر مکی مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون
سازند شربت یکمسقال در آب گرم تریاق ثمانیه بعد از تریاق اربعه
ساخته اند و منافع او بیشتر از منافع اوست صفت زراوند طویل ریوند
چینی پوست بیخ کبر حب الغار مر صاف قسط جنطیانا زردچوبه
مساوی کوفته و بیخته بعسل مصفی معجون سازند شربت یکمسقال
تریاق سرطان گزیدن کلب را نافع باشد صفت سرطان محرق ده درم
کند در جنطیانا از هر یک پنج درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی
یکمسقال تریاق عسکر جهت گزیدن عقرب نظیر ندارد در پوست بیخ کبر جنطیانا
زراوند مدحرج افسنتین طرخشقوق مساوی کوفته و بیخته دو درم
از ان سفوف سازند تریاق دیگر که همین منفعت دارد صفت
تخم سداب زراوند طویل حب الغار جنطیانا پوست بیخ کبر افسنتین ز
دوجبه بیخ حنظل فاشرا مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند تریاق دیگر

که همین خاصیت دارد صفت مغز کرد کان وسیر از هر یک دو درم سداب
حلتیت مر از هر یک یک درم کوفته و بیخته با انجیر معجون سازند شربتی
سه درم بشراب تریاق دیگر که در گزیدن عقرب نفع تمام دارد
صفت جنطیانا زراوند حب الغار مر مکی قسط فودنج سداب
جند بیدستر عاقرقرحا شونیز زنجبیل فلفل حلتیت مساوی کوفته بعسل
بسرشند شربتی مقابل یک جوز بشراب تریاق دیگر که همین فایده
دارد صفت زراوند مدحرج پوست بیخ کبر از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته با شراب بیامیزند و بنوشند تریاق دیگر که از جهت گزیدن
بدن رتیلا نافعست صفت شونیز ده درم دوقو زیرکرانی از هر یک
پنج درم سنبل الطیب حب الغار زراوند مدحرج حب بلسان دارچینی
جنطیانا تخم جند فوقی تخم کرفس از هر یک دو درم کوفته و بیخته بعسل
بعسل بسرشند شربتی مقدار یک جوز بشراب کهنه تریاق دیگر که همین
در گزیدن عقرب مساوی تریاق کبیر است صفت افیون ده درم
فلفل سفید سه درم زراوند مدحرج وجند بیدستر از هر یک نیم

نیم درم

نیم درم کوفته و بیخته بشراب معجون سازند شربتی مقابل جوزی
تریاق دیگر که گزیدن عقرب را نافع باشد صفت ریوند چینی زراوند
طویل پوست بیخ کبر عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته شربتی یک درم نفع
سازند تریاق دیگر که دافع افیون و بنگ است صفت حلتیت جند بیدستر ابهل
فلفل مساوی کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی مقابل قندق در
شراب کهنه نافع باشد تریاق دیگر صفت مروارید سفته
مرجان کهربا عقیق یشب عاج طباشیر طراثیث کثیرا خشک بریان کرده
صندل سفید بهمن سرخ و سفید فوتنل سفید زیره کرمانی مصطکی
کرویا مازوی سنبل کل ارمنی شادنج عدس صمغ عربی آرد کنار آرد
سنجد حب الاس غذیه دانه عناب بریان کرده پوست بیرون
پسته عجم زبیب از هر یک سه درم ورق نقره یک درم تخم خرفه بریان
کرده خشخاش سفید دانه انگور بزرگ از هر یک پنج درم سودخام
بدر البنج از هر یک دو درم رب به شیرین رب سیب رب مورد
مساوی کوفته و بیخته معجون سازند تریاق المعده تریاک کرده یکن

درس که پنجه عسل مصفی یکمن و پنجدرم تخم حماض هشت مسقال حب الاس
ده مسقال مصطکی شش مسقال مغز هل شش مسقال مغز قاقله کبار
شش مسقال پوست بیرون پسته ده مسقال فلفل سفید سه مسقال
دارفلفل شش مسقال آمله مغشر ده مسقال زنجبیل سه مسقال کرد سماق
بلا نده ده مسقال تخم کرفس هفت مسقال نانخواه هفت مسقال پوست
ترنج پنج مسقال قرنفل دو مسقال عود قماری پنج مسقال زعفران سه مسقال
کوفته و پنجه معجون سازند باب الثاء ثیاد ریطوس اوجاع کبد و
معده و طحال و کلیه و رحم و نسیان و تاریکی چشم و ربو و صداع و جذام و
صرع و برص و سکته فالج و جمیع امراض عتیقه مرضیه و انواع سوء المزاج بارد
و رطب را نافع بود و قولنج را بکشاید و استسقاء که از سردی بود و ضعف
باشد زایل کند و اسهال ان بی مشقت باشد و ادرار البول و حیض
کند و سنگ مثانه و کرده پاک کند و سده جگر و سپرز بکشاید و رنگ را
نیکو سازد صفت صبر سقوطری پانزده درم غاریقون بیست درم زعفران
دارچینی دج مصطکی روغن بلسان از هر یک سه درم دیوند چینی یکدرم

بنیم عود بلسان فرفیون فلفل سفید و سیاه دارفلفل مر جنطیانا حب بلسان فغا
ع اذخر مغز حمام از هر یک نود درم کادریوس قسط انیسون از هر یک چهار درم
اسارون سلیخه سقمونیا از هر یک شش مسقال سنبل الطیب سه درم و نیم ادویه
کوفته و پنجه بروغن بلسان چرب کنند و باسه چندان عسل بپرشند شربتی
چهار مسقال و قوت این معجون تا چهار سال باقی باشد ثیاد ریطوس دیگر
منفعت آن قریب بمنفعت اول است صفت صبر سقوطری سی درم غاریقون
بیست درم زعفران دج دارچینی مصطکی سورنجان سلیخه از هر یک سه درم
کادریوس فلفل ابیض اسارون عود بلسان از هر یک دو درم فلفل سیاه جنده بیدستر
از هر یک چهار درم دیوند چینی مغز سنبل از هر یک یکدرم عسل سه وزن ادویه
شربتی چهار درم بآب گرم باب الجیم جوارش شهریاری سردی جگر و معده
و قولنج و عسر البول را نافع باشد صفت قرفه قرنفل دارچینی سلیخه سنبل الطیب جوز
بوا هل مصطکی قاقله حب بلسان زعفران از هر یک چهار درم و نیم سعد نبا
سه درم و نیم تربد سفید حب النیل از هر یک هشت درم قند سفید بوزن
ثلث ادویه کوفته و پنجه بعسل بپرشند شربتی چهار مسقال تا هفت مسقال

کندر رنبان ا ۳
ارد نجه سوسن ۳
سوبزنه ۱ اسم کوبا
لعدار جوارز
که بیاد در کاوش
اسماء روحف
بلید بکر کرویه
تا سحق سحوق

باب کرم دهند جوارش اترج معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد
بوی دهان را خوش کند صفت پوست ترنج خشک کرده سی درم قرنفل
جوزبوا دارفلفل قرنفه قاقله خولنجان زنجبیل از هر یک یکدرم مشک دو دانگ
کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود بادها بشکند و خفقان و دل تنگی
زایل کند صفت عود هندی دارزیانه تخم کرفس رج سنبل از هر یک سه
درم بسباسه نارمشک سعد فرنجمشک زرنب زرنباد از هر یک مثقال
دارچینی زنجبیل فلفل مصطکی از هر یک دو درم کاوزبان پنج درم کافور دانگی
و نیم مشک دو دانگ کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش عود نوع دیگر معده و جگر
و دل را قوت دهد و بیماری را موافق باشد صفت عود خام قرنفل ساذج زنجبیل
قاقله فرنجمشک دارفلفل از هر یک دو مثقال زعفران یکمثقال کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارش عود نسخه دیگر هاضمه را قوت دهد و اشتهای
طعام آورد و بلغم و رطوبت را دفع کند صفت قرنفل سه درم قاقله کبار و
صغار از هر یک دو درم عود بانزده درم زعفران یکدرم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند جوارش عود نوع دیگر معده سرد را گرم کند و اشتهای

طعام

طعام آورد و هاضمه را قوت دهد صفت قرنفل دو درم سنبل یکدرم عود
پنج درم نبات یکمن نبات را در گلاب بگدازند و بقوام آورند فرو ریزند
و دارو ها را کوفته و بیخته بدان پاشند و بر روی سنگ ریزند جوارش
عود نوع دیگر معده را باصلاح آورد و اشتهای طعام پیدا کند صفت عود
خام پنج درم پوست ترنج دو درم مصطکی یکمثقال نبات یکمن بدان دستور
بسرشند جوارش عنبر خفقان را و سردی معده را و بدی هضم را و اوجاع هم
را نافعست و از برای پیران بغایت نافع بود صفت قاقله کبار و صغار بسباسه
و دارچینی از هر چهار درم زنجبیل دارفلفل از هر یک ده درم دواله و
مصطکی عنبر از هر یک دو درم فرفه قرنفل زعفران از هر یک دو درم
جوزبوا مشک یکدرم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش
عنبر نوع دیگر سردی معده و جگر را نافع بود بلغم را دفع کند اب زقن از دهن
باز دارد صفت عنبر یکمثقال قند سفید یکمن قند را بقوام آورند و فرو
گیرند و عنبر را در ان حل کنند و بر زنند و بر روی سنگ ریزند جوارش

جالینوس این جوارش را خاصیت بسیارست همه اعضا را قوت دهد و بوی
دهان خوش کند و بادها بشکند و بسیاری بول که از سردی بود باز دارد
و باه را قوت دهد و دیوانگی و صداع و سعال بلغمی و بواسیر و نقرس و قولنج
و حصاة کلیه و مثانه را نافع بود و سیاهی موی و رمدی قطب کند و
گفته اند هر که بیست روز بدین جوارش مداومت کند از جمیع امراض
مذکوره ایمن شود صفت سنبل سلیخه دارچینی خولنجان قرنفل سعد زنجبیل فلفل
سیاه قسط بحری عود بلسان اسارون تخم هودد قصب الذریره زعفران از هر یک
دو درم مصطکی پنج درم قند سفید بوزن تمام ادویه کوفته و بیخته با دو چندان
عسل بسرشند شربتی دو مسقال با سه مسقال پیش از طعام و پس از طعام
توان خورد بعضی اطبا جغیا نا تا پنج درم اضافه میکنند اند جوارش تمری
قولنج و عسر البول را بگشاید صفت زیره کرمانی مدبر بوره ارمنی نخل اصالوس
زنجبیل فلفل از هر یک دو درم و نیم سقمونیا مشوی پنج درم خرما دانه بیرون
کرده مغز بادام مغشی بریان کرده از هر یک ده مسقال ورق سداب ده
درم خرما دو درم که خلسانند یکشبانه روز بگذرند و از غربال بیرون کنند

عسل کف گرفته سه وزن ادویه بر سر تمر کنند و بجوشانند تا بقوام آید
و داروها را کوفته و بیخته با آن بسرشند شربتی پنج مسقال تا هفت مسقال
باب کرم جوارش مشک خفقان و باه و بواسیر را نافع بود و بادهای معده را
دفع کند صفت خربوا قاقله زنجبیل دارفلفل از هر یک ده درم مشک
خالص یک مسقال قند سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند
جوارش کافور اسهال صفراوی باز دارد و تشنگی و حرارت بنشاند
صفت زرشک ده درم گل سرخ هشت درم طباشیر سفید کهربا فوفل
از هر یک چهار درم تخم حماض بریان کرده هشت درم حب الآس شش
درم پوست سیب ده درم پوست غبیرا ده درم انار دانه بریان کرده هشت
درم زعفران شاه بلوط از هر یک پنج درم بشراب حماض بسرشند شربتی
دو درم جوارش کند اسهال بلغمی باز دارد و معده را گرم کند صفت
کندر شش درم فلفل دارفلفل از هر یک دوازده درم زنجبیل خولنجان
از هر یک دو درم قرنفل جوز بوا از هر یک پنج درم مشک پنج درم قند
سفید شصت درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی سه درم جوارش

خوزي طعام را هضم کند و اسهال باز دارد و بي زيان بگذارد و کسي را که بيم
استسقا بود نافع بود و ادرار البول کند صفت قسط قرنفه سنبل حب بلسان
سليخه از هر يک درمي جوز بوا قاقله کبار قرنفل انيسون اکليل الملک شيح نارمشک
از هر يک چهار درم بسباسه دارونج عقربي از هر يک سه درم ربوند
چيني زراوند مدحرج اشنه از هر يک پنج درم هليله سياه پوست چليله
کابلي بروغن زيت بريان کرده از هر يک بيست درم بليله ده عدد و
حب الآس بوزن همه ادويه نبات دو وزن ادويه در گلاب بگدازند
و بقوام آورند و داروها کوفته و بيخته بان بسرشند و بعد از دو ماه
استعمال نمايند جوارش طباشير تب و اسهال صفرائي را نافع باشد صفت
طباشير سفيد حب الآس گل سرخ از هر يک ده درم تخم حماض صمغ عربي از هر يک
هفت درم گلنار سماق عصاره لحيه التيس از هر يک شش درم زعفران
و انيسون از هر يک دو درم کوفته و بيخته بگلاب و بشراب بسرشند شربتي
سه درم جوارش سماق اسهال صفرائي را باز دارد صفت سماق بيست درم
حب الآس ده درم خرنوب سي درم صمغ عربي گلنار دانه از هر يک پنج درم

ادنه

کوفته و بيخته با مويز منقي ديگر پاره بکوبند شربتي سه درم جوارش انجدان
خونيج بگشايد و بادها دفع کند و مبتدا حامض را نافع باشد صفت تلفل دار
فلفل از هر يک پنج درم ابرسا زنجبيل از هر يک شش درم انيسون مصطکي
دارچيني نانخواه تخم کرفس از هر يک دو درم انجدان پانزده درم کوفته
و بيخته بعسل بسرشند شربتي دو درم جوارش نارمشک طبع را نرم کند و قولنج
را بگشايد صفت جوز بوا يک درم قاقله دارچيني از هر يک دو درم نارمشک
قرنفل از هر يک سه درم فلفل پنج درم زنجبيل شش درم سفوفيا بيست درم
نبات سي درم کوفته و بيخته بعسل معجون سازند شربتي يک درم تا سه درم
جوارش ديگر که اسهال صفرا کند بي مشقت صفت عود خام مصطکي از
هر يک يک درم شربت سفيد چهار درم سفوفيا نيم درم کوفته و بيخته بعسل
بسرشند شربتي پنج درم جوارش لبباسه بواسير و سدي معده و بدي هضم
را نافع باشد و بادهاي غليظ را دفع کند صفت لبباسه قرنفه قاقله صغار
زنجبيل دارفلفل دارچيني اسارون از هر يک درمي قاقله کبار پنج درم
فلفل دو درم قرنفل يک درم و نيم قند سفيد بيست درم کوفته و بيخته بعسل

بسرشند طرنجبین یکمثقال جوارش مقلیاثا زحیر و معص و بواسیر را نافع باشد
صفت کمترین تبنک بریان کرده زیره کرمانی مر بر از هر یک یک درم مصطکی
شش درم هلیله کابلی بی دغش کادبریان کرده درمی کوفته و بیخته بگلاب
بسرشند جوارش شم معده را قوت دهد و شهوات رویه زنان حامله
را دفع کند و رنگ نیکو گرداند و اشتهای طعام آورد صفت زرنباد
بحم کرنفس زیره کرمانی نانخواه از هر یک دو درم کنجد مغز ده درم کندر
زنجبیل فلفل دارفلفل قاقله دارچینی از هر سه درم شکر طبرزد نود مثقال
کوفته و بیخته بگلاب بسرشند جوارش که حفظ زیاد کند صفت زنجبیل
نانخواه از هر یک ده درم شونیز هلیله کابلی از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یکمثقال جوارش مسهل تنقیه معده و دفع فضلات
کند صفت تربد سفید ده درم زنجبیل پنج درم قند سفید پانزده درم
شربتی سه درم جوارش شهریاران بدانکه دیگر قولنج بگشاید و فضلات رویه
دفع کند و معده را قوت دهد صفت فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب
بوره ارمنی خولنجان قرنفه از هر یک یک درم و نیم سعتر نیاره دو درم عسل چهار درم

شربتی یک درم و نیم تا سه درم جوارش دارچینی ضعف کرده و مثانه و معده
را نافع بود و بادهای غلیظ بشکند و اخلاط غلیظ را دفع کند صفت
دارچینی عود هندی راس از هر یک پنج درم زنجبیل ده درم نعناع
هشت درم خیربوا قرفه از هر یک دو درم مصطکی انیسون را زیانه سلیخه
از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش حب الاس هیضه و
اسهال معده را نافع باشد و قیی که از بلغم رطوبت باشد باز دارد
صفت حب الاس نود مثقال هلیله سیاه بلیله آمله طالیفر از
یک بیست درم فلفل سیاه دارفلفل زنجبیل از هر یک ده درم مصطکی
قردمانا کرویا انیسون زیره کرمانی سنبل سلیخه قاقله قسط از هر یک
شش درم جوز بوا بحم کرنفس نانخواه از هر یک پنج درم سادج هندی
حماما از هر یک چهار درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش اسقف
قولنج و لقوه و باد بواسیر و بادها که در معده باشد سود دارد صفت
سقمونیا تربد سفید از هر یک پنج درم فلفل قاقله از هر یک سه درم
زنجبیل دارچینی آمله قرنفل بسفایج جوز بوا از هر یک دو درم و نیم قند

دارچینی صفت

حب الاس صفت

جوارش اسقف صفت

سفید نود درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی چهار مثقال جوارش
هندی ادجاع مفاصل و نقرس و وجع ظهر و قولنج را نافع باشد صفت
سقمونیا ده درم خربق بیضا قاقله دارچینی زنجبیل قرنفل نارمشک ترنجبین از هر یک
پنج درم تربد سفید صد درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش زنجبیل
ضعف معده و امعا و هیضه را نافع باشد و طعام را هضم کند و بادها را
بشکند و اسهال باز دارد صفت زنجبیل بیست درم صمغ عربی خربق بیضا از
یک ده درم ترنجبین دارچینی از هر یک پنج درم جوز بوا یک درم زعفران یک درم
نشاسته جهل درم شکر طبرزد نود مثقال جوارش قیصر است قولنج را
و نقرس را نافع باشد و اخلاط غلیظ لزجه را دافع کند صفت دار فلفل زنجبیل
هلیله زرد سقمونیا تربد سفید از هر یک دوازده درم کرکم نسرین نانخواه
عاقرقرحا نمک طبرزد از هر یک شش درم قند سفید شانزده درم
کوفته و بیخته بعسل بسرشند جوارش فواکه معده و دل و جگر و احشا را قوت
دهد و قی باز دارد و صفرا دفع کند و منع خمار کند صفت آب انار ترش
و شیرین آب سیب و آب به امرود و غوره آب زرشک آب سماق

آب لیمو

آب لیمو مجموع مساوی بجوشانند تا بربعی فرو گیرند و قند بقوام زیاده آن
دهند و نیز شربتی دیگر بزند و آب ها بر آن میریزند چندانکه بروی سنگ
دهند باب الحاء حب ایارج دماغ و اعضای رئیسه را از
فضول و اخلاط بلغمی پاک کند و صرع و سکته و امراض عصبی را نافع باشد
ایاره فیقرا تربد سفید از هر یک درمی حب النیل غاریقون انیسون از
هر یک نیم درم شحم حنظل نمک هندی از هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته
بآب رازیانه بسرشند و حب کنند حب صبر ادجاع مفاصل و نقرس و فالج و
لقوه را نافع باشد صفت صبر سقوطری یکمثقال تربد سفید دو درم حب
النیل غاریقون از هر یک دانگی شحم حنظل درمی نمک هندی قدری مقل
کثیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب کرنس حب سازند حب سورنجان
مفاصل و نقرس و عرق النساء را نافع باشد صفت صبر سقوطری ماهی
زهره از هر یک درمی سورنجان تربد سفید از هر یک مثقالی
کثیرا دانگی حب النیل نیم درم شحم حنظل دانگی نمک هندی دنگ و نیم کوفته
و بیخته باب کرنس حب سازند حب سورنجان بنسخه دیگر است

که همین خاصیت دارد صفت ایارج فیقرا تربد سفید ماهی نه درم از هر یک
دو درمی سورنجان پوست هلیله زرد غاریقون انیسون از هر یک درمی سقمونیا
کتیرا شحم حنظل از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب را زیانه حب سازند.
حب شبیا صفت صبر یکدرم پوست هلیله زرد تربد سفید از هر یک
نیم درم سورنجان سقمونیا از هر یک دانگ نیم تخم کرفس نمک هندی از هر یک
دانگ باب را زیانه حب سازند حب سورنجان درد معده را
نافع باشد قوت باصره هد و درد سر و تاریکی چشم ببرد. صفت حب
سقوطری سه درم پوست هلیله زرد ورق گل سرخ مصطکی تربد سفید
از هر یک درمی سقمونیا درمی کوفته و بیخته حب سازند شربتی یکمثقال
درد پشت خاب فرو برند حب قوقایا صداع و درد چشم و فضلات
غلیظ را از بدن فرود آرد صفت صبر سقوطری عصاره انسنتین مصطکی
از هر یک یکمثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته باب
کرفس حب سازند شربتی یکمثقال حب غاریقون سده را بگشاید
و استسقاء و امراض کبد را نافع باشد صفت انتیمون صبر سقوطری از

هر یک شش درم غاریقون چهار درم انیسون فطراسالیون تخم کرفس
دو تو از هر یک دو درم کوفته سقمونیا یک درم کوفته و بیخته باب خالص حب
سازند شربتی دو درم حب غاریقون دیگر همین خاصیت دارد و طبع
را نرم کند چون هر شب از آن را یک درم بنوشند صفت غاریقون ده درم
عصاره غافث دیوند از هر یک دو درم قند سفید پانزده درم کوفته
و بیخته باب عسل بسرشند و حب سازند حب اصطیفون بدن را از سوء
و بلغم را خلاط غلیظ پاک کند صفت پوست هلیله کابلی شش درم آمله
انسنتین غاریقون از هر یک سه درم اسارون انیسون تخم کرفس از هر یک
دو درم تربد سفید هفت درم انتیمون پنج درم ایارج فیقرا نه درم
قرنفل یک درم فانید چهار درم فانید را در آب بگدازند و دو درم سقمونیا
در آن حل کنند و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند.
حب ذهب صداع و درد چشم را نافع باشد صفت صبر سقوطری بیست درم
هلیله زرد ده درم کتیرا مصطکی سقمونیا زعفران از هر یک سه درم ورق
گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بگلاب حب سازند شربتی دو درم حب دیگر

که داء الثعلب را نافع باشد و صفرا و سودا و بلغم را دفع کند صفت افتیمون چهار
مثقال شحم حنظل سقمونیا نمک هندی افسنتین از هر یک دو مثقال تربد دوازده
ده مثقال کونه و پنجه بآب خالص حب سازند شربتی سه درم حب شبیار
که تنقیه تمام بدن را کند خصوصاً دماغ و بتجربه رسیده صفت حب سعوطی
گل سرخ هلیله کابلی هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر از هر یک
چهار مثقال سقمونیا مشوی شحم حنظل کتیرا سفید مصطکی از هر یک شش
مثقال زعفران سه مثقال تربد مجوف محکوک ده مثقال کوبیده و بیخته بر
روغن بادام چرب نموده حب سازند بقدر نخودی و قدر شربت آن
دو مثقال در آخر شب فرو برده و از عقب آن یکپیاله آب بنوشند
حب هلیله جهة رطوبات معده و متوجه دماغ صفت پوست هلیله زرد
چهار مثقال گل سرخ یکمثقال نبات دو مثقال کوبیده و بیخته حب سازند
شربتی یکمثقال حب دیگر هلیله سیاه سه مثقال گل سرخ یکمثقال نبات
دو مثقال حب دیگر هلیله سیاه پوست هلیله زرد سه مثقال گل سرخ
دو مثقال تربد مجوف محکوک یکمثقال و نیم بروغن بادام چرب نموده حب سازند

حب هلیله نوع دیگر هلیله سیاه پوست هلیله زرد از هر یک سه مثقال
گل سرخ دو مثقال گل بنفشه دو مثقال دیوند چینی یکمثقال حب سازند بقدر
ماش دو دانه بخورند حب افتیمون ایارج فیقرا دو مثقال شحم حنظل غاریقون
صبر ارمنی افتیمون دو مثقال مقل ازرق از هر یک دو مثقال تربد ابیض
هفت مثقال سقمونیا مشوی یکمثقال کوفته و بیخته شربتی یکمثقال و نیم بنسخه
دیگر افتیمون بسفایج از هر یک پنج مثقال شحم حنظل سه مثقال تربد سفید
غاریقون از هر یک پنج مثقال کتیرا سفید سه مثقال رب السوس هفت
مثقال ایارج فیقرا پنج مثقال قند و شربت یکمثقال حب شبیار صبر سقوطری حوارده مثقال
پوست هلیله زرد چهار مثقال گل سرخ تربد مصطکی سقمونیا مشوی از هر یک چهار مثقال حب سازند
حب مقل مقل ازرق چهار مثقال هلیله سیاه پوست هلیله پوست هلیله کابلی آمله مقشر از
هر یک ده مثقال در آب کنار نادر و آمای دیگر سوده کوبیده و بیخته با او بسرشند حب سکنج
فولج بکشاید و بادها بشکند و بادهای غلیظ را دفع کند صفت سکنبین شحم حنظل از هر یک ده درم
سقمونیا در می آب حب سازند شربتی یکدرم حب دیگر که بادها بشکند و فتق و اورام
خصیه را نافع باشد صفت تخم کرفس هزار سپند ایارج سون مستطکی زعفران از هر یک

درمي پوست هليله كابلي آمله سكبينج مقل از هر يك دو درم نطرون سالپون
فودنه اذخر قسط زرنباد درونج اسارون از هر يك سه درم كو
فته وبيخته باب سداب حب سازند هر روز يك درم تناول فرما
يند حب مازريون استسقاى زقي را نافع باشد صفت ريوند
مصاره غافت تخم كرفس از هر يك سه درم عاديقون پنجدرم مازريون
مدبر نه درم كوفته وبيخته حب سازند شربتي دو درم حب ديگر
كه همين خاصيت دارد صفت تخم مازريون مغز بادام از هر يك پنجدرم
شكر يكدرم ونيم كوفته وبيخته حب سازند حب خيران خنازير و
غدد وسلعه را نافع باشد صفت ايارج فيقرا سه درم عاديقون دو
درم ونيم شحم حنظل يك درم ونيم انزروت چهار درم تربد هفت
درم جاوشير يكمثقال نوشادر دو درم سقمونيا مثقالي كوفته وبيخته باب
كند تا حب سازند شربتي هر روز يك درم حب واصلي كه همين خاصيت
دارد صفت سنبل سليخه حب بلسان اسارون عود بلسان مصطكي
دارچيني زعفران از هر يك يكدرم صبر سقوطري شانزده درم اسطوخو

اسطوخودوس

اسطوخودوس شحم حنظل از هر يك پنجدرم تربد سفيد هفت درم
نمك هندي دو درم سقمونيا چهار درم حب شطرج عرق النسا اوجاع
مفاصل وجع ظهر را نافع باشد صفت پوست هليله زرد ده درم
صبر سقوطري بيست درم فلفل دارفلفل درمي خردل سه درم شطرج
فلك هندي شحم حنظل زنجبيل از هر يك دو درم فانيذ بحري چهار درم
باب كرم حب سازند شربتي سه درم حب غافت يرقان و ورم
جگر را سود دارد صفت غافت صبر سقوطري پوست هليله زرد مساوي
كوفته وبيخته باب كرفس حب سازند شربتي دو درم حب ديگر كه
بهق وبرص واعراض سوداوي وصرع را سود دارد صفت ابارج فيقرا پنجدرم
افتيمون ده درم لاجورد مغسول هفت درم سقمونيا شحم حنظل خربق سياه
از هر يك ده درم سنبل انيسون از هر يك درمي كوفته وبيخته باب كرفس حب
سازند شربتي دو درم ونيم حب شاهتره پوست هليله زرد هليله سياه
از هر يك پنجدرم صبر هفت درم سقمونيا دو درم ونيم كوفته وبيخته باب
شاهتره حب سازند شربتي دو درم حب مقل بواسير را نافع باشد صفت

پوست هلیله زرد هلیله سیاه از هر یک پنج درم پوست بلیله کابلی
مقل از هر یک پانزده درم سکبینج پنج درم خردل دو درم مقل و سکبینج در
آب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند حب مقل بوزن ماش
شفاق را سود دارد و طبع را نرم کند و مرو را نافع باشد صفت پوست هلیله کابلی
بلیله بلیت درم مقل ده درم کتیرا پنج درم انجیر سی عدد در آب بپزند
تا مهل شود و بپالایند و مقل و کتیرا در آن حل کنند و پوست هلیله کوفته
بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب مقل به نسخه دیگر درد
معده و امعا و بواسیر را نافع باشد صفت هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک
چند مقل برابر همه در آب حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته
بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو درم و نیم حب دیگر سه شب متوالی
بنوشند وجع بواسیر را تسکین دهد صفت پوست هلیله زرد پوست
هلیله سیاه آمله مقشر از هر یک یک درم مقل چهار درم در آب کنند
تا حل سازند و ادویه کوفته و بیخته بدان بسرشند و حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر که چون سه شب متوالی بنوشند وجع بواسیر تسکین

کند

کند صفت هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک چهار درم نمک هندی
سعتر مصطکی سورنجان اشق که کندل خوانند هزار اسفند شطرج نانخواه
از هر یک درمی سنبل زعفران دارچینی وج زنجبیل قاقله سلیخه از هر
یک هفت درم صبر سقوطری بیست درم سکبینج را در آب کنند تا بگدازد
باقی ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند و حب سازند شربتی دو مثقال
حب الافادیه بادها بتکند و دفع کند و طبع را نرم کند و قولنج بگشاید صفت
زنجبیل قرنفل دارچینی فلفل دار فلفل نارمشک مصطکی از هر یک مثقالی
سقمونیا هفت مثقال قند سفید هفت مثقال کوفته و بیخته حبها سازند
هر یک مقدار نخودی هر حب یک مجلس دفع کند حب بهرامی استسقای
لحمی را نافع باشد صفت صبر سقوطری دوازده درم افتیمون شش درم سقمونیا
چهار درم سنبل سلیخه تربد سفید مصطکی از هر یک دو درم زعفران
یک درم و نیم غاریقون سه درم حماما یک درم کوفته و بیخته حب سازند شربتی
دو درم حب دیگر بهق و برص را نافع باشد صفت اباره فیقرا یک مثقال لاجورد
مغسول سنبل انیسون شحم حنظل کتیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب

کرنس حب سازند حب الفرح ایارج فیقرا نیم مثقال انیسون اسطوخودوس بسفایج
ملک هندی غاریقون از هر یک نیم دانگ تربد سفید پوست هلیله زرد
شحم حنظل کتیرا سقمونیا از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب کرنس حب سازند
حب دیگر جهت صرع صبر سقوطری درمی غاریقون نیم درم شحم حنظل دو دانگ
سقمونیا دانگی مصطکی سنبل از هر یک دانگی حب سازند بطبیخ اسطوخودوس
بنوشند حب دیگر ایارج فیقرا تربد سفید از هر یک درمی حب النیل
انیسون از هر یک نیم درم شحم حنظل غاریقون عاقرقرحا مصیت الثعلب از هر
یک نیم دانگ مجموع دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر
جهت التشنگ صفت ایارج فیقرا یکمثقال تربد سفید یکدرم غاریقون لاجورد
درمغسول پوست هلیله زرد سورنجان از هر یک نیم درم سقمونیا دانگی
دیگ طوج انیسون کتیرا از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند
حب هلیله جرب و حکه را نافع باشد صفت پوست هلیله زرد هلیله
سیاه از هر یک دانگی کوفته و بیخته باب حب سازند حب استرخا صرع را
مجرب است صفت ایارج فیقرا تربد سفید غاریقون از هر یک یکدرم شحم حنظل

حب النیل

حب النیل سکبینج از هر دانگی و نیم اسطوخودوس بوذیدان از هر یک نیم درم کتیرا
دانگی کوفته و بیخته حب سازند حب فایج ایارج فیقرا تربد سفید غاریقون
از هر یکی نیم درم شحم حنظل مصطکی از هر یک دانگی مجموع نیم دانگ باب رازیانه
حب سازند حب استسقاء تربد سفید یکدرم ریوند چینی نیم درم غاریقون
زراوند مدحرج زراوند طویل از هر یک دانگی و نیم مقل الیهود شحم انجره
از هر یک دو دانگ فرفیون بروغن گل چرب کرده داروها کوفته و بیخته
باب خالص حب سازند حب دیگر جهت استسقاء صفت ایارج فیقرا
تربد از هر یک یکدرم غاریقون اسارون ریوند افسنتین درمی تخم انجره
از هر یک نیم درم نمک هندی دانگی مقل دو دانگ رب رازیانه تخم کرنس
از هر یک نیم درم مجموع دانگی و نیم باب خالص حب سازند حب صبر صفت
ایارج فیقرا تربد سفید صبر سقوطری از هر یک مثقالی حب النیل مثقالی شحم
حنظل نمک هندی از هر یک نیم درم انیسون درمی فلفل مصطکی کتیرا از
هر یک دانگی باب رازیانه حب سازند حب بهق تربد سفید یکدرم
دو دانگی و نیم غاریقون ایارج فیقرا انیسون از هر یک چهار دانگی هلیله سیاه

شطرج عصاره افسنتین از هر یک دو دانک سقمونیا سه نخود مقل وانیسون
از هر یک دانکی باب حب سازند حب لقوه تربد یکدرم و نیم ابارة فیقرا
افتیمون از هر یک چهار دانک هلیله سیاه شطرج عصاره افسنتین از هر یک
دو دانک سقمونیا سه نخود مقل وانیسون از هر یک دانکی باب حب سازند
حب عنا تربد یکدرم ابارة فیقرا وافتیمون از هر یک چهار دانک سورنجان
نیم درم ماهی زهره زنجبیل از هر یک دو دانک محموده مقل از هر یک دا
نکی باب حب سازند حب رعشه وتشنج تربد سفید یکدرم بوست
هلیله کابلی غاریقون از هر یک نیم درم بوزیدان صبر چهار دانک گل سرخ
دو دانک مقل دانکی محموده نیم دانک باب حب سازند حب رعشه وتشنج
نوع دیگر سفرجلی مسهل سه درم تربد یکدرم و نیم سورنجان چهار دانک
بوزیدان ماهی زهره قنطوریون دقیق از هر یک دو دانک حب سازند
حبی که درد نقرس در ساعت بنشاند صفت انیسون زیره کرمانی نلفل سفید
دار نلفل مغز حب القرع تخم کاجیره از هر یک دو درم سلیخه یکدرم زنجبیل
فرنیون از هر یک چهار درم مصطکی شش درم سورنجان بیست درم باب

دازیانه

دازیانه حب سازند شربتی دو درم باب زیره بخورند حب دجاتربد
یکدرم و نیم غاریقون ابارة فیقرا از هر یک چهار دانک قنطوریون دقیق ماهی
زهره عصاره افسنتین از هر یک دو درم شحم حنظل سقمونیا از هر سه حبه
مقل وانیسون از هر یک دانکی باب دازیانه حب سازند حب اختلاج تربد
یکدرم و چهار دانک افتیمون نیم درم عصاره غافت وافسنتین از هر یک دا
نکی و نیم شحم حنظل مقل ازرق انیسون مصطکی از هر یک دانکی باب حب سازند
حب مفاصل تربد یکمثقال سورنجان نیم درم شحم حنظل حب النیل نمک هندی
زنجبیل محموده از هر یک دانکی و نیم ابارة فیقرا یکدرم گل سرخ انیسون مصطکی از
هر یک یک دانک کتیرا طوجی باب خالص حب سازند حب ریوند تربد یکدرم
ابن سا نیم درم ابارة فیقرا غاریقون از هر یک درمی محموده دانکی مقل دو دانک
بنفشه نیم درم باب حب سازند حب رعشه ابارة فیقرا عاقرقرحا از هر یک پنج درم
چند بیدستر شطرج هندی بذر البنج از هر یک چهار درم محموده دانکی و نیم غا
ریقون چهار دانک عصاره غافت دو دانک باب کاسنی حب سازند حب نافع
جهت نقرس حار صفت سورنجان یکدرم محموده دانکی و نیم تخم کرفس دانکی صبر یکدرم

باب خالص حب سازند حب دیگر که بلغم را از مفاصل و سر و تن جذب کند
صفت سعد سورنجان بوزیدان از هر یک نیم درم ماهی زهره دو دانگ
تربد چهار دانگ شحم حنظل مانکی و نیم فرفیون دانگی باب حب سازند حب
دیگر که وجع ظهر را نافع باشد صفت شحم حنظل سکبینج از هر یک دو درم صبر
چهار درم جند بیدستر مقل ازرق از هر یک یک درم کوفته و بیخته باب حب
سازند شربتی دو درم حب بر بوما اوجاع مفاصل را در روز با اصلاح آورد
صفت صبر سقوطری تربد سفید از هر یک هشت درم پوست هلیله زرد
بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم انیسون و سقمونیا از هر یک یک درم باب حب
سازند شربتی سه درم باب گرم حب لاجورد سودا را دفع کند و امراض سودا
وی را نافع باشد صفت لاجورد مغسول سه درم قرنفل انیسون سقمونیا از هر یک
دو درم غاریقون پنج درم افتیمون بسفایج از هر یک چهار درم ابارج فیقرا شش درم
باب گرم حب سازند شربتی دو درم با ماء الجبن حب کوتوالی اعضای سر و معده را
از اخلاط پاک کند و فالج و لقوه و داء الثعلب را نافع باشد و چون یک درم از این حب
دیگر درم ابارج فیقرا حب کرده بخورند چشم را روشن گرداند و مایع نزول آب کرده

حب لاجورد
جهت اسهال صفراء بسیط
و سودا و بلغم
مرارة الاجورد
لاجورد مغسول
مک
سعد
غاریقون
زرنب
غوره کارست
حب

حب لاجورد

و اخلاط فاسده را از بدن بیرون کند صفت صبر سقوطری سقمونیا شحم حنظل عصاره
افسنتین مصطکی از هر یک دانگی کتیرا نیم دانگ باب حب سازند حب العشره
لقوه و دعنه و فالج را نافع باشد صفت زنجبیل فلفل دارفلفل آمله سعد مصطکی
دارچینی سنبل سلیخه اسارون از هر یک دو درم صبر بیست درم باب گرفس حب
سازند شربتی دو درم حب الصدر سرفه کهنه و ربو و ضیق النفس و امراض
سینه را نافع باشد صفت غاریقون تربد سفید از هر یک سه درم ابارج فیقرا
شحم حنظل اصل السوس انزروت از هر یک دو درم باب حب سازند شربتی
یکمثقال بماء العسل حب مسهل صبر نیم مثقال ریوند نیم مثقال مصطکی نیم
مثقال زعفران دو دانگ کتیرا دانگی سقمونیا دو دانگ پوست هلیله زرد دو
دانگ بادیان دو دانگ بگلاب حب سازند حب الملوک نافعست کسی را
که از مسهلات بد طعم کراهت داشته باشد و مسهل را قی کند صفت تربد
سفید یک درم و چهار دانگ پوست هلیله زرد و مصطکی هلیله سیاه
از هر یک دانگی و نیم افتیمون پنج درم گاوزبان فرنجمشک بادرنجبویه محموده طباشیر
زعفران گل سرخ از هر یک دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب الملوک

حب لاجورد
مرارة الاجورد
لاجورد مغسول
مک
سعد
غاریقون
زرنب
غوره کارست
حب
کتیرا

دیگر قولنج بکشاید و بادهای غلیظ را دفع کند صفت صبر سقوطری پنجدرم تربد
ده درم پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی از هر یک سه درم نمک
هندی دو درم مصطکی زعفران ساذج هندی قسط سلیخه ریوند چینی و
سنبل زنجبیل انیسون کرفس قرنفل فلفل خیربوا دارچینی کبیرا قاقله از هر یک نیم درم
سقمونیا دو مثقال مشک دانگی کوفته و بیخته حب سازند بگلاب شربتی سه درم
حب افتیمون اعضاء سر و معده را از سودا پاک کند صفت ایاره نیقرا مقل غاریقون
شحم حنظل حب الزهر افتیمون از هر یک دو درم و نیم سقمونیا یک درم تربد شش درم
باب حب سازند شربتی دو درم حب بسفایج بلغم و سودا را از معده پاک کند و
دماغ را صفت ایاره نیقرا درهمی بسفایج دو درم شحم حنظل شش درم افتیمون اسطو
خودوس از هر یک دو درم و نیم سقمونیا یک درم و نیم تربد هشت درم باب حب
سازند شربتی دو درم و نیم حبی که جمیع مواد سوداوی و صفراوی را نافع باشد
صفت پوست هلیله شش درم بلیله آمله مقل کل سرخ نمک هندی از
هر یک دو درم ایاره نیقرا پنج درم شاهتره سقمونیا عصاره افسنتین از هر یک
سه درم تخم کرفس نیم درم غاریقون چهار درم کوفته و بیخته باب کاسنی

حب سازند

حب سازند شربتی سه درم حب سعال صمغ عربی نشاسته کتیرا از یک سه
درم مغز بهدانه مغز تخم کدو مغز خیار از هر یک دو درم مغز بادام مغز خشخاش
سفید از هر یک چهار درم کوفته و بیخته شکر طبرزد و فانید از هر یک هفت
درم بلعاب بزرقطونا حب سازند و اگر سرفه بلغمی باشد رب السوس و
منقی از هر یک چهار درم اضافه نمایند حب سعال دیگر نافعست اطفال
را که بسیاری سرفه می کنند و سرفه خشک که مانع از خواب باشد و نوازل
حاره را دفع کند صفت نشاسته صمغ عربی رب السوس خشخاش سفید افیون
مساوی کوفته و بیخته بلعاب بهدانه حب سازند هر حبی مقدار نخودی
حب سعال بارد مغز بادام مغز تخم خیارین صمغ عربی نشاسته خشخاش
سفید از هر یک درهمی رب السوس دو درم بافالا سه درم بلعاب
بزرقطونا حب سازند حب سعال حار پوست بیخ رازیانه بن سیاوشان
تخم کرفس رب السوس مغز بادام مساوی کوفته و بیخته باب حب سازند
حب سعال مدقوق و سلول را نافع باشد و سرفه گرم و خشک را ببرد صفت
صمغ عربی کتیرا مغز بهدانه تخم خطمی رب السوس خشخاش تخم خرفه قند سفید

از هر یک سه درم مغز بادام با فالاء مغش تخم کدو از هر یک پنجدرم بلعاب
بزرقطونا حب سازند حبی دیگر که سینه را پاک کند و آواز را صاف گرداند
و حرارت و سرفه دایم را نافع باشد صفت مغز بادام تلخ بزرگ لوماب کرده
جلغوزه از هر یک دو درم کتیرا و انیسون و صمغ عربی اصل السوس و رب السوس
از هر یک نیم درم فانید و قند از هر یک چهار درم باب را زبانه و قدری
عسل حب سازند حب العال دیگر سرفه خشک را نافع بود صفت
نشاسته صمغ عربی رب السوس تخم خیارین تخم خطمی کتیرا کوفته و بیخته و
بلعاب بهدانه حب سازند حب المشک بوی دهن را خوش کند و
لثه را قوت دهد صفت فلفل خولنجان عاقرقرحا از هر یک درمی گل سرخ
صندل هلیله از هر یک دو درم طباشیر نیم درم مشک دکانوا از هر یک
دانگی کوفته و بیخته بگلاب حب سازند حب دیگر که همین خاصیت را
دارد صفت قاقله جوز بوا قرنفل کافور دارچینی خولنجان فوتل از هر یک
درمی مشک دو دانگ پوست ترنج کبابه لبسا سه از هر یک مثقالی
سعد دو درم بگلاب حب سازند حب النکهه که همین منفعت دارد

صفت سیک قرنفل قرنفه جوز بوا سعد سنبل پوست ترنج عود خام مساوی
بلب زرد الو حب سازند هر یک مقدار نخودی دهن صباح و مسایک حب
ازان در دهن نگاه دارند حب جیوه که فرنگ جهت آبله استعمال میکنند
و مجربست صفت زیبق پنبه دو درم مصطکی پنجدرم جند بیدستر کوکرد زرد
کند و پنجدرم لبسا سه درم دیوند پنجدرم ماه فرنین نصف شنجرف گلاب
ده درم آب لیموده دو درم همه را حب ساخته هر شب دو حب مقدار فندق
بخورد تا بیست روز و یک ماه که نافعست حب دیگر که بوی سیر و پیاز و
شراب از دهن ببرد صفت پوست ترنج مرجک هل زنجبیل کبابه لبسا سه
سعد از هر یک پنجدرم مشک طباشیر از هر یک نیم درم عنبر نیم مثقال
صندل سوده بگلاب ده درم صمغ عربی دانگی بگلاب حب سازند حب
دیگر که همین عمل کند صفت کبابه چینی قرنفل قرنفه طباشیر از هر یک دو
درم مشک دانگی عنبر نیم درم عود یکدرم کوفته و بیخته که صمغ عربی منقوع
باشد مرشته حب سازند حب السل مغز خشخاش کدو رمی مغز تخم کدو
مغز تخم هندوانه از هر یک سه مثقال گل نیلوفر دو مثقال افیون یکمثقال صمغ

DOCTOR
CARO OWEN MINASIAN.

دو مثقال طباشیر بزر البنج زعفران از هر یک نیم مثقال تخم خرفه دو مثقال بالغاب
بزر قطونا حب سازند حب کافور للمرقوقین کل ارمنی دو نخود کافور یک نخود فیروزه
صمغ عربی دو نخود حب کرده در وقت خواب فرو برده حب سعال نشاسته
هشت مثقال صمغ عربی ده مثقال تخم اسفناج رب السوس از هر یک سه مثقال
مثقال کتیرا سفید هفت مثقال تخم خطمی دو مثقال شکر نبات هفت
مثقال نبات سفید ده مثقال حب کنند حب مفرطح بجهة سرفه زیر زبان
نگاه دارند صفت پوست خشخاش با فالا تخم خشخاش مغز بادام تریاک رب السوس
کل ارمنی مغز جلغوزه مویز منقی از هر یک دو مثقال حب سازند ایضاً حب نافع
بجهة سعال وغیره صفت صمغ عربی نشاسته تریاک نمالیده رب السوس کتیرا
سفید بزر انج مغز حب المحلب کهربا شمعی مروارید ناسفته یاقوت
رمانی از هر یک دو مثقال حب سازند حب سعال صمغ عربی نشاسته
کتیرا سفید از هر یک سه مثقال بهدانه مغز تخم کدو مغز تخم خیار مغز
بادام از هر یک دو مثقال مغز تخم خشخاش چهار مثقال نبات سفید چهار
مثقال حب سازند بیکنج اشق جاوشیر مقل ازرق حرمل شحم حنظل

حب سقوطری

صبر سقوطری پوست هلیله زرد تربد سفید انزروت صموغ دراب حل
کرده ادویه را کوفته و بیخته باب سرشته حب کنند حب قوتویا صبر سقوطری
مصطکی عصاره افسنتین از هر یک چهار مثقال شحم حنظل سقمونیا از هر یک دو
مثقال باب کرفس حب کنند حب رادع شیاف مامیثا بیست مثقال حضض
مکی ده مثقال صندل سرخ بیست مثقال کل ارمنی سی مثقال فوفل دو مثقال
صمغ عربی ده مثقال کل سرخ دو مثقال پوشش دربندی ده مثقال اجزا را کوفته حب
سازند حب افعی مقوی باه صفت خولنجان ثعلب قرص افعی از هر یک
سه مثقال مایه شیر اعرابی دو مثقال زنجبیل ده مثقال خردل سرخ سه مثقال
کشنیز خرما سه مثقال با گلاب حب کنند حب جالینوس خولنجان بزر البصل
مغز سر کنجشک کشنیز خرما بالسویه با عسل حب کنند حب جدوار جدوار خطائی
سه مثقال دربناد دونج عربی صندل سفید گل گاوزبان صمغ عربی از هر
یک یکمثقال مغز سر کنجشک حصیة الثعلب از هر یک دو مثقال عود هندی
کشنیز خرما سنبل الطیب جوز بوا بسباسه قاقله کبار ریوند چینی لسان العصافیر
تخم بادرنجبویه خشخاش سفید بهمین از هر یک یکمثقال طباشیر حرب

حب جدوار نوع دیگر
جدوار خطائی ۵ مغز سرخ ۳
مغز سفید بادام حوالی ۲ ۳
حوالی مصطکی دارچینی ۳ ۳ ۴
عنبر اشهب مشک ۱ ۴
اجزا را با آب حل کرده
عنبر را حل کرده
با آب العود بر آن
تخمیر سازند

دو مسقال زعفران انجره حرمل تخم شلغم از هر یک یکمسقال لاجورد مغسول دو مسقال
مروارید کهربا شمعی مرجان از هر یک یکمسقال مشک چهار دانک افیون دو
مسقال کوفته و بیخته با عرق بید مشک و شکر سفید حب کنند سکنجبین
جاوشیر مقل ازرق حرمل شحم حنظل صبر سقوطری پوست هلیله زرد تربد سفید
انزروت از هر یک سه مسقال صموغ در آب حل نموده ادویه را کوفته و بیخته
بان سرشته حب کنند حب مقل قابض خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت هلیله
سیاه پوست هلیله کابلی پوست بلیله آمله منقی از هر یک ده درم مرجان
کهربا از هر یک یکدرم مقل ازرق ده درم مقل را در آب آهنگران حل کنند و
مادرها را صلایه کرده بان بسرشند شربتی دو درم حب مقل دیگر که همین
خاصیت دارد صفت هلیله کابلی بریان کرده بس و غنی گاو سی درم کهربا
دو مسقال مقل برابر همه بآب حل کنند و ادویه دیگر را کوفته و بیخته بان
بسرشند و حب سازند شربتی دو درم حب ممسک طبیعت به بندد و
خون رفتن باز دارد صفت سماق دو درم مازو یکدرم پوست انار نیم درم حب
الآس ده درم تخم زبیب درمی کوفته و بیخته بالعاب صمغ عربی حب سازند و

شربتی دو درم باب مویز بدهند و از عقب آن پاره آب سرد باز خورند
حب دیگر که اسهال خون باز دارد صفت مازو کزمازج افیون مساوی کوفته
و بیخته حب سازند شربتی دو دانک حب دیگر که اسهال بلغمی باز دارد صفت
مرمکی قرفه چند بید مشک افیون مساوی کوفته و بیخته حب سازند برابر نلفلی و
شربتی سه حب بخورند حب الزجیر اسهال کهنه را نافع باشد کاهی که از حرارت
و تب نباشد صفت چند بید مشک اسارون هلیله سایله بن دانج سیاه
کندر مساوی باب حب سازند شربتی دو درم حب که در ساعت شکم به بندد
صفت افیون یکدرم اقاقیا دو درم گل کزمازج سماق حب الآس از هر یک چهار درم
کوفته باب صمغ عربی در آن منقوع باشد حب سازند شربتی نیم مسقال حب که تعود
او درد در بطون انزال اش تمام دارد صفت عود خام قرنفل کبابه فلفل از هر یک
سه درم زعفران نیم درم بالنگو دو درم دارفلفل تخم بابونه مروارید از هر یک
درمی کوفته و بیخته با قند بقوام آورند بسرشند و حب سازند هر یکی مقدار
نخودی حب دیگر که مسکن اوجاع است صفت مصطکی حب الغار مرمکی زعفران
فلفل قرنفل چند بید مشک سنبل هندی عاقرقرحا از هر یک یکمسقال مشک دانگی

انیسون یکمثقال دنیم بگلاب حب سازند مثل بنی یکدرم حقنه لینه امراض حاره را
وحمیات دس سام را نافعست وطبع را نرم کند صفت عناب سپستان بنفشه
شعیر مغز نیم کوفته سبوس گندم خطمی خشک اکلیل الملک از هر یک ده مثقال
انجیر ده عدد دو سه رطل آب بجوشانند تا بس طلی آید وبپالایند وشکر سرخ
پنجدرم روغن بنفشه بادام ده درم روغن کنجد ده درم آبکامه پنجدرم
اضافه نمایند ونیم گرم حقنه کنند حقنه کیه دیگر انجیر ده عدد اصل السوس دو
درم سپستان سی عدد کشک جو یک کف بنفشه نیلوفر از هر یک پنجدرم یا یونه
یک کف جمله را در آب بجوشانند تا بیکمن آید صاف کنند ده درم لعاب بزر
قطونا بابلیست درم روغن بنفشه بادام ده درم آبکامه دو درم بوره ارمنی
یکدرم نمک اضافه نمایند وبیست درم شکر سرخ در آن حل کنند ولبه دفعه
بریزند حقنه معتدله حلبه بزرگ انجیر عناب سپستان خطمی بابونه اکلیل
الملک خشک شبت سبوس گندم از هر یک کفی به پزند چنانکه رسمست
وبپالایند وده درم فانید دو درم بوره ارمنی دیک درم نمک هندی
وپانزده درم روغن نیلوفر بخت اضافه کنند ونیم گرم عمل نمایند حقنه حاره

شحم حنظل

شحم حنظل افتیمون بسفایج از هر یک دو درم فودنج یک کف به پزند وبه پالا
یند وبیست درم شکر سرخ وده درم روغن بابونه اضافه نمایند واستعمال
کنند حقنه دیگر قولنج بلغمی را بکشاید ودرد پشت وبادهای غلیظ دافع باشد
صفت حلبه بزرگ کتان قنطوریون بابونه خارخسک نیم کوفته خطمی از هر
یک کفی انجیر سی عدد عناب سپستان از هر یک سی دانه سبوس گندم برگ چغندر
برگ کرنب شبت سداب از هر یک دسته سکنجبین مقل جاوشیر از هر یک سه درم
مغز تخم کافیشه نیم کوفته بیست درم به پزند وبه پالایند چنانچه رسمست ویکدر
درم نمک هندی دو دانگ شحم حنظل ده درم آبکامه وبیست درم شکر سرخ
اضافه کنند واستعمال نمایند حقنه دیگر استرخا وفالج وامراض بلغمی را نافع باشد
صفت سنا مکی پنجدرم شبت پنجدرم بابونه دکاغیشه نیم کوفته وبید انجیر
نیم کوفته از هر یک کفی برگ سیاوشان بادرنجبویه قنطوریون از هر یک دو درم
شکر سرخ پانزده درم آبکامه ده مثقال اب برگ چغندر روغن زیت از هر یک
ده درم نمک وبوره ارمنی از هر یک نیمدرم بطریق معهود عمل نمایند حقنه
دیگر قولنج بکشاید صفت سنا مکی پنج مثقال گاوزبان خشک شبت از هر یک سه

دو دم رازیانه انیسون بسفایج از هر یک دو دم بابونه سبوس گندم گل خطمی از هر یک
کفی گل سرخ تازه دوازده عدد روغن زیت گل سرخ شکر سرخ آب برگ چغندر از
هر یک ده مثقال آب کامه گل قند افتیمون از هر یک ده دم بوره ارمنی نیم دم
بیخته و صاف کرده چنانکه در سمت عمل نمایند حقنه که ریش دارد و اسهال صفرا
تلخی را سود دارد صفت آب برگ خرفه لسان الحمل از هر یک چهل مثقال تخم مرغ
بروغن گل آمیخته یک بیضه اقاقیا نیم دم دم الاخوین چهار دانگ کاغذ سوخته و
سفیداب کهربا مرجان گل مختوم از هر یک یک دم بیک یکی آمیزوج سازند و
استعمال نمایند حقنه دیگر که فروج امعا را و اسهال دموی را نافع بود صفت کشک
جو برنج شسته پیه گرده بز از هر یک سی مثقال به پزند و بپالایند سفیداب نشاسته
اقاقیا از هر یک نیم دم زعفران شیاف ابیض از هر یک یک دم زرده تخم مرغ
عددی بیضه دم روغن حل کرده در یک یکی بیامیزند و استعمال نمایند حقنه
دیگر برودت معده و احشاء و جگر را نافع باشد و هاضمه را قوت دهد و
از برای پیران مفید بود صفت شراب کهنه دو رطل عسل صاف سه رطل
زنجبیل ده دم قاقله هیل زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از هر یک

نیم دم

نیم دم دارچینی فلفل از هر یک یک دم ادویه را نیم کوفته سوای مشک و زعفران
اجزا را در کیسه کنند و سر آنرا به بندند و شراب و عسل را بجوشانند و کیسه
در آن اندازند و هر ساعت بدست بمالند تا شراب بقوام آید پس کیسه را
بردارند و مشک و زعفران را در آن حل کنند و بکار دارند باب الخاصه
یقون برودت معده و احشا و جگر را نافع بود و هاضمه را قوت دهد و
از برای پیران مفید بود صفت شراب کهنه دو رطل عسل صاف سه رطل
زنجبیل ده دم قاقله خیربوا زعفران از هر یک یکمثقال قرنفل مشک از هر یک
نیم دم دارچینی فلفل از هر یک یک دم ادویه را نیم کوفته کنند سوای مشک
و زعفران در کیسه کنند و سر کیسه را نرم به بندند و شراب و عسل را بجوشا
نند و کیسه را در آن افکنند و هر ساعت بدست میمالند تا شراب بقوام
آید پس کیسه را بر دارند و مشک و زعفران را در آن حل کنند و نگاه دارند
خضاب مجرب مازو بن بیت چرب کرده بر تابه بریان کنند تا شکافته شود
و سیاه شود از آن بیست درم را سحنت ده درم شب یمانی دو درم ملح اندر
انی یک درم این جمله را خورد بسایند و آب پوست جوز با آب اسفند با آب حناء

یا آب آمله یا آب شقایق یا آب لاله مجموع یا آنچه حاضر باشد گرم کنند و بدان
بس شنند و تا سه ساعت بگذارند تا چون خیر برآید آنگاه در موی مالند و برگ
جوز یا برگ چغندر در روی نهند که تر بماند مقدار شش ساعت بگذارند
و آنگاه باب سرد بشویند و اگر پوست روی سیاه گردد باب بافلا یا تخم بشویند
تا سفید گردد خضاب که موی را سیاه کند صفت مازو یک رطل کتیرا دری
سوخته شب یمانی از هر یک پنجدرم نوشادر چهار درم نمک اندرانی دو درم
مازو را در روغن زیت بجوشانند تا شق شود و ادویه دیگر بکوبند و باب گرم
بس شنند بگذارند تا چهار ساعت بگذرد و بعد از آن سر و ریش را بشویند
و خشک کنند و خضاب را بدان بمالند و بعد از شش ساعت باب نیم گرم بشویند
خضاب دیگر وسمه چهل درم حنا پنجدرم کوفته و بیخته بس در روغن گل چرب کنند و
باب گرم بس شنند و شب بمالند و صباح باب گرم بشویند خضاب دیگر گل
شقایق ده درم آمله مقشر پوست بافلا از هر یک پنجدرم کوفته و بیخته و
بس که بس شنند و بیست روز در آفتاب نهند و سرکه اضافه میکنند و بعد از
استعمال نمایند خضاب دیگر باید که یک گز دکان هندی بگیرد و اندرون

آن بگیرند

آن باهن لطیف باریک بیرون آرد دهم وزن آن عسل و نیم وزن شقایق النعمان
هر سه را باهم بکوبند و بطریق معجون سازند و در آن پوست گز دکان کنند و
سر شل بموم بگیرد و در میان سرگین دفن کنند تا یکماه یا بیشتر آنگاه برگیرد اگر سیاه
شده است بمدعا رسیده و اگر نه باز بگذارد تا خوب سیاه شود و بعد از
آن مقدار یکمثقال از آن بر موی بمالند چنان سیاه شود که بر زاغ بلکه سیاه تر
و هرگز سفید نشود خضاب دیگر اگر یک رطل شقایق و نیم رطل پوست گز دکان
تر در شیشه کنند و در سرگین تر دو هفته دفن کنند بشرطی که چهار درم روی
سوخته در شیب و بالای آن کنند بعد دو هفته باب آن موی را شانه کنند و
سیاه گردانند و اگر دست و ناخن بآن رنگ کنند خضاب عجایب بود خضاب
دیگر جوز السرو در سرکه جوشانیده بیست درم مازوی سبز در روغن زیت جو
شانیده تا سوخته شود شش درم مس سوخته پوست گز دکان تر از هر یک ده درم
برسباوشان شب یمانی اقاقیا آمله از هر یک شش درم قرنفل دو درم کوفته و
بیخته باب گرم بس شنند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب
دیگر پوست گز دکان شب یمانی پوست انار مس سوخته لادن مساوی کوفته و بیخته

باب کرم بس شند و خضاب کنند و بعد از سه ساعت بشویند خضاب دیگر
حنا چهار درم و سمه هشت درم دردی سوخته شب یمانی تنکار اندرانی و
مازوی بن بریان کرده در روغن زیت خبث الحدید از هر یک سه درم کوفته
و بیخته باب کرم بس شند و استعمال نمایند خضاب دیگر شکوفه کرد کان مقل
با روغن زیت صلایه کرده استعمال نمایند و بعد از شستن ساعت باب کرم
بشویند باب الدال دواء سنه و انزاد داء الملوک نیز گویند اوجاع مفاصل و بواسیر
و ناسور و برص و بهق سفید و سیاه و جذام را نافع بود و حواس را قوی کند و
باه را زیاده کند و هر که این معجون را استعمال نماید موی او چنان اگر سفید شده و
سفید نشود صفت هلیله سیاه بلیله آمله از هر یک سی مثقال و هشت مثقال
شونیز بیست و چهار مثقال فلفل اشق دار فلفل زنجبیل فلفلمویه از هر یک بیست و دو
مثقال قاقله صغار نارمشک سعد از هر یک دو مثقال کبابه سنبل بلسان از هر
یک شش مثقال فانیذ شصت مثقال فانیذ را کوفته و در پاتیله کنند و در آب بکذارند
و داروها را کوفته و بیخته بلا دربان بس شند و اقراص سازند هر یک دو
مثقال و یکدانک نیم و هر بامداد از آن بخورند و در آن سال که این معجون استعمال

کنند

کنند از ترشیات و لبنیات پرهیز کنند دواء المسک حلو ضعف معده و خفقان
و صرع و ضیق النفس و فالج و لقوه و تب ربع سود دارد و بادهای زنان
آبستن را دفع کند و در تک را نیکو کرداند صفت زرنباد دو درم از هر یک
یک درم مروارید ناسفته کهربا بسد ابریشم مقرض از هر یک نیم درم و
بهی سفید و سرخ ساذج هندی سنبل الطیب قاقله قرنفل جند بیدستر
دواله از هر یک چهار دانک زنجبیل دار فلفل از هر یک دو دانک و نیم کو
فته و بیخته بعسل شهد که اثر تند بده باشد بس شند و بعد از چهار
ماه استعمال نمایند شربتی از یک درم تا دو درم کافی باشد دواء المسک نادر
کهربا پنج درم طباشیر پنج درم ورق گل سرخ پنج درم کثیرا چهار درم گاوزبان
هفت درم بسد سه درم مروارید سه درم ابریشم مقرض سه درم و
صندل سفید سه درم تخم خرفه پنج درم مشک یک درم آمله هفت درم
دارصینی دو درم زعفران یک درم عسل و قند سه وزن ادویه دواء المسک
بارد نوع دیگر نافع است خفقان را و ضعف قلب که از افراط شراب حادث
شود تقویت قلب و کبد و دماغ کند و معده را قوت دهد صفت طباشیر

هندي سعد گل سرخ کتیرا خشک گل گاوزبان کهربا شمعی از هر یک شش
مثقال مروارید ناسفته تخم خرفه از هر یک سه مثقال مغک یکمثقال کو
فته و بیخته شیره نبات چهل مثقال آب سیب سی مثقال بسرشند دواء
المسک تلخ رطوبات معده را ببرد خفقان سودائی و دم صفرا را نافع باشد
صفت افسنتین رومی صبر سقوطری از هر یک هشت درم مشک ناردین سا
ذج هندی مروارید ناسفته از هر یک دو درم جند بیدستر یکدرم د
نیم بعسل بسرشند شربتی یکمثقال دواء المسک کبیر صلابت کبد و طحال و
معده و استسقا و برودت معده را نافع باشد و سده بگشاید و بول براند
و سنگ گرده و مثانه را بریزاند و بدن را لاغر کند صفت لک مغسول
دو دانگ تخم کرفس جبلی زیره کرمانی زنجبیل از هر یک هشت درم کما
فیطوس زوفای خشک از هر یک چهار درم جنطیانا زراوند مدحرج
از هر یک یکدرم صبر سقوطری سنبل از هر یک دوازده درم حب بلسان
سلیخه مصطکی قصب الذریره اسارون مقل از هر یک شش درم کندر
چهار درم دارفلفل زراوند طویل از هر یک سه درم و نیم رب السوس

بیست هشت درم

بیست هشت درم ربوب جلنبی جعده اذخر از هر یک دو درم فلفل قسط از
هر یک ده درم سیسالیوس سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی
یکمثقال دواء المسک صغیر منافع آن قریب بمنافع کبیر ست صفت لک مغسول قسط
تلخ نقاع اذخر ترمس حب الغار حلبه فلفل از هر یک یکدرم ربوند جلنبی پانزده
درم کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی یکدرم بطبیخ افسنتین باب کرم دوا
الکرکم کبیر امراض جگر و سپرز که از سردی بود نافع باشد و سده بگشاید و بادها
دفع کند و گرده و مثانه را قوت دهد بول براند و استسقا که سبب ورم
سپرز و جگر باشد سود دارد صفت زعفران دوازده مثقال اسارون و مودفو
انیسون و فطراسالیون و ربوند جلنبی از هر یک چهار درم سنبل شش درم قسط
سلیخه نقاع اذخر و حب بلسان از هر یک یکدرم رب السوس فوه جعده مصطکی
غافت از هر یک سه درم روغن بلسان پنج درم مر صاف چهار درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی یکدرم تا دو درم با ماء العسل دواء الکرکم صغیر منافع آن قریب
بمنافع کبیر ست صفت زعفران سلیخه سنبل از هر یک دو درم قسط نقاع اذخر
دارچینی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته یکشبانه روز بشراب انگور تر کنند و دو روز یکی

بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال وبدروک سلیخه دارچینی از هر یک یکمثقال و
دوق گل سرخ دهم تا ده مثقال عسل سه وزن ادویه دواء الکبریت امراض بلغمی
وسوداوی وتبهای کهن وناقض وتنگی نفس وسرفه بلغمی وعسر البول نافع
باشد وسنگ گرده ومثانه بریزاند ومضرت ادویه سمیه چون افیون و
شوکران وبیخ لناج را دفع کند واز جهت گزیدن عقرب وریتیلا نافع باشد
صفت کوکرد زرد بزر البنج سفید قرمدانا میعه سایله از هر یک هشت درم
سداب قسط تلخ از هر یک ده درم افیون زعفران از هر یک دو درم سلیخه
دوازده درم فلفل سفید بیست درم کوفته وبیخته بعسل معجون کنند شربتی یکمثقال
دهن را بادها بشکند وقولنج را نافع باشد صفت هزار سفند حلبه از هر یک سی
درم دو نیم عقربی فلفل دار فلفل عاقرقرحا اسارون سلیخه قسط زعفران زنجبیل
از هر یک ده درم کوفته وبیخته بعسل سرشته شربتی دو درم دواء الحلتیت
تب ربع وگزیدن عقرب وریتیلا ومانند آن را نافع باشد واز جهت تب
دو سکنجبین دهند وبعد از آنکه چهل روز گذشته باشد واز جهت گزیدن
جانوران زهردار دو شراب صفت حلتیت سداب مر فلفل مساوی کوفته و

بیخته

بیخته بعسل سرشته شربتی مقدار یک نخود دواء الماذریون استسقا واکثر ا
مراض سوداوی وبلغمی را نافع باشد صفت ماذریون را یکشبانه روز در سرکه
خیسانیده ودر سایه خشک کرده یک درم زیره کرمانی نمک هندی پوست
هلیله زرد از هر یک نیم درم افتیمون تربد سفید از هر یک یک درم کوفته
وبعسل سرشته شربتی دو درم دواء التربد حمیات بلغمی را نافع باشد صفت
زنجبیل مصطکی از هر یک ده درم تربد سفید بیست درم شکر طبرزد
چهل درم شربتی یکمثقال دواء الترنجبین ضعف باه را که سبب آن حرارت بود
نافعست صفت ترنجبین سفید سی درم در دو رطل شیر تازه بجوشانند تا
بقوام آید هر شب دو ملعقه بنوشند دواء الخسک در تقویت باه بی نظیر
است صفت خسک خشک را بکوبند وبه بپزند در آب خسک را ترکنند
وسه شبانه روز در آفتاب به پرورند وهر روز تازه میکنند چندانکه آب خسک
تر شود وسه وزن خسک خشک بکار رود پس خشک کنند وسه درم از آن با
درم بنه تازه ده درم نبات بنوشند در مزاج قدری زنجبیل کوفته
اضافه نمایند دواء البصل تولید منی کند ونعوظ آورد وبغایت مقوی باه باشد

صفت آب پیاز بکبر و عسل بدوجزو بجوشانند تا بقوام آید و در وقت خواب
دو ملعقه بنوشند دواء النقرس جهت ضعف معده که سبب آن برودت
باشد صفت هلیله سیاه روغن گاو بریان کرده ده درم خرنوب مغسول پنجاه
درم نانخواه دو درم با شراب کهنه دواء الخطاطیف خناق بلغمی و سوداوی را نافع
باشد و چون بدان غرغره کنند یا بر خارج طلا سازند صفت تخم کرفس انیسون
نانخواه هر یک سفندار چینی زراوند طویل زعفران از هر یک ده درم
گل سرخ بیست درم نسطماء الخطاطیف از هر یک سی درم لشاسته
سنبل از هر یک پنجاه درم مازوی سبز ده عدد کوفته و بیخته بعسل سرشته
استعمال نمایند دواء الحرمل بهمین خاصیت دارد صفت هزار اسفند
تخم ترب حلتیت مر بوره ارمنی نوشادر مساوی کوفته و بیخته استعمال
نمایند دیاقوذا منع نزلات کند و سرفه خشک بغایت نافعست صفت
خشخاش سفید با پوست بیست عدد تخم حطمی کتیرا صمغ سرو تخم خیارین
بهدانه شیرین از هر یک پنجاه درم اصل السوس بیست درم بزر قطونا ده
درم مجموع در شش رطل آب باران بخیسانند دو شبانه روز تا شرم شود

پس بآتش

پس بآتش نرم به پزند تا مهرا شود و به نیمه آید بعد از آن صاف کنند و بکنند
قند سفید اضافه نمایند و بقوام آورند دیاقوذا دیگر قریب المنفعت بخه
دیگر صفت خشخاش سفید با پوست خشخاش سیاه از هر یک اول
ده مثقال اصل السوس سه درم بنفشه صمغ عربی از هر یک پنج مثقال
آب انار شیرین بیست مثقال قند سفید صد درم شربت سازند
چنانکه رسمست دیگ بر دیگ اکله و ناسور و لحم زاید را نافع است
صفت زرنیخ سرخ زرنیخ زرد از هر یک شش درم مرمکی ده
درم اهک آب ندیده پانزده درم زنگار یکدرم کوفته بیخته بر کرکهنه
بسرشند و قرص سازند داروی که موی را سیاه و دراز کند صفت
برنجاسف برگ مورد شونیز بریان کرده مساوی کوفته بروغن مورد یا روغن
زیت بسرشند استعمال نمایند داروئی که کند پا ببرد صفت شب
یمانی در آب حل کند و پا بر ابدان بشوید داروئی که حب القرع و کرم
دراز بکشد و اخراج کند صفت قنبیل سرخس حب النیل از هر یک نیم درم
درقمه ترکی دو درم تربد و برنگ کابلی مقشر از هر یک یک درم

نمک هندی داتکی کوفته باشیر وشکر بیامیزند وبیاشامند داروئی که همان
خاصیت دارد هفت بریک کابلی مقشر سه درم تربد سفید دو درم و
قنبل یکدرم حب النیل نمک هندی از هر یک نیم درم کوفته وبموبز منقی
سرشته تناول نمایند داروئی که چون بر آتش نهند از دود آن جانوران
گزند بگریزند هفت زفت رومی کوکرد زرد شاخ کوزن بادآورد
مساوی زفت بکذاز زند وکوفته بیخته داروها بان بسرشند واستعمال نمایند
داروئی که حبس عرق کند هفت برگ مورد دو ورق گل سرخ صندل سرخ
گلاب جوشانیده وجامه تر کنند وبپوشند داروئی که نافعست از جهه
گزیدگی که در گوش باشد هفت شراب دو درم عسل سه درم روغن یکدرم
سفیده بیضه مرغ دو بیضه مجموع را باهم مخلوط سازند وبه پشم پاره
بعد از آن بیکبار آن پشم را بیرون کشند کرم بیرون آید داروئی
که از جهت گزیدن عقرب بالخاصه نافع باشد هفت آهک برگ توت
کوفته بروغن دنبه بر محل زخم نهد یا زرده تخم مرغ آمیخته بر موضع

نزع عقرب وصفه
هرگاه طلا را با جد وا قطاع
با آب بروی سنگ سائیده
بر موضع نزع عقرب بمالند
تسکین وجع میکند

زخم

زخم نهد درد ساکن گردد واگر باقلا را کوفته بدوشاب سرشته بر موضع
زخم عقرب مالند فی الحال درد ساکن شود واگر کژدم را در روغن بجوشانند
وبپالایند هر کس را عقرب بگزد آن روغن را بر موضع گزند کی بمالند
درد ساکن گردد واگر آن روغن را با عسل بیامیزند وچون طفل از مادر متولد
از آن روغن نیم درم بکام کودک بمالند اگر در همه عمر عقرب او را بگزد
درد نکند واگر چرک گوش خر بر موضع گزند کی عقرب مالند درد ساکن
کند واگر سرگین بسرکه تر کنند وبمالند همین عمل کند وآن کژدم که کسی را
گزیده باشد بگزند ونمک سوده بروغن چراغ گرم کنند وبر زخم کژدم نهد
همین عمل کند واگر برگ تاکرا بکوبند وبر موضع درد نهند فی الحال ساکن
گردد واگر مغز جوز وانجیر وبیخ کوفته بر زخم مار نهد نافعست
داروئی آتشک زیبق مغسول هفت مثقال حنا لادن سورنجان از
هر یک دو درم تربد سفید بیخ بنفشه از هر یک سه درم روغن
گل ده مثقال روغن زیت پانزده مثقال آب لیمو پنجمثقال په بز
منی مثقال اگر جراحت دانه باشد توتیا وسفیداب ومرداسنگ

از هر یک ده درم زنگار نیم درم اضافه نمایند و بطریق مرهم ترتیب
نموده بدستوره متعارف بمالند دادوئی که بیهوش آورد صفت افیون پنج
درم خشخاش سیاه ده درم در سه رطل آب بجوشانند تا بر طلی آید
و نیم رطل کندم پاک در آن بجوشانند تا آب تمام نیست شود پس
کندم را خشک کنند و بکوبند و یکمثقال از آن هر که بخورد بیخود شود
دادوئی که همین عمل کند صفت خشخاش سیاه تخم کاهو از هر یک پنج درم
بزر البنج ده مثقال بجوشانند و صاف کنند و باقند بقوام آورند یک
مثقال از آن مسکر باشد و اگر اشنه در شراب کنند هر که بخورد
بیخود شود و اگر خواهند که مست زود هشیار شود سرکه کهنه
با گلاب بدهند یا دوغ گاو یا برف سرد کرده بنوشند دادوئی
که نافعست از جهت هکه و جرب و حکه سعفه و آنرا صفت پوست هلیله
زرد شش درم سنا مکی شاه تره از هر یک دو درم انیسون یکدرم
و نیم کوفته و بیخته و یکشمش کوفته بسرشند شربتی مقابل جوز دادوئی
که شهوات دیوانه زنانرا دفع کند صفت مصطکی یکدرم عود خام

سه درم زیره کرمانی یک دانگ نیم کوفته و بیخته با ده درم کلقند سرشته
بنوشند دادوئی که نافعست از جهة درد دندان که سبب آن حرارت
باشد صفت افیون نیم دانگ در روغن گل حل کنند و قدری پنبه بدان
تر کنند و بر دندان نهند نافع است دادوئی که نافعست از جهة
درد دندان که سبب آن برودت باشد و آنرا تریاق الاسنان خوا
نند صفت جند بیدستر حلتیت فلفل مر زراوند مدحرج زنجبیل هیعه
افیون بزر البنج مساوی کوفته و بیخته بعسل بسرشند و پنبه را بدان
تر کنند و بر دندان نهند دادوئی که همین منفعت دارد صفت
فلفل عاقرقرحا مویزج زنجبیل از هر یک جزوی بوره ارمنی یکجزو
و نیم کوفته و بیخته بعسل بسرشند و استعمال نمایند دادوئی که درد
دندان سوراخ دار را نافع باشد صفت فلفل عاقرقرحا بازرد
فلفل و عاقرقرحا را بکوبند و به بازرد بسرشند و در سوراخ دندان
گذارند دادوئی که لثه را محکم کند و گوشت رفته را برویانند صفت
کندر زراوند مدحرج دم الاخوین کرسنه بیخ سوسن مساوی کوفته

دبخه به سکنجبین عنصلی بر شنند و استعمال نمایند و اردوئی که
درد دندان را ساکن کند صفت عاقرقرحا مومیج از هر یک سه درم مر
یک درم اب کشنیز تازه بیست مثقال شیر گاو ده مثقال جوشانیده حب
سازند و بر دندان نهند و اگر سداب تازه با موی سیاه بکوبند
و بر دندان نهند همین عمل کنند والله اعلم بالصواب باب الذال
ذرور ملکا یا درد بیخ و ابتداء رمد رمد را نافع باشد صفت
انزروت پرورده بشیر خر نناسته صمغ عربی نبات مساوی کوفته
و بحریر بیخه استعمال نمایند ذرور اصفر نافعست از جهة کمیة
المده و درد چشم که سبب آن رطوبت باشد صفت انزروت مر یا
پنج درم شیاف مامیثا دو درم صبر نیم درم افیون چهار دانگ زعفران
نیم درم کوفته و بخه استعمال کنند ذرور اصفر نوع دیگر که قرحه
و مورمج را نافع باشد صفت سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول
کرده ذرور سازند ذرور دیگر ابتدای رمد را نافع باشد صفت
کافیا ء نقره سفیداب صبر سقوطری از هر یک دو درم کمیتها بیست درم

صمغ عربی

صمغ عربی چهل درم گل سفید شصت درم نناسته سی درم افیون ده
درم کوفته و بخه باب دارزیانه پرورده ذرور سازند ذرور مالی
جرب و سبل و دمعه را نافع باشد صفت مامیران چینی یک درم
توتیای کرمانی پرورده شبح سوخته پرورده توبال مس سوخته
مغسول سرمه اصفهانی پرورده از هر یک ده درم کوفته و
بخه استعمال نمایند ذرور دردی مورمج و شبر و قرحه و طبه
را نافع باشد صفت سفیداب ادزین سه درم اقلیمیا نقره دو
درم افیون دو دانگ صمغ عربی یک درم نیم انزروت نیم درم مر
سوخته دو دانگ دو وجه شادنج مغسول چهار دانگ کوفته و
بخه استعمال نمایند ذرور انزروت قرحه را پاک کند صفت
نناسته سه درم انزروت مر بی اسفیداج رصاص از هر یک
دو درم کوفته و بخه ذرور سازند ذرور معمل بیاض را نافع باشد
چون در قریه نتو نباشد صفت سرکنی خطاف عاقرقرحا انزروت
زنگار سقونیا اقلیمیا کوفته و بخه بعسل مصفی بر شنند و استعمال

نمایند ذرورى که دمعه وجرب وضعف بصر را نافع باشد وبرا نرا
موافق باشد صفت توتیاى مغسول نشاسته سفیداب از زیر پوست
هلیله زرد زرجوبه از هر یک پنجدرم فلفل دو درم کوفته وبیخته
استعمال نمایند ذرورى که نافعست از جهة درد چشم کهنه وسرخى
وآب رفتن صفت توتیاى مغسول نشاسته سفیداب از زیر مساى
کوفته وبیخته ذرور سازند ذرورى که نافعست از جهت جرب و
سبل ظفره واکله جفن صفت اقلیمیا صمغ عربى سه درم زعفران و
فلفل شنگرف از هر یک دو درم افیون یکدرم صلایه کرده استعمال
نمایند ذرور ظفره شیاف مامیثا سادج هندى حماما از هر یک
یکدانگ نیم سرمه فلفل زنگار از هر یکدرم کوفته وبیخته ذرور سا
زند ذرور دیگر که از جهت درد چشم اطفال نافع باشد صفت
انزروت مربى چشمک از هر یک ده درم مامیران دم الاخوین از
هر یک دو درم کوفته وبیخته استعمال نمایند ذرور دیگر دار فلفل دو
دانگ هلیله زرد حضض مر از هر یک ده درم زبد البحر یکدرم

مامیران

مامیران دو دانگ صبر یکدانگ نیم کوفته وبیخته استعمال نمایند ذرور
دیگر سبل توتیاى مغسول دو مثقال مامیران چینى دو درم زبد
البحر دو درم حضض مکى صبر سقوطرى دار فلفل پوست هلیله زرد
از هر یک یکدرم انزروت مربى چهار مثقال کوفته وبیخته ذرور
سازند ذرور بیاض سادج هندى شش درم مس سوخته و
سرمه اصفهانى توتیا مس از هر یک سه درم شادنج عدسى
مغسول مرصاف از هر یک یکدرم صدف سوخته مامیران چینى
از هر یک دو درم صلایه کرده استعمال نمایند ذرورى کافورى
نافعست از جهت حرارت چشم ورمد صفت صدف سوخته
مروارید ناسفته از هر یک دو درم نشاسته یکدرم کافور دانگى
صلایه کرده ذرور سازند ذرور اربعه گوشت بر دیاند خون
رفتن از جراحت باز دارد ورعاف را نافع باشد صفت انزروت مربى
مرکند دم الاخوین مساى کوفته وبیخته استعمال نمایند ذرور
دیگر که همین خاصیت دارد صفت انزروت دم الاخوین کندر کلنار

کل ارمنی از هر یک نیم درم عدس مقشر یک درم کوفته و بیخته ذرور
سازند ذروری که گوشت فاسد شده را بخورد و سره جراحت را
به بندد و سخت کند و در وقت به شدن و در اول سر جراحت
بکشاید و تری برچیند و گوشت برویاند صفت انزروت چهار
درم دم الاخوین دو درم کل مختوم مر دارسنگ مر کندر از هر یک
یک درم و نیم کل ارمنی شیاف مامیثا از هر یک درمی و نیم صبر سقوطری
ذرادند مدرج از هر یک دو درم کوفته و بیخته استعمال نمایند
ذروری که نافعست از جهت خروج مقعد و سوء رحم و مقعد
صفت سفیداب ارزیز کلنار شب یمانی مازو مساوی کوفته
و بیخته مقعد را بروغن گل چرب کنند و بران افشانند ذرور
دیگر که استرخاء مقعد را نافع باشد صفت جفت بلوط مازو فشاد
کندر شیح سوخته کلنار شاخ گوزن محرق مر دارسنگ صدف
سوخته اقلیمیا مساوی صلایه کرده ذرور سازند ذروری که
همین خاصیت دارد صفت حب بلوط کلنار جوز السرو کاغذ سوخته

از هر یک

از هر یک سه درم کوفته و بیخته بر مقعد پاشند ذرور دیگر که سوختگی
آتش و روغن کرم و مانند آنرا نافع باشد صفت مر دارسنگ آهک
از هر یک قدری بکوبند و جای سوختگی را بروغن گل چرب کنند
و این داروها را کوفته و بیخته بر آنجا افشانند و در سه روز خشک
ذرور اغبر صبر بیاض سبل وظفر و چرب و غبار از مجربات حاجی امین
است صفت سرب دار فلفل با السویه صلایه نموده از نافه بیرون
کرده استعمال کنند ذروری دیگر مغز عین الدیک که پرده آنرا گرفته باشند
نبات سفید دو مثقال کوفته و بیخته استعمال نمایند ذرور زخم صفت
دم الاخوین صمغ عربی انزروت از هر یک یکمثقال شکر طبرزد کندر از
هر یک نیمثقال کوفته و بیخته استعمال کنند ذرور رحم و زخم های
خبیثه مجرب است صفت عذره انسانرا سوزانیده اسفند را نیز
سوزانیده با السویه کوفته و بیخته بروی زخم بپاشند و مرهم لعاب
بروی آن گذارند و برگ سنجد تلخ هرگاه کوفته و بیخته بر موضعی که
خون جریان میشود بریزند قطع جریان خون میکنند و سوخته نه

بره مرغ را که براق است و داخل گوشت میباشد کوفته و بیخته بردی
موضعی که خون جادی میشود بپاشند والله اعلم بالصواب باب الراء
روغن قسط فالج ولقوه و معده و جگر را سود دارد و سیاهی موی
را نگاه دارد و اعصاب را قوت دهد صفت قسط ده درم فلفل
فرفیون از هر یک سه درم عاقرقرحا چهار درم جند بیدستر دو درم
و نیم شراب کهنه صد درم روغن زیت پنجاه درم قسط فلفل عاقرقرحا
را نیم کوفته در شراب خیسانند یکشب و صباح بجوشانند تا به
نیمه آید بعد از آن روغن زیت در آن بریزند و چندان بجوشانند
که شراب برود و روغن بماند بعد از آن جند بیدستر و فرفیون
کوفته و بیخته در انجا بریزند در زمانی که آتش فرو گرفته باشد
روغن قسط به نسخه دیگر که درد جگر و معده سرد و مفاصل را سرخا
را نافع باشد صفت قسط قصب الذریره سنبل سادج هندی میعه
سایله بیخ سوسن قرفه اشنه از هر یک بیست درم راس خشک و
سلیخه عود بلسان از هر یک ده درم مرصاف قرنفل از هر یک پنج درم

مجموع را نیم کوفته در سه من آب به پزند تا بیکمن آمده و با نیم روغن
کنجد بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن قسط بنوعی
دیگر جگر و معده را نافع باشد و چون بپاشامند و بر محلی که موی
رفته باشد بمالند موی برویاند و اعصاب را محکم کند صفت
قسط تلخ صد درم خرماجو زچهل درم سلیخه شش درم مجموع نیم کو
فته کنند و در شراب خیسانند و یکشبانه روز دیگر بجوشانند و
بپالایند و سه چهار یک روغن زیت با روغن کنجد بران ریزند
و بجوشانند تا روغن بماند روغن قسط به نسخه دیگر امراض باردیه
را نافع باشد و محلل ریاح و مواد غلیظ و مقوی اعصاب است صفت
قرنفل سلیخه از هر یک ده درم قصب الذریره سنبل سادج قرفه د
اشنه جند بیدستر قسط از هر یک بیست درم بیخ بنفشه سه درم
هر پنج درم و نیم کوفته در آب بجوشانند تا مهل شود و بعد ا
ز ان صاف کرده دو من روغن کنجد اضافه نمایند و چندان
بجوشانند که آب برود و روغن بماند روغن شوینده فالج و لقوه

وتشنج را سود دارد صفت شونیز بیست درم مغز بادام تلخ سی درم
بکوبند و روغن از آن بکشند روغن افسنتین معده و جگر و جمیع اعضا
را قوت دهد صفت زیت با روغن بادام تلخ با روغن زرد الو تلخ
نیم افسنتین تازه رومی دو سیر و نیم در شیشه کنند و چهل روز
در آفتاب بیاویزند روغن فرفیون همه دردها که از سردی بود
زایل کند و فالج و استرخا را سود دارد صفت قسط ده درم عاقر
قرحا هفت درم مویزج سه درم جمله نیم کوفته کنند و در چهار من
درم شراب کهنه بپزند تا سه بخش برود و یک بخش بماند
و نصف از روغن چربی بان بیاویزند و بپزند تا شراب برود
و روغن بماند پس در هر ده درم روغن دو درم فرفیون تازه
اندازند و یک جوش بدهند و بر دارند روغن سوسن که
برودت و اختناق رحم و اسودا درد کرده و مثانه سرد را گرم
گرداند صفت سلیخه حب بلسان قسط از هر یک ده درم قرفه و
قرنفل مصطکی از هر یک پنج درم گل سوسن سی عدد زعفران ده درم

زردی از سوسن بردارند و یک رطل و نیم روغن کنجد در شیشه
کنند داروها کوفته بر روی آن کنند و در نزدیک آفتاب نهند
در سایه چهل روز بگذارند پس بیرون آورند و نگاه دارند
روغن بید انجیر مسهل بلغم بود و اعصاب را از رطوبات پاک
کند صفت بید انجیر بریان کرده نرم بکوبند و بجوشانند و کف
میگیرند و نگاه میدارند تا تمام کف بر دارند و آب زرد
بماند آب بریزند و آن کف ها بجوشانند که تمام روغن صاف
میشود روغن بید انجیر مرکب افلیج و لقوه و سده جگر و سپرز
را نافع باشد و قولنج بگشاید صفت نانخواه صعتر فودنه کوهی
تخم کرفس انیسون مصطکی اسارون از هر یک ده درم شطرج
مقل از هر یک پنج درم سکبینج جوشیر زرنباد درونج عقربی
از هر یک سه درم زنجبیل دارچینی قاقله خیر بوا کبابه دارفلفل
جوز بوا بسباسه شونیز قسط کرویا از هر یک چهار درم
مجموع نیم کوفته بخیسانند در آب بکشبانه روز و بجوشانند

تا نرم شود و بپالایند و صد و پنجاه درم روغن بید انجیر
ساده بر روی آن کنند و بجوشانند تا آب برود و روغن
بماند و شش بتی دو درم تا سه درم با ماء الاصول روغن ترب
روغن ترب مانند روغن زیت بود گرم تر از روغن بید انجیر
باشد و درد گوش را نافع باشد و بادی که در گوش که در
گوش بود دفع کند صفت آب ترب سه جزو بگیرند و روغن
کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن خشک
عسر البول عظیم را نافع باشد صفت خسک ده مثقال زنجبیل
چهار مثقال و نیم کوفته بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن کدو بوییدن و مالیدن آن سرسام و مالیخولیا را نا
فع بود صفت کدوی تازه بستانند و پوست از آن بخراشند و
بانجم بکوبند و آب آن بگیرند چهار من و یک من روغن کنجد بر وی
بریزند پس بجوشانند تا آب برود و روغن بماند اما بهتر آنست
که از مغز دانه کدوی خشک بگیرند مانند روغن بادام روغن

روغن کنجد

ریحان

ریحان فالج و درد زانو را نافع باشد صفت آب ریحان دو جزو و
روغن کنجد یک جزو بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
لاله معده سرد را گرم کند صفت برگ لاله از نبات آن جدا کنند
و در شیشه کنند و روغن کنجد یا زیت بر وی ریزند و یکماه در
آفتاب بیاویزند روغن که در گوش از کرمی باشد زایل کند
صفت روغن دانه شفتالو ده درم روغن بادام تلخ پنج درم سرکه
کهنه سی درم بیکدیگر ممزوج سازند و بجوشانند تا سرکه برود
و روغن بماند در گوش چکانند روغن کندر درد گوش که از برد
ی بود زایل کند صفت کندر پنج درم صبر مر مکی مصطکی چند بید ستر حضض
زهره گاو از هر یک یک درم روغن بادام تلخ بیست درم شراب کهنه چهل
درم ادویه کوفته و بیخته با شراب و روغن بجوشانند تا روغن بماند
و بپالایند و در گوش چکانند روغن مصطکی معده را قوت دهد
صفت روغن زیت پنجاه درم در شیشه کنند و ده درم مصطکی
بر وی ریزند و دیگی را تا نیمه آب کنند و آن شیشه را در

میان آن دیگ آویزند و آتش کنند تا آب بجوشد چندانکه مصطکی گداخته شود روغن مورد که موی را نگاه دارد و آنچه ریخته باشد بروبایند صفت بگیرند آب مورد سه من و روغن زیت یکمن و با یکدیگر بجوشانند تا نزدیک آنکه آب برود و روغن بماند قدری لادن در آن اندازند تا بگدازد و فرو گیرند روغن دیگر که موی را محافظت کند صفت پوست هلیله کابلی مازو برگ مورد از هر یک یکمن و در آب ریحان خیسانند یکشبانه روز پس بپزند و بپالایند و یکمن روغن کنجد در آن ریزند و در هر صد درم روغن ده درم لادن در وقت فرو گرفتن بیندازند تا بگدازد و فرو گیرند و شب موی را چرب کنند و صباح در حمام بشویند روغن دیگر که موی را سیاه دارد و دراز کند و از افتادن نگاه دارد صفت سادج هندی حماما حضض مکی لادن آمله از هر یک پنجدرم کوفته در سه رطل آب به پزند تا بر رطلی آید و یک رطل روغن کنجد بر آن ریزند

و بجوشانند تا گلاب برود و روغن بماند هر روز بر آب برگ چقندر میشویند و این روغن میمالند روغن دیگر که موی را سیاه کند تا شش ماه سیاهی آن بماند صفت جوز هندی و سی آن بردارند و مغز بیرون کنند و هیجده درم از آن مغز باده درم آمله و ده درم براده آهن و نیم درم بوره از همه در هاون خورد و در میان آن جوز کنند و سر آن بخمیر محکم کنند و تمام آن جوز بگل حکمت بگیرند و در میان آتش اندازند و بیرون آورند روغنی که از آن رانیده شود در موی مالند که مقصود حاصل شود روغن حنا موی را سیاه کند و عرق النسا و اوجاع مفاصل را نافع باشد صفت برگ حنا یک چهاریک در دو من آب بجوشانند تا بیکمن آید و بپالایند و با نیم من روغن کنجد بجوشانند تا روغن بماند روغن آمله موی من سیاه کند و قوی گرداند صفت آمله مقشر برگ مورد پوست بیخ صنوبر مساوی کوفته در آب به پزند تا مهیا شود و صاف کنند و نیمچندان

روغن کنجد اضافه نمایند و بجوشانند تا روغن بماند روغن
بیضه دو هفته بر هر موضع بمالند موی برویاند بگیرند یک
خربزه و سوراخ کنند و دانه بیرون کنند و سی عدد زردهٔ
تخم مرغ در اندرون آن خربزه ریزند با پنج سیر روغن زیت
و بوک مورد کوفته و برادهٔ آهن صلایه کرده از هر یک دو
درم و سوراخ خربزه را محکم کنند و در گل حکمت گیرند و
یکشب در تنور نهند و روز دیگر بیرون آورند و گل را
از آن جدا کنند و این خربزه را با روغن زیت بمالند تا نرم
شود نگاه دارند روغن که سهر بسیار آورد چون بر بینی مالند
حفت نوشادر و نمک نبطی سپندان تخم جرجیر فلفل سیاه
زنجبیل کاکنج مساوی نیم کوفته کنند و در آب بجوشانند تا مهرا
شود پس صاف کنند و همچندان آب روغن سپند انجیر بجو
شانند چندانکه آب برود و روغن بماند روغن بهی
معده را قوت دهد و حبس عرق کند و اگر بر روی کشکاب

کنند و باز

کنند و باز خورند اسهال باز بندد حفت آب به دو جزو آب
بوک مورد یک جزو و روغن گل یک جزو بجوشانند تا آب برود
و روغن بماند روغن مازریون اسقا را نافع بود حفت
بوک مازریون یک چهاریک در سه من آب بجوشانند تا به
نیمه آید و سه رقیه روغن بادام در آن افکنند و بجوشانند تا
روغن بماند شربتی یک درم با شش عرابی روغن بنفشه بادام
سردو تر و جرب را مالیدن نافع بود و صلابت مفاصل را نرم کند
و درناخن مالیدن صحت انرا نگاه دارد و دفع بیخوابی کند حفت
مغز بادام شیرین که تلخ در او نباشد سفید کنند و نیمه کنند
و خشک گردانند و هر دو من بادام یکمن بید مشک بر و بیش ریز
ند و در خریطه کرباس نو در روز در میان بید مشک رها
کنند و بعد از آن بید مشک از و جدا کنند و بنفشه تازه بر
و بیش ریزند و هر هفته دگر باز بنفشه بر و بیش ریزند و
چند روز در ریز جامه خواب کنند تا بنک بوی بنفشه

بکیرد و بعد از آن معلق بیاویزند تا نبک خشک شود و به
بنفشه از آن جدا کنند و روغن از آن بکشند چنانکه رسمست
روغن بادام معتدل بود در حرارت و برودت دماغ را نافع
بود و فهم بیفزاید و اسهال مراری باز دارد و درد سر که
از گرمی بود سود دارد و چون در آب سرکه بپزند صاحب
حکه جرب بمالد نافع باشد چون بنفشه بادام است بجای
بنفشه دق گل کنند هر ده من بادام دو من دق گل سرخ
کنند روغن گل سرخ و سفید و شقایق و یاسمین و نرگس
و سداب و شبت دهچه تازه باشد دستور آنست
که در شیشه کنند و در آفتاب آویزند روغن آجر که آنرا
دهن المبارک گویند خواص بسیار دارد و گرم تر از نفط
سفید است و لطیفتر و امراض بارده را بغایت سودمند
بود جهت گزیدن عقرب و کسی که افیون و بنگ را بیخ خورده
باشد نافع بود صفت آجر سرخ آب ندیده بادام بادام کنند

و در آتش

و در آتش اندازند تا سرخ شود به انبری گیرند و در روغن
زیت اندازند و بعد از آن بیرون آورند و خورد کنند و
در شیشه که بگل حکمت گرفته باشند کنند و سرش بموم
اسب بگیرند و بگلی نهند که سوراخ در آن باشد
و پس قیم کنند و آتش در آن اندازند و چیزی در زیر شیشه
نهند و روغنی که بچکیده تکاه دارند روغن سورنجان که
مفاصل را نافع بود صفت سورنجان قصب الذریره نیم کوفته
بخیسانند یکشبانه روز دیگر بجوشانند تا مهلهل شود و بیالایند
در آب کرفس اضافه نمایند و با یک چهاریک روغن
زیت بجوشانند تا آب برود و روغن بماند روغن
کمرات بواسیر را نافع بود صفت آب کنده نار روغن کنجد
نیم من باده درم مقل بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
روغن تاتوره جهت دفع سرعت انزال نظر ندارد چون
کف پا را بدان چرب کنند صفت تاتوره هندی از پوست

پاک کنند و نیم کوفته در میان شیشه کردن دراز کنند و
سر شیشه را بموی اسب محکم کنند و شیشه را بگل حکمت بگیر
ند و در کاسه بزرگ که آتش توان کرد ترتیب نمایند
و بیخ کاسه را سوراخ کنند و سر شیشه را از آن سوراخ بیرو
ن آورند و در زیر شیشه پیاله نهند و کاسه را بر بالا
ی سه پای نهند و آتش را بر بالای شیشه کنند و
اندرون کاسه دروغنی که از دو بچگان نگاه دارند روغن
عقرب سنگ منانه را پاره پاره کنند و بیرون آورد
هفت ریوند چینی سعد هندی جنطیانا پوست بیخ کبر
از هر یک یک وقیه روغن بادام تلخ یک رطل را در هاون
کوفته و در شیشه کنند و روغن بر سر آن ریزند و یک
هفته در آفتاب نهند و بعد از آن بپالایند و ده
عقرب زنده در آن اندازند و سر شیشه به بندند و
یک هفته دیگر در آفتاب بگذارند و بپالایند و دو

قطره

قطره از آن در احلیل چکانند روغن نارویین منقول از قانون
ادجاع بارده احشا و قولنج و معص ریحی را نافع باشد
و بادهای غلیظ را دفع کند و درد گوش ساکن گردا
ند و چون در بینی چکانند صداع شقیقه بارده را سود
دارد و رنگ را خوب گرداند و رحم را گرم گرداند و
چون در احلیل چکانند امراض مثانه را نافع باشد
و این روغن اشرف روغن هاست و منافع این بسیا
رست صفت قصب الذریره سعد ورق المغار عود
بلسان لک سادج هندی برگ مورد اذخر ابهل د
راسن قرد مانامی زنجبوش از هر یک بیست درم مساوی
نیم کوفته در شراب و آب خیسانند پس صاف کنند و
سنبل رومی رق نفل و میعه نیم کوفته کنند با آب شراب
و این روغن صافی بجوشانند پس صاف کنند و روغن
بلسان شصت درم بآن ضم کنند و بجوشانند تا آب بر

بورد و روغن بماند روغن ناردین بنسخه دیگر او را ام
علبه و معده را نافع باشد صفت روغن بان یک رطل
سنبل نیم وقیه مصطکی قسط سعد اذخر قصب الذریره
از هر یک یکدرم و نیم در شیشه کنند و سرش محکم سازند
و یک هفته در آفتاب بگذارند و بعد از ان صاف کنند
و ادویه دیگر باده در ان ریزند و همچنین تا سه نوبت
بعد از ان صاف کرده استعمال نمایند ماء العقارب سنگ
کرده و مثانه را بریزاند صفت بگیرند عقرب را و در شیشه
محکم کنند و در کل حکمت گیرند و در تنور گرم نهند شش
ساعت پس بیرون آورند کوفته و بحریر بیخته بگذارند
استعمال نمایند روغن جوز بوا صفت جوز بوا پنج مسقال قرنفل
چند بیدستر قرفیون از هر یک دو مسقال میعه یکمسقال
کندر نیمسقال روغن زیت هفت مسقال بدستور عمل نما
یند روغن جوز بوا بنسخه دیگر جوز بوا پنج مسقال قرنفل چند

بیدستر

بیدستر قرفیون از هر یک دو مسقال عنبر کند از هر یک
سه مسقال روغن زیت ده مسقال بطریق معمول روغن سازند
روغن مورد بنسخه دیگر از برای روئیدن موی ریش بسیار
نافع است صفت برگ مورد یکصد پنجاه مسقال سنبل الطیب
ساذج هندی حضوض مکی از هر یک دو مسقال سه شبا
نه روز بخیسانند بعد بجوشانند و شیره او را گرفته پنجاه
مسقال روغن زیتون داخل نمایند و بجوشانند تا آب بر
و روغن بماند عنبر لادن چینی از هر یک یکدانگ و نیم
در وحل نمایند و در وقت احتیاج بکار برند طریق گرفتن
روغن قرنفل یک طریق آنست که بطریق روغن تخم کتان میکنند
که از قرع منکوس گرفته باشند و طریق دیگر آنست که کرباس
نم کرده در ب کاسه چینی به بندند و قرنفل کوفته و نم کرده
بر روی آن کرباس پهن نموده پس پشت سینی را بر روی آن
گذارده توی سینی را آتش زغال میکنند تا روغنی که دارد

ز کاسه بچکد در انجا جمع شود موم روغن جهة شقاق دست
صفت گل خطمی بزرگ سفید بزر قطونا گل نیلوفر از هر یک چهار
مسقال موم سفید روغن بادام از هر یک پانزده مسقال
اجزا را جوشانیده صاف نموده موم سفید و روغن بادام را
اضافه نموده با آتش ملایم جوشانیده تا آب ها تمام شود موم
در روغن بماند روغن جهة شقاق صفت روغن تخم کدو و روغن
تخم هندوانه پیه قلوه بز پیه کوفته آب کرده پس یا روغن ها
ممزوج نموده در یک پیاله گلاب گرم بریزند و بسیار بر هم زنند
پس بگذارند تا سرد شود از گلاب جدا کرده نگاه دارند
روغن خیار جهة بواسیر و عرق النساء و بادهای که شانه
و کمر را بگیرد صفت خیار تخمی که زرد شده باشد چون
باوفس و کنند که فاصله هر یک بقدر جوی بوده باشد
در جای نمناک گذاشته تا جوها سبز شوند بعد از آن
دنبه میش را روغن گرفته با ذای هر ۱۲ مسقال دنبه

پنج عدد

پنج عدد خیار از خیار مغز بوره را کوفته و صاف نموده را
خل روغن نموده به آتش ملایم بجوشانند تا آب رفته روغن
نماند بعد از سرد شدن ربوند چینی مر مکی کندر
صبر سقوطری از هر یک سه مسقال کوفته و بیخته داخل
کنند خوب بر هم زنند تا ممزوج شود و از بعضی نسخه ها
مقل ازرق عنبر بعوض کندر داخل نموده و کرما مقل ازرق
بهتر باشد روغن اسود جهة اعصاب که خشک شده باشند
در موضع گرمی مثل حمام یا آفتاب بر اعصاب مالیده و
بسیار دست بر آن عضوی بمالند تا خوب نفوذ کند صفت
روغن بید انجیر هشتاد مسقال سفن موم زفت از هر یک پنج
مسقال بطریق معمول داخل هم نموده و بر روی آتش بگذارند تا
مخلوط شود روغن جهة جرب هر نوعی که بوده باشد صفت
روغن دنبه میش ده مسقال زرنیخ زرد حناء زرد چوبه
مازو از هر یک یکمسقال کوفته بیخته ممزوج نموده شب مثل

حنا بمالند و برگ توت سیاه بروی آن بگذارند و بحمام رفته
در حمام نیز بمالند و بشویند روغن جهت زخمهای تازه و خبیثه
که به هیچ مرهمی التیام نمی ساند از مجربات است صفت سفیداب
قلع دویست مثقال روغن کنجد هشتاد مثقال سفیداب را مغسول
نموده داخل روغن کرده بآتش ملایم جوشانیده تا سیاه شود
بعد از آن استعمال نمایند روغنی که از مجربات و ترکیبات از
جهة زخمهای تازه که خشک کرده نمیگذارد که به چرک آید
و در چند روز التیام یافته و به تجربه رسیده است صفت
روغن دنبه هشتاد مثقال اشق زرد چوبه نیل از هر یک ده
مثقال و طریق ساختن این روغن آنست که روغن را بروی آتش
گذارده تا گرم بشود بعد از آن اشق را نیمکوب نموده داخل کنند
و بآتش ملایم بجوشانند تا اشق سفید شود بر روی روغن
بیاید بعد از آن روغن را از روی آتش برداشته تا سرد
شود بعد زرد چوبه را نیمکوب کرده داخل کنند و بآتش

ملایم

ملایم بجوشانند تا اشق و زرد چوبه سیاه شود بعد از
آن دیگ را از آتش برداشته نیم سرد کرده مقل را خوب
صلایه نموده داخل نمایند و ملاحظه نمایند تا رنگ ا
ن سبز شود پس صاف نموده نگاه دارند و هر گاه قدری
ریشه درخت زرشک داخل نمایند بد نخواهد بود
باب الزرعونی پشت و کرده را محکم کند و معده را قوت
دهد و بلغم دفع کند و بوی دهن خوش کند و آب
از دهن رفتن باز دارد و بادها بشکند و ریگ
مثانه پاک کند صفت تخم کرفس تخم کند تا تخم شلغم شبت
تا تخواه رازیانه مغز تخم خربزه مغز تخم بادرنگ پنج کرفس ا
از هر یک پنج مثقال عاقرقرحا قرفه زعفران مصطکی عود
خام از هر یک پنجدرم بسباسه قرنفل کبابه چینی و
فلفلمویه از هر یک سه درم عنبر اشهب یکمثقال عسل سه
وزن ادویه کوفته و بیخته بآن بسرشند و بعد از

دو ماه استعمال کند ذرعوني دیگر منی بیفزاید و باه را
قوت دهد و پشت و کمر را محکم کند و در امر مجامعت
عظیم نافع باشد صفت تخم کرفس تخم کزر تخم شلغم تخم پشت
نانخواه را زیانه مغز تخم خربزه و بادرنگ بیخ کرفس مغز
القلقل مغز حب اللزم مغز نارجیل تازه مغز جلقوزه از
هر یک پنجمسقال بسباسه قرنفل فلفلویه عاقرقرحا کبابه
زنجبیل تخم اشبت تخم پیاز حب الرشاد انجره تخم کندنا
خولنجان جوز بوا کل سرخ قرنفه دارفلفل از هر یک سه
درم کل قرنفه زعفران کندر از هر یک چهار درم هلیون
بوزیدان بهمن سرخ بهمن سفید شقایق لسان العصافیر
از هر یک پنجدرم بصل الغار بریان کرده خصیة الثعلب
قضیب کاو سوده مغز کله کبجنک نرخشک مربی کشنیز خرما
از هر یک ده مسقال عنبر اشهب دو مسقال مشک خالص
نیم مسقال قند بوزن ادویه عسل بوزن مجموع بطریق

معهود

معهود معجون سازند کرم مزاج دو مسقال بنوشند و از
عقب ان ده درم شیر تازه و ده درم شکر در ان حل کرده بیا
شامند و سرد مزاج پنجدرم فرو برد و بعد از آن یک کاسه
ماء العسل بیاشامد والله اعلم باب السین سفرجل مسهل
معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد و قولنج بکشاید
صفت به صفاهانی را از پوست و دانه پاک کنند نیم من
در دیگ با شراب بجوشانند تا مهرا شود و از غربال بیرون
کنند و بکن عسل صاف بر سر ان ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و ان را در هاوکوفته و بیخته بان بسرشند
زنجبیل دارفلفل قاقله کبار و صغار دارچینی زعفران از
هر یک سه درم مصطکی پنجدرم تربد سفید سی درم
سقمونیا ده درم شربتی از پنجمسقال تا هفت مسقال باب
کرم جهت قولنج نافع باشد سفرجلی تابستانی صاحب
مزاج کرم را موافق باشد و در فصل کرما توان داد ازین

داد از این جهت محمد زکریا این را سفرجلی تابستان نام
نهاده صفت سمونیا ده درم و نیم تربد سفید ده درم
مغز خیار بنجد درم ورق گل سرخ و طباشیر از هر یک دو
درم و نیم ترنجبین و عصاره به از هر یک پنجاه درم آب به
و ترنجبین بجوشانند چندانکه ترنجبین گداخته شود
و بقوام آید پس داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند
و آن جمله ده شربت است سفرجلی مسکن شکم به بند دهد
معده را قوت دهد و دفع قی کند و لون را نیکو گرداند
و اشتهای طعام آورد صفت به اصفهانی و دانه پاک
کرده نیم من در سرکه بجوشانند تا مهل شود و بعد از
آن بگویند و نیم من عسل بر سر ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید فرو گیرند و این داروها را کوفته و بیخته
با آن بسرشند زنجبیل فلفل دارفلفل از هر یک چهار
درم لحم گرفلس نانخواه زعفران از هر یک دو درم شربتی

چهار مثقال سرنیا بادهای غلیظ را دفع کند و درد دندان
و قولنج و عسر البول بلغمی را سود دارد و سده جگر
بگشاید و صلابة آنرا به تحلیل برد و معده را گرم گرداند
و تخمه را نافع باشد و سرد مزاج را موافق باشد صفت جند
بیدستر دارچینی افیون اسارون قرمز و قرنفل از هر یک
یک درم فلفل دارفلفل قسط بادرد از هر یک شش درم
زعفران نیم درم بادزهر و عسل بگدازند داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند و بعد از شش ماه استعمال
نمایند شربتی دو مثقال تا ده درم با آب گرم سکنجبین سیاه
مغز را دفع کند و سرد و مزاج را نافع باشد و تبهای حار
و جگر را نافع باشد و تشنگی بنشاند و سده بگشاید
و بول براند صفت قند سفید یکمن در دیگ کنند و یک
چهاریک سرکه صاف بر روی آن ریزند و بجوشانند
تا بقوام آید و یک وقیه گلاب بر سر آن ریزند و فرو گیرند

سکنجبین بزوری با دسده جگر بگشاید و بول براند و استسقاء و تبها
حاره را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت پوست بیخ کاسنی
هفت درم سه تخمه از هر یک پنج درم و نیم کوفته در
آب یک چهارک سرکه خیسانیده یکشبانه روز دیگر
بجوشانند و بپالایند و یکن قند بقوام آورند و بر
آن کنند و در یکی باره بقوام آورند و فرو گیرند سکنجبین بزوری
حار سده معده و جگر بگشاید و بول براند و فضول از
معده پاک کند و مستسقی را نافع باشد صفت تخم کاسنی
نیم کوفته تخم کشوث تخم کرفس از هر یک پنج درم پوست بیخ
رازیانه پوست بیخ کرفس از هر یک ده درم در آب
سرکه خیسانند چنانکه ذکر کرده شد دیگر قند
اضافه کنند و بقوام آورند سکنجبین ریوندی یرقان و درد
جگر که از گرمی باشد سود دارد صفت تخم کاسنی نیم
کوفته بیست درم شاهتره تخم کشوث از هر یک

ده درم

ده درم ریوند چینی پنج درم ریوند را کوفته در کیسه
بندند با آب و یه دیگر در دو من آب بجوشانند و
زمان زمان کیسه ریوند را بدست بمالند تا شیره تمام
باز دهد و بعد از آن صاف کنند و با یکن قند و چهل
مسقال سرکه بجوشانند تا بقوام آید شربتی پانزده
درم با پنج درم گلاب سکنجبین ریوندی نوع دیگر درد جگر
را سود دارد و سده بگشاید و طبع را نرم کند صفت
ریوند چینی سی درم تربد سفید بسفایج فلسفی تخم
کاسنی نیم کوفته از هر یک بیست درم غاریقون پنج درم
مجموع را در دو من آب به پزند و سه درم دانگی زنجبیل
کوفته اضافه نمایند و صاف کنند و با یک چهارک سرکه
و یکن و نیم قند چنانکه ذکر رفت بجوشانند تا بقوام آورند
سکنجبین بزوری معتدل سده سپرز و جگر بگشاید و بول
براند و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت تخم کاسنی

تخم کرفس از هر یک سه درم تخم نیلوفر و کشوث از هر یک
پنج درم پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک هفت
درم مجموع نیم کوفته در سه رطل آب و بیست درم سرکه
بخیسانند یکشبانه روز دیگر بجوشانند و بایکن قند بقوام
آورند سکنجبین دهانه قلبهای محرقه را و جگر و معده گرم را بو
سود دارد و تشنگی بنشاند صفت آب انار ترش ترش از هر یک نیم
ترش از هر یک نیم بجوشانند تا بقوام آید و قدری زرشک
و سرکه صاف یک چهاریک بکن قند اضافه کنند و بجو
شانند و اگر بعوض سرکه تمر هندی کنند شاید سکنجبین
سفرجلی معده و جگر را قوت دهد و اشتهای طعام
آورد و سده جگر بگشاید و نافها را مفید بود و طعام
را هضم کند صفت آب به صاف کرده یکن با چهاریک سرکه
و یکن قند بجوشانند و بقوام آورند و اگر بجای سرکه
آب لیمو کنند صواب بود سکنجبین لیمو که همین خاصیت

دارد صفت آب به پنجاه مثقال سرکه صاف و آب لیمو
از هر یک سی مثقال قند سه مثقال یکن بجوشانند و بقوا
م آورند سکنجبین دیگر که صلابت سپرز را نافع باشد صفت
ریوند چینی غاریقون پوست بیخ کبر پوست درخت بید کرمانج
افتیمون غافث تخم کشوث تخم کاسنی از هر یک ده درم در یک چهار
یک سرکه و آب خیسانند و بجوشانند و با یک من قند بقوام
آورد سکنجبین دیگر که حرارت خمار و صفراء بنشاند و اسهال
صفرائی باز دارد و کسی را که آبله بدهد آمده باشد نافع باشد
صفت سرکه کهنه و گلاب از هر یک یک چهاریک برگ گل بجا
درم گلنار بیست درم در سرکه و گلاب خیسانند سه شبانه
روز پس بجوشانند و بپالایند و با یک من قند بقوام آورد
سکنجبین افتیمون مالیخولیا را و اصحاب نوحس و صرع را نافع
باشد صفت افتیمون ده درم بسفایج فستقی تربد سفید
از هر یک شش درم گاوزبان پرسیاوشان تخم کاسنی

ایرسا تخم کشوث پوست بیخ کاسنی از هر یک پنجدرم خاشا
ورق گل سرخ کافیطوس از هر یک چهار درم تخم بادرنج
فرنجمشک بادرنجویه زرنباد درونج عقرقرحا
بهمن سفید ساذج هندی قاقله سنبل از هر یک سه
درم گل قند آفتابی بوزن ادویه درسرکه و آب خیسانند
یکشبانه روز و بجوشانند و با یکمن قند بقوام آورند
سکنجبین افیمون نوع دیگر اسطوخودوس زرنباد شاه تره از هر یک پنج درم
افتیمون بسفایج قسطی شاء مکی پوست هلیله کابلی از هر یک ده درم و نیم
کوفته در پنجاه درم سرکه خیسانند و با نیم من قند بقوام آورند سکنجبین
قوه استسقاء صلابت طحال و ورم قلب جگر را نافع بود و سده
بگشاید صفت زرنباد پوست کرفس پوست بیخ کرفس تخم کاسنی انیسون
و پوست بیخ کاسنی خوشک زوفا فوه عاقرقرحا افسنتین از هر یک
ده درم تخم کشوث بیخ کرفس جعده سنبل اشارون از هر یک هفت
و نیم درم در صد درم سرکه خیسانند و یک من قند بقوام آورند

سکنجبین عنصلی

سکنجبین افیمون

سکنجبین فوه

صفت

سکنجبین عنصلی ضیق النفس و ربو و سرفه بلغمی را نافع بود صفت
سرکه عنصلی یک چهار یک عسل مصفی یک من بجوشانند تا بقوام
آید سکنجبین عنصلی نوع دیگر استسقاء را و درد پهلو که از سردی
بود و سرفه کهنه بلغمی و فالج و لقوه و سرسام بلغمی و ضیق النفس را
نافع باشد و سده بگشاید و بچه مرده بیندازد صفت سرکه
عنصلی یکمن زنجبیل زرنباد انیسون حلتیت عاقرقرحا فودنه نشتی
از هر یک ده درم تخم کرفس زیره کرمانی فرد مانا از هر یک
پنجدرم ادویه را نیم کوفته کنند و در سرکه عنصلی دیک
چهار یک عسل صاف خیسانند و یک هفته در آفتاب
نهند و بعد از آن بپالایند و نگاه دارند و پیش
از طعام سی درم استعمال نمایند سرکه عنصلی بیخ دندان
سخت کند و بوی دهن خوش کند صفت بگیرند پیاز
عنصل و بکارد جوبین پاک کنند و در ریسمان کشند
چنانکه بیکدیگر بچسبند و چهل روز در سایه نگاه دارند

سکنجبین عنصلی

صفت

سرکه عنصلی

صفت

تا خشک شود و بعد از آن در ظرفی کنند و هر یک پیاز
رانه من سرکه کهنه داخل نمایند و در ماه در آفتاب
نهند و بکار دارند که مفید است سفوف طباشیر دل
گرمی را سود دارد صفت گل سرخ طباشیر از هر یک سه درم
کشنیز خشک دو درم بسد جوز مرواریدی ناسفته کهربا از
هر یک نیم درم کافور دانگی دو درم باسکنجبین سرجلبی
سفوف دیونج خفقان سرد را سود دارد صفت دیونج عقربی
لسان الثور از هر یک شش درم زرنباد دو درم کوفته
و بیخته شربتی یکمثقال با چهار یک با شراب کهنه با ماء العسل
سفوف قاقله معده سرد را سود دارد صفت قرنفل کبابه
از هر یک پنج درم سنبل و مصطکی از هر یک سه درم
عود خام بیست درم شکر طبرزد بوزن همه شربتی یکمثقال
با ده درم گل قند سفوف حمل شهوت طین و شهوات روئیه
زنان حامله را نافع باشد صفت قاقله خیری بوا کبابه مساوی

شکر بوزن

شکر بوزن همه شربتی ده درم بآب گرم سفوف کرنب
تخم کاسنی تخم کرنب زرشک منقی عدس مقشر سماق
گل سرخ طباشیر مساوی کوفته و بیخته شربتی سه درم
با یک طبوخ کافور در آب انار حل کرده بنوشند سفوف
دیگر که دفع سرعت منی کند صفت تخم کرنب مغز بادام شیرین
مغز بادام تلخ بوده از هر یک سه درم نانخواه نمک سذاب
دیره از هر یک یک درم کوفته و بیخته در آب انار حل کنند
شربتی سه درم سفوف انیسون بادهای معده را از اخلاط غلیظ
پاک کند صفت نانخواه تخم کرفس از هر یک پنج درم کندر فقاح
مازو خرقسط مصطکی از هر یک سه درم سپندان
سفید درمی کوفته و بیخته با قانید بسرشند شربتی
پنج درم سفوف جوذ اسهال بلغمی باز دارد صفت جوز بربان
کرده سه درم نانخواه یکدرم کندر نیم درم کوفته

صفوف مطبوخ

باب کرم بنوشند سفوف مقلیلوا سیر و معض و اسهال کهنه
و نوخر و ضعف معده را نافع باشد صفت تخم تره تیرک بیست
درم زیره کرمانی درسر که خیسانند و خشک کرده
بریان پنجمثقال بذرالکتان و تخم کندنا هلیله سیاه
درسر و غن زیت بریان کرده از هر یک دو مثقال
مصطکی یکمثقال مجموع کوفته سوی تخم تره تیرک شربتی

صفوف دیگر

سفوف دیگر دو درم باب سرد که سلسل للبول را نافع باشد صفت
بلوط پنجاه درم کندر سی درم کثیرا خشک بریان کرده
کل ارمنی صمغ عربی از هر یک دو درم کلنار کزمازج
از هر یک پنجدرم شربتی سه درم باب خالص سفوفی
که همین خاصیت دارد صفت کندر بعد خولنجان زیره کرمانی
شاه بلوط حب الاس مساوی کوفته و بیخته بنوشند

سفوف نکه

سفوف معده و جگر و اوجاع مفاصل و امراض که سبب

ان امتلا

صفت

ان امتلا باشد نافع بود صفت نمک طعام سی درم فلفل سفید
بیست درم زنجبیل پانزده درم انیسون هفت درم تخم جرجیر
نانخواه نوشادر فلفل سیاه پورنه از هر یک ده درم کو
فته و بیخته شربتی سه درم باب کرم سفوف هلیله درم جگر

سفوف هلیله

را نافع بود صفت هلیله سیاه پوست هلیله کابلی از
هر یک چهل درم تخم کرفس انیسون رازیانه از هر یک پنجدرم

سفوف دیگر

درم کونه و بیخته شربتی سه درم باب شتر سفوف دیگر درم
جگر را سود دارد و بول براند صفت تخم خربزه تخم خیارین
از هر یک پنجدرم تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک سه درم و
تخم کرفس انیسون رازیانه رب السوس از هر یک دو
درم عصاره زرشک چهار درم ریوند یکمثقال لک مغسول
چهار دانک زعفران سنبل مصطکی انسنتین از هر یک یکدرم و
کافور دو دانک شربتی سه درم سفوف فرنجی نخود

سفوف فرنجی

سفید پنجاه درم درسی که وقدری آب خیسانند یک شبانه

روز خشک بریخ خشک کرده نان مبل خشک کرده از هریک درمی
مغز بادام مغسل شصت درم کندم جو کندم از هریک سی درم خشخاش
سفید سی درم شکر طبرزد نیم مجموع کوفته در یک دیگر ممزوج
سازند و هر صباح سی درم با شیر تازه بیاشامند سفوف یهودی
ارجهه زجر مجربست صفت تخم نرگس بریان کرده بزر قطونا
بریان کرده از هریک دو درم زهره کرمانی تخم کندنا تخم شبت خشخاش
انیسون تخم کرفس بزر البنج از هریک دو درم و نیم افیون سه درم
و دانگی کوفته و بیخته از آن سفوف سازند سفوفی که نفث الدم
را نافع باشد صفت طباشیر گل سرخ گل ارمنی گل مختوم شادنج
عدسی مغسول تخم خرفه از هریک پنجدرم بسد کهربا
مروارید ناسفته خشخاش سفید رب السوس اقاقیا
عصاره لحیة التیس از هریک سه درم بزر قطونا بیست و دو
افیون دو درم مجموع کوفته و بیخته سوی بزر قطونا
سفوف سازند هر شب دو درم آب باران با آب خرفه

و اگر حرارت قوی نباشد سه درم کند و اضافه نما
یند سفوف حب الرمان مغث معده و امعاء و اسهال مراری
را نافع بود صفت انار دانه بریان کرده ده درم بلوط سماق
دو درم کرمانی مد برحب الآس سنجد کشنیز خشک بریان کرده
من نوب نبطی آرد کنار از هریک پنجدرم عود خام نیم
درم آمله یکسقال کوفته و بیخته با رب نار استعمال
نمایند شربتی سه درم سفوف اطبی و آنرا سفوف النسا
نیز گویند اسهال ادمی و مری را نافع بود صفت بزر قطونا و
ریحان تخم مورد نشاسته تخم حماض برب بریان کرده صمغ عربی
گل ارمنی طباشیر مساوی کوفته بیخته از سه تخم اول در یک
یک بیامیزند شربتی سه درم بروغن گل بادام چرب کنند
و بگلاب تر کرده فرو برند سفوف ابن ماسویه جهت ترخص و وجع
امعاء و سحج نافعست صفت تخم خطمی مقشر تخم خبازی مقشر از
هریک پنجدرم نشاسته بریان کرده سه درم صمغ عربی

کل ارمنی از هر یک دو درم کوفته و بیخته شربتی سه درم
ساماسی که طباشیر و کل ارمنی و صمغ عربی در آن منقوع بود
باشد نافع بود سفوفی که شکم به بندد و ضعف معده را نافع
بود صفت سماق نانخواه زنجبیل نار دانه بریان کرده زرشک
منقی آرد کنار از هر یک دو درم نبات سفید کوفته بیست
درم شربتی یکمثقال سفوف سماق تشنگی بنشاند و اسهال معدی
را نافع باشد صفت سماق ده درم حب الآس نار دانه بریان
کرده از هر یک پنج درم صمغ عربی کلنار از هر یک دو درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند شربتی یکمثقال سفوف سورنجان
نقرس و مفاصل و عرق النسا را نافع باشد صفت سورنجان
مصری سه درم سنا مکی هفت درم پوست هلیله زرد
مغز بادام مقشر از هر یک سه درم زعفران پنج درم سقمونیا
یک درم قند سفید سی درم و اگر ماده بلغمی باشد ترید
سفید پنجمثقال اضافه نمایند و سقمونیا پنج درم زیاده کنند

سفوف سرطان

سفوف سرطان که مسلول را نافع بغایت بود صفت سرطان نهری
محرق دو درم طین قبرسی صمغ عربی خشخاش سفید خشخاش
سیاه مغز تخم خربزه از هر یک پنج درم کوفته و بیخته شربتی
یکمثقال با شراب انار شیرین یا شراب خشخاش دهند
سفوفی که سنگ کرده و مثانه اطفال را پاک کند صفت
مغز تخم خربزه صمغ عربی مع الوقلت مساوی کوفته و بیخته شربتی
پنج درم تا یک درم سفوفی که خفقان گرم را نافع باشد صفت
کل ارمنی کثیرا خشک از هر یک یک درم طباشیر کهربا از هر یک
پنج درم کافور دانگی کوفته و بیخته با دوغ کاو دهند
سفوف اسطالیس که از برای اسکندر ساخته بود و زرب
و بنای معده و زردی روی و وسواس و نسیان را نافع بود
و طعام را هضم کند و بوی دهن خوش کند و دل را قوت
دهد صفت قرفه سارج عود هال اسارون مصطکی
هلیله کابلی فرنجمشک نارمشک زیره کرمانی دارچینی

اشنه فلفل دار فلفل زنجبیل قرنفل انار دانه جوز بوا کافور
قاقله از هر یک دو درم مشک عنبر از هر یک یکدرم شربتی
تا سه درم قند سفید سه برابر سفوف عباده معده سرد و
تن را نافع بود و جگر را قوت دهد صفت لک مانسول حب
الاس بلوط مصطکی ماز و عود بلسان پوست انار از هر یک
چهار درم زنجبیل و کندر از هر یک یکدرم نبات پنجاه
درم شربتی سه مثقال یکهفت استعمال نمایند و کوشت
نخورند سفوف ورق گل سرخ زرشک منقی لک از هر یک
یکدرم و نیم فوه طباشیر صندل سفید نشاسته صمغ عربی
از هر یک یکدرم ریوند چینی نیم مثقال تخم حماض یک مثقال زعفران
دو دانگ کوفته و بیخته سفوف سازند سفوفی که فواق
بلغمی را دفع کند صفت تخم کرفس فطراسالیون سعد از هر یک
دو درم و نیم دوقو پوست بیرون پسته انیسون فودنج
اسارون قسط زیره کرمانی از هر یک سه درم وج نیم درم

شربت دو درم سفوفی که درد جگر و تهیج را بر دهد گل سرخ
هشت درم زرشک پنجدرم سنبل و مصطکی و عناره غافث
افسنتین رومی ریوند چینی از هر یک دو درم فقاع اذخر اسارون
رب السوس از هر یک دو درم و نیم زعفران یکدرم شربتی
دو درم با سکنجبین سفوفی که حرارت جگر را بنشاند و تب را دفع کند
و اسهال صفراوی باز دارد و غلبه خون را ساکن کند و کسی را که
ابله بخواهد آمد سود دارد صفت ورق گل سرخ ده درم
طباشیر بیست درم سماق تخم حماض عدس مقشر زرشک
تخم خرفه تخم کاهو خشخاش سفید از هر یک پنج درم
صندل سفید دو درم و نیم کافور یک درم شربت سه
درم با شراب حماض یا شراب قوره یا شراب انار سفوف کهربا
خون بسیار که از رحم رود باز دارد صفت کهربا گل ارمنی
کلنار دم الاخوین لک مساوی کوفته و بیخته شربتی سه
درم با یکدانگ افیون در یک وقیه نقیع سماق حل کرده بدهند

سفوفی که از جهت بول الدم نافع بود صفت شاذنج مغسول و
دم الاخوین بسد کهربا شب یمانی کلنار تخم خربزه گل ارمنی
گل قبرسی مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم باب سماق
بسفوف سورنجان ارجاع مفاصل را نافع باشد صفت سورنجان هفت
درم زیره کرمانی بریان کرده فودنه از هر یک دو درم
فلفل یکدرم قند سفید دوازده درم کوفته و بیخته شربتی
سه درم سفوف حجر الیهود سنگ گرده و مثانه را پاره کند و بیرون
آورد صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو مغز تخم خربزه از هر یک
پنج درم خسک عربی چهار درم حجر الیهود قلت از هر یک
سه درم تخم کرفس سیسالیوس قطرا سالیون از هر یک یکدرم
صمغ عربی کتیرا از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم
با شراب خسک سفوف حجر الیهود نسخه دیگر تخم قلت پانزده درم مغز تخم کدو
مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه از هر یک چهار درم سیسالیوس
دو درم صمغ عربی نشاسته کتیرا از هر یک سه درم حجر الیهود

شش درم

شش درم قند سفید هشتاد و هشت درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم باب تخود سیاه سفوفی که در ساعت شکم به بندد
صفت شاه بلوط سه درم مازو پوست انار از هر یک چهار درم
گل سماق شش درم حب الآس هفت درم کوفته و بیخته شربتی
دو درم باب سرد سفوف منوم کند و عود خام از هر یک دو درم
خشخاش ده درم زعفران دانگی نبات بیست درم کوفته و بیخته
شربتی یکدرم سفوف که شهوات رویه زنان حامله را دفع کند
و معده را قوت دهد و اشتهای طعام آورد صفت زرنباد
تخم کرفس نانخواه زیره کرمانی از هر یک دو درم کندر
سه درم کنجد مقشر ده درم نبات نود مثقال کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که وجع مرعت انزال کند صفت طباشیر
سفید خشخاش انیسون کندر از هر یک یکدرم جوز الرو
سه درم کوفته و بیخته شربتی دو درم بشراب خشخاش
سفوفی که مدقوق و مسلول و قروح سینه و نفس انده را نافع

باشد صفت صمغ عربي لنشاسته كتيرا مغز بهدانه خشخاش سياه
تخم كاهو تخم خطمي از هر يك شش درم صندل سفيد دو درم
شكر العنب طباشير از هر يك سه درم ورق گل سرخ تخم خيارين
خيادي تخم خرفه از هر پنجدرم مغز تخم خيارين مغز تخم كدو
وعصاره لسان الحمل گل مختوم گل ارمني گل قبرسي از هر يك چهار
درم زعفران يكدرم كوفته وبيخته شربتي دو مثقال با نيمدانك
كافور دو دانك رماد السرطان بشراب خشخاش وشيره
تخم خرفه نافع باشد سفوفي كه بادهاي نفع كند واستسقاي
طبلي را نافع باشد صفت تخم كرفس رازيانه انيسون اسارون
فسطريون چيني از هر يك دو درم زيره كرماني سه درم
سنبل سعد از هر يك يكدرم ونيم كوفته وبيخته شربتي يكمثقال
سفوفي كه اسهال معدني را نافع باشد صفت انار دانه بريان
كنند آرده كنار آرد سنجد از هر يك ده درم كثيرا خشك بريان
كرده پنجدرم خرنوب شامي خرنوب نبطي وبلوط درسكه

خيسانند يكشبانه روز در سايه خشك كرده وبريان كرده از
هر يك پنجدرم سماق سه درم كوفته وبيخته شربتي دو درم
سفوفي كه قرحه مثانه را نافع باشد صفت دم الاخوين شادنج
عدسي مغسول لنشاسته تخم كرفس از هر يك نيمدرم صمغ عربي
يكدرم مرمائي دو دانك كاكنج دو درم كوفته وبيخته شربتي
يكدرم ونيم با شراب خشخاش سفوف لؤلؤ يتيم وسنطاريايي كبيري
را نافع باشد ومعده ودل وجگر را قوت دهد وحرارت
وتشنگي بنشاند صفت مرواريد ناسفته چهار درم بسد
سوخته كلنار طباشير خرنوت گل ارمني گل قبرسي تخم گل
صندل سفيد بارتنگ بريان كرده تخم حماض بلوط بريان
كرده تخم مورد بست كنار آرد سنجد كثيرا خشك بريان كرده
صمغ عربي بريان كرده سماق زرشك پست جو بريان كرده
طباشير تخم خرفه بريان كرده بذر قطونا بريان كرده از
هر يك سه درم گل ارمني گل مختوم مصطكي از هر يك يكدرم

گل سرخ ۱۰
گل قند سفيد ۲۰
گل بيد ۳
گل بيد وبيخته نرم ساز ۶
گل ولي تخم كرفس ۱۰
كاوزبان گلاب ۳۰
زرنباد ۳
زرنباد ۴
قند سفيد كوبيده ۳۰
كوبيده

انار دانه پنج درم کهربا عقاقیا مغسول از هر یک دو درم مجموع
کوفته و بیخته بعد از بار شنک و بذر قطونا سفوف سازند
سفوف دنب تخم حماض و زرشک بیدانه تخم دنبیب کشنیز خشک بریان
کرد گل سرخ خرنوب شاه بلوط بجا شیر از هر یک یک درم سماق
حب الاس از هر یک دو درم انار دانه چهار درم مجموع کوفته و
بیخته سفوف سازد اسهال معدی و امعائی معده را نافع باشد
سفوف خرنوب نبطی بیدانه زهره کرمانی عدس سماق پست کنار
حب الاس مصطکی بلوط کشنیز خشک بریان کرده مساوی کوفته و
بیخته شربتی یک مثقال باب مورد نافع بود سفوف ابن زر
بادهای بشکند و معده را قوت دهد صفت کرویا انیسون زیره کرمانی
قاقله نانخواه تخم کرفس از هر یک دو درم قرنفل نیم درم زنجبیل دارفلفل
از هر یک دانگی قند بیست مثقال کوفته و بیخته شربتی دو درم سفوف
حب العنب شکم به بندد و معده را قوت دهد صفت دانه انگور
صمغ عربی از هر یک چهار درم حب الاس و سماق از هر یک

دو درم مصطکی کلنار از هر یک یک درم کوفته و بیخته
سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت اسهال که بان
سرفه باشد صفت حب الاس شاه بلوط خشخاش خرنوب
از هر یک دو درم صمغ عربی یک درم کوفته و بیخته شربتی سه
درم سفوف دیگر که همین خاصیت دارد صفت صمغ عربی طباشیر
گل ارمنی حب الاس از هر یک چهار درم پرسیاوشان
کندر از هر یک یک درم خرنوب شامی و مقل مکی از هر یک
سه درم کوفته و بیخته شربتی سه درم بشراب خشخاش سفوفی
که صرفت بول و وجع کلیه و مثانه را نافع باشد و بول براند
صفت مغز تخم خربزه سی درم مغز تخم خیار مغز تخم کدو و تخم خرفه
خشخاش سفید از هر یک ده درم نشاسته کثیرا رب
السوس از هر یک سه درم بذر البنج سفید دو درم
قند بوا برهه شربتی سه درم شبانگاه بشراب خشخاش
سفوف دیانیطس صمغ عربی گل ارمنی کلنار سماق بلوط

از هر یک پنج درم نشاسته کتیرا بحم کاهو تخم خرفه از
هر یک سه درم صندل سفید یکدرم کوفته و بیخته
شربتی سه درم باب انار ترش سفوفی که اوجاع مفاصل
را سود دارد صفت سورنجان ده درم سقمونیا یکدرم
چهار دانک کبابه یکدرم قند سفید سی درم کوفته
و بیخته شربتی سه درم سفوفی که بواسیر را اسهال و زحیر
و معص را نافع بود صفت تخم ترهٔ تیزک بریان کرده نود مثقال
بزرک بریان کرده بذر قطونا از هر یک سه درم تخم کرفس
بریان کرده و گل ارمنی و تخم مرو از هر یک دو درم بنیم
صاع عربی یکدرم کوفته و بیخته سوای تخم ترهٔ تیزک و بذر
قطونا و تخم مرو سفوف سازند سفوفی که مانعست از جهت
حرارت جگر و یرقان و دقت الدم و سده جگر صفت
بهدانه مقشر نشاسته مغز تخم خیار از هر یک چهار درم
ورق گل سرخ گل ارمنی لک مغسول سنبل اصل السوس از هر یک

یکدرم

یکدرم طباشیر پنج درم مصطکی دو دانک شربتی یکدرم
باب سرد سفوفی که نافعست از جهت یرقان و درد جگر و قی
صفراوی صفت لک مغسول یکمثقال طباشیر دو درم زعفران
یکدرم دیونه چینی دانگی شربتی دو درم با شراب تمر هندی
با شراب الو سفوف مجرب جهت دفع اسهال مجرب است صفت
هلیله سیاه دو عدد زنجبیل عدد جوز بوا عدد
همه را باب لیمو آمیخته نباشتا بنوشند سفوف بلوط معده را
قوت دهد و اسهال باز دارد صفت بلوط شاه بلوط دانه مویز
آرد کنار از هر یک دو درم خرنوب بنطی و حب الآس
از هر یک بیست درم کوفته و بیخته شربتی سه مثقال
سفوفی که همین خاصیت دارد صفت دانه مویز تخم حماض انار
دانه صمغ عربی از هر یک سه درم حب الآس و بلوط
از هر یک چهار درم خشخاش سفید یکدرم کوفته
و بیخته شربتی سه مثقال سفوفی از جهت اشتهای طعام

صفت مصطکی آمله از هر یک دو مسقال پوست ترنج و
عود خام قرنفل از هر کدام یک مسقال سفوف سازند
شربتی سه مسقال با گلاب سفوف جهت از جهت سرعت انزال که
سبب آن حرارت باشد نظیر ندارد صفت بذر قطونا دو درم
تخم خرفه سه درم کتیرا خشک یکدرم و نیم شربتی یکمسقال
بنا شتا سفوف سازند سفوفی که نافعست از جهت فواق
امتلائی صفت تخم کرفس سعد زیره کرمانی مساوی کوفته و
بیخته شربتی یکمسقال سفوفی که نافعست از جهت ضعف معده
که سبب آن حرارت باشد صفت گل سرخ کهربا از هر یک پنج درم
عود دو درم زرشک ده درم آمله طباشیر از هر یک سه درم
سنبل یکدرم زعفران کافور از هر یک دو دانگ کوفته
و بیخته شربتی یکمسقال با شراب انار سفوفی که رنگ را سرخ
دارد صفت زرنباد خشک ده درم زعفران سه درم
قند سفید سی ده درم کوفته و بیخته هر روز دو درم

سفوف

سفوف سازند سفوفی که سده سپرز بگشاید و طحال را
نافع باشد صفت تخم کاسنی کرمانی از هر یک پنج درم حب
الغقد یکدرم و نیم کوفته و بیخته شربتی سه درم با سکنجبین
سفوف
که نافعست از جهت وجع کلیه که سبب آن برودت باشد
صفت فسط سنبل فرد مانا تخم کرفس کوفته و بیخته شربتی یکدرم
سفوفی که بدن را لاغر گرداند صفت گل مغسول دو درم
نانخواه تخم سداب زیره کرمانی از هر یک چهار درم مرزنجوش
بوره ارمنی از هر یک یکدرم کوفته و بیخته شربتی
هر روز یکمسقال بکلقند بنوشند سفوفی که هر خاصیت
دارد صفت گل مغسول رسند روس از هر یک چهار دانگ
مرزنجوش نیم درم زاج زراوند مدحرج جنطیانا از
هر یک دانگی و نیم کوفته و بیخته شربتی دو دانگ سفوفی که قطع
سیلان منی کند و سرعت انزال را نافع باشد صفت
تخم سداب سه درم قنجکشت مج سوسن از هر یک دو درم

کلنار و ورق گل سرخ یک درم و نیم کوفته و بیخته دو درم
از آن در دوغ یا آب غوره حل کرده بنوشند سفوفی که نافع
از جهت قروح کلیه و مثانه صفت گل مختوم دم الاخوین
نشاسته کندر مر سحق خربزه تخم کرفس مغز تخم خیار مغز تخم کدو
حب السوس لک مغسول ریوند چینی مغز حب الصنوبر
خشخاش بذر البنج مساوی کوفته و بیخته شربتی دو درم
بیفتجج سفوفی که وجع کلیه و مثانه را تسکین کند صفت
بذر البنج دانگی افیون قیراطی مغز تخم خیارین سه درم
تخم کاهو تخم خرفه از هر یک درهمی کوفته بشراب خشخاش
بنوشند سفوفی که از جهت استرخای زبان نافعست صفت
دارچینی حاماسنبل از هر یک سه درم ساذج نانخواه
زراوند طویل کرفس شبت مصطکی سبسالیوس دوقو
انیسون از هر یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک
دو درم کوفته و بیخته شربتی یک درم با آب گرم یا شراب کهنه

سفوفی

سفوفی که در آبستن معین باشد صفت نشاره عاج و نبات
از هر یک یکمثقال زن سه شب سفوف ساز و شب
چهارم مرد با او همجامعت کند بشرط آنکه بعد از طهر باشد
و بعضی گفته اند نشاره عاج را زن هفت روز متوالی
هر روز دو درم بماء العسل بیاشامند و بعد از آن جماع را
دست دهد آبستن شود سفوفی که بول براند و حرقة البول را
نافع باشد صفت مغز تخم خیارین مغز تخم کدو و تخم خرفه و
خشخاش نشاسته کتیرا رب السوس از هر یک سه درم بزر البنج
دو درم قند سفید برابر ادویه شربتی سه درم با شراب
خشخاش سفوفی که قی الدم را نافع باشد صفت گل ارمنی صمغ
عربی کلنار دم الاخوین کندر از هر یک نیم درم کوفته و
بیخته باده درم رب به بنوشند سفوفی که قی بلغم را دفع
کند صفت کندر مصطکی از هر یک پنج درم عود خام
هفت درم انار دانه پانزده درم قرنفل قاقله جوزبوا

لبیاسه سعد کوفی نعناع از هر یک چهار درم پوست ترنج
ترنجبین از هر یک ده درم گل سرخ شش درم سنبل آمله
هر یک پنجدرم کوفته و بیخته سفوف سازند شربتی
سه درم سفوف که شهوات طبع و شهوات و زایه زنان حامله
را نافع باشد صفت انیسون کرفس زیره کرمانی نانخواه
از هر یک ده درم فلفل سفید دو درم و نیم قرنفل بیست درم
کوفته و بیخته شربتی یکمثقال سفوفی که همین خاصیت دارد
صفت مصطکی زیره کرمانی نانخواه فاقلین مساوی نبات
برابر همه کوفته و بیخته سفوف سازند سعوطی که صداع
گرم و خشک را نافع باشد سعوطی آب کاهو و روغن نیلوفر
از هر یک یکجزو شیر دختر دو جزو بیکدیگر ممزوج ساخته
در بینی چکانند سعوطی که فالج و لقوه را سود دارد صفت
حب سقوطری شونیز بوره ارمنی مساوی کوفته و بیخته در آب
چقندر حل کرده در بینی چکانند سعوطی که درد بیخ و درد چشم

اطفال

اطفال را نافع باشد صفت کندش حضض مکی کندر از هر یک
یکدرم سعتر زعفران و مر از هر یک نیم درم کوفته و بیخته
گلولها سازند و بوقت حاجت لبش دختران یا با روغن
بنفشه بادام بسایند و در بینی چکانند سعوطی که صداع
بلغمی را دریجی و دوار را نافع باشد صفت حب مر کندر
حضض جند بیدستر زعفران دار فلفل فلفل سفید از هر یک
یکدرم کندش دو درم مشک نیم درم کوفته و بیخته با آب مرزنجوش
بسایند و در بینی چکانند سعوطی که سکته و فالج و لقوه
را نافع باشد صفت زهره کلنگ با آب سداب سائیده با
جند بیدستر و با ماء العسل در بینی چکانند سعوطی که صداع حاد
را نافع باشد صفت روغن بنفشه با دام و روغن گل و آب کاهو
آب کاسنی شیر دختران مساوی بهم بیامیزند و در بینی
چکانند سعوطی که درد شقیقه را نافع باشد صفت روغن
بادام آب مرزنجوش در بینی چکانند سعوطی که سرسام و

و صداع بارد را نافعست صفت آب مورد عرق بید مشک
صندل و کافور بیکدیگر مخلوط ساخته در بینی چکانند
سعوطی که صداع بارد را و نسیان را سود دارد صفت جوز بوا
درمنه ترکی قرنفل مر زنجوش از هر یک یکمثقال بسباسه
چهار مثقال کوفته و بیخته با آب مر زنجوش در بینی چکانند
سعوطی که خنازیر را نافع باشد صفت بسباسه کاوزبان از
هر یک یکدرم زهره خاریشت و کافور از هر یک یکدانگ
و نیم زعفران نیم درم کندش دو درم با سرکه در بینی چکانند
سعوطی که هیمن خاصیت دارد صفت دار فلفل مامیران و
شیح هندی از هر یک یکدرم مشک طرامشیع تخم نیجکشت
از هر یک سه درم با سرکه و روغن گل در بینی چکانند
سعوطی که فالج و شقیقه را مرض بارده رطبه که در سر و
چشم باشد سود دارد صفت حصی مرکبی از هر یک یک
عدس سعتر از هر یک پنج درم صمغ سداب زهره کلنگ

وجاوشیر چند بید ستر و شونیز از هر یک سه درم نبات
و زعفران از هر یک دو درم صبر فرفیون از هر یک نیم درم
کوفته و بیخته بآب خالص قرصها سازند هر یک مقدار عدس
و در وقت حاجت یکی از آن با آب مر زنجوش در عین نیفه
بادام سائیده در بینی چکانند سعوطی که رعاف را نافع باشد
صفت کاغذ سوخته پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا مازو درس که
انداخته و سوخته پوست انار ترش کنند در مر صاف صدف سوخته
شادنج مغسول کافور از هر یک دانگی با آب بادروج در بینی
چکانند سعوطی که رعاف را نافع باشد صفت چوب آب نوس
سوخته بلغار سوخته صمغ عربی پوست تخم مرغ سوخته اقاقیا کافور
مازو درس که خیساند کنند در مر صاف شادنج مغسول با آب بادروج
در بینی چکانند سنونی که ضعف اسنان را نافع باشد صفت
سورنجان قرنفل سعد کن مازج پوست هلیله زرد و ضدل
سفید گل سرخ مساوی کوفته و بیخته معجون سازند سنونی
دیگر که هیمن خاصیت دارد صفت پوست هلیله زرد نمک

هندي از هر یک پنجدرم فرفه پانزده درم دارچینی سعد
سه درم شب یمانی وسماق از هر یک دو درم عاقرقرحا هفت
درم نوشادر دارفلفل آمله زعفران از هر یک یکدرم گل کزنه
سه مسقال شقاقل قاقله کلنار از هر یک چهار درم زرنباد
شانزده درم کوفته وبیخته سنون سازند سنون که حافظ
صحت اسنانست صفت سناخ کوزن محرق کزمازج سعد سنبل
از هر یک چهار درم نمک اندرانی یکدرم کوفته و
بیخته سنون سازند سنون که دندان را از چرک پاک کند
صفت نمک اندرانی جوسوخته زبد البحر سماق مشحونیا
مساوی کوفته وبیخته سنون سازند سنون که دندان متحرک
را محکم کند صفت کلنار شب یمانی آمله اقاقیا مساوی کوفته
وبیخته سنون سازند سنون که همین خاصیت دارد صفت
شب یمانی کلنار کزمازج مساوی کوفته وبیخته لبسه که لبس شنند
در سایه خشک کنند و دکر باره بکوبند وسنون سازند
سنون که نافعست از جهة درد دندان که سبب آن ورم

لثه

لثه باشد صفت محم فرفه کثیرا خشک سماق عدس مقشر صندل
سفید عاقرقرحا کافور مساوی کوفته وبیخته بر لثه دندان فشانند
بعد از ان که بگلاب وسرکه درد دهن نگاه داشته باشند
سنون که بیخ دندان را سخت کند وخون باز دارد صفت سناخ
کوزن محرق نمک اندرانی پوست هلیله زرد وگل سرخ از
هر یک ده درم کلنار یکدرم کوفته وبیخته بر لثه دندان
فشانند سنون که دندان را محکم کند وخون رفتن باز دارد
بوی دهان خوش کند صفت هلیله بلیله آمله مقشر گل سرخ
کلنار اقاقیا شب یمانی فوه طباشیر عاقرقرحا مساوی کوفته و
بیخته سنون سازند سنون که خون رفتن از بیخ دندان باز دارد
صفت شب یمانی محرق یکدرم نمک بریان کرده دو درم سماق
سه درم کوفته وبیخته سنون سازند سنون که درد دندان را
نافع باشد وبوی دهن را خوش کند صفت ابهل جزر
السرو عاقرقرحا مساوی کوفته وبیخته استعمال نمایند

سنون که ناسور بن دندان را باصلاح آورد صفت بیخ سوسن و
عاقرقرحا از هریک یکدرم شب بمانی کلنار مازو و سماق از
هریک دو درم کوفته و بیخته سنون سازند سنون که زردی
و سیاهی از دندان ببرد و بوی دهن را خوش کند
صفت کزمازج زنجبیل زبد البحر فلفل قاقله از هریک دو درم
غلت هندی بریان کرده ده درم جوسوخته هفت درم کوفته
و بیخته سنون سازند سنون ملبانی که خون رفتن از لثه باز دارد و
بوی دهن خوش کند صفت شب بمانی پنجدرم پودنه کوهی ده درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که نافعست از جهت درد
دندان که سبب آن رطوبت باشد صفت فلفل سفید دو درم
و نیم بوره ارمنی یکدرم و نیم عاقرقرحا زنجبیل مویزج از هریک
یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که لثه را محکم کند و
بوی دهن خوش کند صفت سعد کل سرخ از هریک پنجدرم
کلنار کزمازج فوفل از هریک سه درم دم الاخوین کندر

قرنفل

قرنفل نمک اندرانی مصطکی پودنه مرق از هریک دو درم عود
خام یکدرم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که بیخ دندان را
محکم کند و خون رفتن باز دارد صفت پوست انار ترش ده درم
شب بمانی هشت درم عاقرقرحا کل سرخ کزمازج سماق از هریک
چهار درم نمک هندی پوست هلیله زرد از هریک دو درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که خون رفتن از بیخ دندان
باز دارد صفت کات هندی فوفل کلنار کل سرخ سماق دم الا
خوین مساوی کوفته و بیخته شب بیاشند و صباح بگلاب و آب
مضمضه کنند سنون که دندان سیاه شده را سفید کند صفت
پوست هلیله زرد ده درم فلفل چهار درم حماما سه درم و
ساذج هندی دو درم مازوی سوخته هشت درم کوفته
و بیخته بر دندان مالند سنون که لثه را محکم کند و نتن رطوبات
کند صفت کلنار دو درم نوشادر ده درم مویزج سه درم
مازو یکدرم پودنه سوخته ده درم نمک بعسل بسرشند و

سوخته ده درم کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که دندان
را جلا دهد و لثه را محکم کند و بوی دهن خوش کند صفت
کلنار ده درم نوشادر ده درم مویزج سه درم مازو یکدرم
پودنه سوخته ده درم نمک بعسل سرشته و سوخته ده درم
کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که دندانرا جلا دهد و لثه
را محکم کند و بوی دهن را خوش کند صفت شب یمانی سوخته نه
درم شیخ سوخته ده درم نمک اندرانی زبد البحر جو سوخته
چوب تاک سوخته از هر یک ده درم عاقرقرحا چهار درم
کوفته و بیخته سنون سازند سنون که خون باز دارد و لثه
را محکم کند صفت گل کز آمله از هر یک سه درم عصاره لحیة
التیس گل محتوم ابهل از هر یک یکدرم دارچینی نیم درم کوفته
و بیخته استعمال نمایند سنون که دندانرا سفید کند و بوی
دهن را خوش کند صفت زبد البحر ده درم نمک بریان کرده
دو درم عود سوخته و جو سوخته سفال چینی کز مازج و

کلنار

کلنار عاقرقرحا قرنفل سادج هندی گل سرخ سعد سماق
از هر یک سه درم کوفته و بیخته در دندان مالند سنون که چون
در محل داردی الشک مالیدن بر دهن و بیخ دندان افشانند
منع دهن جوش کند و اگر بر دهن جوشیده استعمال نمایند
بصلاح آورد صفت زراوند مدحرج دم الاخوین کندر برگ
مورد سعد کلنار بیخ سوسن مازو مساوی کوفته و بیخته استعمال
نمایند سنون که قلاع را نافع بود و دهن جوش و بیخ دندان
محکم سازد صفت شاف ماميثا طباشیر تخم گل سرخ لسان الحمل و
پوست هلیله زرد کلنار برگ زیتون کز مازج شب یمانی
مساوی کوفته و بیخته استعمال نمایند سنون که آکله و ناسور
بیخ دندانرا نافع باشد و خون رفتن باز دارد صفت مر نشادر
بیخ سوسن زرنیخ سرخ عاقرقرحا مساوی کوفته و بیخته استعمال
نمایند سنون که همین خاصیت دارد صفت بیخ سوسن عاقرقرحا از
هر یک یکدرم شب یمانی کلنار مازو و سماق از هر یک دو

کوفة و پنجه سنون سازند سنون که دندان متحرک را محکم سازد
هفت من نوشاب بمانی نشاسته گل سرخ سماق پوست انار ترش
استخوان هلیله زرد شت کلنار مازو کزمازج مساوی کوفته
و پنجه بر بیخ دندان افشانند سنون که اکله دهن و لثه را نافع باشد
هفت پوست انار ترش شیرین از هر یک سی درم مازو کلنار
شب یمانی کاغذ سوخته عاقرقرحا از هر یک ده درم سماق بانو
ده درم نمک هندی نشادر از هر یک پنج درم کوفته و بیخته
بیز که بیز شند و کلولها سازند و در سایه خشک کرده
در وقت احتیاج دیگر باره بکوبند و استعمال نمایند
که استرخاء دندان را نافع باشد و دندان را از جرک پاک
کند پوست انار دو درم کلنار زرد چوبه سماق شب یمانی مازو
از هر یک یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند باب انتی شراب
افسنتین معده را قوت دهد و از اخلاط فاسده پاک گرداند
هفت افسنتین رومی پنج درم دق گل سرخ بیست درم قوبد سفید

ده درم

ده درم در دو من آب بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه
کنند و بقوام آورند شراب افسنتین نوع دیگر معده ضعیف و جگر و پیرزن
را سود دارد و طبع را نرم کند و بادهای روده دفع کند هفت
افسنتین پنجاه درم سلیخه بیست درم تخم کرفس سی درم در دو من
آب به پزند تا به نیمه آید و با یکمن قند شربت به پزند شراب
افسنتین نوع دیگر افسنتین پنجاه درم انیسون گل سرخ سلیخه اسارون از
هر یک ده درم مصطکی سنبل از هر یک هفت درم در دو من
آب بجوشانند بعد از مصطکی صاف کنند و با یکمن و نیم قند بقوام
آورند بعد از آن مصطکی را صلایه کرده بآن ممزوج سازند شراب
افسنتین نوع دیگر معده ضعیف را از صفرا پاک کند و سوء المزاج
گرم را زایل گرداند هفت دق گل سرخ هفت درم شاهتره
و افسنتین از هر یک پنج درم آلوی سیاه بیست عدد تمر هندی
بیست درم مویز منقی سی دانه در دو من آب بجوشانند تا به
بنصفی آید صاف سازند و نیم من شکر سفید در آن حل کرده

بقوام آورند شربتی دو درم با یک درم صبر سقوطری شراب سعل
سرفه کهنه را بغایت نافع بود و سینه را از اخلاط پاک کند
و ربو و ضیق النفس را مفید بود صفت انجیر شش وقیه پیاز نصل
یک وقیه مویز منقی دو وقیه انیسون نیم وقیه در قدری
خل الخمر و آب خیسانند سه روز در بجوشانند و صاف کنند
و دو رطل عسل اضافه کنند و بقوام آورند شراب فوکه
معده را قوت و قی باز دارد و دل را قوی گرداند صفت
آب سیب آب به آب انار شیرین و ترش آب امرود از هر یک
یک جزو آب زرشک آب سماق آب غوره آب زرع و از هر یک
نیم جزو بجوشانند تا بثلثی آید و انمقدار قند که کفاف باشد
اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام آید شراب انار شیرین قی باز
دارد و صفرا دفع کند و معده را قوت دهد صفت شراب انار
ترش دو من نعناع تازه دو شاخه عود خام آمله مصطکی
از هر یک دو درم پوست بروز پسته بنجد یم کوفته در

آب بجوشانند سوی مصطکی تا به نیمه آید صاف کنند و با یکمن
قند بقوام آورند بعد از ان مصطکی اضافه نمایند شراب انار
منقع قوای باشاند و قی باز دارد و معده قوت دهد
صفت انار ترش و شیرین با شحم بکوبند و آب ان بگیرند دو من
و یکمن قند و یک وقیه آب نعناع اضافه کنند و بقوام آورند
شراب الو صفرا و بلغم را دفع کند صفت الوی سیاه صد عدد
تمر هندی بیست چهار بیست نربد سفید بنفشه از هر یک
بیست درم در کیسه کنند و در پنجمن آب بجوشانند تا یکمن
آید و نیک بمالند و بپالایند و یکمن ترنجبین صاف کرده و
اضافه نمایند و شربت بپزند و فرو گیرند و یکمثقال سقونیا
در آن حل کنند شراب حشیشه منع نزلات کند و ریش سینه و
شش را نافع باشد و بیخوابی را زایل گرداند صفت خشخاش
بزرگ با پوست صد عدد و نیم کوفته با دو من و نیم آب
باران به پزند و بپالایند و یکمن و نیم قند شربت به پزند

واگر از خشخاش بي پوست بيزند بيست مسقال تخم خشخاش
بكوبند و به پزند و با يكمن قند بقوام آورند ليكن آن اولي
بود كه با پوست به پزند شراب سيب اصفهاني معده را قوت دهد
و دل را قوت بخشد مفرح بود قي را ساكن گرداند و
اسهال صفراوي را باز دارد صفت سيب اصفهاني اندرون
بيرون كرده بكوبند و آب آن بگيرند و بجوشانند تا
به نيمه آيد و يكمن قند اضافه كنند و بجوشانند تا بقوام
آيد شراب سفرجلي دل را قوت دهد و معده را قوي گرداند
و اشتهاي طعام آورد و طبع به نيد و قي و غثيان
باز دارد صفت به ترش و شيرين اندرون ان پاك كنند
و آب بگيرند و هر پنجمني آب يكمن قند اضافه كنند و بقوام
آورند شراب دبيس اسهال صفراوي را نافع باشد و قي باز
دارد و تشنگي بنشاند و معده قوت دهد صفت دبيس
را سر و بال بكارد چوبين بيندازند و در هاون سنگين يا

يا چوبين بكوبند و آب ان بگيرند و صاف كرده بجوشانند
تا ثلثي آيد و زماني بگذارند ديگر بار دس بيالايند و
هر يكمن آب يكمن قند اضافه كنند و بقوام آورند شراب حماض
صفرا بشكند و قي باز دارد و معده و دل را قوت دهد
و خفقان گرم را نافع باشد صفت آب حماض پنجاه مسقال و
قند سفيد يكمن شربت به پزند چنانكه رسمست شراب ليمو
معده را قوت دهد و اشتهاي طعام آورد و صفرا بشكند
و قي باز دارد و هاضمه را قوي گرداند و دفع خمار
كند صفت مانند حماض است شراب نارنج تشنگي بنشاند و دماغ
را قوت دهد و درد سر كه از گرمي باشد ساكن گرداند صفت
آب نارنج يكمن بجوشانند تا بنصفي آيد و كف آن بگيرند و
با دو من قند شربت پزند شراب غوره تشنگي بنشاند و تب گرم
را سود دارد و خمار را دفع كند صفت آب غوره بگيرند و بجوشانند
تا بنصفي آيد كف ان بگيرند و زماني بگذارند ديگر بار دس

DOCTOR
CARO OWEN MINASIAN.

بپالایند و بر یکمن آب یکمن قند سفید اضافه نمایند و شربت
به پزند شراب عود معده را قوت دهد و بوی دهان خوش
کند و هاضمه را قوی گرداند صفت عود هندی آمله مقشر
از هر یک ده درم سنبل قرنفل مصطکی جوز بوا از هر یک دو
درم مجموع نیم کوفته در کیسه کتان ریزند و در سه چهار یک
گلاب بجوشانند و کیسه را نیک بمالند تا قوت آن بگلاب دهد
و یکمن قند بقوام آورند و آن گلاب بر سر آن ریزند و دیگر باره بجو
شانند تا بقوام آید فرو گیرند و نیم درم مشک خالص سوده در
آن حل کنند شراب حب الآس معده را قوت دهد و اسهال باز دارد صفت
حب الآس دانه و خشک از هر یک پنجاه درم قرظ و طراثیث
از هر یک ده درم آب بر آب سیب آب انار از هر یک یکمن
طبرزد کوفته در آن بجوشانند تا بشلشی آید و بپالایند و
دیگر باره بجوشانند تا بقوام آید شراب حب الآس به نسخه دیگر اسهال یا
سرفه را نافع باشد صاحب الآس بگویند و بجوشانند تا نیک هل
شود

شود و بپالایند و بهر جزو از آن دو جزو قند سفید اضافه کنند بهتر باشد
شراب دینار طبع را نرم کند و جگر و دل را قوت دهد سدد بگشاید و سو
ء القنیه را و استسقا و ذات الجنب را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت
ثم کاسنی نیم کوفته و دق گل سرخ از هر یک بیست درم ثم کشوث
چهل درم نیلوفر و گاوزبان از هر یک دو درم افتیمون در کتان بسته
سه روز بجوشانند تا هل شود صاف کنند و با یکمن قند بقوام آورند
و فرو گیرند و ده مثقال دیوبند چینی در آن حل کنند شراب زوفا
سرفه بلغمی را نافع باشد و سینه و شش را از اخلاط پاک کند و
بو و ضیق النفس را سود دارد صفت عناب سی دانه سپستان پنجاه دانه
انجیر سفید سی دانه بنفشه چهار درم مویز سیاه و شاه هفت درم
ثم حطمی ثم جنابی از هر یک پنج درم اصل السوس زوفا از هر یک
هفت درم بجوشانند و بپالایند و یکمن قند اضافه کنند و بعضی پنج درم
فراسیون داخل میکنند شراب دینار طبع را نرم کند و صفرا بشکند و معده

راقوت دهد رقی بمغز دارد صفت تمر هندی نیم من بجوشانند و شیره اش
بگیرند و بپالایند و یکمن قند اضافه او کنند و بقوام آورند شراب ضد دل راقوت
دهد و خفقان گرم را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفت ضد دل سفید
سپید بیست مثقال در گلاب خیسانند یک شبانه روز و روز دیگر
اندکی جوشی بدهند و شیره آن بگیرند و با یکمن قند شربت سازند
شراب انجیر گرده و مثانه را نافع باشد و منی بیفزاید و با مواقیت دهد و سنگ
در دیشت را زایل کند صفت انجیر خوب دو من در پنجمن آب بجوشا
نند تا یکمن و نیم بماند و باز یکمن قند سفید در نیم من آب بجوشانند تا به
یکمن نیم این دو هر دو را بدست بمالند و صاف کنند و یک من نیم عسل
صاف بر سر آن ریزند و دارچینی و خولنجان قرنفل و سنبل الطیب
از هر یک دری زعفرانیم درم در کیسه بسته در آن اندازند و بجوشانند
تا بقوام آید شربتی پنجمثقال شراب بنفشه یکمن آب الجب ذات الریه و تب و سرفه
و صداع و درد چشم و درد گرده را نافع باشد و بول براند و سینه را نرم کند
صفت سه بنفشه تازه یک چهار یک بجوشانند و بپالایند و با یکمن قند

به بزنند و اگر بنفشه تازه نباشد یک وقیه بنفشه خشک بسیار
بجوشانند شراب نیلوفر صداع حار و تبهای صفراوی سرفه و ذات
الریه را نافع باشد صفت گل نیلوفر یک وقیه و اگر تازه بود آن
یک چهاریک بجوشانند و با یکمن قند شربت به بزنند شراب عناب
مجاری را و آبله حصبه و درد پس و سینه و سرفه و غلبه خون را
نافع بود صفت عناب مرجانی یک چهاریک در دو من آب
به بزنند و بدست بمالند و بپالایند پس مبالغه و با یکمن قند
شربت به بزنند شراب کاو زبان دل را قوت دهد و سوداوی مزاج
را بغایت نافع بود و خفقان را زایل کند صفت آب کاو زبان تازه
یکمن با یکمن قند سفید بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند
و بیست مثقال گلاب در آن ریزند و فرو گیرند و اگر کاو زبان
تازه نباشد یک چهاریک خشک بکنند شراب سرنجوبه دل را قوت
دهد و خفقان سرد را نافع باشد و توحش سوداوی را
زایل کند صفت سرنجوبه تازه ستانند و آب بگیرند نیم

من و بابکن قند شربت به بزند و اگر نباشد پنجاه مسقال خشک
کنند شراب هلیله و جاع مفاصل و تبهای گرم را نافع بود و طبع را نرم
کند صفت هلیله زرد صد عدد نیم کوفته کنند و در ظرفی
کنند و آب بر سر آن ریزند و نگاه دارند و سه روز دیگر
کنند بعد از آن آب از وجدا کرده نگاه دارند و دیگر
آب بر سر آن هلیله ریزند و سه روز دیگر در آفتاب
نهند و آب اول و دوم با هم بیامیزند و صد و پنجاه مسقال
ترنجبین در آن حل کنند و صاف سازند و بر سر آتش نهند
و بقوام آورند و فرو گیرند و یکمسقال سقمونیا سوده در
آن حل کنند شرابی که فواق بنشاند چنانچه آنچه از بی طعام
آید صفت زیره کرمانی انبون فودنه کند را از هر یک ده درم
در دو من آب بجوشانند تا بنصفی آید بپالایند و جرعه جرعه
بنوشند شراب که ریگ از گرده و مثانه پاک کند صفت
هلیون سی مسقال در دو من آب بجوشانند و بپالایند و

و بابکن قند شربت بزند شراب نیروی معده و جگر را نافع بود و بادها
دفع کند و مفاصل را سود دارد صفت پوست بیخ کاسنی سی درم
تخم کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک بیست درم رازیانه
تخم کرفس پوست کرفس از هر یک ده درم تخم کشوث در کتان بسته
پنجدرم بجوشانند و بپالایند و بکن و نیم قند شربت بزند
شراب درد گرده و مسهل صفرا بود و تبهای مرکبه را نافع باشد صفت
ورق گل سرخ تازه سه من در نه من آب بجوشانند تا بهفت من
آید بپالایند و سه من دیگر برگ گل در آن بجوشانند و دیگر
بپالایند چند نوبت همچنین کنند تا بیکمن آید صاف کنند و بابکن
قند شربت بزند شربتی سی درم با ده درم سکنجبین با آب یخ
یا برف شراب توت درد گلو و خناق را نافع باشد صفت آب
توت سیاه بگیرند و صاف کنند و بجوشانند تا به نیمه
آید و بهر پنج رطل از آن سه رطل قند صاف اضافه کنند

تا بقوام آورند شراب انار غذب جگر را قوت دهد و تشنگی
بنشاند آب انار شیرین بگیرند و بجوشانند تا به نیمه
آید و بهر یکمن از ین یکمن قند اضافه کرده بقوام آورند.
شراب عنب درد معده و اعصاب را سود دارد و خفقان را
باز دارد زایل کند صفت عسل و روغن دو من درد دو من آب
بجوشانند و کف بردارند و بقوام آورند و عنبی و زعفران
از هر یک یکمثقال اضافه کنند شربتی پنجدرم شراب منک
معده را قوت دهد و امراض بلغمی را نافع بود و پیران را
موافق باشد صفت عسل یکمن قند سفید یکمن درد دو من آب
بجوشانند و بقوام آورند و یکمثقال منک و یکدرم زعفران
سوده اضافه کنند شربتی سه درم شراب که نافعست
از جهة اسهال دموی و ضعف معده صفت دب به شیرین
بی مثقال کلنار عذب به آمله صندل سفید حب الآس

از هر یک یکمثقال گلاب و قند سفید از هر یک بیست
مثقال بطریق معهود شربت سازند شراب ابریشم جگر و دل
و احشا را قوت دهد و سده بگشاید و استسقاء و جمیع امراض
بارده را نافع باشد و باه را زیاده کند و نشاط آورد صفت
ابریشم پنجاه درم در آب هنگرانی خیسانند سه شبانه روز
در دیگ سنگین بجوشانند تا به نیمه آید صاف کنند و خولنجان
و دوح و مصطکی از هر یک سه درم زعفران یکدرم صلایه کرده
اضافه نمایند و با یکمن قند شربت پزند شربتی چهار درم
شراب اسطوخودوس صرع و مالیخولیا و صداع بارد و جمیع امراض بلغمی
را که سبب آن برودت باشد سود دارد صفت اسطوخودوس
پرسیاوشان عود الصلیب از هر یک پنجدرم اصل السوس
گاوزبان رازیانه پوست بیخ کبر فس خطمی گل سرخ از هر یک
سه درم مویز منقی سپستان از هر یک پانزده دانه
جوشانیده و صاف کرده با یکمن قند شربت پزند شراب مفاصل

پوست بیخ رازیانه بیست مسقال تخم کرفس رازیانه انیسون
نانخواه ماهی زهره سورنجان ازهر یک ده درم بیخ کرفس
بیست درم قند سفید یکمن بطریق معهود شربت سازند
شراب اصول مواد غلیظ را نضج دهد وسده بکشاید وباد
ها بشکند وسوء القنیه واستسقا وجمیع امراض بارده وجگر
ومعده را نافع بود صفت پوست پنج کبر پوست بیخ رازیانه پوست
بیخ کرفس پوست بیخ کاسنی ازهر یک سی درم رازیانه پانزده
درم تخم کرفس تخم کاسنی ازهر یک بیست درم انجیر زرد
بیست دانه مویز منقی چهل دانه فقاح ازخر سنبل اسارون
سلیخه ازهر یک دو درم قند سفید یکمن شربت به پزند
چنانکه رسمست شراب کزر درد پشت را نافع بود وباه را
قوت دهد صفت کزر شسته پاکیزه سه رطل بنبل زند ده من
درم درم کند در دیک سنکین اندازند وآب بر بالای
آن ریزند وسر دیک بگل یا خمیر محکم کند چنانکه بخار ازوی

بیرون

ازوی بیرون نیاید وبآتش آهسته بپزند وبگذارند تا سرد
شود پس سر دیک بکشایند ونیک بمالند وآب آن بستانند
وصاف کنند وبانیم سنگ آن عسل در دیک ریزند وسنبل
وخولنجان وقرنفل ودارچینی ازهر یک یکدرم زعفران نیم درم
مجموع نیم کوفته در کیسه کنند ودر آن دیک اندازند وهر لحظه
بدست بمالند وبجوشانند تا بقوام آید شراب انجبار اسهال
دموی را دفع الدم را وسیلان طمث را نافع باشد ومعده
وجگر را قوت دهد صفت صندل سرخ وسفید سائیده ازهر یک
پنجمسقال انجبار هفت مسقال اقاقیا دو مسقال قند سفید
نیمن بطریق معهود شربت پزند شراب آلالبه نسخه دیگر صفت
آمله مقشر یکمسقال حب الآس دو مسقال پوست بیخ انجبار گل نار
گل سرخ تخم حماض بری ازهر یک دو درم رب به شیرین وگلاب
ازهر یک بیست مسقال شراب صندل سی مسقال بدستور معهود

شربت سازند شرابی که از جهة مالیخولیا و امراض سوداوی را
نافع باشد صفت تخم کاسنی فرنجمک تخم بادرنجبویه از هر یک
دو درم کاوزبان سه درم بادرنجبویه هفت درم و نیم ایرسا
دو درم نیم در شش مثل ادویه گلاب و دو مقابل ادویه
آب سیب شیرین بجوشانند تا ثلثی باقی ماند و یکمن قند
شربت بزند شراب قند بلغم دفع کند و بلغم مزاجرا نافع باشد صفت
زنجبیل دارچینی از هر یک پنج درم هل کبار و قاقله از هر یک
دو درم قرنفل یکدرم مجموع نیم کوفته در هفت رطل آب
بجوشانند تا به پنج رطل آید و بپالایند و با پنجمن قند
سفید بقوام آورند و نیم درم زعفران سائیده اضافه نمایند
شراب معده و جگر را گرم کند صفت مصطکی سنبل دارچینی قاقله
عود هندی هل جوز بوا از هر یک یکدرم قرنفل نیم درم
مجموع نیم کوفته در سه رطل آب بجوشانند تا بدو رطل
آید بپالایند و با پنج رطل عسل بجوشانند تا بقوام آید

شراب خمار در دفع

شراب خمار در دفع خمار بی نظیر است صفت آلوی سیاه
تمر هندی از هر یک یک رطل عناب پنجاه دانه
در شش رطل آب بجوشانند تا بدو رطل آید
و بپالایند و آب انار ترش و شیرین و آب سیب
و آب لیمو از هر یک نیم رطل اضافه نمایند و با
یک رطل قند بقوام آورند شراب بی نظیر سرعت انزال را
نافع باشد صفت آب انگور شش رطل سماق مازو
گلنار گل سرخ کثیرا خشک کندر صقر سعد از هر یک
ده درم زعفران مرشب یمانی از هر یک از هر یک یکدرم
حب الحدید سی مثقال بجوشانند تا ثلثی باقی
ماند صاف کنند و استعمال نمایند شراب ذاروبحت
مقوی اعضای رئیسه است و نسیان امراض بلغمی
و سوداوی را سود دارد و باه را قوت دهد و پیران را
موافق باشد صفت آب انگور صد من به شیرین سه من

سیب اصفهانی دو من گلاب نیم من آب خالص
ده من دارچینی قرنفل مصطکی سنبل الطیب کبابه
چینی خیربوا خولنجان از هر یک پنجدرم عود خام
بسباسه دو اله از هر یک سه درم زعفران ده
مثقال مشک نیم مثقال عنبر یک مثقال سیب و
به را در آب انگور بجوشانند تا مهرا سود و بعد
از آن برکشند و صاف کنند و مشک و زعفران را
در گلاب حل کنند و اضافه نمایند و ادویه نیم کوفته
در کیسه کنند و در محل جوشانیدن کیسه را
در دیگ اندازند و زمان زمان کیسه را در دیگ
بمالند تا شیره باز دهد و چون شیره انگور را در خم
ریزند کیسه را در خم اندازند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند شراب خبیث المعده معده را قوه دهد و هاضمه
را قوی گرداند و لون را نیکو کند و باد بواسیر را نافع

بود

بود صفت خم گرفتن از زیانه دیره کرمانی انیسون نان
خواه صغر انجدان کاشم کرد یا کشنیز خشک فلفل
دار فلفل کندر دارچینی سنبل قرفه جوز بوا
تخم جرجیر تخم پیاز سفید زنجبیل از هر یک یک
مثقال خبث الحدید ده مثقال در شش مقابل
ادویه شراب بجوشانند تا به نیمه آید و صاف
کنند شربتی هر روز سی درم کافیست شراب ریحانی
نسیان و امراض بلغمی را نافع باشد و معده را
قوه دهد و بر این اموافق باشد صفت شیره انگور
صد من در خم ریزند و شش من مذ اضافه
کنند و دارچینی و قرنفل بسباسه جوز بوا
از هر یک ده درم مجموع نیم کوفته در کیسه کنند
در خم اندازند و سر خم بگیرند و بعد از شش ماه
استعمال نمایند باید که خم را از اول پاک بشویند

واندرون ان موم گداخته بگردانند و مشک و عنبر بویا
گردانند شربتی که معده را قوه دهد و امراض بلغمی و سودا
یی را سود دارد صفت آب سیب سه رطل آب به بریزند
دو رطل در دیگ سنگین کنند و قرنفل یکدرم و
نیم عود هندی دو درم گاوزبان بادرنجبویه
گل سرخ از هریک سه درم کوفته و بیخته در لته
بسته در دیگ اندازند و با آب سیب و با آب
به بجوشانند تا به نیمه آید و در خم دیزند و شراب
ریحانی دو من بر بالای ان بریزند و قند سفید یک
من و رطل و نیم اضافه نمایند و سر خم را بگیرند و بیست
روز در افتاب بگذارند بعد از ان صاف نموده
استعمال نمایند شیاف حب الغار سلاق و غلط اصفهان و اخر
دمه را نافع باشد صفت سادج مغسول ده درم
سبد مروارید ناسفته سادج هندی از هریک

چهار

چهار درم دم الاخوین یکدرم صلایه کرده شیاف سازند
شیاف سبل و زفره و سلاق و به بافرا نافع باشد صفت شادنج مغسول دری
صمغ عربی پنجدرم مس سوخته زاجسوخته از هریک دو درم
افیون صبر سقوطری از هریکنیم درم زنگار دو درم و نیم زعفران
و مر از هریک دانگی و نیم کوفته بیخته تحریر شیاف سازند شیاف اخضر
جرب و سبل و بیاض انا فعست صفت زنگار سه درم اقلیمیا نعره اشق
صمغ عربی صفید آب از هریک دو درم صمغ و اشق را در آب سداب
حل کنند و داروهای دیگر را کوفته و بیخته تحریر بدان بسرشند و
شیاف سازند شیاف کمنه و جرب و سبل و سلاق و شعر زاید را
نافعست صفت زنگار شش درم صمغ عربی اشق از هریک چهار درم
اقلیمیا طلاء و افیون از هریک دو درم باز دیگر درم کوفته
و بیخته با آب سداب بسرشند و شیاف سازند شیاف طلیا طیلون کمنه
و جرب و سلاق و استرخای ضبق خفن و بیخ سبل را نافعست
صفت شادنج مغسول دوازده درم صمغ عربی ده درم زنگار و

قلقطار سوخته از هر یک پنجدرم مس سوخته چهار درم افیون
زعفران از هر یک باب را زیانه بسرسند و شیاف سازند شیاف ابیض
رمد کرمرا نافع بود و درد صعب را بنشاند و تحدیر کند صفت سفید آب
ارزیز هشت درم صمغ عربی پنجدرم افیون دکیرا از هر یک یکدرم بسفیده
تخم مرغ بسرسند و شیاف سازند شیاف ابیض انوذیجی ابتداء رمد را نافع بود
صفت سفید آب ارزیز هشت درم انزروت مرمی سرخ کیرا
از هر یک چهار درم بسفیده تخم مرغ سرشته شیاف سازند شیاف مدرج
به نسخه محمد ذکریا رمد را نافع است و حدت آن کمتر از حده
ابیض است و بهترین و سبکترین شیاف وردست صفت کل مرخ
چهار مثقال افیون و صمغ عربی از هر یک یکمثقال بدستور
شیاف سازند شیاف بوماهم مجرب در روز بصلاح آورد صفت
شیاف ماميثا و انزروت مرمی از هر یک هشت درم زعفران
دو درم افیون نیم درم کیرا یکدرم کوفته و بیخته باب
باران بسرسند و شیاف سازند و بسفیده تخم مرغ در چشم کشند

شیاف بریوماهم

شیاف اقلیمیا رمد
و دکز ابراهیم حیم معند آب
جمع عربی دسه کزا
۲ ۲ ۲
افیون اقلیمیا عدد ایلم
۱ م ۵
مالعسه کم مرغ شیاف سازند
و بدد در چشم بالله کاهر
در چشم بچکانند

شیاف بریوماهم به نسخه دیگر رمد را نافع بود و سرخی
ببرد و اماس بنشاند و درد را تسکین کند صفت اقلیمیاء
نقره دروی سوخته از هر یک سه مثقال کیرا و اقاقیا
صمغ عربی از هر یک دو مثقال افیون و زعفران از هر یک
یک مثقال کوفته و بیخته بسفیده تخم مرغ سرشته
شیاف سازند شیاف ظفره و ناخنه زاید را نافع بود
صفت شادنج مفسول دوازده درم صمغ عربی و مس
سوخته از هر یک شش درم قلقطار سوخته زنگار
از هر یک دو درم باب را زیانه بسرسند و شیاف
سازند شیاف خلوبی بادها را پراکنده کند و اماس ملتحمه
بنشاند صفت مس سوخته سه درم اقاقیا دو درم
کتیرا صمغ عربی و سنبل و زعفران از هر یک یک
درم باب باران شیاف سازند شیاف استمافعست بادها
را که در چشم و جفن باشد کشیدن و طلا کردن

صفت مس سوخته افیون از هر یک یکدرم و نیم زعفران
شاف ما مسیا از هر یک نیم درم مروارید ناسفته
و بسد از هر یک یکدرم ماقا قیا یکدرم کوفته و بیخته
باب باران شیاف سازند شیاف کندر قرحه و مدة غلیظ را
نافع باشد صفت سفیداب از زیبق هشت درم افیون انزروت
مر و کتیرا از هر یک یکدرم صمغ عربی چهار درم
کندر نیم درم باب باران شیاف سازند شیاف اثار
قرحه و موسرج را نافع باشد و جراحت بنشاند و
جفن را پر سازند صفت اقلیمیا طلا سفیداب از زیبق
مس سوخته سرمه صفاهانی صمغ عربی کتیرا
سرب سوخته از هر یک ده درم افیون
از هر یک یکدرم باب باران شیاف سازند
شیاف اثار به نسخه دیگر منفعت آن قریب بمنفعت اول است
صفت اثار سوخته سرمه اصفهانی توتیا مس سوخته

کتیرا

کتیرا صمغ عربی از هر یک شش درم افیون نیم درم
کوفته و بیخته شاف سازند و بعضی اقلیمیا
طلا و سفیداب از زیبق از هر یک شش درم
کندر چهار درم اضافه کرده اند شیاف کندر سرخه و قرحه
را نافع باشد و گوشت برویاند صفت اشق انزروت
از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران ده
درم اشق را در لعاب حلبه حل کنند و باقی
ادویه را کوفته و بیخته بدان بسرشند و شیاف
سازند شیاف که ابتداء آب را نافع باشد صفت
خربق سفید یک وقیه فلفل نیم وقیه اشق یک
درم باب ترب سازند شیاف جرب و ظفر و ورمه و چسبیدن پلک چشم
نشاء و ابتدا نزوله را نافع باشد صفت اقلیمیا نقره
اقلیمیا طلا مروارید ناسفته از هر یک دو درم
کافور و مشک از هر یک دانگی صلایه کرده باب

باران شیاف سازند شیاف اصغر از جهه ابتداء
نزول و تاریکی چشم را نافع باشد صفت انزروت مربی
شیاف ما مشیا از هریک هشت درم مربوره از
مني فلفل ابیض از هریک چهار درم زرنیخ زرد
دو درم زعفران یکدرم و نیم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف اصغر بنوعی دیگر صفت هلاله زرد توتیا
هندی از هریک پنجدرم فلفل سفید صمغ عربی
از هریک درمی زعفران یکدرم باب رازیانه شیاف
سازند شیاف سماق جرب و خارشی و سوزش و حجوظ
نافع باشد صفت سماق سی مثقال باب باران بزنند
و بپالایند و باز بجوشانند تا غلیظ شود و به
گذارند تا سرد شود و ده درم سفیداب از زیر
بان بسرسند شیاف سازند شیاف دنیا سیل دقیق
بردارد صفت زرد چوبه مشاریخ مغسول صبر سقوطری

شیاف ما مشیا

شیاف ما مشیا مساوی کوفته و بیخته باب
باران شیاف سازند شیاف دیگر که صعوبت لرد
چشم را در حال بنشاند صفت ورق گل سرخ پانزده
درم زعفران هشت درم افیون ده درم سنبل
الطیب دو درم صمغ عربی یکدرم باب باران
شیاف سازند شیاف اسهال نسخه دیگر رمد و حرقت
عین و دمعه و سبل را که با او حرارت باشد نافع
بود صفت اقلیمیاء سفیداب از زیر صمغ عربی افیون
از هریک یک درم و نیم اقاقیا مقشور بیست و چهار
درم کوفته و بیخته و بعضی را آب سود کرده باب
عنب الثعلب شیاف سازند شیاف اسطمخا و حفن
و تاریکی و ابتداء آب را نافع باشد صفت اقلیمیا طلا فلفل
افیون از هریک چهار درم صمغ عربی شیاف ما مشیا از
هریک هشت درم انزروت نمک هندی زرنیخ زرد

شیاف زرد چوبه در سرمه بکار برد مجرب است کلنار ماری سفیداب مرداسنگ صد و سوخته کوبیده شیاف سازند

از هر یک یکدرم بوره ارمنی دوازده درم پیرا
زیانه شیاف سازند چنانکه رسمست شیاف
که نافعست جرب و علل جفن و سبل بجهة را
که بآن حرارت و حمره نباشد و بیاض و تاریکی
چشم را زایل کند صفت افیون زاقلیمیا نقره از هر یک یکدرم
ارزیر صمغ عربی زنگار اشق از هر یک دو درم
بآبی که اشق در آن حل کرده باشند شیاف
سازند شیاف که نافعست ابتداء رمد را و درد
ساکن کند و خواب آورد صفت شیاف مامیثا هفت
درم زعفران افیون حضض صمغ عربی از هر یک دو
درم کتیرا و انزروت از هر یک چهار درم حبند
بید ستر یکدرم کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف
که نافعبود و قرحه حاره جدید را و چشم را خشک
کند و گوشت بر دیاند صفت سفیداب ارزیز دو درم

کندر

کندر انزروت از هر یک یکدرم افیون نیم درم
کافور رودانک کوفته و بیخته شیاف سازند
شیاف زنگاری جرب و بارسبل را نافعبود صفت صمغ عربی
سفیداب زیر زنگار مساوی باب سداب لبان
سازند شیاف جرب و حکه و کمنه را نافعباشد صفت
زنجبیل بیخدرم هلیله زرد توتیای مغسول از
هر یک ده درم حضض مکی چهارده درم زردچوبه
زعفران از هر یک دو درم باب غوره شیاف سازند
شیاف زنجبر کندر کلنار انزروت کلنار دم الاخوین
سرمه شب یمانی از هر یک یکدرم زنگار دانگی
نیم بکلاب شیاف سازند و سوراخ را از جرک پاک
کند و در انجا چکانند شیاف قرحه و سحنه و بثره
و مور برص و نمش و قرنبه و غیه و کمنه و رمد کهنه را
نافعباشد صفت برگ گل تازه هفتاد دو مثقال اقلیمیا

نقره محرق مغسول و صمغ عربی از هر یک بیست درم و چهار مثقال
زعفران شش مثقال افیون و سرمه سه مثقال زنگار و توتیا
نحاس و سنبل هندی از هر یک دو مثقال مرصاف چهار مثقال
کوفته و بیخته باب باران شیاف سازند بر نسخه دیگر مدر سودا
بحر را نافع بود صفت سفیداب ارزیز اقلیمیا از هر یک دو درم افیون
نشاستر از هر یک یکدرم کتیرا یکدرم و نیم بطریق معهود
شیاف سازند شیاف ابار به نسخه دیگر صفت اقلیمیا طلا
توتیا سرمه سفیداب ارزیز بروی سوخته کندر از هر یک دو
درم دم الاخوین و افیون یکدرم از روت یکدرم و نیم کوفته
و بیخته شیاف سازند شیاف کندر فرحه بشیر را نافع است صفت
اشق از روت از هر یک پنج درم کندر ده درم زعفران دو درم بلعاب
شیاف سازند شیاف قلقطار برای ظفره نافعست صفت روی سوخته
پنج درم زنگار دو درم نشادر قلقند بورا رمنی از هر یک درمی
زرنیخ نیم درم بسرکه بسرشند و یک هفته بگذارند پس شیاف

سازند

سازند شیاف مر ظفره را نافع بود صفت کندر مر زعفران از هر
یک یک درم زرنیخ سرخ درمی شیاف سازند باب کشنیز تازه
در چشم کشند شیاف مر رمد را نافع بود صفت زهره کلنگ
زهره شبوط زهره بز کوهی زهره باز زهره عقاب زهره کبک
خشک کرده درم شحم حنظل سکبینج فرفیون از هر یک یکدرم
باب ازیانه شیاف سازند شیاف مر رمد ضعف بصر و ابتداء آب را
نافع باشد صفت زهره باشه زهره عقاب زهره خروس زهره روباه
زهره شبوط مجموع خشک کرده مساوی باب ازیانه شیاف
سازند شیاف مر رمد را نوعی دیگر صفت زهره کلنگ زهره کبک زهره
بز کوهی زهره باشه زهره خرگوش زهره کبوتر زهره شیر زهره
لق لق زهره خوک زهره هر گوش زهره روباه و
زهره آهو زهره ماهی از هر یک خشک کرده
یکدرم سکبینج فرفیون شحم حنظل از هر یک یکدرم
باب بادیان حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته

بان جبر شند و شیاف سازند شیافی که قائم مقام
مراراتست صفت زهره بز کوهی در ظرف مسی کنند
تا خشک شود ده درم شحم حنظل نیم درم سکبینج دو درم
تریاق و نشادر از هر یک یکدرم باب سداب یا اب
رازیانه شیاف سازند شیاف علاج حکه و جرب و قوبا
و سلاق و ظلمه و دمعه و سبل و خشونه اجفان را نافع
باشد صفت توتیای مغسول شش درم مامیران چینی
و شیاف مامیثا از هر یک پنج درم دار فلفل زنجبیل
زبد البحر حضض هندی پوست هلیله زرد ساذج
هندی از هر یک سه درم زعفران دو درم کثیرا صمغ
عربی از هر یک دو مثقال باب عوذه پرورده شیاف
سازند شیاف حلتیت خیالات و ابتداء اب را نافع باشد
صفت حلتیت خربق سفید از هر یک ده درم سکبینج
سه درم بعسل سرشته شاف سازند شیاف دینار شیاف

بنوعی دیگر

بنوعی دیگر سبل و ظفره و جرب را نافع است و چشم
را جلا دهد صفت اقلیمیا طلا و سفیداب از هر یک ده
درم کثیرا دو درم از هر یک پنج درم مروارید ناسفته سه
درم لاجورد از هر یک چهار درم زرنیخ سرخ اقاقیا نبات
از هر یک نیم درم افیون هفت درم زعفران نشاسته
روی سوخته از هر یک ده درم کوفته و بیخته شیاف
سازند شیاف که جرب و سبل و شحم زاید را نافع بود صفت
ساذج هندی شش درم صمغ عربی پنج درم زنگار سه
درم مس سوخته قلقطار سوخته از هر یک دو درم
افیون دو درم از هر یک یکدرم زعفران نیم درم در اب سداب
شیاف سازند شیاف دیگر که همین خاصیت دارد صفت
زنگار سه درم سفیداب از زر اقلیمیا نقره صمغ عربی
اشق از هر یک دو درم اشق را باب حل کرده داروهای
دیگر را کوفته و بیخته بان جبر شند و شاف سازند

شیافی که شیره و قرحه را سود دارد و نشان قرحه
را ببرد صفت کوزن شاخ سوخته مغسول چهار درم توتیا
مس مغسول محرق دو درم صمغ عربی سه درم افیون
یک درم شیاف سازند چنانکه رسمست در چشم کشد شیاف
مسهل قولنج بگشاید و بلغم و صفرا دفع کند و درد
پشت را نافع بود صفت سکبینج مسقل جاوشیر اشق نمک
هندی شحم حنظل بوره ارمنی سقمونیا تربد حب النیل
هاراباب سداب مل کنند و دیگر داروها را کوفته و بیخته
با آن بسرشند و شیاف سازند هر یکی دو درم شیاف که
درد پشت و جمیع انواع مفاصل که سبب آن سردی باشد
نافع بود صفت سکبینج جاوشیر مسقل بارزد شحم حنظل بید
انجیر ماهی زهره بوزیدان از هر یک یک درم و نیم سو
رنجان و تربد از هر یک سه درم جند بیدستر نیم درم
باب کند تا شیاف سازند شیاف خیار و زعفران حضض مر

افیون کندر مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند شیاف خیار شنبر
قولنج بگشاید و طبع را نرم کند صفت بنفشه خطمی
سه درم سنا مکی پنج درم نمک هندی یک درم عسل
و خیار شنبر و شکر سرخ از هر یک دو درم شیاف سا
زند شیافی که همین خاصیت دارد صفت بنفشه پنج درم
سقمونیا نمک هندی از هر یک دو درم بوره ارمنی ش بد
از هر یک سه درم فراقرون و فانید از هر یک پنج مثقال شیاف
سازند شیاف قولنج بوره ارمنی شحم حنظل مقل سکبینج از هر
یک دو درم سقمونیا دو درم و نیم شکر سرخ ده درم
شیاف سازند شیاف زیر ضعف مثانه سلسله بول دقیق
را نافع بود و باه را زیاده و قوت دهد صفت نارجیل حب
الصنوبر حب الحلب مقشر مغز بادام تلخ کرم دانه
حب الزلم از هر یک دو درم فرفیون جند بیدستر

سداب از هر یک سه درم مقل ده درم باب کندنا
شاف سازند شیافی که مقوی باه است صفت لینت
فرفیون از هر یک یکدرم مشک نیم درم کوفته و بیخته
شاف سازند شیافی که همین منفعت دارد صفت
سوسمار زهره کرک حب القطن عاقرقرحا مساوی
کوفته و بیخته بروغن سنبل شاف سازند شیافی
که استسقای طبلی را نافع بود و بادها دفع کند صفت
سداب حرمل رازیانه تخم کرفس تربد سفید بورق
ارمنی از هر یک یکدرم شکر سرخ پنجدرم باب
سداب شیاف سازند شیافی که ثقل سمع دوی و طبیعی
که سبب آن رنج غلیظ باشد و وجع بلغمی گوش
و طرشی که سبب آن اخلاط غلیظ میباشد زایل کر
داند صفت شحم حنظل یکدرم بورق ارمنی سه درم

جند بیدستر زراوند مدحرج عصاره افسنتین از
هر یک نیم درم قسط دانکی افیون دانکی کوفته و بیخته
بزهره گاو حبه شند و شاف سازند و در وقت حاجت
یکی را از آن در روغن بادام تلخ حل کرده در گوش
چکانند شیافی که خون رفتن از بواسیر باز دارد صفت کندر
از زوت دم الاخوین گلنار سرمه زاج از هر یک یکدرم
زنگار دانکی کوفته و بیخته بعسل حبه شند و شاف
سازند شیافی که همین خاصیت دارد صفت قنطوریون از هر یک
پنج سوسن از زوت از هر یک یکمثقال مازو مثقالی زنگار
دانکی بعسل حبه شند و شاف سازند شیافی که همین
خاصیت دارد صفت اقاقیا الحبة آلبس گلنار گل ارمنی
از هر یک یکدرم و دع سوخته و سفیداب از هر یک نیم
درم باب لسان الحمل یا آب خرفه سرشته شاف سازند شیافی

که همین عمل کند صفت عصارة الحبة الابیض اقاقیا جنت
بلوط دم الاخوین از هر یک یکدرم در سفیداب صدف سوخته
از هر یک نیم درم با لسان الحمل سرشته شیاف سازند
شیاف که در عقب مسهل استعمال کنند اگر در اسهال
تقصیری باشد و گرم مزاجان موافق باشد صفت
نجبین پنجدرم صابون رقی و خطمی و نمک طعام از
هر یک دو درم شکر سرخ پنجدرم شیاف سازند شیاف
که اسهال دموی را نافع باشد صفت مر اقاقیا بادزهر
الشیح صمغ عربی برنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته
باب مورد سرشته شیاف سازند شیاف که نافعست از جهت
زحیر و اعراض و اسهال صفت صمغ عربی اقاقیا افیون بذر
البنج بریان کرده مساوی کوفته و بیخته باب مورد شیاف
سازند شیاف که شکم به بندد صفت اقاقیا صمغ عربی کلنار

گرمازج بلوط برنج بریان کرده کوفته و بیخته باب مورد
سرشته و شیاف سازند شیاف عفاقیا املة کلنار صمغ
عربی کوفته و بیخته باب مورد سرشته شیاف سازند و
پیش از مجامعت استعمال نمایند شیاف که از جهت کرم
کوحلت که در امعاء سفلی اطفال باشد سود دارد صفت
شحم حنظل قنطوریون نمک هندی مغز استخوان زرد
الوتج مساوی کوفته و بیخته شیاف سازند باب الصاد
صفتی که بهق ابیض را از بدن آورد صفت تخم ترب
شطرج اب روناس فوه کندش خردل کوفته و بیخته بسرکه
کهنه تر کنند و در آفتاب بمالند صفتی که برص را از ران
و نگین کند صفت شونیز مرشب یمانی فوه کوفته و بیخته
بدرد شراب تر کنند و چند نوبت بمالند صفتی که همین خاصیت
دارد صفت شطرج هندی عاقرقرحا حضض مکی خردل

شونیز گل شقایق مر زرنیخ زرد فوه مساوی کوفته و بیخته
بخون تر سرشته بمالند صفی که همین عمل کند صفت شطرج
هندی فوه نیل شب بمالند گل سرخ کوفته و بیخته یک
شبانه روز در سرکه خیسانند روز دیگر بمالند صفی
که بهق اسود را ببرد و برنگ بدن آورد صفت تخم ترب بده
درم کندش و قسط ازهر یک دو درم بسرکه کهنه بمالند
صفی که مغلسه را سرخ گرداند صفت زعفران فوه مصطکی
مساوی کوفته باب لیموس تر ساخته شب بمالند و صباح
باب گرم بشویند صفی که نشان آبله و جراحات در تنها ببرد
و برنگ بدن آورد صفت مردار سنگ پنج فی کهنه ارد
نخود استخوان پوشیده مغز تخم خربزه حب البان قسط
کوفته و بیخته بلعاب حلبه و بذر الکتان یک شب بمالند
و صباح لیموس و آب گرم بشویند صفی که همین خاصیت

دارد صفت ابریشم فطمه دار سنگ مغسول شاخ گوزن سوخته
بوره ارمنی اشق کوفته بماء الشعیر بمالند باب الضاد ضماد التینی
صلاح طحال را نافعست صفت مقل دو درم اشق درم مازو
باقلا گرسنه نخود الحلیل الملک بزر حلبه بابونه ترمس
سبل از هر یک نیم درم انجیر زرد بیست و چهار درم کوفته
و بیخته بروغن سداب یا روغن بابونه ضماد کنند ضادی که
درم صلب رحم را نافعست صفت مقل ازرق دو درم اشق قند
تخم مرو حلبه بذر کتان آب کند نا مغز قلم کاو بدستور معمول ساخته
در کرباس خام گیرند و بر درم گذارند ضادی که نافعست از جهت
اورام صلبه و معده و جگر صفت زعفران صبر ازهر یک یک درم
افتیمون سنبل ازهر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته باب گرم
ضماد کنند ضماد حی العالم نافعست از جهت حرارت و برودت جگر
صفت بنفشه چهار مثقال حی العالم گل سرخ صندل

از هر یک چهار درم قصب الزریره دو مثقال کافور یک درم
کافور کوفته باب کشنیز تازه ضماد کنند ضماد که ورم جگر را
نافع باشد صفت جو در سرکه خیسانند تا مهرا شود پنجدرم
طباشیر سفید فوفل نیم درم افسنتین ورق گل سرخ قصب
الزریره صندل سفید شیاف مامیثا از هر یک درمی
کافور را نیکو کوفته و بیخته در لثه کتان مالند در موضع
جگر اندازند ضمادی که قوت و خاموشی و خصه را ببرد صفت
بگیرند شاف مامیثا و اقاقیا از هر یکی درمی صبر و نشادر
از هر یک را نیکو اشنان پنجدرم بروغن یاسمن ضماد کنند ضماد
که صحبت باد فتق کودکان نافعست صفت مقل و مر یکی بسرکه
حل سرکه ضماد کنند ضماد سوختگی بنفشه سبوس گندم ارد
جو خطمی ارد باقلا اکلیل الملک مساوی بروغن بنفشه باد
ضماد کنند ضماد تیزهر حلبه از هر یک ده درم میعه سائله

چهار درم اقاقیا مرامله کندر سعد اذخر سنبل مصطکی
از هر یک پنجدرم گل ده درم کوفته و بیخته باب به
ضماد کنند ضمادی که معده باد دار گرم کند و قوت دهد
صفت سعد مصطکی سنبل قسط افسنتین از هر یک پنجدرم
اذخر امله فرنفل دارچینی قصب الزریره از هر یک دو
درم کوفته و بیخته باب به ضماد کنند ضمادی که ورم کهنه
معده را تحلیل دهد صفت مقل حب البان تخم کرنب از
هر یک دو درم سنبل الطیب اشق مصطکی از هر یک
پنجدرم مومیا سه درم روغن ناردین پانزده درم
صمغها را در شراب حل کنند و باقی ادویه را کوفته و
بیخته اضافه نمایند و با مومیا روغن ضماد کنند ضمادی
که همین خاصیت دارد صفت حلبه سعد قصب الزریره
اذخر از هر یک دو درم مومیا سه درم روغن بابونه

طلا بجهت اعاده بریان طلا کنند
اقاقیا کهنار فارسی مازو کبر تریاک
کافور کهربا افیون بزر البنج
کاهو بوضه تخم کاهو کاشم
اخراج کوبیده با لینیکم
طلا کنند
نفوخ تخم اعاده حجر ارمنی
زاج لبنی بوخته کاهو بوخته
کوبیده در بیز نفوخ کنند

پانزده درم بطریق معهود ضماد کنند ضماد ضد لین از جهة
معده و جگر کرم نافعست صفت صندل سرخ و سفید
گل سرخ شیاف مامیثا کافور کوفته و بیخته باب
عنب الثعلب و قدری سرکه ضماد کنند ضمادی که
استسقای زقی را که بان حرارت باشد نافعست
صفت ارد جو سعد پشت گوسفند بوره ارمنی
مساوی کوفته و بیخته ضماد کنند ضمادی که نفخ طحال را
سود دهد و صلابت را نرم کند صفت اشق هفت
درم سداب ده درم بوره ارمنی فودنه از هر یک سه
درم کوفته و بیخته ضماد کنند تبرکه کهنه ضماد الاشق
صلابت طحال را سود دارد صفت اشق مقل بوره ارمنی
نمک هندی از هر یک چهار درم اشنه کرفه از زنج
از هر یک شش درم سداب هشت درم کوکرد

دو درم

دو درم انجیر ده عدد انجیر را در سرکه بزنند و اشق و
مقل را در ان حل کنند و باقی ادویه را کوفته و
بیخته اضافه نمایند و ضماد کنند ضمادی که وجع رحم
و بواسیر را تسکین دهد صفت زعفران افیون بذر
البنج پیه مرغ از هر یک دو درم خطمی و بزرک از هر یک
پنج درم زرده تخم مرغ نیم بوشت یک بیضه بروغن
استخوان زرد الو ضماد کنند ضمادی که از جهت فتق نافع
بود صفت جوز السرو دو درم سعد مرصع عربی یا مرزنجوش
بازرد اقاقیا از هر یک یک درم کوفته و بیخته بشراب کهنه
سرشته ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد صفت جوز
السرو صبر سقوطری ورق سداب مازو بابونه مساوی
کوفته و بیخته بروغن قسط ضماد کنند ضمادی که همین
منفعت دارد صفت مصطکی کندر از زوت جوز السرو بوره

دیبخته بریشم او با کلار جون نبده
صاف نمود، اجزا او داخل
کرده ضماد کنند

صمغ که در شرح اسباب مذکور است
بجوز فتق مصطکی انزروت کندر
مازو درخت کاج اقاقیا کلنار مازو
خون لبا دلسان دم مرزنجوش
شیخ ارمنی بابونه کوبیده و بیخته
با لرنیم ماهر دکلار جون نبده
تا بیخته شود اجزا او داخل کرده
ضماد کنند

سر و سرهنی بلوط مساوی کوفته و بیخته بسرکه ضماد
کنند ضمادی که نقرس بارد را سود دارد و بقایای
او را بارد را تحلیل دهد صفت مقل کندر حلبه
بزر اشق کوفته بشراب ضماد کنند ضمادی که سکان
از بدن بیرون آورد صفت اشق پیاز نرگس بیخ نی
کوفته ضماد کنند ضمادی اسطمخیقون درد معده و کبد
و طحال را نافع بود صفت افسنتین سنبل الطیب سلیخه
صبر سقوطری از هر یک سه درم عود بلسان ذ
عفران از هر یک دو درم موم سفید هشت درم
موم در روغن ناردین یا روغن قسط یا روغن ذ
نبق بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته با ن
تو سازند و ضماد کنند ضمادی که ضعف معده را
که سببی نافع باشد صفت حب الاس امله عود

اسطمخیقون

حب الاس باشد

کلنار برگ مورد پوست بیخ پوست گل سرخ قصب
الذریره صندل سرخ و سفید کوفته و بیخته
بگلاب و آب سیب ضماد کنند ضمادی که نقرس
و اورام حار را نافع بود صفت صندل سرخ
عدس مقشر فوفل شاف ماميثا گل ارمنی
کوفته و بیخته بگلاب و آب کاسنی ضماد
کنند ضماد قطاریون لقوه و فالج و صداع و درد
چشم را و شقیقه و صداع غیبی ضماد کنند و چون
بر شانه ضماد کنند بول براند و چون بر گرده
ندکی عقرب ضماد کنند درد را ساکن کند
و چون بر شکم ضماد کنند اورام اعضاء باطنه
را نافع بود صفت دهن الحمام دو درم موم

ضماد اورام نقابس
کتیرا اسفناج ایضا شش عدد
ایضا برگ بیخته مرهم گل حلبه
کتیرا سحیق گرد ضماد اورام حلبه
کتیرا اسفناج ایضا برگ ببرگ
عنب الثعلب گل حلبه بزر کاه
ضماد بجهت نفخ دل
عنب الثعلب الحلبه الملک موجوبه
گل سرخ با گلاب بجهت ضماد کنند

موم سفید ده درم و اسفنج سه درم در روغن زیت
چهل درم موم و اسفنج را در روغن زیت بگدازند
و مرغ الحمام را کوفته و بیخته اضافه نمایند ضادی
که اگر بر معده نهند قی آورد و اگر بر ناف ضماد
کنند شکم براند و اگر بر عانه ضماد کنند حیض را
ند صفت برنک کابلی عصاره قثاء الحمار از هر یک
سه مثقال خربق سفید مرداسنگ از هر یک
چهار درم بر روغن زیت بگدازند و باقی ادویه
کوفته و بیخته بان ضم کنند و بر روی کاغذ پاره
کشند و ضماد کنند ضادی که چون بر ناف کشند و
بر فم معده اندازند اسهال سودا کند و چون
بر زیر بغل ضماد کنند اسهال صفرا کند و چون

بر پایین

بر پایین الورکین ضماد کنند بلغم براند و این ضماد
اسرار الطباست و پیران و کسانی را که طاقت اسهال
بد و انباشد بدین معالجه کنند صفت نرمس
مقشر یک کف بکوبند و در دیگ کنند و بعد از
ان مساوی ان روغن کاو اضافه نمایند و بجوشا
نند تا بقوام بیاید و استعمال کنند و چون خواهند
که قطع اسهال شود لثه بردارند و بگلاب بشویند
ضادی که جبر دکرد و دی را نافع بود صفت صعاش
ماش کل ارمنی از هر یک چهار درم خطمی و مرا
هر یک دو درم اقاقیا و صبر از هر یک یک درم کوفته
و بیخته باب مورد و زرده تخم مرغ ضماد کنند ضادی
که عرق النسا و وجع الورک را نافع است صفت پوست
پنج کبر فودنه کوهی عاقرقرحا از هر یک دو درم عصاره

نهار از جهت سستی کبد و تلخی
دهن بدهند و بعد از ان بدهند چربی آدم را در روغن مرغ
حل کرده بر روی آتش
روغن گاو حل کنند
سفوف جهت درد پشت و درد بول و جهت
و نقو به الفاظ و سستی اثاث بول و مثانه
مجرب بهتر از حکما هند و از رجمه
نقل شده است فوفل صفت مثقال و نیم
را بمزوج نرم صلایه نموده و در مثقال
پاک اندک به دهند و در طلب هند
و نیم را بدلنه کوفته و بیخته اضافه نمایند
و بر روی آتش نرم گداخته با چهار
پنج عدد زرده تخم مرغ بقدر آنکه مضغوط
شود معجون شود مرتبه هم بر سه
و نیم مرتبه بر آن شار کنند
و مجموع آنرا در یکروز تناول نمایند

قثاء الحمار حب الغار از هر یک یکدرم کوفته و بخیته
بشراب العسل ضماد کنند ضمادی که همین خاصیت دارد
صفت نطرون عاقرقرحا از هر یک دو درم قسط فغم
تره تیزک از هر یک یکدرم زرنب پنجدرم زفت دادر
روغن زیت بگدازند و باقی ادویه کوفته و بیخته
اضافه نمایند و ضماد سازند ضمادی که پوست برکرد
ناخنی و باصلاح آورد صفت مصطکی سه درم در
پانزده درم روغن گل بگدازند و دو درم غلت
بان بیامیزند و بر ان موضع ضماد کنند ضمادی که درد
پشت و کمر را ساکن گرداند صفت جند بیدستر
زعفران افیون سفیداب ارزیز سفیده تخم مرغ بر
پشت ضماد کنند و باتش داشته دست بالکنی ضمادی
که از برای برص اطفال نافع باشد صفت زرنیخ

سرخ شب یمانی کوکرد از هر یک یکدرم زفت دو می
ده درم زفت را در عسل و سرکه بگدازند و داروهای
دیگر بان سرشته ضماد کنند ضمادی که استسقای طبلی
را سود دارد صفت بابونه اکلیل الملک حماما شبت
مصطکی از هر یک ده درم افسنتین سنبل صبر از هر یک
ده درم کندر شش درم بیخ خطمی پانزده درم پیه
بط دوازده درم پیه مرغ بیست درم موم سفید سی
درم ضماد سازند ضمادی برای تخم کند نابزرگ مقل ازرق ان
هر یک پنج درم بروغن گاو سرشته ضماد کنند ضمادی که
قروح معده را نافع باشد صفت افیون زعفران ان هر
یک نیم دانگ مرداسنگ یکمثقال سفیداب ارزیز
نیم درم روغن گل پنجدرم ضماد سازند چنانکه رسمست
ضمادی که اخراج مشیمه کند و بیرون آورد صفت شحم

خطل قسط اسد اب از هر یک سه درم کوفته و بیخته بنو
هره کاو بسرشند و بوغانه و ناف ضماد کنند ضادی که
صداع یا درد را نافع بود صفت بابونه اکلیل الملک درمنه
توتیا شبت ورق الغار مرزنگوش مساوی بروغن
چنبری ضماد کنند ضادی که اسهال صفرا را نافع باشد صفت
بوره مورد گل سرخ گلنار صندل ماذو املة لادن
صماق اقاقیا حضض مساوی کوفته و بیخته باب مورد
سرشته بر شکم ضماد کنند ضادی که دلقاء امعا بلغمی را نافع
باشد صفت لادن سعد مصطکی قصب الذریره مرزنجوش
تمام از هر یک پنجدرم عود جوز بوا قرنفل از هر یک
پنجدرم و نیم کوفته و بیخته باب مورد ضماد کنند ضاد
که اورام شرجی را سود دارد صفت نان گندم ارد جو
باقلا حضض از هر یک ده درم زعفران سه درم

کوفته و بیخته

کوفته و بیخته بزرده تخم مرغ ضماد کنند ضادی که نکذا
پستان بزرگ شود صفت ودع سوخته ارد جو مساوی
بسرکه بسرشند و در هر ماه سه روز متوالی ضماد کنند
ضادی که اماس چشم بنشاند و درد را ساکن میکند صفت
ارد جو ده درم باقلا پنج درم اقاقیا یکدرم سفید تخم
مرغ یکعدد باب کشنیز و آب کاسنی ممزوج ساخته
ضماد کنند ضادی که از جهت اختلاط عقل و امراض حاده
نافع است صفت ارد جو سبوس گندم بنفشه از هر یک
پنجدرم خطمی سه درم باب بید و روغن قدری بسرکه
ضماد کنند ضادی که اماس بن گوش را بنشاند صفت
پیه بط پیه مرغ از هر یک پنجدرم شیک گوسفند کهنه
کوفته و بیخته بان بسرشند و ضماد کنند ضادی که
اسهال را که ضعف قوت هاضمه و برودت جگر باشد

ناصفت صفت سنبل قصب الذریره افسنتین رومی
قنور کندر مصطکی لادن برگ مورد ورق گل سرخ
صندل از هر یک ده درم پوست انار ترش و املج
از هر یک پانزده درم کوفته و بیخته بشراب کهنه ضماد
کنند ضمادی که جهت سینه و حلق ناصفت صفت روغن
بادام موم سفید مغز تخم خیار اب تخم خرفه ورق گل سرخ
مغز کدو اجزا را با هم مزوج ساخته پاره از آن مخلوط کنند
و بر روی سینه و جگر نهند ضمادی که درد بواسیر بنشاند صفت
مقل ازرق کوهانی شش مغز ساق گاو استخوان زرد الو
میعه زرد تخم مرغ مساوی در روغن گل پیاز در آن
جوشانیده باشند حل کنند و ضماد کنند و پیاز بروغن
گاو بریان کرده نیز ضمادی ناصفت ضمادی که قبله
الماء اسود دارد صفت جوشیده گوسفند گل ارمنی

سرکین

سرکین گاو خشک از هر یک دو درم سعد بوره ارمنی
زیره کرمانی مسی سوخته شحم حنظل صبر سقوطری
قثاء الحمار از هر یک یک درم کوفته و بیخته بسرکه ضماد
کنند ضمادی که افراط طمث را نافع است صفت عدس
مقشر پوست انار ترش مازو برگ مورد مساوی
کوفته و بیخته بسرکه بسرشند و بر پشت شکم و عانه
ضماد کنند ضمادی که شیر زنان زیاد کند صفت ریباقلا
دو درم تخم بادروج پنج درم کوفته و بیخته باب بادروج
ضماد کنند ضمادی که نگذارد که باد بیرون آید صفت
شب یمانی سه درم مازو سه عدد کوفته و بیخته به
ششدرم سرکه ضماد کنند و بر قاده محکم ببندند ضمادی
که نقرس گرم را سود دارد صفت اوجو بیست درم
افیون سه درم باب عنب الثعلب ضماد کنند ضمادی

که نقرس مرکب را نافع بود صفت مغاث خطمین تخم مورد
ارد جو سوزنجان مساوی بروغن گل و زرده تخم مرغ
ضماد کنند ضادی که جمیع امراض مفاصل را نافع باشد
صفت بابونه خطمین اکلیل الملک از هر یک بیست درم
اشق جاوشیر مقل از هر یک ده درم مور و سرگین از هر
یک پنجدرم روغن شبت بیست درم ضماد کنند چنانکه
دستمست ضادی که جمیع اورام حاره را نافع بود و ماده را
دفع کند صفت شاف مامیثا اقاقیا فوفل صندل سرخ
باب عنب الثعلب ضماد کنند ضادی که بواسیر و درد مقعد
و زحیر را نافع بود صفت مغز بیاق گاو ده درم موم سفید
سه درم اقاقیا دم الاخوین کندر مر از هر یک نیم درم
مرداسنگ سفید ابارزیز از هر یک یکدرم و نیم مقل
یکدرم افیون دانگی روغن گل بیست درم بطریق معهود

ضماد کنند ضادی که مخصوص بواسیر است صفت روغن
مغز استخوان زرد الویج مثقال پیه بط پنجدرم مصطکی
سایله سه درم مقل ازرق دو درم زفت یکمثقال و نیم
ضماد کنند ضادی که همین خاصیت دارد صفت پیاز و
کندنا پخته در روغن گاو بریان کرده از هر یک پنجدرم
مقل یکدرم زعفران نیم درم افیون دانگی و نیم ضماد
کنند ضادی که همین عمل کند صفت روغن مغز استخوان
زرد الوده درم کوهان شتر نه مثقال بول شفتالو
لوی خشک موم سفید از هر یک سه درم مقل یک
مثقال مرداسنگ دو درم ضماد سازند ضادی که ورم
باد خصیه را نافع باشد صفت ارد باقلا حلبه بابونه نوشادر
مویز منقی بروغن گل ضماد کنند ضادی که خنازیر
را تحلیل دهد صفت کتیرا پنجدرم نانخواه دو درم صبر یکدرم

باب الطلائی

باب کشنیز تازه ضماد کنند باب الطلائی که از جهت صداع
حار نافع باشد صفت صندل سرخ و سفید تخم کاهو از
هر یک سه درم گل نیلوفر گل سرخ از هر یک چهار درم
زعفران یکدرم افیون شیاف مامیثا از هر یک دو درم
پنج لقاح یکمثقال باب بول کاهو تر ساخته بوی پیشانی
و صدغین طلا کنند طلائی که درم پی گوش را
نافع است صفت صندل سرخ شیاف مامیثا صبر
زعفران مر مساوی بگلاب طلا کنند طلائی نعاف که
جو کلنار اقاقیا عصاره لحیة التیس افیون صندل
سفید از هر یک سه درم کافور را نکی بگلاب تر ساخته
بوی پیشانی طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت
اقاقیا شاسته گل ارمنی کلنار مساوی کوفته و بیخته
باب مورد با آب بول تاک یا آب لسان الحمل سرشته

فوفل

بر سر

بوی پیشانی طلا کنند طلائی که موی را از ریختن نگاه
دارد صفت پوست بادام شان لادن اهلیلج حب الغار
مساوی بکوبند و در روغن مورد بپزند و طلا کنند
طلائی که شکستن و شکافتن موی را نگاه دارد
صفت بول چقندر لعاب بزر قطونا در حمام بوی سر
و ریش طلا کنند طلائی که سبوسه را سود دارد
صفت آب بول چقندر چهل درم بوره دو درم زرده
کاو یکدرم بعسل بسرشند و بر سر طلا کنند طلائی که
منع انبات موی کند صفت زرنیخ در سایه خشک کرده
و بسایند و خون لاک پشت بشری خشک کرده
واهک و بوره ارمنی مرداسنگ صدف سوخته از
هر یک ده درم باب بسرشند و چون موی بغل و عانه بر کنند
باشد طلا کنند و بلکه بمالند دیگر بر انجا موی نروید

طلا کنند بازاری کوفته و بیخته و بعد از آن با آب گوشت و شوربا
و اگر در دهان سبب لبن باز گرفته و شوربا
بوده باشد نافع است صفت جیوه سلیمانی
صابون که از روغن زیت ساخته باشند
صابون را خرد کرده با جیوه در کاسه
بکنند و چند قطره آب لیمو بان چکانند
بهم بمالند بعد از آن سلیمانی اندک
اندک داخل نموده و چند قطره آب گرم
چکانیده بهم بمالند و میزنند تا تمام
سلیمانی داخل شود پس بسیار بهم زنند
تا کف کنند و هر قدر بیشتر بهم خاهد
بود بعد از آن قرص ها ساخته در وقت
حاجت با آب سائیده طلا نمایند
و هرگاه بدن زخم باشد بروی
زخم بمالند که زخم لاحق نمیکند
مجربست

وجمیع محذرات ومبردات همین خاصیت دارند مثل انکه
اکر موی از موضع بر کنند وان موضع به نبک وشو
کران وافیون پخته طلا کنند چند بار منع انبات
موی کند طلائی که در این باب محرب است صفت شیره
انجبر وخایه مورچه زرنب البحر وترشی ترنج از هر یک
قدری یکدیکر ممزوج سازند وموی را بر کنند
وسه بار بران طلا کنند منع انبات کند واکر پیش از
از بلوغ وانبات عانه را بدینها طلا کنند موی از انجا
نروید طلائی که موی بر وباند وداء الثعلب را نافع
بود صفت لادن سوخته چوب کتان شفابین با روغن
مورد طلا کنند یا برک مورد کوفته ومرو روغن بادام
بمالند بانفاح اذخر وقرنفل وسعد ومازو کوفته
وبیخته با شراب طلا کنند یا سم اسد محرق با روغن دنبه

لادن

طلا کنند

105

طلا کنند بعد از انکه چند بار پیاز عنصل مالیده باشند
که ابله کرده باشد نافع بود واکر زرنب البحر وفلاسفه سوخته
بروغن زیت طلا کنند همین عمل کند طلائی که وجرب
یابس را نافع بود صفت مغز استخوان زرد الو تلخ تخم ریواس
از هر یک بیست درم غل طعام زرنب از هر یک دو درم
مجموع را با بیست درم ماست ممزوج ساخته در حمام
طلا کنند وبکساعت بکذارند پس بشویند طلائی که
همین خاصیت دارد صفت زیبق مغسول حنا شحم حنظل
اقلیمیا نقره عدس مقشر مساوی بسرکه وروغن
کل طلا کنند طلائی که همین منفعت دارد صفت مغز
بادام تلخ سنای مکی مرداسنک از هر یک سه درم کنجد
ده درم بسرکه وروغن کل طلا کنند طلائی که از جهت جرب
وطب نافع باشد صفت کندش دیمی مرداسنک از هر یک درمی

اکاه باد کوفت چشم را کرفته باشد
وهم نه بشید این غلیان را بکند وفتنه را
مشهور صفت لبن تد تیای نهندی
شعرب عاقرقرحا تنه کار ربا البحر
فلفل دارتو مجموع را کوفته وبیخته
سرشته دانه قرص ساخته در روز دوازده
روز روز یک دانه صبح ظهر وعصر بدهند
تکدانه انسرو وغلیان کرده بکشند
ودر وقت کشیدن هر کاه بران باد کوفت
باشد چشم کرفته سر را اکر سیکی وجع
باشد بعد از مضی شش ماه از انداز
تجویز میکنند تمام بدن را بعد از
کرعرق کشند وبید داغ بیرون باشد
ودر ایام کشیدن غلیان باید غذای
معتدل بی نمک بخورند وبعد از
اتمام دهن را که حرارت داشته
با نمد باب کماف شسته کات
طلا یه کرده بیدا کنند

نمك پنجدرم بدبر كرد در روغن كل تر ساخته در حمام
طلا كنند طلائي كه جرب را نافع بود صفت زرد چوبه مر
قسط كندش از هر يك درم سعد سائيده پنجدرم بروغن
كل تر ساخته در حمام طلا كنند و سه ساعت بگذارند
پس باب گرم بشويند طريق استيصال جرب بابي افتد
كه سه روز هر روز يكمثقال صبر با عرق كاسني حمل كرده
باسه قاشق عرق كل بخورد و بعد از آن بحمام رود و بيرون
آيد و از آن مرد ارسنك و زاج زرد و سرگين كه يكهفته در
آفتاب گذاشته باشد طلا كنند كه نافعست طلائي كه
همين خاصيت دارد صفت كوكرد زرد يكمثقال پيه بز
دو مثقال روغن كل ده مثقال پيه داده روغن بگدازند
و كوكرد صلا بدهند بدان ممزوج سازند و شب بما
لند و صباح در حمام بشويند طلائي كه همين منفعت دارد

صفت

106

صفت زيبق مغسول پنجدرم كندش دو درم زراوند طويل
دو درم بروغن كل سه روز طلا كنند طلائي كه همين خاصيت
دارد صفت عاقرقرحا مويزج خردل حنا زيبق مغسول كوكرد
موم مساوي بروغن دنبه ممزوج ساخته طلا كنند طلائي
كه از جهت جرب نظير ندارد و مكرر بتجربه رسيده صفت كوكرد حنا
از هر يك يكمثقال پوست هليله زرد زيبق مغسول
هندي از هر يك نيم مثقال فلفل دانگي روغن دنبه
بيست مثقال بطريق معهود بيكديگر ممزوج سازند شب
بمالند و صباح در حمام بسوس و به آب گرم بشويند طلائي
كه از جهت حكه نافعست صفت تخم خشخاش اسفاناخ كوفته
در سركه و در حمام بمالند طلائي كه حكه خصيه را نافع بود
شياف مامثيا اقاقيا از هر يك چهار درم اشنان دو
درم نوشادر دانگي زعفران بكطسوج كوفته و بخيه بروغن

طلاء مسكن وجع رمد
الكلك الكلك بزر البيج كاكنج
كم كنرسي مصطكي كوبيده
بيخته با آب زعفران قرص ساخته
در وقت حاجت با آب سائيده
بر دو چشم طلا نمايند الحق طلا جهة
داء الثعلب ترياك و مادر را
در سركه تند سائيده موضع داء
الثعلب را تراشيده طلا نمايند
رفع مينمايد
طلاء مسكن وجع رمد
جدوار را با آب كشنيز سبز سائيده
بر دو چشم بمالند
سمعت من اهل التجربه صفت كيه ارمني
هليله كابلي را سوزانيده در سركه
سائيده بمالند ايضا لكل كه با دا
سائيده با سركه سائيده بمالند
ايضا ريشه اسفندرا با سركه سائيده
بمالند ايضا سنگ ارض اقدس
كه ظروف سازند شب در سوده جوش

کل و سرکه تو کرده طلا کنند طلائی که ثوبا دانا نافع بود صفت
کوکرد دو درم سفیداب ارزیز هشت درم مویزج یکدرم
بسرکه طلا کنند چنانکه رسمست طلائیکه همین خاصیت
دارد صفت خربق سفید چهار درم توتیا صدف سوخته
نطرون ازهر یک سه درم کوفته و بیخته بسرکه سر
ساخته طلا کنند طلائی که همین منفعت دارد صفت
توتیا اشق ازهر یک یکدرم بوره ارمنی دو درم
بسرکه کهنه بسرشند و طلا کنند و بعد از ساعتی
باب گرم بشویند طلائیکه نافعست از جهت قلع
ثالیل صفتمار و شب یمانی تخم خرجیر کوفته و بیخته
بزهره گاو بسرشند و چند نوبت طلا کنند طلائی که
سوختگی اثر دانا نافع بود صفت عدس مقشر گل سرخ
بپزند تا مهرا شود پس سفیداب وارد جو در روغن

طریق پختن خبث الحدید
چنان بود که آنچه ریم آهن بود
بگیرند و در کوره حداد آنرا
چندان دفعه تابند و در سرکه
اندازند و بعد از آن در عصاره
نعناع افکنند آنقدر که ریزه
ریزه بزد و اگر او را در عرق
نعناع افکنند مکرر و الکاه
در آب علف خردع بیکبود
و بدین ترتیب و تدبیر نیکو
کشته شود و این را مورد گویند
الکاه سحق کرده نیکو الکاه داده

کل بیامیزند

کل بیامیزند و طلا کنند طلائیکه ثوبل اماسی گرم
کند بعد از بیماریهای دراز در پشت چشم و پشت
پای مروی پیدا شود زایل کند صفت صبر اقاقیا
مر سعد شیاف مامیثا زعفران حضض گل ارمنی
کوفته و بیخته باب عنب الثعلب طلا کنند طلائیکه
صداع دانا نافع بود صفت مر زعفران افیون بذر البنج کندر
مساوی بگلاب تر ساخته بر صدغین طلا کنند
طلائی دیگر نیلوفر بنفشه تخم کاهو ازهر یک سه درم
پوست خشخاش شیاف مامیثا ازهر یک سرخ و
سفید ازهر یک دو مثقال باب کاهو تر ساخته بر
پیشانی و صدغین طلا کنند طلائی که اسهال و قی
را باز دارد صفت گل سرخ پنجدرم اقاقیا گلنار
مازو شب یمانی جوز السرو صندل سرخ و سفید

دو درم صندل
کوفته و بیخته

عدس بوره مورد از هر یک سه درم دلباشیر دو درم
باب به بوسکم و معده و پشت معده تمام طلا کنند طلائی
که درم حاد جگر را نافع بود صفت بنفشه خطمی ارد
جو از هر یک هفت درم گل سرخ چهار درم صندل
سرخ و سفید بابونه اکلیل الملک تخم کاسنی تخم
کشوث نیلوفر از هر یک یکدرم شیاف مامیثا دو
درم و نیم ریوند چینی یکدرم سنبل نیمدرم کو
فته و بیخته بماء بکلاب و آب کاسنی طلا کنند طلائی
که افراط حیض باز دارد صفت گل سرخ عدس مقشر
از هر یک پنجدرم اقاقیا گلنار صندل لبنی از هر یک
سه درم گل ارمنی چهار درم بلوط و طباشیر از
هر یک یکدرم کوفته و بیخته باب پرعاند و پشت
طلا کنند طلائی که از جهت بنات اللیل و انافع

بود صفت خطمی بابونه اکلیل الملک از هر یک چهار درم
ترمس پوشش در بنج از هر یک یکدرم شیاف مامیثا
از هر یک یکدرم و نیم ارد با قلا سه درم کوفته و بیخته
باب کرفس طلا کنند طلائی که جهت سعفه نوکر اطفال
باشد نافع بود صفت سفیداب اوزرزسه درم گل سرخ
دو درم گلنار زرد چوب از هر یک یکدرم کافور طوع
موم سفید دو درم و نیم کوفته و بیخته بان ممزوج سا
زند و طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد صفت استان
سبز مرداسنگ از هر یک پنجدرم گل ارمنی خصی
پوست انار از هر یک سه درم حنا و فنبل از هر یک
چهار درم اقاقیا شیاف مامیثا صندل از هر یک دو
درم بکلاب تر ساخته طلا کنند طلائی که همین خاصیت
دارد صفت بوک مهک چهار درم خاما زواز هر یک

دو درم بروغن دنبه طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد
صفت آب بوراق چقندر روغن دنبه از هر یک صد درم
جوشانند چندانکه آبش برود و روغنی بماند و بعد
از آن برگ مهک و حنا از هر یک پنجدرم کوفته و
بیخته با آن مروج سازند و طلا کنند طلائی که از جهت
سعفه که در بدن اطفال پیدا شود نافعست صفت زرد
چوبه حنا زراوند مرداسنگ پوست انار بروغن
گل و سرکه طلا کنند طلائی که از جهت سعفه کهنه نافع
بود صفت اشنان بسرکه تر کرده چند نوبت
بمالند و اگر صابون دبی بگلاب بزنند تا کف برآورد
بعد از آن نیم نیم نشاسته و موم سفید و روغن بنفشه با دام
از هر یک قدری اضافه نمایند و طلا کنند و یکساعت
بگذارند پس باب گرم بشویند سعفه را مستاصل

طریقه شستن فولاد و آهن
برادهٔ فولاد و آهن را در شیشه کرده
و آب زرنیخ بر او ریزند تا بر زیر آن
بگیرد و در آفتاب گذارند تا ماهی شود
پس بجوش بیاورند و بجهت آب ترب بگیرند
تا سه مرتبه اگر گشته شود
طریقه شستن طلا
نمک را باید با آفتاب یا باتش
بخلانند به نحوی که رطوبت سایر
در آن نماند و بعد از آن تفریح
نیم من بوزن تبریز انزروت میانه
شیشه کنند که بکل حکمت گرفته باشند
و انبیق بر سر آن بگذارند و عرق انزروت
باتش تندی بگیرند و بعد از گرفتن
عرق همان عرق را با نیم من بوزن
تبریز علی دیگر در شیشه کرده به نحو
مذکور و صفت موصوف تقطیر نموده
عرق میگیرند به همین نحو باشد
مرتبه بعد از آن طلا و بسیار خوب
بسیار نازک کنند که بنار کیب کانند
و در شیشه کوچک بقدر ده دوازده
مثقال از عرق مذکور بگیرند از همان
عرق و در میان آن بکنند تا آن محلول شود

نمایند طلائی که شپش را دفع کند صفت مویزج شوره از
هر یک دو درم زرنیخ سرخ یکدرم و نیم زیبق مغسول
یکدرم سرکه در روغن گل طلا کنند و اگر بدن را بروغن
کافیشر چرب کنند و باب که در آن گل سرخ و برگ مورد
جوشانیده باشند بشویند بغایت نافع بود طلائی که همین
خاصیت دارد صفت مویزج زرنیخ سرخ زراوند طویل
مساوی بروغن زیت بر بدن طلا کنند در حمام بعد از
آن که عرق کرده باشد طلائی که کلف را ببرد صفت پوست تخم
مرغ اشنان باب خرزه پرورده ارد جو بیخ نی پوست
عدس ارد باقلا فوفل کف دریا مامیران چینی باب
ترب طلا کنند طلائی که برش ببرد صفت سفیداب زرنیخ
سرخ مساوی بشیر تازه طلا کنند طلائی که اثرهای زردی
از روی ببرد صفت زراوند مدحرج شطرج هندی از هر

یک دو درم ارد بخود آرد با قلا عدس سرخ از هر یک
پنج درم بیضه تخم مرغ تر سازند و شب طلا کنند و صباح
باب خرفه بشویند طلائی که ضعف را نافع بود صفت حنا و
نمک کوفته و بخته بسرکه تر سازند و در حمام بمالند و
یکساعت بگذارند پس باب سرد و سبوس بشویند طلائی
که جزام را نافع بود صفت نطرون و نشاسته کوکرد زرد بحر
مساوی کوفته و بخته بسرکه طلا کنند طلائی که بهق
را نافع بود زایل کند صفت وه کندش شطرج هندی
خردل تخم ترب مازریون تخم حنظل اخریق سیاه
و سفید مویزج سقمونیا از هر یک یکجزو شقایق
دو جزو کوفته و بخته در سرکه خیسانند یک شبانه
روز روز طلا کنند طلائی که بهق را سود دارد صفت شقایق
شطرج سقمونیا تخم ترب خردل صمغ الوا از هر یک یکمثقال

تمرهندی که جوشانیده باشند

کوفته

کوفته و بخته در سرکه خیسانند یک شبانه روز بعد از
آنکه در حمام کیسه بر آن مالیده باشند طلا کنند و مروارید
صلایه کرده با سرکه مالیدن همین عمل کند طلائی که جب
الفرع و کرم را در از اطفال کند صفت افسنتین سه درم
بوک شفتالوی درمحین هر یک او یکعدد بر حوالی ناف
طلا کنند طلائی که چون بر سر اقرع مالند موی بر آید صفت
فلفل کوفته و بخته بزهره خوک طلا کنند طلائی که ریاح
شعره و برده را نافع بود صفت کندر مر از هر یک یکدرم
لادن شب یمانی بوره ارمنی از هر یک دانگی و نیم موم
نیم درم بروغن زیت طلا کنند طلائی که چون بر پیشانی
و پشت چشم طلا کنند ابتدا رمد را سود دارد و ماده
را دفع کند صفت شیاف مامیثا صبر حضض گل سرخ صندل
سرخ فوفل زعفران مساوی با بکشنیز تازه یا آب کاسنی

اخراج

تازه طلا کنند طلائی که شرناف را نافع باشد صفت صبر یکدرم
شیاف مامیثا افاقیا مر از هریک دو درم نیم درم زعفران
نیم درم کوفته و بیخته باب مورد یا اب کاسنی طلا کنند
که صرع چشم را ساکن کرداند صفت عدس مقشر صندل
سرخ از هریک دو درم کافور دانگی و نیم باب کاسنی
بر پیشانی و جفن طلا کنند طلائی که همین خاصیت دارد
صبر شیاف مامیثا حضض مکی زعفران افیون افاقیا
گل ارمنی صندل سرخ مساوی باب عنب الثعلب
طلا کنند طلائی که صداع با درد را نافع بود صفت مشک
وصبر فرفیون جند بیدستر صمغ عربی عود زعفران
از هریک دو دانگ افیون دانگی و نیم باب کرفس یا
اب مرزنجوش تر سازند و بر کاغذ کشند و بر پیشانی
و صدغین اندازند طلائی که حمره را نافع باشد

باب الاب

صبر زعفران

صفت صبر زعفران افاقیا فوفل گل ارمنی صندل سرخ
شیاف مامیثا باب کاسنی یا اب عنب الثعلب طلا کنند
طلائی که سکته را نافع باشد صفت خردل جند بیدستر
سرکه کهنه طلا کنند بعد از انکه تراشیده باشد و طلائی
که لقوه را سود دارد صفت صبر حضض از هریک درمی ذ
عفران دو دانگ بکلاب طلا کنند طلائی که محبوط عین را
نافع بود صفت صبر حضض افاقیا عصارة لحیة التیس باب
عنب الثعلب طلا کنند طلائی که فرد اورام حاره را نافع
بود صفت صندل سرخ شیاف مامیثا از هریک سه درم
گل ارمنی ده درم افاقیا حضض از هریک دو درم
اذریون هر دار سنگ از هریک درمی قیمولیا پنج درم کوفته
و بیخته باب کاسنی بسرشند و گلولها سازند بر مثل
کهتین و در وقت حاجت یکی را از ان باب گشنیز تازه

ظاهر که بجوز جرب نظر ندارد و مکرر بجربه
رسیده است صفت ان که گرد در خاصه از هر یک
پنج مثقال بولت اسطوخودوس زنبق مقشر
شبطرج هندی از هر یک نیم مثقال فلفل
دارفلفل دهن بیست مثقال بطریق
معهود بیکدیگر ممزوج سازند شب
بمالند و صباح در حمام رفته
با سرشن عدم و مرهم داد کرم
بر بندند بجربه

بسایند و طلا کنند طلاییکه شکم ببندد و اسهال باز
دارد ثفت قاقیا مر سعد کندر کهل جوز السرو مازو گل
سرخ املج گل انوفتی کادرس برنج عدس بلوط کلنار
بذر البنج صندل باب مورد یا آب بر طلا کنند طلاییکه
بر خصیه اطفال بندند نگذارد که بزرگ شود طلاییکه قیمولیا
سفید آب اوزیر از هر یک دو درم شب یمانی مازو
از هر یک درمی نیل یکدرم و نیم کوفته و بیخته بعسل
در روغن مورد چند نوبت طلا کنند طلاییکه استسقای
لحمی را نافع بود صفت مرتکی صدف سوخته بوره
ارمنی سرگین گاو کهنه مساوی طلا کنند طلاییکه
منع ابستن کند و اگر ابستن بود بچه بیندازد صفت
سداب خشک نطرون مساوی کوفته و بیخته باب سداب
تر بر شند و بر قضیب مالند و بگذارند تا خشک شود

وبعد از آن مباشرت نمایند طلاییکه بر ابستنی معین
باشد صفت حب بلسان جاوشیر مقل باداورد مساوی
کوفته و بیخته با زهره گاو بر قضیب مالند و بگذارند تا
خشک شود و بعد از آن مباشرت کند زن ابستن شود طلاییکه
که همین خاصیت دارد صفت برگ سنجد خشک بکوبند و با
زهره گاو بر قضیب طلا کنند و مجامعت نمایند طلاییکه
کراهت عرق زایل کند صفت سک گل سرخ سنبل سعد شب
یمانی از هر یک قدری کوفته و بیخته بگلاب نرم ساخته بر بدن
طلا کنند طلاییکه کسبان زایل کند صفت داسنی زراوند
طویل برگ چنار کاغذ ابکینه مجموع سوخته زعفران
مساوی کوفته و بیخته باب مورد تر شند و گلولها
سازند و خشک کنند و بعد از آن بغل و انجر اشند تا
خون آلود شود بعد از آن یک گلوله از آن سوده در آن

مالیه و یک شبانه روز بگذارند دیگر آن تن نشویند،
طلا کرحبی عرق کند بوک مورد مازو کلنار مساوی
کوفته و بخیه باب غوره یا آب مورد توسازند و بر بدن
طلا کنند طلا کرحنائی اناضج باشد شب بمالی گل
سرخ مورد مرداد سنگ بغل و آب اشنان بشویند و
داروها را کوفته و بخیه توساخته بر آن طلا کنند طلا
کرمغ نلات کند اقاقیا شیاف مامیثا حضض مکی
گل ارمنی صمغ عربی کوفته و بخیه بیضه تخم مرغ لبن
شند و بر پیشانی و شقیقه طلا کنند کرحیض
بر آید اسارون یکدرم سداب نیم درم داشزند و
درم لوبیا سرخ پنجدرم عسل ده درم بجوشانند و
صاف کنند و سه روز متوالی باز خورند کرهمانی
خاصیت دارد مرد آنرا نیز نافعست چون ایشان نیز

تحبس شده باشند افتیمون درمنه توکی ترمس
سداب دانه یا تخم کرفس از هر یک دو درم انجیر پنج عدد
گل قند ده مثقال بجوشانند چنانکه رسمست و صاف نمایند
و سه روز متوالی باز خورند و سه روز دیگر استراحت
نمایند و باز سه روز دیگر بنوشند همچنین عمل کنند تا
ادرار تمام واقع شود کرقی دابادزد و معده
را قوت دهد انار دانه ده درم مصطکی و نعناع
خشک از هر یک یکدرم کوفته در یک رطل آب بجوشانند
تا بر نیمه آید صاف کنند و عود و مشک از هر یک یکدرم
کوفته و بخیه اضافه نمایند و بنوشند کرحیض بر آید
لوبیا سرخ حلبه انیسون فوه از هر یک چهار درم سنا
سه درم در سه رطل آب بجوشانند تا بر رطلی آید صاف کنند
و قدری شکر اضافه کنند و هر صباح چهار درم بنوشند

باب العین

صفت کرهمین منفعت دارد صفت لوبیا سرخ الشیوخ فرا
فوه از هر یک چهار درم فرو دنده درم در پنج رطل اب
بجوشانند تا ابر نمیراید وصاف کنند وقدری مصطکی اضافه
کنند وهر صباح سه درم بنوشند باب العین صفت کرکم
فالج وسکته ولقوه وامراض بارده را نافع باشد شقیقه
ودماغ را از اخلاط پاک کند وعسر البول را سود دارد و
اخراج شیر کند صفت کذش شونیز فرفیون فلفل جند
بیدستر زراوند حب بلسان مشک عاقرقرحا بورق انیسون
کوفته وبیخته در بلغم دمند صفت کرهمین خاصیت دارد
صفت شحم حنظل فلفل اسطوخودوس جند بیدستر
از هر یک سه درم کذش هشت درم کوفته وبیخته قدری
در بلغم دمند صفت سیما از جهت سرعت انزال نظیر ندارد
ذبق پنج مثقال با قدری سرکه بدسته ابکینه

باب العین

با اهن نیک صلایه نمایند تا کشته شود وسه با قدری نمک
هندی داخل نمایند ومغز فراهنین پر از سرکه سازند و
این هاوان را در ان مغز فرو زنند وبر سر اتش نهند وسه
مثقال روی سوخته صلایه کرده اندک اندک بخورند
ان میدهند وبدستور ابکینه با اهن بهم میزنند تا
بلغم شود وبعد از ان انرا بوصله مثقالی پاک بر بالا بند
انچه در کرباس بماند بشانند وچندان اب بجوشند
که تمام پاک شود وچرک از ان برود پس انرا کلوله سا
زند ومیان انرا سوراخ کنند وریسمان در ان بکذرانند
ودر اب لیمو اندازند ویک شب بکذارند تا محکم شود
مانند حجری وبعد از ان انرا در روغن تازه بجوشانند
ودر محل درد دهن نگاه دارند وچون خواهند که
انزال شود از دهن بیرون اورند باب الغین غمر غمره

باب الغین

از جهت ثقل لسان که سبب آن بلغم باشد صفت نوشادر
سه درم زنجبیل غلک هندی سونبز فرفیون قرحامویزج
صعتر ایاره فیقرا ابوسا از هر یک هفت درم بوره ارمنی
وج از هر یک پنجدرم زوفا دارفلفل دو درم کوفته
وبیخته بعسل بسرشند وباسکنجبین غرغره کنند غرغره
که قروح حلق را نافع باشد صفت زاج سفید کاغذ سوخته سبز
مازو سبز کندش زعفران از هر یک یک مثقال غلک
سوخته نوشادر از هر یک نیم مثقال کوفته وبیخته بسرکه
غرغره کنند غرغره که همین خاصیت دارد صفت مازوی
سبز کاغذ سوخته زنگار زاج سفید کوفته وبیخته
بسرکه غرغره کنند غرغره که همین عمل کند صفت کندر یکدرم
مازوی سوخته یکعدد زنگار نیم درم کاغذ فرنگی سوخته
یکورق زعفران دانگی کوفته وبیخته در سرکه وعسل نیم

کرم

کرم غرغره کند غرغره که فالج ولقوه وصرع را نافع بود ودماغ
را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت ایاره فیقرا وج خردل
مویزج عاقرقرحا زنجبیل فودنج صعتر اصل السوس پوست
بیخ کبر کوفته وبیخته بعسل غرغره کنند غرغره که ثقل لسان
را وسکته وفالج را سود دارد صفت مویزج خردل زنجبیل
عاقرقرحا فلفل دارفلفل بوره ارمنی ابوسا هر یک بخوش
مساوی کوفته وبیخته بسکنجبین غرغره کنند غرغره که نمازی
وفنجه صفراوی ودموی را نافع باشد وحرارت جهات
بنشاند صفت گل سرخ طباشیر نشاسته تخم گل زعفران
از هر یک دو درم تخم کوفس سه درم مازو وسماق از هر یک
پنجدرم قند چهارده درم کوفته وبیخته بسکنجبین غرغره
کنند غرغره که دماغ را از فضول پاک کند صفت مویزج دانگی
ونیم عاقرقرحا خردل از هر یک نیمدرم کوفته وبیخته بسکنجبین

علی غرغره کنند غرغره که قلاع و استرخا لثه و دندان را نافع
بود صفت سماق برگ مورد گل سرخ زبیل جوشانیده و صاف
کرده رب توت ده درم اضافه نموده غرغره کنند غرغره که
سقوط لهات را که سبب آن رطوبت باشد نافعست صفت
گلنار شش درم شب یمانی دو مثقال نمک اندرانی دو
مثقال اقماع الرمان تخم گل از هر یک یک درم و نیم کو
فته و بخبه بوب توت غرغره کنند غرغره که قلاع سودائی
را سود دارد صفت سماق گل سرخ کشنیز گلنار برگ
مورد خرنوب جوشانیده غرغره غرغره که نافعست از
جهت سرفه که سبب آن زکام باشد صفت گل سرخ گلنار
خرنوب جوشانیده و صاف کنند و پیش از خواب غرغره
کنند غرغره که روی را سفید و براق گرداند صفت اود
جوارش باقلا اردنخود نشاستر کتیرا تخم رب کوفته

و بیخته بشیر تر سازند و شب بر روی مالند و صباح باب
گرم و سبوس بشویند غرغره که همین خاصیت دارد صفت
اود جوارش باقلا اردنخود از هر یک یکجزو عدس
مقشر کتیرا نشاسته زعفران از هر یک و مغز تخم
خربزه دو جزو سفیده تخم مرغ سرشته بمالند و صباح
باب گرم که در آن پوست خربزه و بنفشه جوشانیده باشند
بشویند غرغره که همین منفعت دارد صفت باقلا مقشر
کرسنه ترمس تخم رب مغز تخم خربزه نخود نشاستر
کوفته و بیخته روی را بآن بشویند باب الفاء فسخیوس
معده را قوت دهد و بواسیر را نافع بود و باه را زیاده
کند و رنگ را نیکو گرداند و دفع سرعت انزال کند
هلیله سیاه پوست هلیله زرد آمله مقشر شطرج هند
سنبل الطیب فلفل دار فلفل زنجبیل سعد از هر یک

باب الف

ده درم تخم شب نخم کندنا از هر یک چهار درم خبث الحدید
صد درم عسل وزن ادویه خبث الحدید را چهار شبانه
روز در سرکه خیسانند و بعد از آن خشک کنند و
صلایه کنند چندانکه بر روی آب پاشند بته آب فرو
نرود و باقی ادویه را کوفته و بیخته اضافه نمایند و
بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال نمایند
شربتی ده درم و بعضی دو درم مسک اضافه میکنند
تیر در نوش نسیان و قولنج و مغص ریحی و امراض
زنان حامله را که سبب آن برودت باشد سوء و باد
های غلیظ دفع کند صفت فرفیون عاقرقرحا سنبل
از زعفران از هر یک هفت درم افتیمون بذر البنج
از هر یک بیست درم کوفته و بیخته بعسل سرشته
و بعد از شش ماه استعمال نمایند قرار دهد معده

را

را قوة دهد و باه را زیاده کند و سرعت انزال را دفع کند
صفت پوست هلیله زرد پوست هلیله کابلی شطرج
هندی تخم کرفس خیربوا قسط تلخ سلیخه فرنفل اسباسه
خولنجان ملک از هر یک درمی پوست هلیله املج مقشر
نانخواه دار فلفل از هر یک چهار درم تودری فرفیون
جوز بوا زنجبیل فلغلموه از هر یک چهار درم سعد
ده درم مشک دو مثقال عنبر یک مثقال خبث الحدید
بدر بوزن ادویه روغن گاو چهل مثقال عسل مصفی
دو وزن و نیم ادویه بطریق معهود معجون سازند و بعد
از شش ماه استعمال نمایند شربتی دو درم بر نبید
زبیب با شیر گاو بیامیزند شامند تقویت درد معده و امعا سود
دارد و معده را گرم کند و بادها را بشکند صفت زعفران
انجدان تخم سداب تخم کرفس زنجبیل حاشا مغز جلغوزه

از هر یک ششدرم فلفل هشت درم عسل دو وزن ادویه
شربتی یکمثقال یا دو مثقال قند ریقرب بر نسخه دیگر منافع
هر دو قریب بیکدیگر است صفت زنجبیل فلفل سنبل مصطکی
نانخواه از هر یک چهار درم تخم کرفس فودنج از هر یک دو
درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند فلونیا یونانی این معجون
مادکست نزلها باز دارد و دردها را ساکن فی الدم و
اسهال و موی و قولنج و هیضه و سیلان طمث را نافع
بود صفت فلفل سفید دار فلفل بذر البنج از هر یک بیست
مثقال سادج هندی سلیخه حب بلسان عاقرقرحا فر
فیون از هر یک یکمثقال تخم کرفس کوهی سنبل الطیب
از هر یک چهار مثقال تخم کرفس بنطی سه مثقال و در
بعضی نسخها بعوض تخم کرفس بنطی دو قوست مجموع کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند و بعد از شش ماه استعمال

نمایند

نمایند شربت دانگی تا نیم مثقال او جهت از کلی قولنج در طبیخ
شبت و از جهت درد کرده در طبیخ جعده و از جهت درد
معده در طبیخ انیسون و از جهت سپرز با سکنجبین و از
جهت کرده و مثانه در طبیخ دار بانز و از جهت باد و اخلاط
خون در طبیخ سماق فلونیا یونانی استفراغ خون از هر موضع که
باشد باز دارد و رحم را قوت دهد و بادهای رحم دفع
کند و محافظت چنین نماید و اسهال و قی باز دارد و
دردها بنشاند و دماغ را قوت دهد و حافظه زیاده
کند صفت فلفل سفید بذر البنج از هر یک بیست درم
افیون و گل مختوم از هر یک ده درم زعفران پنج درم
فرفیون سنبل عاقرقرحا از هر یک دو درم جند بیدستر
یکدرم زرنباد دو پنج مروارید نا سفته مثل از هر
نیم درم کافور دانگی و نیم کوفته و بیخته بعسل بر شنه

وبعد از شش ماه استعمال کنند شربتی بکدرم صفت دیگر
درد معده وجگر که سبب آن برودت باشد تا قست و
حمیات بلغمی وتب ربع وتبهای کهنه را سود دارد صفت
فودنج نهری قطراسالیون سبسالوس از هر یک دوازده
درم تخم کرفس بلبونج خاشا از هر یک چهار درم کاشم یا
نزده درم فلفل سیاه چهل وچهار درم کوفته وبیخته
باسه وزن ادویه عسل مصطفی بسرشند شربتی یکدرم
باب کرم فلنسلی درد معده وشهوت کلی را نافع باشد
وبادها بشکند وطعام هضم کند صفت فلفل دارفلفل
از هر یک سی درم حماما سنبل از هر یک دو درم زنجبیل
تخم کرفس سبسالبوس سلیخه اسارون راسن از هر یک
یکدرم کوفته وبیخته باسه مقابل ادویه عسل بسرشند
شربتی یکدرم باب بنوشند فلفل الحلو وتفوق لشر را

نافع باشد وگوشت مرده را ببرد صفت اقاقیا دوازده درم انزروت
زنده هشت درم شب یمانی شش درم کوفته وبیخته بسرکه
کهنه بسرشند وقرص سازند ودر سایه خشک کنند ودر
وقت حاجت استعمال کنند فتیله که دعاف باز دارد صفت
کلنار گرد اسپاغول از هر یک نیم درم افیون دانگی کوفته
بحرزه بیخته بعصاره سرکنی خرد بسرشند وبخانه عنکبوت بگردانند
ند ودر بینی نهند بعد از آنکه بینی را بگلاب وسرکه شسته
باشند فتیله که همین خاصیت دارد صفت مازوی سوخته
در سرکه انداخته دو درم مزاج سیاه چهار درم شب یمانی
ششدرم کافور دانگی کوفته وبیخته فتیله را از کتان بساز
ند وبدان بگردانند ودر بینی نهند فتیله که همین خاصیت
دارد صفت کاغذ سوخته پوست تخم سوخته اقاقیا پوست
انار از هر یک دو درم کوفته وبیخته باب بادرنج یا اب

لسان الحمل سرشته فتیله را بان تر سازند و در بینی نهند
فتیله که کند بینی ببرد صفت مر پوست انار ترش از هر یک
دو درم قصب الزریره بذر البنج از هر یک یکدرم و نیم زاج
قرنفل از هر یک یکدرم فتیله را در شراب تر کنند و داروها
کوفته و بیخته بدان آلوده کنند و در بینی نهند فتیله که
ریش بینی را نافع باشد صفت زاج سیاه شب یمانی مازوی
محرق از هر یک یکدرم زراوند طویل ششدرم کندر
دوازده درم مجموع کوفته و بیخته با آب درد منی آب بر زند
و بپالایند و بجوشانند تا بقوام آید و فتیله را بدان آلوده
کنند و در بینی نهند فتیله که چشم را نافع بود صفت سعد
صبر سنبل کحل سرخ قرنفل کوفته و بیخته با آب فودنج بسرشند
و در بینی نهند بعد از آنکه بینی را چند نوبت شستشو با
شند و اگر شونیز را بریان کنند و یک شیاف مر روی در

سرکه

سرکه خیسانند و با قدری روغن زیت در بینی چکا
نند همین عمل کند فتیله که نافعست از جهر و جمع گوشت
در بینی که از گوش آمد صفت انزروت و شحم و مر بعسل
سرشته فتیله را بدان تر کنند و در گوش نهند
فتیله که گرانی گوش ببرد صفت انجیر سفید قربیر
بشکافند و شحم و عسل از و جدا کنند و بوره و قرد
مانا و خردل کوفته و بیخته بدان بسرشند و فتیله
سازند و در گوش نهند خردل و لبخیر کوفته در گوش
همین عمل کند فتیله که اخراج مشیمه کند و چنین میته
بدر آرد صفت زراوند مدحرج ابهل ترمس حرف از
هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران بسرشند و فرزجه
دارند فتیله که همین عمل کند صفت تخم خبازی خردل
سفید مقل ازرق از هر یک جزوی کوفته و بیخته با قطران

بسرشند و فرزجه سازند فرزجه که مانع ابستنی گردد
تخم خیندقوقی سرکین قبل خرد حب قلقل استخوان
زهره مساوی کوفته و بیخته بمیعه سایله بسرشند
و بر پشم پاره بردارند هرگز ابستنی نشود و اگر ابستنی
بود بچه بیندازد و گفته اند هر زنی حبه از حب الفروع
بلع کند یک سال ابستنی نشود و اگر دو دانه دو سال فرزجه
که بچه مرده و زنده بیندازد صفه اشنان فارسی
عاقرقرحا شونیز سداب فراسیون از هر یک کوفته و بیخته
بروغن زیت استعمال نمایند فرزجه که در ابستنی معاین با
شد صفه سرکین بز کوهی مایه خرگوش از هر یک قدری
کوفته و بیخته بعسل گرم بسرشند و بر پشم پاره فرزجه
نمایند فرزجه که همین منفعت دارد صفه مایه خرگوش
دارچینی عنبر زاج نبات مساوی کوفته و بیخته بکلاب

سرشته استعمال نمایند فرزجه که همین عمل کند صفه ما
میران چینی سورنجان صبر از یاسمن زبد البحر از هر یک
دانگی جنگر مرغ فرزجه سازند فرزجه که همین نفع دارد
صفه میعه سایله جند بیدستر مر قسط بارزد جاوشیر
مقل مشک کوفته فرزجه سازند و بعد از چند روز
و بعد از چهار ساعت مباشرت نمایند فرزجه که همین عمل
کند صفه مایه خرگوش سرکین او بعسل بسرشند بر پشم
پاره بردارند سه شب در شب چهارم مجامعت نماید
فرزجه که بچه مرده را فرود آورد صفه مرجاوشیر خربق
سفید مساوی کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
استعمال نمایند فرزجه که حیض براند صفه اشنان عاقر
قرحا جاوشیر از هر یک یکدرم فرفیون نیم درم کوفته و
بیخته بقطران سرشته فرزجه سازند فرزجه که منع حمل کند

مازو حب الاس مساوی کوفته و بیخته باب کرم سرشته
فرزجه سازند و پیش از مجامعت استعمال نمایند فرزجه
که وجع رحم و وجع بواسیر را نافع بود و در صلب رحم
را نرم کند صفة بابونه بیه بط افیون مور مساوی
بر پشم پاره بردارند فرزجه که اورام را نافع بود صفة
کندر انزروت دم الاخوین حب الاس کل اینها اقاقیا
کوفته و بیخته باب لسان الحمل سرشته بر پشم پاره استعمال
کنند فرزجه که رحم را قوت دهد و فرج را تنگ کند و
خوش گرداند صفة بسباسه سنبل مر زنجبیل قشاله کندر
صعتر اذخر کل خیری کل سرخ پوست بیخ کبر تمس مساوی
کوفته و بیخته بروغن بان بسرشند و بر پشم پاره بردا
رند فرزجه که همین خاصیت دارد صفة قثاء اذخر سعد
عود قرنفل از یک یک درم عنبر نیم درم مشک دانگی اماله

نیم دانگ

نیم دانگ کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و بر پشم پاره بردا رند
که حکم رحم را بنشاند و انرا بنت النسا گویند نافع بود
صفة سداب نعناع پوست انار عدس مقشر در گلاب و
قدری سرکه بر پشم بزنند و بر پشم پاره بخود بر گیرد فرزجه
که همین منفعت دارد صفة زعفران کافور از هر یک
دانگی مرداسنگ حب الغار نیم درم کوفته و بیخته بر
سفیده تخم مرغ در روغن گل بسرشند و فرزجه سازند
فرزجه که حیض بر بندد صفة کلنار کندر مازو سرمه اقاقیا
شب یمانی کوفته و بیخته باب لسان الحمل بسرشند و فر
زجه سازند و بر پشت غلاف طلا کنند فرزجه که همین خا
صیت دارد صفة کاغذ سوخته اقاقیا کلنار عصاره لحیة
التیس گل سرخ مازو دو صله کتان سوخته مساوی کوفته
و بیخته بسرکه بسرشند و استعمال نمایند فرزجه که حیض

بر اندر هر دو نه از هر یک چهار درم ابهل هشت درم سداب
دو درم مویز منقی بیست درم کوفته بزهره گاو فرزجه
سازند فرزجه کرم صلب رحم را نافع بود صفت کندر بادزد
از هر یک دو درم زعفران جاوشیر اشق از هر یک یک درم
مصطکی چند بیدستر میعه سایله روغن سوسن پیه بط
بابونه از هر یک سه درم صمغها را در مصیح حل سازند
و پیه را در روغن بگدازند و باقی ادویه را کوفته و بیخته
با آن بسرشند و استعمال نمایند باب القاف قرص عنصل
پیاز عنصل کوچک بشانند و در خمیر کنند و در تنور
نهند تا پخته شود بعد از آن مغز آن را که نرم شده باشد
بگیرند و در هاون بکوبند و بوزن آن کرسنه اضافه
نمایند و با قدری شراب بسرشند و دستها را بروغن
گل چرب کنند و قرص سازند و بعد از ما استعمال

نمایند

نمایند قرص افعی بدانکه انواع افعی بسیار است و آنکه
در زبان فاروق مستعمل است اشقر باید زیرا که
سیاه سخت زهرناک باشد و زهر آن بد بود و سفید
ضعیف و اشقر معتدل بود و جوان تندرست باید و
نشان جوانی آنست که حرکتهای او قوی باشد
و صریع الحرکت بود و نشان تندرستی و قوت آنست
که سر برافراشته دارد و چشمهای او سرخ بود و
دلیر باشد و ماده باید زیرا که ماده ضعیفتر باشد و
نشان ماده یکی آنست که در دهان او چهار دندان
باشد که از آن پیش دندان گویند از هر جانبی دو نر
را یکی باشد و مخرج ثقل او و فرج او بدنبال نر دیا
بود و دنبال او دراز نباشد و این مار گیران کلمه
دم گویند و نیز باید که شکم او صلب بود زیرا که صلابت

علامت آن باشد که در تن او رطوبات فضله کثیر است
و سر پهن باید از برای آنکه سر پهن علامت قوة دماغ است
و میان در فصل بهار باید گرفت که آفتاب در ثور باشد
و اگر بهار طبع زمستان داشته باشد در آخر بهار باید
یا در اول تابستان گرفت تا قوی باشد و مادی او در
میان درختان نباید خاصه درخت بلوط و باب نزدیک
نباید و باب زمین شوره نباید بلکه در صحرای پاکیزه
باید و بهتر آن باشد که در محلی که او را بگیرند بکشند
تا اضطراب بسیار نکند و خشم آلوده نگردد و کشته
و بیمار نشود و کشتن او چنان باید که مقدار چهار انگشت
از سر دنبال بیکضرب بیندازند بتیشه تیز چنانکه
قطعا هیچ پوست برو نماند و بیکضربت جدا شود زیرا
که زهر در دهان و جانب سر او باشد و فضلهای بد

در دنبال

در دنبال و چون کشته باشند نظر کنند اگر از و خون
بسیار رود تا دیر گاه حرکت کند نیک باشد و اگر زود
از حرکت فرو ایستد ضعیف باشد و بدین کار نباید و
آنکه شایسته او باشد شکم او بشکافند و پوست او باز
کنند و آن را باب صاف چند نوبت بشویند پس در آب
صاف و اندکی نمک با چند شاخ چوب شبت بجوشا
نند تا مهرا شود و گوشت از استخوان جدا کنند و بگدا
ند تا سرد شود و آب زرد از و بپالایند و آن گوشت را با چهار
یک وزن آن نان سفید پاکیزه بریان کنند و بکوبند با آن
آب که از آن پالوده باشند بسرشند دست و بینی را بروغن
بلسان چرب سازند و اقراص سازند از هر یکی مثقالی
و در سایه خشک کنند چنانکه مطلق نم نباشد و در
ظرف ابگینه نگاه دارند و باید که در محل پختن افعی و

کوفتن افعی و قرص ساختن بلبی بکیرند تا بوی آن بدماغ
نرسد قرص اندر خوردن مستعمل در تریاق فاروق و این
نسخه اختیار حسین ابن اسحق است صفت داد شعشان
قصب الزریره اسارون عود بلسان سنوه سلیخه مصطکی
از هر یک شش مثقال صمغ او خبز زعفران از هر یک
دوازده مثقال دارچینی از هر یک بیست و چهار مثقال
افتیمون بیست مثقال کوفته و بیخته بشراب ریحانی بسرشند
و دست را بروغن بلسان چرب کنند و اقراص سازند و
در سایه خشک کنند قرص قوقیون مستعمل در مسرطوس
صفت مویز منقی چهار درم انزروت از هر یک دوازده
درم دارچینی مقل اطفال ناخن دیوسنبل الطیب
دوی سلیخه اکلیل الملک سعد از هر یک سه درم قصب
الزریره نه درم زعفران یک درم فقر الیهود دو درم کوفته

وبیخته

وبیخته بسرشند و اقراص سازند قرص اندر معا که در مخلصه اکبر
مستعمل است صفت حماما داد شعشان قسط قصب الزریره
قرنفل فلفل ابیض نانخواه از هر یک سه مثقال فوه یکمثقال
سنبل الطیب ساذج از هر یک هفت مثقال مرصاف دار
چینی مصطکی از عفران از هر یک ششمثقال کوفته و
بیخته بشراب صاف بسرشند و اقراص سازند قرصی یکمثقال
و در سایه خشک کنند قرص کوکب معده ضعیف را قوت
دهد و نگذارند که فضول بان مندفع شود و چون بر پیشانی
طلا کنند صداع را نافع باشد و منع نزلات کند و چون
بابا زرد بیامیزند و بر دندان کرم خورده نهند درد ساکن
کند و چون باب مرزنجوش در گوش چکانند درد بنشاند
و سیلان خون از هر موضع که باشد باز دارد و سرفه کهنه
سود دارد و تبهای دیرینه را نافع بود و چون باب سداب

بباشامند جمع ذهرها و کرندن جانوران را نافع باشد صفة
مرجند بید ستر سنبل سلیخه گل مختوم پوست بیخ لعاج
از هر یک چهار درم زعفران افیون قسط کوکب الارض و انزا
نزطلق کویند از هر یک پنجدرم انیسون دوقو سیسالیوس
بذر الخیج میعه سائله تخم کرفس از هر یک هشت درم صمغها
را در شراب ریحانی حل کنند داروهای کوفته و بیخته بان
آمیخته و اقراص سازند یکدرم در سایه خشک کنند قرص
طباشیر طین سرفه و خشونت سینه و تبهای محرقه را نافع بود
و طبع را نرم کند و تشنگی بنشاند صفة طباشیر سفید چهار درم
توتیا سه درم مغز تخم خیارین مغز تخم کدو نشاسته
صمغ عربی خشخاش کبر از هر یک یکدرم بلعاب بزر
قطونا سرشته اقراص سازند قرص طباشیر تبهای صفرایی
را نافع باشد و شکم بربندد و خون باز دارد و تشنگی بنشاند

صفة

صفة
گل سرخ پانزده درم صمغ عربی نشاسته تخم حماض گل ارمنی
از هر یک ده درم طباشیر سماق سرشک مغیث از هر یک هفت
درم کوفته و بیخته بگلاب بسرشند و اقراص سازند قرص
طباشیر لولوی مروارید ناسفته طباشیر از هر یک سه مثقال بسد
کهربا تخم حماض طراثیث صمغ عربی از هر یک دو درم
خشخاش بریان کرده پنجدرم کوفته و بیخته بگلاب
اقراص سازند قرص طباشیر کافوری بر تبخیر معمول بدو دفع را و
سرفه گرم را نافع بود و تشنگی بنشاند صفة طباشیر گل
سرخ صندل سفید مغز تخم خیارین کاسنی و کاهو و
خرفه از هر یک یکمثقال کافور دانگی کوفته و بیخته بلعاب
بزر قطونا سرشته اقراص سازند قرص کهربا خون رفتن
از شکم باز دارد صفة کهربا بسد مروارید ناسفته تخم
خرفه از هر یک نیم درم شاخ بز کوهی سوخته پوست

کشنیز

بیضه محرق صمغ عربی از هر یک سه درم خشکاش بریان کرده
خشخاش سفید و سیاه از هر یک شش درم ودع سوخته
بذر البنج از هر یک دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا
اقراص سازند قرص کلنجوبن بازدارد صفت سلیخه گل ارمنی
صمغ عربی از هر یک چهار درم گل سرخ کلنار اقاقیا از هر
یک سه درم کوفته و بیخته بلعاب کلنار اقراص سازند
قرص زرشک کبیر ورم معده و جگر و تبهای بلغمی و استسقاء را
نافع بود صفت عصاره زرشک مغز تخم خیارین مغز تخم خربزه
از هر یک سه درم گل سرخ توتیای از هر یک شش درم
تخم کشوث دب السوس طباشیر تخم کاسنی سنبل الطیب عصا
غافت لاذن مغسول دیوند چینی از هر یک دو درم زعفران
نیم درم کوفته و بیخته بآب توتیای سرشته اقراص سازند
قرص زرشک مقشر پانزده درم تخم خربزه تخم کاسنی

تخم خیارین

تخم خیارین از هر یک سه درم گل سرخ پنج درم سرپوشیده
سنبل از هر یک یک درم بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
قرص زرشک قابض زرشک پنج درم لاذن مغسول دیوند چینی
عصاره غافت سنبل الطیب مصطکی از هر یک یک درم کوفته
و بیخته اقراص سازند قرص زرشک شیرین زرشک پنج درم دب السوس
یک درم و نیم مغز تخم خیارین تخم خربزه تخم کاسنی از هر
هر یک دو درم و نیم بگلاب اقراص سازند شربت دو
مثقال بسکنجبین و آب کاسنی و آب عنب الثعلب اقراص
سازند قرص ریوند ورم و صلابت جگر و سپرز و تبهای کهنه
را نافع بود صفت دیوند چینی شش فوه لاذن مغسول منقی
از هر یک سه درم تخم کرفس انیسون عصاره غافت از هر یک
یک درم کوفته و بیخته بآب خالص اقراص سازند قرص خشخاش
دیش و سلینه و شش را نافع بود صفت گل سرخ صمغ عربی

از هر یک چهار درم نشاسته کثیرا رب السوس از هر یک
دو درم زعفران نیم درم خشخاش سفید و سیاه از هر
یک سه درم طباشیر پنج درم سیماب خالص اقراص سازند
شربتی یکمثقال یا دو مثقال سراب خشخاش قرص کل درد
معده و تبهای بلغمی را سود دارد صفت ورق کل سرخ
شش درم رب السوس چهار درم سنبل الطیب یکدرم طباشیر
دو درم عصارهٔ غافث چهار درم کوفته و بیخته بمنفتح
سرشته قرص سازند قرص وردیه تخمه دیگر اقوی از اول
صفت کل سرخ ده درم اصل السوس عصارهٔ غافث افسنتین
از هر یک چهار درم مصطکی سنبل اسارون عود خام
اذخر از هر یک کوفته و بیخته بگلاب اقراص سازند قرص
وردیه تخمه دیگر شطر العنب و تبهای حار را نافع بود و
معده قوت دهد صفت کل سرخ اصل السوس از هر یک

چهار درم طباشیر سنبل افسنتین از هر یک دو درم
نجبین سه درم بگلاب قرص سازند قرص غافث یرقان
و درد جگر و سپرز و تب ربع و تبهای کهنه را نافع باشد و سده
بگشاید صفت عصارهٔ غافث بیست درم سنبل ده
درم طباشیر سفید چهار درم کوفته و بیخته باب صاف
بسرشند و اقراص سازند قرص کاکنج قروح کلیه و
مثانه و بول الدم را نافع بود صفت مغز تخم حنا دین
کاکنج مغز بادام مقشر رب السوس نشاسته صمغ عربی
دم الاخوین کثیرا کندر از هر یک ده درم تخم کرفس
افیون یکدرم باب صاف اقراص نمایند شربتی یکدرم
تا یکمثقال قرص مقل درد معده را نافع بود صفت کل سرخ
ده درم سنبل الطیب یکدرم زعفران مر از هر یک یک
درم قسط مغز بادام تلخ از هر یک درم و نیم مصطکی دو درم

ونیم مثقال سه درم مقل را در شراب حل کنند و داروهای
دیگر کوفته و بیخته بر سر شند و اقراص سازند قرص کافوری
وتب گرم را سود دارد صفة زرشک منقی طباشیر کل سرخ
از هر یک هفت درم تخم کاهو تخم خرفه تخم کاسنی کثیرا از
هر یک سه درم مغز تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک
پنج درم صندل سفید دب السوس از هر یک دو درم کو
کافور یک درم بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربت
دو درم با سکنجبین بزوری قرص کافوری بر نسخه دیگر تب
دق و تب محرق را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفة
طباشیر تخم خرفه تخم کاهو از هر یک پنج درم تخم کاسنی
دب السوس صندل سفید از هر یک سه درم مغز
تخم خربزه مغز تخم کدو از هر یک هفت درم نوبخبار
ده درم کافور نیم مثقال بلعاب بزرقطونا اقراص

سازند

سازند قرص شبرم استسقای دقی را نافع بود صفة شبرم
هلیله سازو مساوی کوفته و بیخته قرص سازند شر
بتی را نکی با سکنجبین بتدریج بیافزایند قرص لدن
استسقای لحمی را سود دارد و سده بگشاید صفة لک
مغسول ریوند چینی از هر یک سه درم اسارون ذرا
مدحرج حضیضا ناسنبل مصطکی تخم کرفس انیسون نانخواه
از خرابهل قسط مغز بادام تلخ فوه افسنتین عصاره غافث
از هر یک دو درم فلفل زنجبیل از هر یک یک درم
شربت یک مثقال قرص افسنتین درد معده که از پس طعام پیدا
شود سود دارد صفة افتیمون تخم کرفس انیسون از هر
یک پنج درم سلیخه بیست درم فلفل چند بیدستر
از هر یک دو درم کوفته و بیخته باب صاف اقراص سازند
قرص افسنتین بر نسخه دیگر حمیات بلغمی و عسر البول و برودة

دوم

معده و جگر را نافع بود و سده طحال و کبد را بگشاید
صفت افتیمون تخم کرفس اسارون مغز بادام مساوی
کوفته و باب خالص بسرشند و اقراص سازند شربتی
بکمثقال قرص کبر اوجاع طحال را نافعست و سده بگشا
ید صفت پوست بیخ کبر اشق از هر یک چهار درم زرنباد
و ند لحویل دو درم تخم فنجکشت فلفل از هر یک شش
درم اشق را در سرکه کهنه حل کنند و باقی ادویه را
کوفته و بیخته بدان بسرشند و اقراص سازند قرص انیسون
شب بلغمی و جگر ضعیف را نافع بود صفت انیسون افتیمون
مغز بادام تلخ سنبل صبر از هر یک چهار درم مصطکی
غافث سادج هندی اسارون از هر یک سه درم
مصطکی تخم کرفس از هر یک یکدرم کوفته و بیخته بگلاب
بسرشند و اقراص سازند قرص ایرسا شربتی یکدرم با

بلیخ افتیمون سیر زصلب را نرم سازد صفت ایرسا
چهار درم فلفل سفید اشق از هر یک دو درم اشق را در
سرکه حل کنند و باقی ادویه را کوفته و بیخته بدان بسرشند
و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص فنجکشت
سده سیر زر و جگر بگشاید تخم فنجکشت تخم کاسنی
تخم خرفه تخم مغز کدو مساوی کوفته بسکنجبین بسرشند
و اقراص سازند شربتی دو درم با سکنجبین قرص فوه
طحال را نافع بود صفت فوه دوازده درم پوست بیخ کبر
ایرسا زراوند لحویل از هر یک دو درم کوفته و بیخته
بسکنجبین بسرشند و اقراص سازند و در طبیخ افتیمون
استعمال نمایند قرص عودی و هیضه بازدارد صفت
عود چهار درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی دو
قرص عودی دیگر معده را قوة دهد و طعام را هضم

کندر و اشنها اورد صفة قرنفل مصطکی از هریک سه
درم قاقله سنبل بسباسه از هریک دو درم عود خام
قرفه پوست ترنج از هریک پنجدرم زعفران جوز بوا
زنجبیل دار فلفل از هریک یکدرم قند سفید بوزن
ادویه کوفته و بیخته اقراص سازند قرص کندر قی و هیضه
باز دارد صفة کندر سه درم قرفه پنجدرم کبابه چینی
قاقله سلت از هریک دو درم مشک و کافور دانگی
قرنفل یکدرم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی بمقدار
باده درم شراب انار و منعنع قرص راسن قی و هیضه باز دارد
و خواب آرد صفة قرنفل ده درم سک قرفه راسن از
هریک یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند قرص حب
الاس اسهال قی باز دارد صفة سماق حب الاس کوفته
کل ارمنی نشاسته بریان کرده بلوط از هریک دو درم

مثل یکدرم پوست انار ماز و از هریک پنجدرم کوفته
و بیخته اقراص سازند شربتی دو درم باب سبب قرص
کرفی بلغمی و سوداوی باز دارد و معده را قوة دهد صفة پوست
بیرون بسته کل سرخ از هریک چهار درم عود خام
از هریک سه درم سک پنجدرم کوفته و بیخته باب سبب
قرص سازند شربتی بمثقال قرص سدد فی الدم و انافع بود
صفة بسد مغسول ده درم کندر اقاقیا کلنار صمغ عربی
از هریک چهار درم کثیرا کل مختوم از هریک سه درم
دارصینی یکدرم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی
بمثقال بشراب الخیار قرص سدد قریب المنفعت است بقرص
بسد صفة سرمه اصفهانی شادنج عدسی مغسول دم الاخوین
از هریک سه درم کلنار ماز و از هریک دو درم
شاخ بز کوهی محرق اقاقیا از هریک دو درم لادن

زعفران از هر یک نیم درم پوست سیاوشان یک درم و نیم
کوفته و بیخته باب لسان الحمل قرص سازند شربتی دو درم
قرص الطین قرص مثانه و بول الدم را نافع بود صفت گل مختوم
طباشیر کثیرا صمغ عربی صمغ فارسی تخم خرفه مغز تخم خربزه
خربوزه مغز تخم خیارین مساوی کوفته و بیخته بلعاب
بزرقطونا سرشته اقراص سازند قرص سنبل ورم سپلرجگر
و معده را نافع باشد صفت سنبل فقاع اذخر سلیخه
دیوند چینی قصب الذریره از هر یک سه درم زعفران
افسنتین مرقسطا تلخ فلفل از هر یک یک درم مقل مصطکی
از هر یک دو درم اشق نیم درم اشق و مقل را در مثلث
حل کنند و داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن
بسرشند و قرص سازند شربتی دو درم در دو درم
معده با مثلث و از جهت ورم جگر با سکنجبین دهند

قرص

قرص کهربا ترکیب جالینوس است سپرز صلب را بگدازد
صفت کزمازج چهار مثقال فلفل سفید اسارون اشق از
هر یک دو مثقال اشق را در سرکه عنصل حل کرده و
داروهای دیگر کوفته و بیخته بآن بسرشند و اقراص
سازند شربتی دو مثقال با سکنجبین قرص کهربا بر تخم
دیگر بول الدم را نافع بود صفت کهربا صمغ عربی
نشاسته کثیرا مر تخم کدو از هر یک سه درم گلنار
اقاقیا از هر یک یک درم و نیم کوفته و بیخته بلعاب
بزرقطونا سرشته اقراص سازند شربتی دو درم بسیرة
خرفه قرص شب یمانی همان خاصیت دارد صفت شب یمانی شاخ
گوزن محرق کثیرا حل ارمنی گلنار از هر یک سه درم
صمغ عربی دو درم کوفته و بیخته باب خرفه اقراص سازند
و با شراب حب الآس بدهند قرص بزوری جرب مثانه را

نافع بود مغز تخم خربزه ده درم مغز تخم خیار پنجاه درم مغز
تخم کدو و تخم خطمی مغز بادام شیرین کثیرا نشاسته
رب السوس خشخاش سفید گل ارمنی تخم کرفس از هر
یک دو درم بذر البنج یک درم کوفته و بیخته اقراص سا
زند و بشراب بنفشه بدهند قرص بنفشه تب با سرفه را نافع بود
صفت بنفشه مغز بادام شیرین مغز تخم کدو مغز تخم خیار
کشنیز گل سرخ از هر یک پنجدرم رب السوس گل ارمنی
نشاسته از هر یک سه درم مصطکی یکمثقال سنبل یک
درم کوفته و بیخته اقراص سازند شربتی یکمثقال قرص
بنفشه بدستور دیگر خون با تب و سرفه قبض طبیعت باشد
نافع بود صفت بنفشه ده درم تربد سفید پنجدرم رب
السوس سه درم گل سرخ پنجدرم و نیم سقمونیا سه درم
مصطکی یکدرم و نیم شربتی یکمثقال بجلاب دهند قرص خیاریقون

سپرز غلیظ بگدازد صفت خاریقون گل سرخ از هر یک پنجدرم
طباشیر یکمثقال و نیم کوفته و بیخته قرص سازند شربتی
سه درم با گلقند قرص صموغ که دشواری وضع حمل را
آسان گرداند و بچه مرده و زنده را در ساعت بیرون
آرد صفت مرجان و شیراز هر یک یکدرم حلتیت پنجدرم
مجموع یک شربت است با آب سداب یا طبیخ حلبه دهند
و همچنین اینها همین عمل کند قرص که رقت الدم را نافع بود
صفت افاقیا تخم گل افیون بذر البنج گل ارمنی گلنار صمغ
عربی مساوی کوفته و بیخته با آب خرفه قرص سازند
شربتی نیمثقال با آب بهار سیب قرص کهربا بدستور دیگر
اسهال و قوی را و افراط خون بواسیر و حیض را نافع
بود صفت خشخاش کهربا مصطکی از هر یک ده درم

زعفران دو درم کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا اقراص
سازند قرص خاص معده را قوت دهد و قی اسهال باز دارد
صفة گل سرخ طباشیر انار دانه کشنیز خشک بریان
کرده از هر یک نیم مثقال سماق سه مثقال رزیت کرمانی
مدبر یک مثقال کوفته و بیخته اقراص سازند شربت یک مثقال
قرص لک بر سنخه دیگر صفة لک مغسول فوه تخم کرفس
عنب الثعلب از هر یک یک درم سرانزیانز انیسون دو دق
از هر یک مثقال تخم کاسنی تخم کشوث از هر یک دو درم
کوفته و بیخته اقراص سازند قرص سیاه ثب دق مرقرقرحا
بتهای حاره و یرقان را نافع باشد و تشنگی بنشاند صفة
گل سرخ ترنجبین از هر یک پنج درم طباشیر مغز تخم خیار
از هر یک دو درم و نیم تخم کاهو سه درم و نیم مغز تخم
کدو دو درم رب السوس یک مثقال کافور دانگی و نیم

کوفته

کوفته اقراص سازند قرص انجبار اسهال و موی را و افراط طمث
و قی الدم را نافع باشد صفة بیخ انجبار چهار درم گل سرخ
صمغ عربی کهربا تخم خرفه از هر یک سه درم گلنار
نشاسته گل ارمنی بسد طباشیر رب السوس از هر
یک دو درم افاقیا یک درم و نیم کوفته و بیخته با آب مورد
قرص سازند قرص که استسقا را نافع است صفة گل
سرخ سه درم عود سنبل مصطکی سلیخه فقاع از خرداد
چینی افسنتین از هر یک یک درم کوفته و بیخته اقراص
سازند قرصی که همین خاصیت دارد صفة مغز بادام
تلخ افسنتین اسارون انیسون غاریقون مساوی کوفته
قرص سازند قرص انیسون تخم کرفس انیسون دارچینی انزر
هر یک ششدرم افسنتین مصطکی از هر یک چهار درم
فلفل مرافیون جندبیدستر از هر یک دو درم با آب

خالص اقراص سازند شربتی یکمثقال کرفواق
اسلاج را نافعست قسط تلخ صبر سقوطری اذخر
تمام فودنج کوهی نعناع کوهی خشک سداب تخم
کرفس کندر اسارون از هریک یکدرم افیون دانگی
و نیم گل سرخ پنج درم کوفته و بیخته بمثل سرشته
قرصی سازند خون شکم و ترخر و نفث الدم را نافع
باشد گل مختوم گل ارمنی قرط طباشیر
طراثیث بلوط اود کنار حب الآس از هریک دو
دو درم تخم حماض بوی صمغ عربی کلنار از هریک
چهار درم نشاسته گل سرخ از هریک سه درم
تخم کرفس صمغ مصطکی از هریک درهم ما
زو و زهره کرمانی در سرکه خیسانیده کوفته و بیخته
از هریک مثقالی کوفته و بیخته بلعاب بزرقطونا

قرصی سازند

قرصی سازند قرص سرطان دق و نفث الدم را نافع باشد
گل مختوم گل ارمنی نشاسته گل سرخ از هریک
ششدرم سرطان سوخته ده درم کتیرا شادنج
مغسول از هریک پنج درم رب السوس سه درم
تخم کرفس سماق مصطکی از هریک یکدرم مازو
و زهره کرمانی در سرکه خیسانیده کوفته و بیخته
باب لسان الحمل اقراص سازند قرص سل تخم خیارین
ده درم تخم خرفه اصل السوس از هریک چهار
درم طباشیر سرطان محرق از هریک دو درم
نشاسته کتیرا از هریک یکدرم کوفته و بیخته
بلعاب بزرقطونا اقراص سازند شربتی یکمثقال
قرصی که اسهال و سعال و نفث الدم را نافع بود
صفه تخم حماض بریان کرده زرشک منقی نشاسته

سرشته

طباشیر حب الاس شاه بلوط از هریک پنج درم
زعفران یکدرم گل مختوم صمغ عربی از هریک
ده درم کهربا بسد از هریک سه درم کوفته و
بیخته باب خلالی حب سازند شربتی دو درم قرص
کافلیج قدیم را نافع بود صفت رب السوس صمغ عربی
نشاسته مغز تخم کدو از هریک دو مثقال
انزروت مرتک دیوند چینی از هریک یکمثقال
مغز بادام سه مثقال بلعاب بزر قطونا و لعاب
مرسرشته قرص سازند شربتی دو مثقال قرص
مسک نسخه محمد ذکریاست معده و دل
و جگر را نافع بود صفت مصطکی قرنفل عود
دارچینی سنبل مشک جوز بوا کبابه هل
پوست ترنج فاقله از هریک مثقالی مشک

دانگی

دانگی کوفته و بیخته بشراب ریحانی سرشته اقراص سازند
شربتی یکمثقال قرص دیانیطس نسخه ثابت صفت فرطحب الاس تخم حماض
مقشر از هریک دو درم صمغ عربی نشاسته از هریک
یکدرم کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا اقراص سازند
شربتی دو درم قرص دیانیطس به نسخه دیگر صفت طباشیر رب السوس
از هریک دو درم تخم کاهو بیست درم تخم خرفه پانزده درم
گل سرخ کشنیز خشک از هریک پنج درم افاقیا صندل سفید
گل ارمنی گلنار دو درم کافور نیم درم کوفته و بیخته بگلاب
قرص سازند شربتی سه درم باب انار ترش قرص الدم صفت کندر
دم الاخوین گلنار از هریک دو درم شب یمانی دو درم و نیم
افیون دارچینی از هریک دو درم مجموع داده قرص سازند
شربتی یکعدد باب خرفه قرص مرواید دل و دماغ را قوت دهد

قرص ابا تیطس سه درم
طباشیر هندی رب السوس
۲ درم ۲ درم
تخم کاهو تخم کاهو هندی
۷ درم ۷ درم ۷ درم
تخم کرفس گل ارمنی صندل سفید
۱ درم ۱ درم ۱ درم
گلنار بارق صمغ عربی کافور
۱ درم ۱ درم ۱ درم ۱ درم
کهربا باب کاهو اقراص
سازند بقدر یکمثقال
شربت قرص یا قرص

ویرقان و خفقان حار را نافع باشد صفت گل سرخ دو درم

بسد

طباشیر مروارید ناسفته صندل سفید از هر یک یک درم
مغز تخم خیارین مغز تخم کدو از هر یک پنج درم تخم خرفه سه درم
زعفران نیم درم کوفته بلعاب بذر قطونا قرص سازند شربتی
یکمثقال با ستکبین قرص کرب و صداع و سرسام را نافعست و تشنگی
نشاند و خواب آورد و هذیان دفع کند صفت مغز تخم خیارین
مغز تخم کدو و تخم کاهو از هر یک ده درم دب السوس نشاسته
کبرا افیون از هر یک سه درم کوفته باب کاهو با لعاب بذر
قطونا قرص سازند شربتی یکعدد یا دو عدد قرص ذات الصدب
ده درم بنفشه دو درم نشاسته کبرا تخم خطمی دارزیانه از هر یک
سه درم کوفته و بیخته بلعاب بزرک و بذر قطونا و دهن الهدا نا سرشته
قرص سازند شربتی سه درم بشراب بنفشه قرص فواق معضل فواق

امتلائی

امتلائی را نافعست صفت کندر پنج درم راسن فودنه سداب
تمام از هر یک سه درم صعتر نانخواه سعد از هر یک دو درم و نیم
بکلاب قرص سازند شربتی یکمثقال بطبیخ زیره قرص استفراغ
زقی حار را نافع باشد صفت تخم کاسنی ده درم مادزیون غاریقون
عصاره غافست از هر یک دو درم و نیم کوفته و بیخته مجموع را
ده قرص سازند و هر روز یک قرص بدهند قرص استسقاء حار و فساد
جگر و سپرز را که با سهال بود نافع بود صفت طباشیر گل سرخ
کلنار زرشک سماق کزمازج تخم حماض تخم کاسنی فرنجمشک
تخم خرفه از هر یک یک درم سعد فقاع انیسون سنبل
دیوندلک پوست بیخ کبر افیون از هر یک پنج درم کافور دانگی
کوفته و بیخته قرص سازند شربتی سه درم قرص افتیمون قولنج را
مستاصل نماید صفت تربد افتیمون از هر یک ده درم سکبینج پنج درم

کوفته وبیخته قرص سازند وهر روز یک قرص بماء الاصول بدهند
قرص کنا نافعست زحیر را که بآن ریاح وقراقر باشد وصارت صفة
نباشد بذالنج شبت راطی زیانه از هریک پنج درم نانخواه دو درم
ونیم افیون سه درم تخم کرفس ده درم کوفته وبیخته اقراص سازند
شربتی یکمثقال قرص نوب اسهال دموی وغیر دموی را نافعست صفة
ماذو خر نوب کزمازج کلنار از هر یک یکجزو افیون صمغ عربی
از هریک نیم جزو کوفته وبیخته اقراص سازند شربتی دو درم
برب به قرص شرابیه اسهال بافراط حرارت را نافع باشد
طباشیر کل سرخ تخم کاهو تخم خرفه سماق از هریک نیم درم
تخم حماض یکدرم ونیم کافور دانکی باب خالص قرص
سازند شربتی یکدرم قرص اسهال باسرفه را نافع باشد
حب الاس ده درم پرسیاوشان مغز تخم خربوزه از هریک

پنج درم

پنج درم رب السوس صمغ عربی از هریک یکدرم ونیم کوفته
وبیخته اقراص سازند شربتی سه درم قرص
که بول الدم را نافع باشد صفة مغز تخم کرفس دو درم
کوفته اقراص سازند شربتی دو درم باب خشخاش
قرص که حیض براند وتسهیل ولادت کند صفة
مرسنه درم نرمس پنج درم سداب فودنه فردمانا
مشکنرا مشیع فوه حلتیت جاوشیر سکبینج از هریک
دو درم کوفته وبیخته قرص سازند شربتی دو درم
بطبیخ ابهل قرص عشر الادویه تب ربع ووجع کبد که ترهل
نافع باشد صفة افیسون عصارة غافث از هریک چهار
درم اسارون سادج هندی افسنتین تخم کرفس
سنبل مغز بادام تلخ مصطکی از هریک یکدرم

صبر دو درم کوفته و بیخته بطبیخ افسنتین قرص سازند
شربتی یکدرم باب کرم قرص سوم حار تخم شبت دو درم
زعفران بزر البنج میعه از هر یک یکدانک افیون یکسوج
کوفته و بیخته بلعاب حلبه قرص سازند شربتی
یکمثقال قرص چهارم بارد تخم کاهو خشخاش بافالا مقشر
تخم خرفه کاکنج از هر یک یکدرم افیون یکسوج
کوفته و بیخته بلعاب بزر قطونا قرص سازند
قرص که نافعست از جهت افراط خون
بواسیر قرص مرجان کهربا ودع سوخته
گل ارمنی از هر یک دو درم هلیله سیاه
بلیله آمله از هر یک پنج درم تخم کندنا سه
درم مقل ده درم در آب کندنا شسته حل
کنند

کنند و داروها کوفته و بیخته بآن بسرشند و قرص
سازند شربتی سه درم باده درم آب آهنگری
قرص که قی و هیضه را باز دارد و طبع به بندد
و خواب آورند قرص سک فرنفل از هر یک ده درم
کزمازج پوست انار مازو از هر یک پنج درم افیون
دانگی کوفته و بیخته برب به بسرشند و قرص
سازند شربتی یکدرم و نیم قرص فوذنجویه
مغز بادام تلخ از هر یک یکجو و مقل را در سرکه
کهنه خیسانند سه روز متوالی زرد چوبه
و مغز بادام تلخ را کوفته داخل نمایند و با یکدیگر
نیک هلایه کنند و اقراص سازند و در وقت
حاجت باب کاسنی بسایند و طلا کنند

قرص ثلث صداع شقیقه وسر را نافع باشد چون
بر پیشانی طلا کنند صفة افیون مصری مر
مکی لادن کافور زعفران بذر البنج پوست
بیخ لفاح از هر یک پنج درم کندر اندروت آمله
گل ارمنی از هر یک ده درم کوفته وبیخته بگلاب
واب کاهو سرشته اقراص سازند سه پهلو
اقراص دیگر بمثال باشد ودر وقت حاجت استعمال
نمایند قرص زرنیخ اکله دهن ولثه را نافع باشد وعفونه
دفع کند صفة زرنیخ زرد وسرخ واهلک زنده و ما
زو از هر یک ده درم شیب یمانی اقاقیا گلنار از
هر یک یکدرم زنگار قلقطار از هر یک پنج درم کوفته
در سرکه خیسانند ویک هفته در افتاب بگذارند

وبعد از

وبعد ازان اقراص سازند ودر سایه خشک کنند
ودر وقت احتیاج دانگی ازان بلثه ودهن پاشند
ویکساعت بگذارند وبعد ازان روغن گل قدری
در دهن نگاه دارند قرادامر بعد ازان که سبل جسه
باشد استعمال نماید صفة نوشادر مس سوخته از هر یک
دو درم نوشادر وازده درم کوفته وبیخته بزرده تخم
مرغ بسرشند ودر پوست تخم مرغ کنند ودر گل حکمت
گیرند ودر کوزه فخاری بگذارند تا بپزد پخته شود بعد از
ان صلایه کنند استعمال نمایند قطور که نافعست
از جهت قرحه گوش وچرک گوش پاک کند صفة اندروت
صبر زبد البحر بوره ارمنی دم الاخوین کندر زنگار
خبث الحدید کوفته وبیخته بسرکه در گوش

چکاند بعد از انکه چند نوبت بماء اصل چکانید
باشد وفتیله را بدان تر سازند وباد ویه مذکوره
بکردانند ودر گوش نهند قطور در دگوش که از گرمی
باشد ساکن بکند صفة روغن گل وسرکه از هریک
شش درم وبا تش نرم بپزند وچندانکه سرکه برود
وروغن بماند ونیم گرم در گوش چکانند قطور که طین
وکرانی گوش برد صفة کندر زعفران فرفیون جندبیدستر
خربق سفید مر از هریک سه درم نطرون بوره
از هریک دو درم ونیم کوفته وبیخته در شراب حل کرده
قطور که گرم گوش را بکشد صفة اب برگ شفتالو برگ ترب
از هریک پنج درم خربق سفید بوره ارمنی از هریک یکدرم
ونیم سفونیا افسنتین زراوند از هریک یکدرم ونیم
کوفته

کوفته وبیخته بابهای مذکوره بیامیزند ودر اقتاب
نهند تا خشک شود بعد از ان بسایند ودر گوش چکانند
قطور در دگوش که از سردی باشد ساکن گرداند
صفة افیون جندبیدستر از هریک دو درم ودر دهن
بنفسج بپزند تا بقوام آید در روغن سوسن حل کنند
ونیم گرم در گوش چکانند قطور که طبرش را نافع باشد صفة
خربق سفید یکمثقال جندبیدستر یکمثقال نطرون رنگ
کوفته وبیخته با سرکه کهنه در گوش چکانند باب
سرگین اسب تازه در گوش چکانند یا آب ترب
یا عسل بجوشانند در گوش چکانند قطور که درد گو
ش را نافع باشد صفة افیون یکدرم شیاف ابیض سه درم
روغن کنجد چهار درم سرکه کهنه سه درم با یکدیگر

مخلوط ساخته نیم گرم در گوش چکانند قطره که همین خاصیت
دارد صفت زهره گاو تازه دو مثقال روغن خیری ده
مثقال بجوشانند تا تری زهره برود و روغن بماند
و قطره در گوش چکانند قطره که درد گوش بارد ببرد صفت
سیر بیکوفته با زهره گوسفند بجوشانند و نیم گرم در گوش
چکانند قطره که نافعست از جهت آبی که در گوش در فتد
باشد صفت آب سرب و پیاز بجوشانند و گوش چکانند
قطره که گرانی گوش را ببرد صفت شحم حنظل سه درم بوره
ارمنی یکدرم جند بیدستر زراوند قصب فرفیون افسنتین
از هر یک یکمثقال کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
گلولها کنند و در وقت حاجت یکی از آن بروغن بادام
تلخ بسایند و نیم گرم در گوش چکانند قطره که شب کوری را

ببرد

ببرد صفت آب سداب و آب کشنیز مساوی بجوشانند
تا به نیمه آید و دو سه نوبت در گوش چکانند قطره
که چون در احلیل چکانند قرحه و سوزش بول را
نافع باشد صفت سفیداب کندر انزروت صمغ عربی
نشاسته دم الاخوین مساوی [illegible]
زند و در وقت احتیاج یکی از آن بشیر دختران
بسایند و بچکانند قطره که دوی وطنین و گرانی
گوش را نافع باشد صفت شحم حنظل یکدرم بوره ارمنی
مثی بنمدرم جند بیدستر زراوند مدحرج از هر یک
یکدرم عصاره افسنتین قسط فرفیون از هر یک
دانگی و نیم کوفته و بیخته بزهره گاو بسرشند و
گلولها سازند و در وقت حاجت بروغن بادام

دو قطره در گوش چکانند [illegible] استقاء
برودت معده و تبهاي کهن و سرفه بلغمي و ضيق
النفس و قولنج و صرع طحال و سلعه بلغمي و بهق و ا
حتناق رحم را سود دارد و بول بگشاید صفت هليله
سياه پوست بليله آمله مقشر از هر يک هفتد درم فلفل
دار فلفل زنجبيل فلفلويه نمك هندي سرخ نمك
هندي سياه نمك اندراني نمك طبرزد نمك خيري
لسان العصافير شبطرج هندي سعد خربوا قرفه
قرنفل صعتر برنك كابلي مقشر شونيز حب النيل زيره كرماني
سايج هندي تخم كرفس كشنيز خشك از هر يك پنجدرم
تربد سفيد صد و پنجاه درم فلوس خيار شنبر ده درم
مويز منقى نيم من شيره آمله يكمن مويز و آمله را در شش
من آ

من آب بپزند تا بدو من آيد و بپالايند و خيار شنبر
در ان حل كنند و سه من فانيد هم در آن آب بگدا
زند و نيمن روغن كنجد بان بيا ميزند و بجوشانند
تا بقوام آيد و داروهاي ديگر را كوفته و بيخته بان
بسرشند و شربتي پنجدرم با شير شتر يا آب عنب
الثعلب [illegible] استقاي حار را نافع باشد صفت
ماء زربون مدبر غاريقون مغز پوست هليله زرد
از هر يك پنجدرم عصاره افسنتين سه درم بيخ سوسن
گل سرخ تخم كاسني مغز تخم خربزه رب السوس از
هر يك دو درم ترنجبين فلوس خيار شنبر و فانيد
بحري از هر يك پانزده درم صاف كرده بقوام آورند
و داروهاي ديگر را كوفته و بيخته بان بسرشند و

شربتی دو درم تا چهار درم کلکانج حار نافعست استسقا را
که با او حرارت نباشد صفة ماذریون مدبر غاریقون
پوست هلیله زرد سکبینج از هر یک پنجدرم ایرسا دو درم
ریوند چینی عصاره غافت سنبل الطیب از هر یک دو
درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند شربتی سه
درم تا چهار درم مکوی بر درد معده و شهوت کلبی
و حمیات بلغمی و سودائی و افواق بلغمی و امتلائی
و فتق و قولنج ریحی را نافع باشد و بادها بشکند
صفة زیره کرمانی مدبر پنجاه درم فلفل سیاه پانزده
درم زنجبیل سداب از هر یک بیست درم بوره ارمنی
پنجدرم دار فلفل بیست مسقال عسل سه وزن ادویه
معجون سازند چنانکه رسمست شربتی یکمسقال کحل زعفران

حکه

حکه جفن و تاریکی چشم و دمعه و سیلان را نافعست صفة
زعفران سنبل از هر یک دو درم دار فلفل یکدرم فلفل سفید
کافور از هر یک دانگی و نیم نوشادر نیم درم ماز و سه درم
کوفته و بیخته در چشم کشند کحل دیگر که همین خاصیت دارد
صفة شادنج مغسول دو درم دم الاخوین سادج هندی
سنبل دار فلفل از هر یک نیم درم ماز و یکدرم قاقله مشک
از هر یک یکدانگ کافور نیم دانگ کوفته و بیخته بدان اکتحال
نمایند کحل الجواهر دیگر توتیای هندی توتیای کرمانی طباشیر
فیروزه یاقوت هر لون که باشد مرجان سرخ و سفید
سرطان بحری بعرضب سادج هندی مامیران چینی دار
فلفل سنبل هلیله زرد آمله اشنه نمک هندی قرنفل
سرمه اصفهانی از هر یک یکدرم شیاف مامیثا مازقشقا

نقره ازهریک نیم درم تصویل نموده بطریق معهود. پس بمیل مس
یا زر سرخ در چشم کشند کروهی گفته اند باید که سرمه نیمن
و تمام اجزای نیمن که اصل سرمه است کحل دیگر توتیای مغسول
ده درم بسد هلیله زرد صبر ازهریک چهار درم فلفل نیم
درم دار فلفل یک درم کوفته و بیخته استعمال نمایند کحل
الجواهر بصر را قوت دهد و تیز گرداند صفت سرمه اصفهانی
هفت درم مادقشیشا پنج درم اقلیمیا طلا دوازده درم مروارید
ناسفته سه درم زعفران نیم درم ساذج هندی دو درم
صلایه کرده استعمال کنند و در چشم کشند کحل الجواهر
به نسخه دیگر صفت سرمه شش درم توتیا چهار درم بسد ما
دقشیشا ازهریک دو درم مروارید ناسفته هفت درم
ساذج هندی یک درم مشک یکطسوج صلایه کرده چنانکه.

رسمست

رسمست استعمال نمایند کحل الجواهر سرمه اصفهانی توتیای
هندی ازهریک ده درم مادقشیشا مرجان سرخ دهانه قرنفل
عقیق سرخ طلا دانقره ماميران چینی فلفل سفید دار فلفل
اقلیمیا طلا دانقره دری سوخته ازهریک چهار درم مرجان
بحری مروارید ناسفته ساذج هندی ازهریک شش درم
یاقوت سرخ لاجورد شسته زعفران توپال مس سوخته
ازهریک ده درم صلایه کرده استعمال نمایند کحل روشنائی
نافعست از جهت ضعف بصر و شبکوری صفت مس سوخته
شادنج مغسول ازهریک پنج درم زنگار بوره ارمنی صبر
سقوطری سقوطری ازهریک یک درم اقلیمیا دو درم صلایه
کرده استعمال نمایند کحل غرنوی بصر را تیز کند و تاریکی چشم را
ببرد دمعه و سبل را نافع باشد صفت سرمه اصفهانی

توتیای هندی مس سوخته از هریک دو درم پوست هلیله
زرد
سادج هندی فوفل نوشادر صبر سقوطری حضض مکی زعفران
سرطان بحری از هریک یکدرم زنجبیل نیم درم کافور نیم دانک
مشک سه حبه قرنفل دو دانک صلایه کرده در چشم کشند
کحل ما زوفی بصر را قوت دهد و دمعه باز دارد و حکه جفن را
سود دارد صفت شادنج مغسول سادج هندی از هریک
یکدرم دارفلفل دم الاخوین از هریک نیم درم روی سوخته
مازو از هریک یکدرم قاقله مشک از هریک دانگی کافور یک
طوح کوفته و بیخته بدان اکتحال نمایند کحلی که بیاض و آثار
قروح از چشم برد و شیره را نافع بود صفت زبد البحر اقلیمیا نقره
سفیداب ارزیز مس سوخته از هریک چهار درم سنبل
مروارید ناسفته از هریک دو درم صمغ عربی کتیرا انزروت

بعد الصب

بعد الصب نشاسته بسحفونیا از هریک یکدرم کوفته و بیخته
استعمال کنند کحلی که نزول آب را نافع باشد صفت
زهره بز کوهی ده درم شحم حنظل یک مسقال فرفیون
نوشادر از هریک نیم مسقال سکبینج نیم درم کوفته و
بیخته باب رازیانه یا آب سداب بسرشند کحلی
که مژه برویاند صفت استخوان خرماه سوخته دخان
کند رچها ر درم سنبل حب بلسان از هریک سه
درم لاجورد شسته ده درم کوفته و بیخته بر جفن
کشند کحل بنفشی تاریکی چشم برد و دمعه و جرب و
حکه را نافع باشد صفت شادنج مغسول دو درم
دم الاخوین دانگی روی سوخته دارفلفل سنبل الطیب
از هریک نیم درم سادج هندی دو دانک قاقله

مشك ازهريك دانكى كافور نيم دانك كوفته وبيخته
استعمال نمايند كحلى كه صحب چشم را نگاه دارد صفة
توتياء درم شياف مامثا سه درم صبر سقوطرى
حضض مكى ازهريك يكدرم كافور نيم دانك كوفته و
بيخته باب غوره يا آب سماق به پرورند و در سايه خشك
كنند وصبح وشام در چشم كشند كحل حكمت كل زرد
پاك چهار درم بكوبند وبه بزند ويكمن كاغذ و
نيمن نمك در آب كنند وبدست مي مالند تا مل
شود بعد از ان كل بر سر آن كنند ويك چهاريك موى
سر آدمي بمقراض چيده وچهاريك سركين اسب بيخته
داخل كنند ونيك بمالند وهفت روز باب تر مكنند
وبسرشند انگاه وصله وصله وخشك كرداند ودر وقت

فاحكم

حاجت آنمقدار كه خواهند بكوبند وباب بسرشند
استعمال نمايند باب اللام لعوق سپستان سرفه وخشونت
حلق را نافع باشد وسينه را نرم كند ونفس را آسان
كرداند وطبع را نرم كند صفة سپستان دويست عدد
مويز منقى چهل درم فلوس خيار شنبر پانزده درم درشش
رطل آب بجوشانند تا بدو رطل رسد وبدست
بمالند وصاف كنند ويكرطل قند سفيد اضافه كنند
وبقوام آورند لعوق زوفا دبو وسرفه كهنه را نافع باشد
وسينه وشش را از اخلاط غليظ پاك كند صفة زوفاء
خشك پنج سوسن ازهريك بيست درم در سه رطل
آب بجوشانند تا بر طلى آيد صاف كنند با رطلى قند سفيد
بقوام آورند لعوق صب ادرشلى سرفه بلغمى را نافع بود و

وسینه را از خلاط پاک کند صفة تخم تره تیزک ده درم
اصل السوس چهار درم انیسون رازیانه از هر یک سه درم
مجموع نیم کوفته در دو رطل آب بجوشانند تا بر یک رطلی آید صاف
کنند با یک رطل عسل صاف بقوام آورند لعوق بزر البنفسج
ربو و سعال مزمن را نافع بود سینه را از اخلاط پاک
کند و بر نفس اعانت کند صفة بزرک بریان کرده شیرین
قرمانا ده درم کوفته بعسل سرشته و لعوق سازند
لعوق سل و قرحه شش و سرفه حار را نافع باشد صفة
نشاسته کتیرا از هر یک ده درم طباشیر چهار درم مغز تخم خیار
مغز تخم جلغوزه صمغ عربی قاقله از هر یک هفت درم قند سفید
شست مثقال کوفته و بیخته بروغن بادام و عسل سفید
سرشته و استعمال نمایند لعوق لزوجه و غلظ صوت را

نافع باشد

نافع باشد و سینه را نرم کند و نفس را ساکن کند صفة
بزرک ده درم حلبه و مغز بادام مقشر از هر یک چهار درم
کتیرا اصل السوس و مغز جلغوزه نشاسته صمغ عربی از هر یک
دو درم کوفته و بیخته بعسل سرشته و لعوق سازند لعوق
بادام سرفه و خشونت حلق و حنجره را سود دارد صفة
صمغ عربی کتیرا نشاسته رب السوس از هر یک ده درم مغز
تخم کدو و مغز بادام از هر یک پنجاه درم قند سفید
بیست درم کوفته و بیخته بجلاب سرشته و بروغن بادام
چرب سازند و لعوق نمایند لعوق رب السوس سعال مزمن
را نافع باشد و ضلال لزجه را از سینه دفع کند و بر نفس
یاری دهد صفة رب السوس کتیرا بادرم مغز بادام و رازیانه
مساوی کوفته بعسل صاف و روغن بادام سرشته و بلیسند

لعوق استقصیر ربو و سعال مزمن را که با رطوبات باشد نافع بود
صفت پیاز عنصل مشوی سه درم ایرسا دو درم فراسیون زوفا
از هر یک درمی کوفته بعسل مصفی بسرشند و لعوق سازند
لعوق که سرفه خشک را نافع باشد و سینه را نرم کند صفت
رب السوس بهدانه مقشر از هر یک دو درم باقلا نشاسته
کثیرا صمغ عربی شحم حنظل تخم خطمی مغز تخم خیارین مغز تخم کدو
مغز تخم خربزه از هر یک پنجدرم خشخاش دو درم مغز
بادام مویز منقی از هر یک بیست درم مویز را در روغن
بادام بپزند و ادویه دیگر کوفته و بیخته با آن بیامیزند
و با منفحه بسرشند و لعوق سازند لعوق خیاشیر به نیخه
یحیی ابن ماسویه درد حلق و تب و تشنگی و خشونت
زبان را نافع بود صفت عناب پنجاه دانه سپستان صد دانه

تخم خطمی

تخم خطمی ده درم مویز منقی بیست و پنجدرم بنفشه اصل
السوس نیمکوفته از هر یک پانزده درم کثیرا شانزده درم
بذر قطونا بیست درم مجموع را در هفت رطل آب بجوشانند
تا بثلثی آید صاف کنند و پنجدرم مغز خیارشنبر در آن مالند
و دیگر باره صاف کنند و یک رطل منفحه و سی درم قند
داخل کنند و بجوشانند تا غلیظ شود و با روغن بنفشه
بادام بلیسند لعوق خشخاش سل و قرحه امعاء و نزف دم و
سرفه بلغمی را نافع باشد صفت پوست خشخاش سفید پنجاه
درم در دو رطل آب بجوشانند تا بیک رطل آید و یک
رطل قند اضافه نمایند و بجوشانند تا بقوام عسل آید
بعد از آن رب السوس و مغز بادام و مغز کدو از هر یک
پنجدرم کوفته با آن ممزوج سازند شربتی ده درم بلیسند

لعوق خشخاش به نسخه دیگر نزله گرم رقیق را نافع باشد صفت
تخم خشخاش سفید ده درم نشاسته کتیرا صمغ عربی از هر یک
چهار درم مغز تخم کدو مغز بهدانه شیرین از هر یک سه درم
کوفته و بیخته بگلاب بسرشند لعوق نمایند لعوق حب
القطن سینه را از اخلاط پاک کند صفت مغز بادام شیرین
دو درم مغز پنبه دانه دو درم آرد باقلا پنج درم کرسنه
و فراسیون از هر یک سه درم فانید شصت درم بگلاب
بگدازند و بقوام آورند و داروهای دیگر را کوفته
بان بسرشند شربتی یک ملعقه بامداد و شبانگاه لعوق
کرنب سینه را از اخلاط غلیظ پاک کند صفت آب کرنب پخته
بکن و نیم با نیمن عسل به پزند و بقوام آورند و بعد از آن مغز
جلغوزه مغز پنبه و آرد باقلا از هر یک ده درم بزرگ بریان

کرده

کرده و حلبه از هر یک پنج درم مغز پسته پانزده درم
کوفته بان بسرشند شربتی پنج درم بشیر خر لعوق سیر
سرفه بلغمی را سود دارد و ماده را بنضج و سینه را پاک
کند صفت سیر پاک کرده نیمن در نیمن در نیمن کاو به پزند
تا مهرا شود پس بکوبند و بنبت بمالند و با یکن عسل صاف
بقوام آورند لعوق جلغوزه بو و سعال مزمن و ضیق النفس را
نافع باشد و سینه را از اخلاط پاک سازد صفت مغز
جلغوزه پنج سوسن صمغ عربی کتیرا بزرک بریان کرده و
خرمای بهدانه از هر یک سی و پنج درم کوفته و بیخته
باده رطل عسل دو رطل روغن کاو بسرشند شربتی
ملعقه لعوق صبیان چون باشی مادر دکلوی اطفال ریزند
سرفه و خشونت سینه را نافع باشد صفت صمغ عربی فانید

ازهریك چهار درم مغز بهدانه یکدرم کوفته بعسل
بسرشند لعوقی که ربو وضیق النفس وسرفه بلغمی را نافع
باشد صفة بزرك بریان کرده کوفته ده درم بایکسال
روغن بنفشه بادام پنج درم عسل بسرشند ولعوق سازند
لعوق دیگر که همین خاصیت دارد صفة بزرك کرسنه
مغز بادام ازهریك سه درم بعسل صاف سرشته لعوق
سازند لعوقی که همین خاصیت دارد صفة مغز جلغوزه
چهل درم رب السوس بیست وپنج درم بعسل بسرشند
وبلیسند لعوقی که شقیقه را نافع باشد صفة تخم کاهو
ازهریك یکدرم بذر البنج کبیر ازهریك سه دانك
افیون نیم دانك کوفته وبیخته بسرکه بسرشند وبرکاغذ
کشند وبرشقیقه چسبانند درد را تسکین کند لطوخی

که همین

لطوخی که همین عمل کند صفة زعفران افیون دم الاخوین
صمغ عربی به سفیده تخم مرغ سرشته بر صدغین چسبانند
لطوخی که همین عمل کند صفة تخم کاسنی تخم کاهو ازهریك
دو درم مر یکدرم حضض سه درم افیون نیم درم کوفته
وبیخته بلعاب بذر قطونا سرشته بر دو رصله کاغذ
کشند وبر صدغین چسبانند لحلخه که خواب آورد
صفة تخم گل بیخ لفاح ازهریك یکدرم افیون دانگی کافور
دو دانك کوفته وبیخته در ظرفی کنند وبپوشند لحلخه
که منع عفونت کند وصداع را نافع باشد صفة صندل
سفید سائیده کتیرا خشك گلاب وسرکه در ظرفی
کنند وبه پوشند لبوب کبیر کرده را نرم کند وقوی
گرداند ومنی بیفزاید ونشاط آورد وباه را زیاد کند

ودل ودماغ را قوت دهد و بدن فربه گرداند و
رنگ را نیکو گرداند و اعصاب را محکم کند و درامی مجامعت
نظیر ندارد و گفته اند هر که ده روز بدین مداومت
کند هرگز نعوذ او ساقط نشود صفت مغز پسته مغز
فندق مغز بادام مغز حبة الخضرا مغز گردکان مغز جلغوزه
مغز حب العظم ماهی رومیان خولنجان شقاقل بهمن
سرخ بهمن سفید نودرب سرخ و زرد زنجبیل کنجد
مقشر دارچینی از هر یک پنج درم سنبل الطیب
سعد کوفی قرنفل کبابه چینی حب الفلفل تخم کزنج
شلغم تخم سرب تخم بیاز تخم شبت تخم هلیون لسان
العصافیر دروخ نعنعی زرنباد از هر یک سه درم
جوز بوا بسباسه دواله واد فلفل از هر یک دو درم

حصه

خصة الثعلب نارجیل تازه مغز کنجشک خشخاش از هر یک
دو درم قضیب کاو سوده سورنجان بو زبدان نعناع خشک
از هر یک چهار درم مایه شراعرابی زعفران مصطکی
از هر یک سه مسقال عود خام دو مسقال ورق طلا سی
عدد ورق نقره پنجاه عدد عنبر اشهب یکمسقال مشک
نبتی نیم مسقال عسل سه وزن ادویه بطریق معهود
معجون سازند لبوب صغیر منی بیفزاید و کلیه و مثانه
قوی سازد و نسیان را نافع باشد و رنگ روی را
نیکو گرداند و دماغ را قوت دهد و قضیب را محکم
سازد و درامی مجامعت عظیم نافعست صفت مغز بادام
مغز گردکان حب الخضرا مغز جلغوزه مغز حب النیل مغز
فندق مغز پسته نارجیل تازه حب فلفل خشخاش سفید

تودرین کنجد مقشر تخم جرجیر تخم بیاز تخم اشبت تخم شلغم
بهمنین زنجبیل دار فلفل کبابه چینی قرفه دارچینی شقاقل
خولنجان تخم هلیون مساوی عسل سه وزن ادویه و
معجون سازند چنانکه رسمست شربتی دو درم باب
المیم مثرودیطوس قریب المنفعت است به یرقان فاروق
لیکن تریاق در دفع سموم ازین انفع است ومقدار
شربت در امراض مذکوره زیاده از آنست صفت مر
زعفران غاریقون دارچینی زنجبیل کبابه از هریک دو درم
سنبل کند دخردل سفید عود بلسان اسطوخودوس
سیسالیوس کافیطوس قنه علك البطم دارفلفل عصاره
لحیة التیس جند بیدستر ساذج هندی میعه جاوشیر
از هریک هشت درم سلیخه فلفل سفید فلفل سیاه

سورنجان اسقوریدیون جعده دوقو اکلیل الملک جنطیانا
دوغی بلسان حب بلسان اقراص قوقیون مقل از هریک هفت
درم سداب دو درم اشق سنبل رومی مصطکی صمغ عربی
فطراسالیون قردمانا ذاذیانه افیون کل سرخ مشک ترا
مشبع از هریک سه درم اقاقیا ماهی سقنقور هوفاریقون
از هریک چهار درم نیم شراب ریحانی کهنه چندانکه صمغها
دران حل کنند عسل مصفی دو وزن ادویه بطریق معهود
معجون سازند وبعد از شش ماه استعمال نمایند مخلصه
اکبر صرع ودوار وصداع کهنه واورعشه وفالج وتشنج
بلغمی واوجاع مفاصل ودرد دندان ووسواس ورمد
بلغمی وقروح امعاء ومعص ریحی وکرده ومثانه را نافع
باشد وفی الدم را باز دارد وچون باب بلسان الحمل هند

اذ خر

قسط ۲

درد معده و سپرز را نافع باشد و چون باب را زبانه بنوشند
تبهای کهنه را زایل کند و مملل اورام بود و دفع سموم کند
و چون بر قضیب طلا کنند نعوظ آورد صفت سلیخه ازخی
از هر یک یک وقیه و نیم جند بیدستر مرمکی فطراسالیون
از هر یک پانزده مثقال تخم کرفس بدو قیه سیسالیوس
یک مثقال فلسطاد رچینی اقراص اندوهامیعه سایله اسارون
از هر یک شش مثقال فلفل سفید دوازده مثقال سنبل
هشت مثقال حماما و زعفران دارفلفل از هر یک چهار
مثقال افیون انیسون از هر یک ده مثقال عسل سه
وزن ادویه معجون سازند چنانکه رسمست و بعد از
شش ماه استعمال نمایند شربتی نیم مثقال و یک درم تا یک
مثقال معجون فلاسفه و انرا مادة الحیوة نیز گویند

هاضمه

هاضمه را قوت دهد و اشتها آورد و بلغم را
دفع کند و نسیان و سلسل البول و درد پشت و درد
کرده و اوجاع مفاصل را نافع باشد و منی زیاد کند
و باه را برانگیزاند و دندانرا سخت کند و دل
را قوت دهد و نشاط آورد و رنگ را نیکو گرداند
و بوی دهن خوش کند و پیران را و سرد مزاجان را
موافق باشد صفت زنجبیل دارفلفل دارچینی آمله
بلیله شیطرج هندی زراوند مدحرج حصیة
الثعلب مغز جلقوزه عرق بابونه از هر یک پنجدرم
مویز منقی سی و پنجدرم عسل مصفی دو مقابل ادویه
بطریق متعارف معجون سازند شربتی دو درم
معجون جالینوس کرده و مثانه سرد را گرم گرداند و سده

بکشاید صفت فلفل سیاه و سفید جاما فسط سنبل
الطیب قصب الذریره ساذج هندی زعفران تخم کرفس
انیسون عاقرقرحا تخم انجره تخم سداب مسادی کوفته
و بیخته بعسل معجون سازند شربتی یکمثقال بماء الاصول
یا در آب بادیان و آب کرفس معجون ابو مسلم این معجون را
فریادرس کویند همه دردها بشکند صفت افیون
بذر البنج از هر یک ده مثقال فرفیون زعفران سنبل
عاقرقرحا سورنجان قاقله دار فلفل از هر یک پنج مثقال
کوفته و بیخته بعسل بسرشند شربتی از دانگی تا نیم مثقال
معجون تریاقیه قولنج صعب را در زمان بکشاید صفت
خربق اقرفه ساذج هندی فلفل دار فلفل زنجبیل
برنگ کابلی مقشر قرنفل از هر یک یکمثقال تخم کرفس

بسنبل

سنبل زعفران مصطکی از هر یک نیم مثقال تربد سفید و
سقمونیا از هر یک ده مثقال کوفته و بیخته با سه چندان
عسل بسرشند شربتی دو درم معجون زیل که همین حاصل
دارد صفت زبل الزئب چهار درم تربد بیخ درم تخم کرفس
انیسون از هر یک سه درم کوفته و بیخته بعسل معجون سازند
شربتی سه درم تا چهار درم معجون تریدی قولنج بکشاید
و بلغم دفع کند و درد پشت را ساکن گرداند صفت و
سقمونیا ده درم قاقله کلبار و صغار زنجبیل دارچینی فرفه
نارمشک قرنفل فلفل از هر یک پنج درم شکر سرخ و
تربد سفید از هر یک صد مثقال عسل مصفی بقدر
احتیاج معجون سازند شربتی دو درم معجون لوزی
صفرا و بلغم دفع کند صفت مغز کانفشه مغز بادام سقمونیا

از هر یک ده درم زعفران درمهی نبات بیست و پنج درم
در گلاب بگذارند و داروها کوفته بدان بسرشند
شربتی یکمثقال معجون اسود زحیر و اسهال کهن را سود
دارد صفت افیون چند بید ستر میعه بذر البنج
زعفران اسارون مر تخم کرفس سلیخه انیسون سنبل
و گل ارمنی مساوی کوفته و بیخته با آب مورد یا آب
به معجون حجر الیهود سنگ کرده و مثانه را پاک کند
صفت مغز تخم خیارین مغز تخم خربوزه مغز تخم کدو
حب کاکنج از هر یک پنجاه درم حجر الیهود پنجاه درم
صلایه کرده بعسل بسرشند شربتی دو درم تا سه درم
معجون عقرب سنگ کرده و مثانه بریزاند و گزیده
گیی عقرب را بغایت نافع بود صفت عقرب محرق سه درم

کاکنج پنجاه درم و نیم چند بید ستر چهار درم کوفته
بعسل معجون سازند شربتی دانگی باب کرفس معجون کاکنج
قرحه کرده و مثانه و بول الدم را نافع باشد صفت بذر البنج
تخم کرفس رازیانه از هر یک هفت درم مغز جلغوزه
بریان کرده مغز فندق مغز بادام تلخ بریان کرده از
هر یک سه درم زعفران دو درم و نیم کاکنج بیست و پنج
عدد کتیرا چهار درم کوفته بمنفتح شربتی یک درم
با جندبیدستر یقون با ماء العسل یا شراب خشخاش بنوشند
معجون مبدل المزاج لقوه و فالج و رعشه و برص را نافع
باشد صفت زنجبیل عاقرقرحا شونیز قسط درج عسل
بلادر از هر یک ده درم سداب حلتیت زراوند
مدحرج جنطیانا شطرج هندی حب الغار جندبیدستر

وخدر را

خردل از هر یک پنجدرم با عسل صاف معجون سازند
چنانکه رسمست شربتی یکمثقال معجون حب الغار به بسفایج
مجدد ذکریاء قولنج بکشاید و استسقاء طبلی و جمیع امراض
ریحی که بان حرارت نباشد نافع بود صفت سکنجبین
خشک پنجدرم نانخواه زیره کرمانی کاشم شونیز
صعتر کرویا فطراسالیون مغز بادام تلخ فلفل فودنه و
ودار فلفل وج زوفا حب الغار جند بیدستر از
هر یک دو درم جاوشیر سه درم سکنجبین چهار درم
صفها داد در شراب حل سازند و داروها کوفته و
بیخته داخل نمایند و بعسل بسرشند شربتی دو مثقال
معجون زراوند و انرا معجون ربوبی گویند از ترکیب
مجدد ذکریاست ضیق النفس و سرفه بلغمی را نافع باشد صفت

زراوند

زراوند مدحرج قردمانا فلفل کرسنه تخم سپندان
سفید مغز بادام تلخ انجره از هر یک پنجدرم رب السوس
پرسیاوشان زوفاء از هر یک ده درم کوفته و بیخته
بعسل بسرشند شربتی سه درم بطبیخ زوفاء معجون زوفاء
مواد بارده را نافع باشد و بادها بشکند صفت
ابهل نانخواه کندر وج دارچینی مساوی کوفته
بعسل معجون سازند شربتی دو درم معجون سعال
نافعست سرفه را که سبب آن رطوبت باشد صفت
مغز جلغوزه سه درم مغز پسته پنجدرم مغز بادام
مقشر بزرک از هر یک ده درم فایند سی درم بطریق
معهود معجون سازند شربتی مقابل یک کردکان
معجون کل دو درم جگر را نافع باشد صفت کل سرخ چهار درم

پنج سوس هفت درم ریوند چینی لک مغسول از
هر یک یکمثقال و نیم سلیخه زعفران از هر یک سه درم
و نیم زعفرانرا در سرکه حل کنند و ادویها کوفته د
بیخته بدان مخلوط سازند و بعسل بسرشند معجون
راحت قولنج را در ساعت بکشاید صفت فلفل
دار فلفل زنجبیل زیره کرمانی سداب خولنجان
قرفه از هر یک ده درم سقمونیا هفتاد درم عسل
صد چهل درم شربتی یکمثقال معجون دیگر امتلای بطن
را نافع بود صفت دارچینی کبیر احلیت زنجبیل دارزیانه
مساوی بعسل معجون سازند معجون لؤلؤیی ترکیب جا
لینوس است هفت منفعت دارد قضیب را سخت
کند و اوعیه منی بکشاید و شهوت زیاد کند

واعصاب

و اعصاب را قوت دهد و در خون تغییر عظیم
پیدا کند و نعوذ بسیار آورد و دوستی مرد بر
دل زن پیدا شود صفت مروارید ناسفته بسد
از هر یک یکدرم فقاح اذخر سعد کزمازج سلیخه
دارچینی سادرون مصطکی از هر یک نیم مثقال صمغ عربی
کتیرا از هر یک نیم درم کوفته و بیخته با همچند از عسل
بسرشند و در وقت خواب نزدیک مجامعت
یکمثقال با آب نیم گرم بیاشامند معجون دیگر که اعصاب
رئیسه را قوت دهد و نشاط آورد و معده را
قوت دهد و اشتها آورد و رنگ را نیکو گرداند
و طعام را هضم کند صفت دارچینی سنبل الطیب پوست
بیرون پسته جوز بوا مغاث خولنجان بهمن سرخ و سفید

شقاقل دواله پوست هلیله بادرنجبویه کاوزبان از
هریک سه درم مصطکی هل وزرنب زنجبیل قرنفل
اسارون هندی کبابه پوست ترنج وبرنج رومی
زرنباد صندل سفید حب القلقل انیسون نعناع
بسباسه هلیله سیاه بوزیدان زعفران ماه زرقینی
کهربا مروارید صلایه کرده مرجان ازهریک دو درم
سعد کوفی ورق گل سرخ ازهریک چهار درم و
ماهی دریان خصیة الثعلب تودرین ازهریک
پنجدرم مشک تبتی نیم مسقال عنبر اشهب یکمسقال
ورق طلاسی عدد ورق نقره پنجاه عدد قند مصفه
نیم من معجون سازند چنانکه رسمست معجون عطایی
~~تقطیر البول وسرعت انزال را نافع باشد صفت علک~~
رومی

تقطیر البول وسرعت انزال را نافع باشد صفت علک رومی
کندر کلنار بلوط شونیز بذر القب مساوی کوفته
وبادرنجبویه کندر که همان خاصیت
دارد صفت علک رومی کندر کلنار بلوط کشنیز خشک
ازهریک ده درم زیره کرمانی کرویا نانخواه ازهریک
پنجدرم پوست بلیله هلیله سیاه پوست هلیله زرد
آمله مقشر ازهریک سه درم کوفته وبیخته با سه
مقدار آن عسل بسرشند شربتی دو مسقال صباح
ومسا بنوشند غذا کباب وقلیه مناسبست معجون
رشیدی همان منفعت دارد صفت کبابه چلبی قرنفل
قرنفل خصیة الثعلب مصطکی نانخواه ازهریک ده درم
با نیم من عسل معجون سازند شربتی دو درم معجون نوری

DOCTOR
CARO OWEN MINASIAN.

در تقویت باه بی نظیر است تخم کزر و
تخم شلغم تخم ترب تخم ماهلیون تخم است تخم جرجیر
مغز حلقونه حب القلقل مغز حب الزلم بزر زیدان
قسط شیرین زنجبیل تودری لسان العصافیر بهمنی
شقاقل دار فلفل خرف حلتیت قرفه مسادی کوفته
بعسل معجون سازند شربتی سه درم در شیر تازه یا
شراب نوشیرین معجون نافع این معجون را از مفرحات و
بعضی از تریاقات شمرده اند و منافع بسیار دارد
صفت قرنفل زنجبیل سنبل دار فلفل خیر بوا قاقله کباد
شطرج هندی لسان العصافیر دارچینی عقربی بادرنجبویه
مصطکی لسان الثور خولنجان فرنجمشک مروارید ناسفته
صندل سفید زراوند مدحرج سلیخه گل سرخ یاقوت

رمانی

رمانی بهمن سرخ و سفید از هر یک دو درم
بسباسه شش درم پوست ترنج سه درم پوست هلیله
یکدرم عنبر اشهب زعفران از هر یک یکدرم و نیم مشک
نیم درم کوفته و بیخته بعسل معجون کنند شربتی یکدرم
تا دو مثقال معجون حافظه را قوت دهد و نسیان
نافع باشد صفت بلادر افتیمون از هر یک ده درم و
صبر زرد شصت مثقال غاریقون بیست و چهار مثقال
سلیخه و چوب زراوند مدحرج زعفران دارچینی
از هر یک شش درم قسط سداب فلفل سفید از
هر یک هشت مثقال عسل سه چهار یک بطریق
معهود معجون سازند معجون عنبر تباهی مزاج و درد
معده را سود دارد صفت قسط حاما مر سنبل سلیخه

مصطکی ازهریک دوازده درم زراوند طویل فلفل
سیاه محکرفس تخم شبت انیسون نانخواه زیره کرمانی
دوقو فطراسالیون کاشم اسارون افلنتین انجدان
نعنه ازهریک چهار درم کوفته دبیخته د
بعسل معجون سازند قولنج بکشاید
زنجبیل فلفل سفید ازهریک بیست درم ستمونیا دو درم
خرما دانه بیرون کرده مغز بادام برک سداب
ازهریک شصت درم خرما را در سرکه خیسانند
دیکشبانه روز بکوبند دوا در دهاکوفته دبیخته نیم
من عسل صاف معجون سازند شربتی سه درم باچها
ر درم صفت جنطیانا صلابت سپرز وجگر و درد معده
وکرده را نافع بود و سده بکشاید صفت جنطیانای

دوم لنگه زن بادکرم
ذرشت مخالف بهم زند
علامتش ان باشد که درد وقت
صحبت سینه و ناف و زهار
و وجاع زن درد آید و دهان
علاجش ان باشد که قدری زیره کرک و روغن کنجد
بهم بیامیزند و سه روز بر دکر
بمالند و نزدیکی کنند نوع
دوم زهره روباه انزروت
بالنیده تخم مرغ داخل
نموده بایا روغن بعد از
فراغ از حیض زن بخور
بگیرند و نزدیکی کنند سیم آن

درمی فلفل سیاه ازهریک ده درم قلسط ساذج
مقل دیوند چینی ازهریک هفت مسقال کوفته
دبیخته باسه وزن عسل بسرشند شربتی دو درم
باب سداب معجون قسنتین درد معده وجگر که از سردی
بود زایل کند واستسقا را نافع بود صفت انیسون د
محکرفس مغز بادام تلخ مساوی کوفته دباسه چندان
عسل بسرشند شربتی دو درم معجون سنبل معده وجگر را
نافع باشد صفت سنبل الطیب فقاع اذخر قصب الزریره
ازهریک چهار درم مویز منقی سلیخه ازهریک یکدرم
زعفران مر انیسون ازهریک یکدرم فلفل سیاه د
مقل ازهریک دو درم مقل ومویز را در مثلث حل
کنند دوا در دهاکوفته دبیخته بران بیامیزند وباعسل
معجون سازند معجون نفی سرفه و درد جگر و درد معده

وسینه را سود دارد و آواز صافی کند و بول براند
مویز منقی بیست و پنجدرم زعفران سنبل سلیخه
دارچینی دار شیشعان از هر یک یکدرم قصب الذریره
فقاح اذخر علک البطم مقل ازهر یک دو درم و نیم مر
چهار درم انچه حل کردنیست در مثلث حل کنند
وانچه کوفتنیست بکوبند و به بیزند و مجموع را با عسل
مصفا بسرشند شربتی یکدرم بشراب ذوفا
یا با کرم بشویند و بنوشند معجون قیاد الملک
مفاصل و نقرس و درد سپرز و تبهای کهن
وضیق النفس و سرفه کهنه و ریش دوده و
تاریکی چشم را نافع باشد و بادهای غلیظ را
دفع کند صفة جنطیانا ء رومی اسطوخودوس
قردمانا جاوشیر گاوفطوس تخم سداب

فراسیون اسقودریون میعه سائله از هر یک
پنج مثقال مر زعفران قسط فلفل سعد اذخر سنبل
فرفیون پوست بیخ لفاح اشق فودنج رازیانج دوقو
ودق گل سرخ ناردین حب بلسان از هر یک سه
مثقال قرفه هشت مثقال سلیخه شانزده مثقال
عصاره غافث تخم حندقوقی صمغ عربی بادام مکی
چهار درم افیون بذر البنج سعد اب مکی شش
مثقال قند سفید چهار درم انچه حل کردنی است
در مثلث حل کنند و انچه کوفتنی است بکوبند
و با آن ممزوج کنند و بعسل معجون کنند و بعد از
شش ماه استعمال نمایند معجون قیصر خفقان
بارد را و صرع و درد معده که از سردی باشد

وفواق امتلائی را نافع باشد وسده بگشاید
صفت جند بیدستر رب السوس سلیخه اقسط
تلخ فلفل سفید وسیاه افیون میعه سائله زعفران سنبل
مکد سه درم جاوشیر یکدرم در روغن عصری زرنباد
مروارید ناسفته مکد نیم درهم مشک دو دنگ
کوفته وبیخته بعسل سرشته شربتی مقابل نخودی
معجونی که از جهة ضعف معده نافع است صفت
طباشیر پوست سنکدان مکد ۲ مثقال گل سرخ ۳ م
نعناع خشک پوست بی رون بسته پوست ترنج
پوست هلیله زرد مکد مثقالی بهمن سرخ وسفید
صندل سرخ وسفید کشنیز خشک کرده صعتر بریان کرده
حب الآس مکد دو درم کوفته وبیخته با شراب فواکه
معجون

معجون سازند شربتی ۲ مثقال معجون نجاح مسهل سودا وبلغم
بود وامراض سودا وبلغمی را نافع باشد صفت هلیله سیاه
پوست هلیله کابلی املهٔ مقشر افتیمون مکد ده درم
بسفایج فستقی اسطوخودوس تربد مجوف مکد ۵ مثقال
غاریقون ۳ درم حجر لاجورد حجر ارمنی مغسول مکد ۲ درم
سقمونیا سه درم کوفته وبیخته با صد وپنجاه درم عسل
سرشته شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون خیارشنبر
خیارشنبر مسهل صفرا وبلغم باشد صفت تربد سفید مجوف
چهل درم نیفته ۳ درم نمک هندی رب السوس
مکد هفت درم رازیانج انیسون مصطکی از هر یک ده درم
سقمونیا ده درم عسل خیارشنبر صد درم روغن بادام ۴ درم
قند وعسل از هر یک صد مثقال مغز خیارشنبر در عسل

وقند حل کنند و داروها کوفته و بیخته بروغن بادام
چرب کنند و در یکدیگر بسرشند شربتی پنج مثقال
تا هفت مثقال مسهل بلغم و صفراء باشد
و مخصوص بمفاصل و عرق النساء ست صفة
سورنجان شش مثقال پوست هلیله هفت درم
تخم کرفس نمک هندی برگ حنا زرنباد البحر فلفل سفید
زرنباد صعتر مکدیکمثقال گل سرخ زنجبیل
سقمونیا گشنیز خیسل مکدس درم مازریون زرنیخ
گرمانی پوست بیخ کبر شیطرج هندی بویزیدان
از هر یک دو درم تربد سفید پانزده درم روغن
بادام چهار درم و نیم عسل صاف صد و پنجاه درم
شربتی پنج مثقال تا هفت مثقال معجون مسک در جگر

وضعف

وضعف معده را نافع بود و سده بگشاید و اورام
صلبه را تحلیل دهد صفة مشک و سلیخه
سنبل سادج هندی لک صنفی و بوند جنبی جنطیانا
دو حبی از هر یک دو درم زعفران تا نخواه تخم
کرفس مصطکی از هر یک سه درم عود هندی
مر قرنفل از هر یک نیم مثقال کوفته و بیخته با سه
چندان عسل معجون سازند معجون تا نخوم معده را
پاک کند و اشتهای طعام آورد و باه را قوت دهد
صفة صعتر وفا تا نخواه نعناع شونیز زیره کرمانی
از هر یک سه مثقال حاشا دو مثقال و حب بسباسه
زرنباد زنجبیل جوز بوا تخم کرفس از هر یک سه
مثقال کوفته و بیخته با سه چندان عسل بسرشند

درد پشت و درد پای را نافع باشد و باه را
قوة دهد و معده را سودی دارد و پاک کند و وی بوادیر
سفید کند و سرعت انزال را سودی دارد صفة گل سرخ
سعد عاقرقرحا فرنفل سنبل مصطکی زرنباد زعفران
قاقلتین جوز بوا مساوی فند و عسل مناصفه بقدر
احتیاج فند را در گلاب بگدازند و با عسل بقوام
آورند و داروها کوفته و بیخته با آن بسرشند معجون غیاثی
اشتها آورد و بوی دهن خوش کند و حفظ
بیفزاید و منی زیاد کند صفة زعفران عاقرقرحا
بدر البنج فرفیون خولنجان قاقله کبار دار فلفل جند
بیدانسر مساوی کوفته و بیخته با سه چندان عسل
بسرشند معجون سیر لقوه و صرع و فالج و رعشه و بواسیر

وهی
و بواسیر را نافع باشد و معده را قوت دهد و اشتها
آورد و بلغم دفع کند و قوت بیفزاید و رنگ را
سرخ گرداند و حرارت غریزی بیافزاید و پیران را
بغایت مفید است صفة سر پاک کرده بنیم من در
یکمن آب بپزند تا مهرا شود و سه چارک عسل
سی درم روغن گاو بر سرش ریزند و با یکدیگر
ممزوج سازند و از آتش فرو گیرند و این داروها
کوفته و بیخته با آن بسرشند صفة قرنفل جوز بسباسه
فلفل مصطکی قاقله کبار و صغار هلیله کابلی
دارچینی زنجبیل از هر یک ده درم عود
خام زعفران از هر یک پنج درم شربتی مقابل
کردکان معجون نمک هندی معده را پاک کند و بلغمی

وسوداوی باردارد و دوا ربلغمی وسوداوی را نافع بود صفة
هلیله سیاه هلیله کابلی اسطوخودوس از هریک ۳ درم
افیمون ۴ درم نمک هندی ۲ درم ایارج فیقرا ده درم غاریقون
۴ درم کوفته و بیخته بسکنجبین بسرشند شربتی ۳ درم با آب گرم
معجون قسط اوجاع کبد ومعده را نافع باشد صفة دارچینی
سلیخه قسط از هریک سی درم افیمون شامی انیسون دوقو
چینی تخم کرفس مکدده درم اسارون نه درم
زعفران هشت درم فتاح اذخر مرمکی بیست وچهار
درم مرادر شراب حل کنند وادویه دیگر را کوفته
وبیخته بآن بسرشند وبعسل صاف معجون کنند معجون ضمیری
فالج ولقوه واستسقا وامراض بلغمی را نافع باشد وچون بر عضو
مفلوج ومستسقی طلا کنند نافع باشد صفة افیمون فوقیون

جند بیدستر

جند بیدستر دارچینی دارفلفل سنبل الطیب بدر ابلیخ
زنجبیل زعفران مساوی کوفته وبیخته بعسل بسرشند
معجون که نقرس بلغمی را دفع کند صفة پوست هلیله زرد
سورنجان عاقرقرحا مکدده درم فلفل سفید یکدرم ونیم
زیره کرمانی هفت درم راسن ۴ درم زنجبیل دو درم
افیون نیم مثقال کوفته وبیخته بعسل بسرشند شربتی دو
مثقال معجون سکبینج قولنج را نافع باشد صفة سکبینج تخم کرفس
جند بیدستر از هریک یک جزو سقمونیا نیم جزو سقمونیا را در
روغن بادام بسایند وسکبینج را در عسل حل کنند
وبا یکدیگر بیامیزند ودارو ها کوفته وبیخته دران بسرشند
شربتی ۳ مثقال معجون جلغوزه عسر البول را نافع بود صفة
دوقو دو بوند دارچینی اذخر حب بلسان افیون سلیخه
زعفران دارچینی فطراسالیون کمافیطوس از هریک ۳ درم

مغز جلغوزه سی درم نعناع خشک نیم درم کوفته بعسل
بسرشند و بعضی بعوض شهد انه راسن کنند شربتی
بکمثقال بماء العسل معجون فیقرا شهوات را دیده را
رفع کند و صداع را نافع باشد صفت ایارج فیقرا
دوازده درم پوست هلیله کابلی پوست بلیله
آمله بعسل بعد از کوفتن و بیختن معجون کنند شربتی ۳ درم
یا چهار درم در طبیخ فودنج معجون فودنج درد معده و جگر
و بنهای کهن را سود دارد صفت فودنج کوهی فودنج
دشتی تخم کرفس کوهی فطراسالیون سبسالیوس از هر یک
بیست درم تخم کرفس بابونه ماشا از هر یک چهار درم
کاشم پانزده درم فلفل سیاه چهل و چهار درم و در بعضی
نسخها بیست و چهار درم با انگبین مصفا بسرشند معجون
مقل باد بواسیر و بادهائی که اندر رودها باشد بشکند

واماس مقعد که خون آید سود دارد صفت هلیله کابلی پنجدرم مقل
پنجاه درم مقل را در آب کنند تا حل کنند و دار وها بدان بسرشند شربتی
دو درم معجون ماسك البول که او را بول را نافع باشد و سیلان
منی را باز دارد خاصه پیران را صفت اقاقیا کلنار از هر یک سه درم
صندل سرخ و سفید عدس سرخ قصب الذریره تخم حماض صمغ عربی
طباشیر از هر یک دو درم تخم مورد دو مثقال کندر یک درم سوده
و بیخته بگلاب بسرشند شربتی از وی پنجدرم غذا بریان و قلیه خشک
تناول کنند معجون افتیمون اسهال بلغمی را نافع باشد صفت افیون جند
بیدستر میعه سایله بذر البنج زعفران مر اسارون تخم کرفس سلیخه
انیسون سنبل الطیب گل ارمنی کلنار مساوی کوفته و بیخته با سه
چندان عسل بسرشند شربتی نیم درم بوب بر یا آب سرد یا آب سماق
معجون بنفشه امراض صفرائی را نافع باشد و دفع سرفه کند صفت بنفشه
مغز بادام شیرین از هر یک ده درم تخم کاسنی سه درم مغز تخم خیارین

مغز تخم کدو سلیخه از هر یک پنجدرم کتیرا یکدرم اصل السوس یکدرم
کوفته و بیخته بقند و گلاب معجون سازند شربتی یکدرم بگلاب گرم
کرده معجون تقرات نسیان ماخولیا و صرع و بهق و برص و اوجاع مفاصل
و درد معده و داء الحیه و داء الثعلب و داء الفیل و تقطیر البول
و سرفه کهنه و تب ربع و تبهای بلغمی و عسر البول و بواسیر و یرقان
فاسدی و طحال را نافع باشد و دفع غائلت سموم کند و دل را قوت
دهد و باه را زیاد کند و حب القرع را دفع کند و سنت کرده و مثانه
برین دو حیض بگشاید و بوی دهن و بوی عرق خوش کند و گرانی
زبان ببرد و صداع زایل کند و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را نفع سود
دارد و پیران را بغایت مفید بود صفة جنطیانا قرطمانا نانا رمشک
تخم فرنجمشک حب الغار زراوند طویل از هر یک یک مثقال انیسون
جند بیدستر حب بلسان عود بلسان سلیخه اسارون مصطکی از هر یک
یکدرم مروج دروج عقربی زرنباد تخم کرفس تخم جرجیر تخم پیاز تخم کندنا

از هر یک

از هر یک دو درم صبر سقوطری ده درم توبد سفید پست درم
عود خام دوازده درم جوز بوا ریوند چینی قرنفل قاقله بسباسه
اشنه سنبل الطیب زعفران اسقیل بریان کرده زرنب شیطرج هندی
افلنجه دارچینی از هر یک سه درم ورق گل سرخ بادرنجبویه لک مغسول
از هر یک پنجدرم سعد حب الطلب از هر یک چهار درم هلیله سیاه
پوست بلیله آمله از هر یک ششدرم کوفته و بیخته بروغن بادام تلخ
چرب کنند و باسه چندان عسل بسرشند و در ظرف ابگینه کنند و شش
روز در میان جوشانند شربتی از دو درم تا پنجدرم معجونی که نافع است
از جهت درد معده که طعام را قی کند صفة اصول اذخر سعد از هر
یک یکدرم اشنه هلیله فلفل کندر ناخواه از هر یک نیم درم دانه صنوبر
کفی زنجبیل دارچینی سلیخه فودنه از هر یک دانگی و نیم مصطکی عود خام
از هر یک دو دانگ قرنفل مسک از هر یک دانگی و نیم دانه صنوبر را بکوبند
و قدری آب اضافه نمایند و شیرا و بگیرند و بجوشانند تا غلیظ شود و ادویه

دیگر را کوفته و بیخته بدان بسرشند و هر روز مقابل یک بادام تناول
فرمایند معجون میعه اسهال کهنه و زحیر را نافع باشد صفت جند
بیدستر اسارون افیون میعه سایله بذر البنج کندر مساوی بعسل
معجون سازند شربتی دو درم تا سه درم معجون ذهن آین معجون
هندیان است و ترکیبی عجیب است و خواص بسیار دارد و فالج و لقوه
و صرع و رعشه و نسیان و عرق النساء و مفاصل بلغمی و جمیع امراض بارده را
نافع باشد و حفظ را زیاده کند و معده را قوت دهد و باه را زیاده
کند و سرعت انزال و سلس البول را دفع کند و پیران را موافق باشد
صفت زعفران فلفل دار فلفل شنجرف مغسول باب لیمو صلایه کرده
کبابه چینی مصطکی انیسون ماهی سقنقور سنبل بسباسه قرنفل
دارچینی صندل زیره کرمانی سیاه دانه تخم خربزه تخم کاسنی تخم خشخاش
عاقرقرحا بهمنین بلیله سیاه کهربا مرجان مروارید ناسفته لسان
العصافیر تخم کرفس مغز پنبه دانه تخم تاتوره زهر گرفته بریان کرده صبطیا

مایه شتر

مایه شتر اعرابی زنجبیل مغز سر گنجشک مغز سر خروس مغز کندر رومی
بابونه جوز بوا آمله قاقله کبار بلیله شیطرج هندی نانخواه جوز هندی
هلیون سلیخه سلبتوا از هر یک ده مثقال اشترغاز مغز جلغوزه بهار
کرکان حب النیل هندی خصیة الثعلب زرنباد رازیانه بلادر زهر
گرفته کچله زهر گرفته بریان کرده افتیمون زراوند طویل پیاز عنصل
زراوند مدحرج شاهترج از هر یک پنجمثقال عنبر خالص مشک بنطی از هر
یک یکمثقال افیون مصری چهار مثقال ورق طلا ورق نقره از هر یک پنجاه
عدد قند سفید ربع اجزا عسل صاف مقابل اجزا فولاد مکلس هر صد
مثقال دوازده مثقال بدستور متعارف معجون سازند و بعد از شش
ماه استعمال نمایند و طریق تکلیس فولاد آن است که فولاد جوهردار
خالی از خاک بستانند و صلایه کنند و هر پنجاه مثقال فولاد پنجاه مثقال
کوکرد زر و صلایه بآن ضم کنند و در بوته طویل ریزند و در کوزه نهند و
آتش تند چندانکه کوکرد تمام بسوزد و دود کوکرد برنیاید بعد از آن

بیرون آورند وخوب صلایه کنند وباز پنجاه مثقال دیگر کوکرد
با وصلایه کنند وبهمان طریق در بوته ریزند ودر کوزه نهند وآتش
کنند تا کوکرد تمام بسوزد پس از بوته بیرون آورند وباب صبر وسرکه
کهنه یکهفته صلایه تا نیک صلایه شود بعد از آن بسرکه بشویند تا تلخی
از او برود وپس باب بشویند تا شیرین شود وبعد از آن خشک کنند
وباب ترب صلایه کنند چندانکه چون باب بریزند بته اب فرو نرود
تا نیم روز بر بالای آب بایستد معجون خبث الحدید بسیاری بول که از سر دری
بود باز دارد صفة خبث الحدید مدبر بیست درم قشور کندر کرد
سر که خیسانیده باشند یک شبانه روز پس خشک کرده وکوفته وبیخته
پنجدرم طباشیر چهار درم کشنیز خشک سه درم شوکران دو درم
بلیله ساده بسرشند شربتی بایداد سه درم وشبانگاه سه درم بشراب
صبه معجون راسن ورم صلب کند ومعده را نافع بود صفة ریوند چینی
زنجبیل راسن اشترغاز از هر یک یک جزو تخم کرفس را زیانه انیسون

ناخواه

ناخواه از هر یک نیم جزو کوفته وبیخته عسل سه وزن ادویه بسرشند
شربتی مثل یک فندق معجون که منع مستی کند صفة شاخ بز سوخته مغز
بادام تلخ کرنب بودنه کوهی ملح نبطی سداب ناخواه مساوی کوفته وبیخته
بعسل معجون سازند معجون بزوری در دمعده وجگر وسپرز را سود دارد
وبادها بشکند صفة سلیخه جاماسنبل ناخواه رازیانه تخم کرفس انیسون
سیسالیوس جعد پیدسر سبست زراوند طویل مصطکی اسارون
کرویا اجزا مساوی با انگبین مصفی بسرشند معجون حبیب ترکیب مولانا
عماد الدین محمود جهت تقویت باه ومعده ودل ودماغ وجگر وکرده
ومثانه وسرخی رنگ وزردی وفربهی بدن نیکو کند وبوی دهان
خوش کند ومنافع بسیار دارد صفة بیخ چینی اعلا پنجاه مثقال مروارید
ناسفته صلایه کرده ودو مثقال شمط دو مثقال ریوند چینی افتیمون
رومی از هر یک سه مثقال سنبل هل از هر یک سه درم مصطکی عود
خام مایه شتر اعرابی زعفران مشک عنبر از هر یک دو درم سمکه

صبر آو ماهی روبیان از هر یک سه مثقال دارچینی قرنفل فلفل
زنجبیل از هر یک دو مثقال جوز بوا بسباسه از هر یک ده مثقال
خصیة الثعلب پنج مثقال تخم کرفس تخم شلغم بهمین جنک مریی از هر یک سه
مثقال بوزیدان سورنجان از هر یک دو درم شقاقل دو درم
تودری سرخ تودری زرد از هر یک سه مثقال سمد کوفی دو
درم ورق منشط سدس ادویه مجموع را کوفته و بیخته کاوزبان
با در بجبویه کل سرخ والد از هر یک ده مثقال جوشانیده و صاف
کرده آب آن را نگاه دارند تخم خربزه تخم خیار تخم کاسنی تخم خرفه از
هر یک ده مثقال نرم بکوبند و شیره بکیرند و آن شیره را اضاف
جلاب سابق کنند و آب بدشیرین و آب انار شیرین و کلاب صاف
مناصفه سه وزن ادویه بقوام آورند و مغز فندق و بادام و کیدکان
و جلعوزه از هر یک ده مثقال نرم بکوبند مانند مرهم و در عسل
اندازند و زعفران را بکلاب حل کنند و بعد از انکه سرد شود اضافه
کنند

کنند و مشک را دو حصه کنند یک حصه را در اول داخل
کنند و یک حصه دیکر را بعد از سایر ادویه نافع بود بعضی
دیکر این اجزاء را داخل میسازند اسارون سه مثقال اصله
مغشر بشیر پرورده ده مثقال کل مختوم صندل سفید صندل
سرخ مکد سه مثقال خشخاش سفید ترکیب ساخته باشد
ساخته در ظرف ابکینه یا ظرف پاکیزه کنند معجونی که نافع است
کسی را که عاجز باشد از ازاله بکارت صفت زنجبیل دارچینی
خصیة الثعلب شقاقل جوز بوا لسان العصافیر مصطکی زعفران
دار فلفل بوزیدان ورد احمر بهمین تخم هلیون تخم جوز از هر یک
دو مثقال مشک و عنبر از هر یک یکمثقال حب الفلفل سه درم
لؤلؤ زاید الفکر بیست و پنج مثقال عسل نیم من ترکیب سازند
معجون صفرة تیس قرفه پنجمثقال خولنجان کبابه جبی قرنفل جوز بوا از
هر یک سه درم تخم فرنجمشک ورق قرنفل از هر یک سه مثقال

کاوزبان بادرنجبویه از هر یک پنجمثقال سنبل اشته از هر یک
چهار مثقال ساوج زنجبیل دارچینی فلفل از هر یک دو مثقال
پوست ترنج سه مثقال گل سرخ چهار مثقال سعد یکمثقال خصیة الثعلب
بسباسه لسان العصافیر از هر یک سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال
لعل یک مثقال مشک نیم درم مروارید کهربا بسد از هر یک یکمثقال
ورق طلا نقره از هر یک نیم مثقال جزر اعظم بیست مثقال عسل
دو وزن معجون الباه از ترکیب مولانا فخرالدین شیرازی صفت بهمین
خویشان از هر یک پنج درم زنجبیل سه مثقال مایه شتر اعرابی شقاقل
تودری زرد تودری سفید از هر یک پنجمثقال خسک مربی ده
درم کاوزبان پنجمثقال بسباسه درمی عنبر اشهب یکدرم ورق
لخیال صد مثقال بشیر کوسفند جوشانیده وصاف کرده عسل بقوام
آورند و دیگر بان برشتن معجون سنجری آب پیاز سفید یک رطل
انگبین یک رطل هر دو را با آتش نرم بجوشانند تا نیم قوام شود مدت

یکهفته

مدت یکهفته از آن هر روزی سی درم تناول کنند قضیب را
قوت دهد و منی بیفزاید معجون الحمد جهت قوت باه نافعست صفت
آبی که آهنگران آهن را در آن سرد میکنند نیم خروار پاک کرده
و داستان داخل کرده بجوشانند تا سیر پخته شود بعد از آن آب را
صاف کنند و سیر را بیندازند و فلفل و زنجبیل بسباسه لسان العصفور
قرنفل دارچینی بلیلج زرد بلیلج عود صلیب از هر یک ده مثقال درم
دارفلفل پنج درم زعفران مشک نیم درم همه را جدا جدا بکوبند و نرم
بیزند و داخل آن آب کنند و نرم نرم آتش میکنند تا آب همه داروها را
بخود گیرد بعد دو وزن داروها و آب عسل داخل کنند و نیک جوش
داده فرو گیرند در ظرفی کنند و هر روز از آن بناشتا یکدرم تناول
نمایند نافع است معجون سنجری ترکیب شیخ ابو علی مشهور است بقرص
سنجری فواید بسیار دارد و مقوی باه است جگر و دل و معده را
قوت دهد حافظه را بیفزاید و هاضم طعام باشد و قوت بصر افزاید

و قوت سمع زیاد کند و نگاه دارد صفة سنبل ده مثقال بسباسه
جوز بوا قاقله صغار زنجبیل دارچینی قرنفل زعفران بهمن سرخ عود
الصلیب مصطکی ناردین ساوج هندی از هر یک شش مثقال تخم مصفی
سه مثقال تخم ماهی زهره تخم شبت نانخواه زیره کرمانی انیسون تخم کزر
از هر یک سه مثقال مغز بادام شیرین مغز پسته مغز سر گنجشک از هر یک
شش مثقال صوبرج قند سفید از هر یک سی مثقال عسل مصفی سه وزن
ادویه مقدار شربتی دو مثقال معجون که منفعت کند یرقان را که با حمی
باشد صفة کزبره بسباسه سه درم ورد احمر یکدرم و نیم طباشیر سفید
یکدرم کوفته و بیخته بشراب سیب سرشته شربتی یکمثقال با ده درم شراب
معجون که مطبخ مقوی قلب و باه و معده است صفة مروارید ناسفته
سه مثقال لعل بدخشان فیروزه نیشابوری بسد کهربا حجر الیهود
و مشک خالص از هر یک دو مثقال عود چهار مثقال پوست سبز پسته
دو مثقال پوست اترج سه مثقال قرنفل دو مثقال قاقله مقشر دارچینی

در دوا از هر یک سه مثقال بهمنین زنجبیل خولنجان فلفل دار فلفل
از هر یک دو مثقال اسارون صندل سرخ و سفید دواله از هر
یک سه مثقال خصیة الثعلب دو مثقال شقاقل کل سرخ از هر یک
سه مثقال طباشیر دو مثقال مصطکی یکمثقال قسط شیرین دو مثقال
تخم کاسنی سه مثقال قرفه و عاقرقرحا از هر یک دو مثقال فرفیون
یکمثقال حاماسه مثقال بذر البنج یکمثقال تخم فرنجمشک دو مثقال
افیون زعفران از هر یک دو مثقال عسل سه وزن ادویه که سیصد
و سی مثقال باشد معجون راسن که بزبان هندی بورس گویند
صفة بیش یکمثقال و نیم فلفل دو مثقال زنجبیل یکمثقال و نیم عاقرقرحا
یک مثقال عسل سه وزن ادویه و میتواند بود که کل واحد از ادویه
یکمثقال و نیم باشد و میباید که هر یک که هر یک از ادویه کوفته و بیخته
بدستور عجین کنند معجون یقوی الباه و یطیب النفس و یسمن البدن
و ینفخ الریح من البعد و من یرد الکلی و یزید الحفظ صفة دارچینی اربعة

مثاقیل قسط حلو وسنبل اربعة مثقالي كركم ثلث مثقالي دارزنجي و
زنجبيل ونعناع يابس دو ورق صعتر فودنج اليابس سليخه من كل واحد
اربعة مثقالي ساذج دار فلفل فلفل اسود اسارون بذر انجره كرويا
قرنفل خولنجان شقاقل من كل واحد اربعة مثاقيل ونصف عاقرقرحا
قاقله بذر اللفت بذر الفجل من كل واحد مثقالان سهم المقشر لب
الفستق لب اللوز جلقوزه من كل واحد عشر مثاقيل عود هندي
ثلث مثاقيل شكر ابيض مثل الجميع عسل مصفى نصف الادوية معجون
مستهى فوايد بسيار دارد ونسخه مولانا عماد الدين محمود منه بهمن سرخ
بهمن سفيد ازهر يك ده مثقال قودري سفيد شقاقل ازهر يك
پنجمثقال خولنجان سه مثقال سورنجان ده مثقال زراوند مدحرج
زرنباد درونج عقربي ازهر يك سه مثقال حضية الثعلب دو مثقال
لسان العصافير سه مثقال عاقرقرحا صوبرج ازهر يك دو مثقال
تخم پچيده ده مثقال تخم ترب پنجمثقال اجزه سه مثقال خيراش سفيد ده

مثقال

مثقال بذر البنج پنج مثقال كنجد مقشر تخم خربزه مغز تخم خيارين ازهر يك
ده مثقال حب النيلم حب السمسم حب القلقل عود هندي ازهر يك
سه مثقال دارچيني سنبل ازهر يك پنجمثقال مصطكي سه مثقال صندل
سفيد ده مثقال زنجبيل فلفل دار فلفل قرنفل ازهر يك سه مثقال
قاقله صغار
هال پنجمثقال جوز بوا ده مثقال دواء سنبله بسباسه پنجمثقال مغز
بادام شيرين پانزده مثقال مغز كركدكان مغز پسته مغز فندق نارجيل
ازهر يك ده مثقال مغز پنبه دانه تخم خرفه تخم كاسني ورق گل سرخ
كشنيز خشك زرشك صمغ ازهر يك پنجدرم امله مقشر پوست بليله
پوست هليله كابلي ازهر يك پنجمثقال ده مثقال بادرنجبويه پنجمثقال
گاوزبان ده مثقال طباشير سفيد سه مثقال تخم كندنا تخم پياز از
حب النيل سه مثقال ماء شعر اعرابي پنج مثقال سمكه صيدا پنج مثقال ماهي
هر يك پنجمثقال روبيان ده مثقال خايه خروس پنجمثقال سمكه صيدا
مغز سر گنجشك پنجمثقال حليت يكمثقال بوزيدان سه مثقال زعفران
پنجمثقال آب انار شيرين آب امرود بلخي ازهر يك صد مثقال آب سيب

سلطاني دويست مثقال آب بهشتي پانصد مثقال گلاب نيم من عرق
بيد مشك نيم من عرق عنبر اشهب دو مثقال مشك دو مثقال قند
سفيد ونبات وعسل سه وزن ادويه معجون زبيب مصروع را
نافع باشد صفة پوست هليله كابلي پوست هليله زرد پوست
بليله امله مقشر اسطوخودوس از هر يك ده درم عود الصليب
پنجدرم عاقرقرحا سه درم موين منقى يك رطل ادويه را كوفته
وبيخته با موين كوفته معجون سازند شربتي پنجدرم معجون سيسا
ليوس همين خاصيت دارد صفة سيساليوس عاقرقرحا اسطوخ
خودوس از هر يك ده درم غاريقون پنجدرم قردمانا كاشنيز
زراوند مدحرج از هر يك دو درم كوفته وبيخته بسكنجبين
غسل بسرشند شربتي يكمثقال معجون لبان نسيان را نافع باشد
صفة كندر روح سعد از هر يك ده درم فلفل زنجبيل از هر يك
پنج درم كوفته وبيخته بسرشند بعسل وشربتي يكمثقال

معجوني

معجوني كه منع مستي كند صفة شاخ بز سوخته مغز بادام تلخ
كرنب فودنج كوهي ملح نبطي سراب ناخوا مساوي كوفته بعسل
معجون سازند معجوني كه سلس البول را باز دارد صفة كلنار
دهدرم كندر بلوط از هر يك بيست درم سعد كرمويا از هر يك
پنجدرم كوفته وبيخته بعسل معجون سازند معجون ديگر كه همين خاصيت
دارد صفة شاه بلوط هفت درم كلنار دو درم دار فلفل
خصية الثعلب از هر يك پنج درم كوفته وبيخته بعسل بسرشند
شربتي يكدرم معجوني كه بادهاي زنان آبستن دفع كند وحافظت
جنين نمايد صفة زرنباد درونج عقربي از هر يك دو درم
مروارين ناسفته كهربا بسد از هر يك يكدرم كوفته وبيخته
با عسل معجون سازند شربتي يكمثقال معجوني كه همين خاصيت
دارد صفة زرنباد درونج عقربي جند بيدستر حلتيت
مازو طباشير از هر يك يكدرم زنجبيل دو درم قند سفيد

دوازده درم مشك نيم مثقال كوفته وبيخته بعسل بسرشند شربتي
دو درم معجون مفاصل سورنجان ده درم سناء مكي پنج درم اسارون
زنجبيل زيره كرماني دار فلفل از هر يك دو درم كوفته وبيخته
بعسل بسرشند شربتي دو مثقال باب كرم معجون مفرح مالیخولیا
وتوحش را نافع بود ودل را قوت دهد ونشاط آورد صفة
ورق گل سرخ سعد قرنفل از هر يك پنج درم بسباسه پوست
ترنج قرفه تخم قرنجشك از هر يك سه درم مشك دانگي كوفته
وبيخته بشراب شيب معجون ساذج معتدل دل را قوت دهد
وخفقان را نافع بود ونشاط آورد ورنگ را نيكو گرداند
وتشنگي بنشاند صفة مروارید ناسفته بسد كاوزبان عود
خام از هر يك دو درم كهربا كاسني كشنيز خشك از هر يك
پنج درم صندل سرخ وسفيد طباشير از هر يك هشت درم
افتيمون گل سرخ از هر يك شش درم ساذج هندي زرنباد

تخم قرنجشك بادرنجبويه خشخاش سفيد بنفشه گل ارمني
از هر يك چهار درم زعفران عنبر ورونج از هر يك دو درم
كافور يكدرم مشك نيم درم كوفته وبيخته بشراب شيب معجون
سازند مفرح حار خفقان وضعف دل را كه از سردي بود نافع
باشد صفة گاوزبان بادرنجبويه بهمنين تخم قرنجشك از هر
يك هشت درم آمله مقشر بريان كرده بيست درم عود قماري
ده درم گل مختوم مروارید ناسفته از هر يك يكمثقال زعفران
يكدرم بسد سوخته كهرباء سوخته قرنفل زرنب كشنيز
خشك دارچيني از هر يك پنج درم عسل هليله يك چهاريك
ياقوت ونور محلول از هر يك نيم درم درونج عقربي يكدرم
ونيم مويز منقي نيم من عسل هليله را با قند ومنقي بجوشانند
وبقوام آورند داروها كوفته وبيخته بآن بسرشند شربتي
يكمثقال مرهم ناسور آتشك شنجرف دم الاخوين سفيد آب قلعي برنك

هوه جوید موم از هر یک دو مثقال روغن کنجد یکمثقال
مفرح یاقوتی نقل از خط خان احمد جیلانی صفت یاقوت رمانی
پنجمثقال یاقوت زرد پنجمثقال یاقوت کبود پنجمثقال لعل بدخشان
سه مثقال مروارید ناسفته پنجمثقال عقیق سرخ دو مثقال
دیشب دو مثقال کهربا شمعی دو مثقال بسد محلل حل دو
مثقال شمط مغسول دو مثقال ورق طلا سی عدد ورق نقره
چهل عدد عود قماری پنجمثقال پادزهر حیوانی سه مثقال جدوار
مجرب ده مثقال زرنباد حلول سه مثقال عنبر اشهب دو مثقال
مشک خالص سه مثقال ابریشم مقرض چهار مثقال مصطکی
دولوی ده مثقال زعفران ده مثقال پوست اترج سه مثقال
پوست پسته ده مثقال دارچینی سنبل الطیب پنجمثقال بهمنین
از هر کدام پنجمثقال طباشیر پنجمثقال درونج عقربی پنجمثقال قرفه
پنجمثقال ساوج پنجمثقال تخم فرنجمشک چهار مثقال ورق بادرنجبویه

پنجمثقال

پنجمثقال تخم بادرنجبویه پنج مثقال گل سرخ سه مثقال زرشک
منقی پنجمثقال باب فواکه شیرین و قند محمودی ترکیب سازند
مفرح بارد خفقان حار را نافع بود و دل را قوت دهد صفت گل
سرخ و طباشیر بهمن سفید گاوزبان کشنیز خشک بریان کرده
صندل سفید از هر یک یک درم تخم خیارین مغز کدو از هر یک
چهار درم تخم خرفه پانزده درم زرشک منقی شش درم مروارید
ناسفته کهربا زعفران کافوری از هر یک نیم درم نبات مصری صد درم
نبات را در عرق بید مشک بگدازند و با پنجاه مثقال آب سیب
بقوام آورند داروها کوفته و بیخته بان بسرشند مفرح بارد به نسخه
دیگر صفت مروارید ناسفته بسد سوخته طباشیر کهربا گاوزبان
گل ارمنی از هر یک دو درم معجون سازند چنانکه رسم است
مفرح دلگشای خفقان و ضعف دل را زایل کند و نشاط آورد
هر چه تمام تر صفت بهمن سرخ و سفید پنج درم پوست هلیله

کابلی پوست بیرون پسته پوست ترنج ابریشم مقرض مروارید ناسفته
از هر یک دو درم گاوزبان شاهتره بادرنجبویه از هر یک ده درم کشنیز
خشک وطباشیر از هر یک سه درم بسد وکهربا وزرنباد دو درم روغن
رومی از هر یک یکدرم عود خام یکمثقال آب انار آب بد آب حماض آب
زرشک از هر یک ده درم قند سفید وشراب بنفشه از هر یک صد
مثقال آبها را با قند وشربت بقوام آورند ودارو ها کوفته وبیخته
بان بسرشند مفرح دلگشای خفقان ضعف دل را که از سردی بود
سود دارد صفة پوست ترنج گل سرخ بادرنجبویه گاوزبان
مغز تخم خیارین از هر یک پنجدرم بهمنین سرخ وسفید از هر یک
دو درم ونیم هلیله سیاه مغز بادام خشخاش سفید کبد مقشر
از هر یک سه درم زعفران دو درم دارچینی سه درم وبیم تخم کرفس
یکدرم مشک یکمثقال روغن بادام پنجمثقال نبات صدری وترنجبین
سفید از هر یک نیم من نبات وترنجبین را در گلاب حل سازند

وبقوام

وبقوام آورند ودارو ها کوفته وبیخته بان بسرشند مفرح دلگشای
بارد عباشیر بهمن سفید گل سرخ بسد کهربا مروارید ناسفته
از هر یک یکمثقال صندل سفید کشنیز از هر یک دو درم تخم خرفه
هشت درم زرشک بیدانه دو درم زرنباد حلول ونقره محلول
از هر یک نیم درم پوست بیرون پسته یکدرم قند سفید یکمن
آب ترنج چهل مثقال بطریق معهود معجون سازند مفرح مسیحی بدنشخه
دیگر دل وجگر ودماغ را قوت دهد وسنی بیفزاید واشتهای
طعام وجماع آورد وباه را قوت دهد صفة قرفه گاوزبان
بادرنجبویه گل سرخ از هر یک پنجدرم قولنجان کبابه چینی قرنفل
سنبل قاقله کبار قاقله صغار جوز بوا تخم فرنجمشک مصطکی پوست
ترنج لسان العصافیر بسباسه از هر یک سه درم اشنه چهار درم
مروارید ناسفته ساوج سعد کوفی عنبر اشهب از هر یک دو درم
زنجبیل دارفلفل از هر یک یکدرم خصیة الثعلب ده درم مشک

زر محلول نقره محلول از هر یک پنج درم لعل کهربا بسد از هر یک
یک درم جزو اعظم سی مثقال عسل دو وزن ادویه معجون سازند
چنانکه رسمست صفرح رشیدی لعل و بسباسه از هر یک پنج مثقال زعفران
سه مثقال جزو اعظم ده مثقال قند سفید پنجاه مثقال قند را
در گلاب بگذارند و بقوام آورند و دارو ها را کوفته و بیخته با آن
بسرشند صفرحی که خفقان سودائی را نافع باشد صفت ساذج
سعد ناخداه دواله انیسون تخم کرفس فرنجمشک از هر یک سه درم
مشک زعفران از هر یک یک درم بادرنجبویه ده درم مروارید
ناسفته بسد از هر یک پنج درم عصاره انستین شش درم پوست
ترنج دو درم گاوزبان هفت درم کوفته و بیخته با آب افتیمون
جوشانیده معجون سازند شربتی سه درم مربای هلیله معده را
قوت دهد و هاضمه را قوی گرداند و طبع را نرم کند و بواسیر را
نافع بود و باصره را تیز گرداند و نسیان را زایل کند و جوان

نگاه

نگاه دارد صفت بلیله کابلی بزرگ صد عدد در ظرفی کنند و چندان
آب بر سر آن ریزند که آن را بپوشاند و خاکستر پاک پنجاه درم بر
سر آن کنند و چهار نوبت آب و خاکستر را تغییر دهند و هر سه
روز یکبار پس بشویند چنانکه پوست از او جدا نشود و در یک
کنند و آب صاف بر ویش ریزند و یک کف جو مقشر نیم کوفته
اضافه آن کنند و بجوشانند تا جو پخته شود پس بیرون آورند
و دیگر باره بدستور بشویند و هر هلیله را ده سوزن بزنند
و در ظرفی کنند و چندان عسل بر سر آن ریزند که آن را بپوشاند
و بیست روز بگذارند و بعد از آن بیرون آورند و آن عسل را
نگاه دارند دیگر عسل تازه بر سر آن کنند و ده روز دیگر بگذارند
و بعد از آن با عسل اول و دویم بجوشانند تا بقوام آید و اگر این
دارو ها داخل کنند بهتر باشد قرفه قرنفل زنجبیل جوز بوا
مصطکی عود خام از هر یک پنج مثقال مشک یک درم زعفران یک مثقال

در ظرف چینی کنند و بعد از چهل روز استعمال کنند مربای
شقاقل بادرا قوت دهد و نفوذ تمام آورد و مثانه را سود داره د
صفة یکشبانه روز شقاقل را در آب بگذارند و آن آب را بریزند
و یکروز دیگر در آب تازه خیسانند بعد از آن مقشر کنند و بجوشانند
تا نیم پخته شود آنگاه عسل صاف بر سر آن کنند و با آتش دهاو تیز بجوشانند
تا بقوام آید در ظرفی کنند و بعد از چهل روز تناول فرمایند مربای
بالنك معده را قوت دهد و فرح آورد صفة گوشت ترنج را در دیگ
کنند و باب بجوشانند تا نیم پخته شود و بیرون آورند و بفشارند
و عسل صاف بر سر آن کنند و با آتش نرم بجوشانند تا نیم پخته شود
و بیرون آورند و بفشارند و عسل صاف بر سر آن کنند و با آتش
نرم بجوشانند تا بقوام آید و بقند خواهند هم چندین اما مربای
هلیله و بالنك و شقاقل و جزر و کردکان بعسل بهتر باشد
و مربای تمر و آلو و بر و سیب و امثال آن بقند مربای جزر باه را

قوت

قوت دهد و سینه را نرم کند و پشت را محکم کند صفة کزر نبات را
بخراشند و پاره پاره کنند و میان آن را بیندازند و در آب و عسل
بجوشانند تا پخته شود و بعد از آن بیرون آورند و در عسل
اندازند و اندک جوشی بدهند و در ظرفی کنند و بعد از چهل
روز تناول کنند مربای زنجبیل کرده و مثانه و معده بارده را نافع
باشد و بول براند و تبهای بلغمی را سود دارد و باه را زیاده
کند صفة زنجبیل از ادخوب را در زیر ریگ کنند و بیست روز
هر روز آب بر آن ریزند بعد از آن بیرون آورند و بشویند
و ریشه ریشه کنند و باب و عسل بجوشانند تا بقوام آید
مربای کردکان معده را قوت دهد و باه را زیاده کند بستانند
کردکان تازه که هنوز صلب نشده باشد و پوست از او جدا
کنند و باب و عسل بجوشانند تا بقوام آید مربای بیخ قولنج ریحی و
فالج و صرع را نافع باشد دیج ترکی فربه سه شبانه روز در آب

بخیسانند و بعد از آن بیرون آورند و در آب عسل بجوشانند
تا بقوام آید مربای هندوانه حرارت را کم کند و تشنگی بنشاند بستانند
پوست هندوانه و سبزی از او بتراشند و سه روز در آب و آهک
بخیسانند روز چهارم در نمک آب خیسانند و یک شبانه روز
بجوشانند
دیگر در آب شیرین بگذارند پس بیرون آورند قدری آب و
قدری عسل بجوشانند تا نیم پخته شود پس بیرون آورند و
بنهند تا آب از او برود و دیگر باره در عسل اندازند و بجوشانند
تا بقوام آید مربای کدو سینه و شش و مثانه را نافع باشد کدوی
تازه بخراشند و مغزان بیندازند و پاره پاره کنند و با آب و عسل
بجوشانند تا بقوام آید مربای تمر صفرا دفع کند و تب را زایل گرداند
و محرور مزاج را موافق باشد تمر هندی را از چوب و دانه پاک
کنند در گلاب خیسانند یک ساعت و بعد از آن قند را بقوام
آورند و تمر بر رویش ریزند و چون یک جوش بزند آتش وکیرند

مربای

مربای سیب معده و دل را نافع باشد سیب را پوست باز کنند و دانه
بیرون آورند و در آب بجوشانند تا نیم پخته شود پس با قند
بقوام آورند مربای بهی صفت مربای بهی مثل مربای سیب درست
رامر با کنند و به نیمش معده را قوت دهد و قی و غثیان و هیضه
و فواق و درد جگر را نافع باشد صفت آب به ترش چهار من شراب
ریحانی هشت من عسل مصفی دو من مجموع را در دیگ ریزند
و زنجبیل و مصطکی قاقله کبار و صفار دارچینی کبابه قرنفل
از هر یک هفت درم زعفران سه درم همه را نیم کوفته کنند
سوای زعفران در کیسه ریزند و در او اندازند و بجوشانند
و زمان زمان کیسه را بمالند تا شیره تمام باز دهد و زعفران
سائیده اضافه نمایند بقوام آورند ماء العسل معده را
قوة دهد و اشتها آورد و بول براند و امراض ملغمی را نافع باشد
صفت عسل یک جزو آب دو جزو بجوشانند تا ثلث برود و دو ثلث

بماند و اگر مقوی خواهند دارچینی خولنجان زنجبیل مصطکی
زعفران هل جوز بسیار کوفته و بیخته بقدر احتیاج اضافه نمایند
ماء الجبن مالیخولیا و یرقان و جرب و کلف و امراض سوداوی را نافع
باشد و صفرا براند و با افتیمون مسهل سوداوی باشد صفت
بن سرخ جوان صحیح البدن که چهل روز از زائیدن او گذشته باشد
چند روز کشنیز تازه یا کاهو یا کاسنی یا رازیانه یا اردو
یا علف شاهره تازه بدهند بعد از آن دو رطل شیر او بستانند
و در دیگ سنگی کنند و با آتش نرم بجوشانند و چون یک جوش
بزند رطل سکنجبین صادق الحموضه بر سر آن ریزند و بچوب
انجیر پوست کنده بجنبانند تا بپزد و پس از آتش فرو گیرند
و در کرباس اندازند و بیاویزند تا آب از آن چکد آن آب را
بگیرند و دیگر باره بجوشانند و کف بردارند با سکنجبین جمع بنوشند
هر روز یک رطل بسه دفعه چنانچه میان هر دو دفعه دو ساعت

باشد

باشد بعد از نوشیدن چند گام برود ماء الاصول نقرس و اوجاع
مفاصل بلغمی و سوداوی را نافع باشد صفت پوست بیخ کرفس پوست
بیخ کاسنی اصل السوس خطمی از هر یک ده درم تخم کاسنی رازیانه
تخم کرفس سورنجان زیره کرمانی نانخواه از هر یک پنج درم انجیر
زرد و مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیمه
آید و صاف کرده هر روز باده درم گل شکر بنوشند ماء الاصول نارد
اوجاع مفاصل حار را نافع باشد صفت عناب سپستان از هر یک
سی عدد پوست بیخ کاسنی پوست بیخ رازیانه از هر یک ده درم
تخم کاسنی و رازیانه از هر یک پنج درم سورنجان سه درم در
سه رطل آب بجوشانند تا به نیم آید و صاف کنند هر روز
سی درم باده درم گل قند بنوشند ماء الاصول دیگر لقوه و فالج
و صرع و جمیع امراض بلغمی و سوداوی را نافع باشد و سنگ گرده
و مثانه بریزند و سده جگر و سپرز بگشاید و استسقا و اوجاع

مفاصل را سود دارد صفة پوست بیخ کرفس پوست بیخ رازیانه از
هر یك ده درم پوست بیخ کبر پنج درم تخم کرفس زنیان رازیانه بیخ
اذخر از هر یك چهار درم حب بلیسان اسارون دو درم سلیخه
جظیاثا از هر یك دو درم و نیم عود بلیسان بوزیدان هزار اسفند
از هر یك سه درم مویز منقی بیست درم در دو من آب بپزند
تا بیك من آید و بپالایند شربتی سی مثقال با دو مثقال روغن بکشاید
بید انجیر و پنج درم روغن بادام ماء الاصول سده جکر و سپرز را
و استسقای بلغمی را نافع باشد صفة پوست بیخ رازیانه هفت درم
بیخ اذخر و فقاح اذخر از هر یك پنج درم سنبل مصطکی از هر یك
یکدرم و نیم فوه لك منقی عود بلیسان از هر یك سه درم انجیر
ده عدد مویز منقی بیست درم در سه رطل آب بجوشانند تا به نیم
آید و صاف کرده هر روز چهل درم با یکدرم روغن بادام تلخ
و یکدرم روغن بادام شیرین بنوشد ماء البزور بادها را پراکنده

کند

کند و اخلاط غلیظه را دفع کند و غوغیج و استسقاء طبلی را
نافع باشد صفة نانخواه کاشم زیره کرمانی کرد یا صعتر شونیز
هر یك کفی در سه رطل آب بجوشانند تا بیك رطل آید و صاف
کنند هر صبح و شام بیست درم از آن با سه درم روغن بید انجیر
بنوشند مطبوخ هلیله اسهال صفرا کند صفة پوست هلیله زرد
شش مثقال الوسیاه بیست دانه سپستان سی دانه شاهترج
و سنای مکی از هر یك پنج درم گل سرخ چهار درم عناب ده عدد
تخم کاسنی تخم کشوث از هر یك دو درم عنب الثعلب اصل السوس
بنفشه نیلوفر از هر یك سه درم در سه رطل آب بجوشانند
تا به نیم آید و صاف کنند و شیرخشت و تمر هندی از هر یك ده
مثقال ترنجبین صفرا طباشیر با روغن بادام چرب کرده از هر یك
پانزده مثقال در آن حل کرده بنوشد مطبوخ سنای مکی هفت
درم بنفشه عنب الثعلب نیلوفر از هر یك سه درم عناب سپستان

حبات حاره را نافع باشد و صفرا دفع کند صفة

الوی سیاه از هر یك بیست عدد گل سرخ چهار درم در سه رطل
اب بجوشانند تا به نیمه اید وصاف کرده تمر هندی و شیر خشت
از هر یك دو درم تربجبین بیست درم دران حل کنند و بنوشند
مطبوخ افسنتین نجدی معده گرم و ضعف را نافع باشد صفة افسنتین نجدی
گل سرخ شش درم تمر هندی بیست درم تربجبین سی درم گل
افسنتین را بجوشانند وصاف کنند و تمر هندی دران حل کنند
و یکدرم ایاره فیقرا حب ساخته فرو برند و از عقب آن مطبوخ
بنوشند معجون افتیمون صفرای سوخته و بلغم و سودا را دفع کند و امراض
سودائی را نافع باشد صفة سناء مکی هفت درم گل سرخ افتیمون
چهار درم در لته بسته و پوست هلیله زرد و هلیله سیاه از هر یك
پنجدرم بسفایج فستقی و اصل السوس رازیانه از هر یك دو درم
اسطوخودوس پرسیاوشان شاهتره کاوزبان بادرنجبویه بنفشه
نیلوفر از هر یك سه درم مویز منقی سپستان از هر یك سی دانه در

سه رطل

سه رطل اب بجوشانند تا به نیمه اید وصاف کرده گل قند اصافی ده
درم مغز خیار شنبر بروغن چرب کرده تربجبین از هر یك پانزده
درم دران حل کنند و بنوشند مطبوخ ریحان سوداوی جاع مفاصل را نافع باشد
صفة سناء مکی هفت درم گل سرخ پوست هلیله زرد پوست بلیله
زرد از هر یك چهار درم سورنجان رازیانه تخم کرفس پوست بیخ رازیانه
انیسون قنطوریون از هر یك دو درم پرسیاوشان کاوزبان بادرنجبویه از هر یك دو درم جوشانیده صاف کرده گل قند ده مثقال
تربجبین بیست مثقال دران حل کرده باز خورند مرهم شادنج
بواسیر و شقاق مقعد را نافع باشد صفة شادنج مغسول گل
طیة التیس از هر یك سه درم افتیمون نیم مثقال و چهار حب سفید
اب دو درم زعفران یکدرم روغن بنفشه بادام و روغن گل بادام
از هر یك ده درم موم سفید پنجدرم موم را در روغن بگذارند
و داروها کوفته و بیخته بدان ممزوج سازند و باده درم شیر دختران

در هاون نیك بمالند تا مرهم شود مرهم کافوری تزکیدن لب و مقعد
و سوزش و سوختن آتش را نافع باشد صفة مردار سنك سفید
اب ارزیز موم سفید از هر یك پنجدرم روغن پست درم موم را در
روغن بگذارند و ادویه کوفته و بیخته اضافه نمایند و در هاون
بسایند تا هموار شود بگذارند تا خنك شود و یك سفیده تخم
مرغ و قدری کافور داخل نمایند و مرهم سازند مرهم جراحت که ناسور
کهنه شده باشد صفة لته کبود سوخته با روغن بزرك مرهم کنند
و بران جراحت نهند تا پاك شود و بعد از ان استخوان آدم را سوخته
و سائیده بران جراحت ریزند مجربست مرهم مسهل که اورام صلبه را
مثل خنازیر و سرطان و سلعه را نافع باشد و جراحت را از کوشت
مرده و ریم پاك کند و ناسور را بصلاح آورد صفة بیاوشیر زنگار
و بارزد و مر از هر یك دو درم اشق هفت درم کندر زراوند
طویل از هر یك سه درم مقل و مردار سنك از هر یك چهار درم

موم

موم و راسخ از هر یك ده درم روغن زیت یك رطل صمغها را
در سرکه حل کنند و موم را در روغن بمالند تا مرهم شود اورام
صلبه را نرم کند و زخم را از ریم پاك کند و کوشت برویاند مرهم
باسلیقون زفت راسخ موم سفید از هر یك بیست مثقال بازرد م
چهار مثقال درم روغن زیت پنجاه مثقال شجره هوه جویه مثقال
موم را در روغن بگذارند و باقی ادویه دران حل کنند و مرهم سازند
مرهم حل کوشت نو برویاند و جراحتها را خشك کند صفة مردار
سنك ده درم صلایه کرده باده درم موم در بیست درم روغن
حل کرده و قدری سرکه مرهم سازند مرهم زنگار زاید را بجوز دو در
شبهای کهنه را خوش کند صفة زنگار دو درم صلایه کرده با موم
علك البطم و رینایج از هر یك پنجدرم در سی درم روغن زیت
کداخته و در هاون کنند و با یکدرم انزروت کوفته و بیخته نیك
بمالند تا مرهم شود مرهم داخلیون اورام صلبه را نرم کند و بخته کردانند

صفة مردارسنك ده درم صلایه کرده با چهار یك روغن زیت در پاتیله
کنند و بجوشانند تا رنك بکرداند و از آتش فرو کیرند تا سرد شود
پس بکیرند لعاب حلبه و لعاب بزرك و لعاب بزر قطونا و لعاب خطمی
و لعاب مرو از هر یك پنجاه درم نیم کرم کنند و بر سران ریزند و
با آتش نرم بجوشانند و کفچه زنند تا غلیظ شود و سهل پزیر کردد
مرهم سرطان بسیم بالمرهم المریح سرطان و خنازیر را نافع باشد و درمها پخته
کنند صفة مردارسنك پنجدرم کندر بازر و اشق موم از هر یك ده
درم علك البطم و سرخ از هر یك هشت درم آنچه کداختنیست در
روغن زیت بکدازند و مردارسنك صلایه کرده برون افشانند
و مرهم سازند مرهم توتیا جراحت قضیب را سود دارد صفة توتیا
بست درم صلایه کرده با بست درم موم در پنجاه درم روغن کل
مرهم سازند مرهم مفرح جراحت کوش را نافع باشد صفة سرکه کهنه
هفت درم عسل هشت درم در یکدیکر بجوشانند تا بقوام آید و

عسل البطم پنجدرم
روغن زیتون نیم من
موم سی مثقال کداخته
در زیتون بکدازند صح

دو مثقال

186

دو مثقال زنکار سوده در آن افشانند و مرهم سازند و فتیله را
بدان تر ساخته بر کوش نهند مرهم تابستانی کوشت برویاند صفة سفید
اب ارزیز سه درم دم الاخوین اتر روت صبر مر کندر از هر یك
دو درم موم سه درم در روغن بکدازند و داروها کوفته و
بیخته با او مزوج سازند در هاون بسایند تا مرهم شود مرهم
آهك سوختنی آتش را نافع باشد صفة مردارسنك خبث الفضه
سفیده تخم مرغ با یکدیکر مرهم سازند چنانکه رسم است مرهم
سفید آب کوشت برویاند جراحت را خشك کند حرارت را بنشاند
صفة سفید اب ارزیز موم سفید از هر یك دو درم روغن بادام
ده درم بطریقه معهود مرهم سازند مرهم شنکرف سرطان و خنازیر
و اورام صلبه را نافع باشد صفة مردارسنك پنجدرم کندر
بازر و اشق موم سفید از هر یك دو درم و علك البطم ششدرم
شنکرف هشت درم روغن زیتون با روغن کل سرخ پنجاه درم

بدستور مرهم سازند مرهم کلنار نمله متاکل را نافع باشد صفة
مازوی سبز مردار سنگ زرنیخ چوبه از هر یک یک جزو کلنار یک
مور داساره لیسان الحمل دو جزو و با موم سفید و روغن گل
مرهم سازند چنانکه رسم است مرهم سرطان در دبلشاندن و جراحت
را بصلاح آورد صفة پوش دربندی اقاقیا از هر یک ده درم صندل
سفید یک درم شیاف مامیثا چهار درم سرطان محرق یکعدد
موم سفید چهار درم روغن گل ده مثقال بطریق متعارف مرهم
سازند مرهم معسل چرک از جراحت و دنبل پاک کند صفة عسل را
بجوشانند تا غلیظ شود و برابر ان انزروت کوفته بان ممزوج
کنند و مرهم سازند مرهمی که جراحت اشک را نافع باشد صفة
سفید اب توتیا دم الاخوین از هر یک سه درم مردار سنگ دو درم زنگار
نیم درم موم پنج درم روغن پست درم مرهم سازند مرهم خشک
مردار سنگ توتیا عناب پخته اب کشنیز تازه با موم سفید مرهم

سازند

مرهمی سازند صفة که بواسیر را نافع باشد صفة میعه سایله یکدرم
مقل نه ده درم روغن مغز زردالو ده درم مقل و میعه را در
روغن بگدازند و مرهم سازند مرهم دیگر که همین خاصیت دارد
بلکه ازان قوی و انفع بود صفة مقل کوهان شتر مغز ساق کاو
استخوان زردالو سوخته میعه سایله سفیده تخم مرغ روغن گل سرخ
بیکدیگر ممزوج سازند و مرهم کنند مرهم دیگر که بواسیر را سود
دارد و درد ساکن کند صفة مغز ساق کاو پیه مرغ کوهان شتر روغن
گل مساوی در یکدیگر بجوشانند و قدری افیون اضافه کنند و
در هاون نیک بسایند مرهم سازند و استعمال نمایند مرهم دیگر که از
جهت بواسیر انفع است صفة پیه بط پیه ماکیان پیه بز از هر یک پنج درم
مغز ساق کاو پنجاه درم روغن مغز زردالوی تلخ و روغن مغز شفتالو
و روغن گل از هر یک دو درم میعه سایله دو مثقال مقل ازرق بیست
درم اب کند تا بقدر حاجت موم سفید پنج درم مقل را در اب کند

تا حل کنند و روغن ها را با موم و پیه بگدازند و ما مقل محلول
در هاون با یکدیگر ممزوج سازند و استعمال نمایند باب النون
نقوع هلیله صفرا براند و صداع حار را نافع باشد صفة پوست هلیله زرد
ده درم الوی سیاه سپستان عناب از هر یک سی عدد تمر هندی
بیست درم تخم کاسنی سه درم مغز خیار و سبز ده درم ترنجبین پانزده
درم شب در پنجاه درم آب خیسانند و صباح صاف کرده بیاشامند
نقوع فواکه صفرا دفع کند و تشنگی بنشاند صفة الوی سیاه عناب
سپستان از هر یک سی عدد تمر هندی ده درم زرد آلو ده درم
عدد قند سفید ده درم ترنجبین بیست درم شب بخیسانند
و صباح صاف کنند و بنوشند نقوع صبر صداع حار را نافع است
صفة آب کاسنی هفتاد مثقال صبر سقوطری چهار دانگ در آن
حل کنند و سه روز در آفتاب نهند و شب در جای گرم نهند و
روز سیم بپالایند و بنوشند نقوع صبر بنوع دیگر صداع بلغمی را

نافع

نافع باشد صفة سعد سنبل افسنتین فقاح اذخر تخم کرفس
رازیانه نانخواه زیره کرمانی از هر یک کفی در یک من و نیم آب بپزند
تا به نیم آید و به پالایند و بیست درم صبر در آن حل کنند و سه روز
در آفتاب بگذارند روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یکدرم
روغن بید انجیر بنوشند نقوع صبر به نسخه دیگر صداع سودائی را نافع
است صفة افسنتین ده درم اسارون پنج درم قنطوریون
مصطکی از هر یک سه درم صبر سقوطری از هر یک شش درم ادویه
نیم کوفته در سه رطل آب گرم بخیسانند و سه روز در آفتاب نهند
روز چهارم صاف کنند شربتی چهل درم با یکدرم روغن بادام
شیرین خورند نطولی که خواب او در دو سه سام را نافع باشد صفة
بنفشه تخم کاهو از هر یک پنج درم پوست خشخاش گل سرخ نیلوفر
پوست کدوی تر بابونه از هر یک ده درم کشک جو پنجاه درم
در نیم من آب بجوشانند تا به نیم آید و سه بیماران بدارند

نطولی که صداع بارد را نافع باشد صفة بابونه اکلیل الملک تمام
مرزنجوش بن بجاسف سعتر مساوی جوشانیده سر به بخاران دارند
نطولی که صداع ریحی را نافع باشد صفة بابونه اکلیل الملک برگ
کرفس زیره کرمانی مرزنجوش صعتر شبت جوشانیده سر به بخار
ان دارند نطولی که صداع سودائی را سود دارد صفة بنفشه نیلوفر
اکلیل الملک بابونه سبوس خشک ساوج هندی قرنفل جوشانیده
سر به بخاران بدارند نطولیکه گرانی گوش را که از عقب مسهل پیدا
شده باشد و سبب ان بخارات بود زایل کند صفة بابونه اکلیل الملک
قیسوم از هر یک ده درم تمام مرزنجوش از هر پوست بیخ رازیانه
پوست بیخ کرفس گل سرخ از هر یک پنج درم در ده من اب بجوشانند
تا بسه من اید و سر و گوش را ببخاران دارند نطولی که نشان ابله را
از اعضا ببرد صفة گل سرخ هفت درم بنفشه نیلوفر صندل سرخ
و سفید نیم کوفته تخم کاهو تخم کاسنی از هر یک چهار درم در هفت من

اب بجوشانند تا بسه من اید و بپالایند و چون از حمام بیرون
اید بر اعضا ریزند نطولی که صداع حار و بیخوابی را نافع باشد صفة
بنفشه جو نیم کوفته تخم کدو بزرک بذر قطونا تخم خرفه پوست خشخاش
گل خشخاش بیخ لماح خطمی کاهو برگ بید گل سرخ جوشانیده سر
بخاران دارند نطولی که سنگ گرده و مثانه پاره پاره کند و بیرون
آورد و بول براند صفة بابونه گل سرخ اکلیل الملک خطمی خشک
از هر یک ده درم پوست خربزه خشک پرسیاوشان تخم قلت
نیمکوفته از هر یک هفت درم اسنان اصل السوس پوست
بیخ رازیانه از هر یک پنج درم کاکنج و حلبه از هر یک چهار درم بن بجاسف
بنفشه از هر یک سه درم و قو برگ نیلوفر از هر یک ده مثقال
در دو من اب بجوشانند تا به نیم من اید و دران نشینند و چون
بیرون اینند دو سه قطره روغن عقرب در اصلیل چکانند نطولی
که همین خاصیت دارد صفة بابونه در صنه ترکی تمام مرزنجوش

برك كرنب سركين كبوتر بجوشانند و دراب ان نشينند و
ثقل ان بر مانه و حوالی ان ضاد كنند نطولی كه همين منفعت دارد
صفة در صفه تركی برك ترب اسبيت سداب فودنه بوبجاسف
سنبل مرزنجوش تمام خطمی شلغم بابونه شبت كرنب بجوشانند
تا نرم شود و ثقل انرا بر عانه ضاد كنند و دراب ان نشينند
نطولی كه همين منفعت دارد صفة بنفشه نيلوفر كل سرخ خطمی
از هر يك پنج درم ضسك بابونه پوست ضريره اكليل الملك برك
كرنب از هر يك سه درم بجوشانند و دراب ان نشينند نطولی
كه افراط طمث را نافع باشد صفة كل سرخ برك مورد از هر يك
ده درم شب يمانی و مازو نيم كوفته و كلنار از هر يك پنجدرم
پوست انار نيمكوفته و جوالس و وكزمانج از هر يك سه درم
اقاقيا دو درم مجموع را بجوشانند و دران نشينند و قرص كهربا
و رب مورد بنوشند نطولی كه محافظت جنين كند و نگذارد

كه پيش

كه پيش از وقت بيرون ايد صفة كل سرخ هفت درم كلنار
كزمازج از هر يك پنجدرم برك تلب مورد خشك چهار درم
شب يمانی پوست انار و مازو از هر يك سه درم و نيم كوفته
بجوشانند و دران نشينند نطولی كه از جهت خروج مقعد نافع
باشد صفة كلنار پوست انار جفت بلوط مورد كل سرخ از
هر يك قدری نيمكوفته بجوشانند و دران نشينند نطولی كه
سده بينی بكشايد صفة لادن صوب كزشونيز بجوشانند سر بخار
ان بدارند نفوخی كه كند بينی را ببرد صفة زاج سك قرنفل
مساوی كوفته و بيخته در بينی دمند نفوخی كه مسكوت را بهوش
اورد صفة لندش و زرنيخ سفيد كوفته و بيخته اندك اندك
در بينی دمند نفوخی كه صداع مزمن را نافع باشد صفة عصاره
قثاء الحمار مريم نطرون كوفته و بيخته در بينی دمند نفوخ ديگر شونيز
فلفل و شاقيا همين فايده دارد نفوخی كه صرع را نافع بود صفة شحم

حنظل قثاء الحمار نوشادر کندش فلفل اسود اسطوخودوس
کوفته و بیخته بقدر احتیاج در بینی دمند باب الواو در جوز که چون
در دهن مصروع دمند بهوش آید صفت حلتیت جند بیدستر
کوفته و بیخته در سکنجبین عنصلی حل کرده وجور سازند وجوری که
همین خاصیت دارد صفت رازیانه انیسون زیره کرمانی جوشانیده
و صاف کرده کلقند را در آن حل کنند و وجور سازند وجوری
که نافع است از جهت غشی که بعد از اسهال پیدا شود صفت مشک
سک کوفته در آب به حل کنند و در حلق چکانند وجوری که از جهت
صداع اطفال نافع باشد صفت صعتر جند بیدستر زیره کرمانی
کوفته سه جو از آن در شیر حل کنند و در حلق چکانند کلوی
طفل مرینند وجوری که سرفه اطفال را نافع باشد صفت رب السوس
کتیرا صمغ عربی نشاسته فانید از هر یک سه درم مغز بادام نیم درم
فانید را با عسل بجوشانند و صاف کنند و ادویها کوفته روغن

بادام

بادام بآن ممزوج سازند قدری از آن در دهن طفل ریزند
باب الیاء یاقوتی که خفقان و غشی را نافع است و دل را قوت
دهد و فرح آورد صفت مروارید ناسفته شش درم بسد چهار
درم یاقوت رمانی گل مختوم بادرنجبویه بهمن صندل اصفر از
هر یک دو درم ورق طلا عقیق یمنی ساذج هندی زرنباد
درونج عقربی دوقی از هر یک یک مثقال لاجورد مغسول یک مثقال
و نیم لعل کهربا نیلوفر زرشک صمغ کشنیز خشک تخم گل پوست
ترنج کاوزبان ریوند چینی تخم کاسنی عود هندی ابریشم معرق
از هر یک پنج درم کافور رمانی عنبر اشهب از هر یک دو مثقال
مشک تبتی نیم مثقال شیره اصله پوست بلیله کابلی گلاب شراب سیب
آب انار شیرین شراب بهرا از هر یک بیست درم کوفتنیها را بکوبند
و بجز بیزند و با شرابها و گلاب و آب انار بقوام آورند و معجون
سازند و بعد از چهل روز که در میان جو باشد استعمال نمایند

شربتی یکمثقال یاقوتی که خفقان و وسواس وضعف دل را نافع باشد
واعضاء رئیسه را قوت دهد ولون را صافی کند ونشاط اورد و سودا
را دفع کند صفة یاقوت سرخ بسد کهربا حجر لاجورد وکل ارمنی سنبل
الطیب سادج بهمن سرخ بادروج از هریک دو مثقال یاقوت زرد
وکبود عقیق مروارید ناسفته پوست بیرون پسته بادرنجبویه
گل مختوم عنبر اشهب زر محلول نقره محلول گل ارچینی دروغ
عقربی سفید از هریک چهار مثقال لعل فیروزه شب ابریشم مقرض
قرنفل نیلوفر صندلین ارچینی کبابه قاقله کبار از هریک سه
مثقال زمرد یکمثقال ونیم تخم فرنجمشک کاوزبان طباشیر سفید
از هریک پنجمثقال املج مقشر پوست هلیله کابلی از هریک ده
مثقال عصاره زرشک پانزده درم مشک خالص یکمثقال ونیم
کافور نیم مثقال اب سیب اب بهار از هریک یک من اب حماض نیم من
گلاب وعرق بید مشک یک من نبات مصری یک من ونیم نبات را

در گلاب وعرق بگدازند وبه اب سیب وبه بقوام اورند زیاده
وچون فرو گیرند اب حماض بران ریزند وادویه کوفته وبیخته و
جواهر صلایه کرده بان بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی قوی التفریح
وانرا از غایت تفریح روحانی گویند دل وجگر را قوت دهد و
مالیخولیا وامراض سودائی را بغایت نافع است صفة مروارید
ناسفته مرجان کهربا فرنجمشک از هریک یکدرم صندلین طباشیر
زرنباد بادرنجبویه قرنفل سادج عود قماری ابریشم مقرض پوست
ترنج از هریک ده درم گاوزبان دروغ عقربی لعل یاقوت عقیق
یمنی ورق طلا ورق نقره عنبر اشهب زعفران کافور از هریک
یکدرم مشک نیم درم قند سفید پنجاه درم عسل صاف کرده پنجاه
درم معجون سازند چنانکه رسمست یاقوتی معتدل ضعف دل
ووسواس سودائی را نافع باشد ودل را قوت دهد ونشاط
اورد هرچه تمام تر صفة مروارید ناسفته بادرنجبویه بیرون پوست

DOCTOR
GARO OWEN MINASIAN.

بیرون پسته پوست ترنج صندل سفید ورق گل سرخ از هر یک سه
درم بسد بهمن سرخ کبابه چینی از هر یک یکدرم و نیم کهربا یشب
قرنفل ساوج هندی دارچینی از هر یک یکدرم لعل عود خام
از هر یک یکمثقال یاقوت زرد عنبر اشهب زرمحلول نقره محلول
از هر یک نیم مثقال بهمن سفید کشنیز خشک گل ارمنی طباشیر
از هر یک دو درم زرنباد کافور قیصری از هر یک نیم درم کافور زبان
امله از هر یک پنجدرم عصاره زرشک ده درم زعفران دانگی
و نیم شراب بهیست مثقال شراب حماض نیم من شراب سیب چهل
مثقال داروها کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده و شربها بقوام آورند
و بسرشند شربتی یکمثقال یاقوتی یاقوت حجر لاجورد ریشه گل
مختوم سنبل قاقله کبار و صغار گل ارمنی عنبر اشهب پادزهر ماه
فروین ورق طلا ورق نقره از هر یک یکمثقال مروارید ناسفته کهربا
بسد بهمنین قرفه درونج عقربی زرنباد سعد کبابه چینی صندلین

کشنیز

کشنیز خشک پوست هلیله زرد آمله مقشر تخم کاسنی خالص از
هر یک دو مثقال بادرنجبویه پوست ترنج کاوزبان طباشیر سفید
عود خام ابریشم مقرض از هر یک چهار مثقال نارمشک زنجبیل سایج
شقاقل زرشک منقی گل نیلوفر مصطکی زعفران از هر یک سه مثقال
نبات یک من و نیم آب به و امرود و سیب و انار شیرین گلاب عرق بید مشک
عرق کاوزبان از هر یک یک چهاریک نبات را در عرقها بگدازند
و با آب میوها بقوام آورند و ادویه را کوفته و بیخته و جواهر صلایه
کرده بآن بسرشند و بعد از چهل روز استعمال نمایند یاقوتی یاقوت
زرد سنگ لعل سرخ حجر لاجورد عقیق یمنی ماه فروین خطائی
سنبل الطیب گل مختوم گل ارمنی از هر یک یک مثقال کهربا مروارید
ناسفته بسد بهمنین قرفه نارمشک قاقله صغار شقاقل صندلین
زرشک منقی گل نیلوفر پوست هلیله کابلی مصطکی ابریسم مقرض
از هر یک سه مثقال فادزهر حیوانی عنبر اشهب از هر یک یکمثقال و نیم

لیشب زرنباد سعد هندی کبابه چینی ورق گل سرخ کشنیز خشک
آمله مقشر تخم کاسنی ورق طلا و نقره از هر یک دو مثقال قرنفل و
طباشیر سفید از هر یک چهار مثقال قاقله کبار چهار عدد زعفران مشک
نبطی از هر یک نیم مثقال نبات مصری دو من آب به و سبب و امرود از
هر یک نیم من گلاب و عرق بید مشک از هر یک صد درم عرق گاوزبان
ده درم آب انار عذب یکمن عسل سفید مصطفی مصفی نیم من نبات را
در هر قرابه بگذارند و با عسل و آب میوها بقوام آورند و ادویه
کوفته و بیخته و جواهر صلایه کرده بآن بسرشند شربتی یک مثقال
یاقوتی نسخه شیخ ابو علی سینا مالیخولیا و امراض سودائی را بغایت
نافع باشد و نشاط هر چه تمام تر بود و اعضاء رئیسه را قوت دهد
صفه یاقوت رمانی گاوزبان تخم کاسنی مشک خالص کافوری از هر
یک یک درم مروارید ناسفته کهربا از هر یک یکدرم و نیم ابریشم مقرض
و سرطان نهری محرق از هر یک یکمثقال و دانگی نمالهٔ طلا مکلس دو دانگ

قرنفل

قرنفل بادروج اسطوخودوس از هر یک سه درم بهمن سفید
عود خام حجر ارمنی مغسول لاجورد مغسول مصطکی سلیخه دارچینی
زعفران هال قاقله کبار ماه فرفیون خطائی از هر یک مثقال افتیمون
ده درم و نیم توتیای سنبل سایج هندی از هر یک دو درم دارچینی
عقربی و عنبر اشهب از هر یک دو مثقال تخم خیار و ورق گل سرخ از
هر یک چهار درم گلاب صندل سفید صد مثقال شراب حماض

شراب سیب شراب انار شیرین از هر یک
سی مثقال عسل مصفی بقدر احتیاج
بطریق معهود معجون سازند
شربتی یکمثقال بعد از
چهل روز تمام توان
خورد والله اعلم

DOCTOR
CARO OWEN MINASIAN.

تمت الکتاب بعون الملک الوهاب بحمد واله الطاهرین

DOCTOR
CARO OWEN MINASIAN.

دوائی که کوشت و خون آمدن دندان
بوسد از آتش انجوان الله را کلبار فاکر
شب یمانی نوشد در ماسه ا ربع سرخ
علاج بوضته بودند سفالی جس نوفل سرخ
عاقرقرحا لوکار زاج سفید نوارا ساول
بکوبند و بر بن دندان بپاشند و انقدر
بترداخت کنند دیدن دندان باشد

نسخه ادویه شیخ صفا را در جوشانده اهل الوی جوشانند کلاچ چوب کرچوب ابنوس بوست خار مغیلان برگ حنا
چوب بقم نباید کوبیدن از هر یک دوازده مثقال قند و قیر بزرگ بیست مثقال شنجرف جوز بوا کافور
از هر یک یک مثقال دنبه هر چه دوازده مثقال زاج یک مثقال دنبه روغن گرگ نیم مثقال اشق دو مثقال
بوست بلغار یک مثقال دنبه موم بابونه لبانی دهدار حطائی از هر یک نیم مثقال برگ نیم هندی بیست مثقال
روغن کنجد هزار درم دویست مثقال نه چیز اول را با چهار چوب ۱۰ آب با آتش نرم بجوشانند تا ربع بماند
پس صاف کرده با آب برگ نیم و روغن کنجد و باقی اجزا که مثل ملاچ بجوشانند تا آب برود و روغن بماند
صاف نمایند و نگاه دارند که مفید خواهد بود ان شاء الله تعالی خاصیت این روغن اینست که زخم کارد و شمشیر
و مانند آن که تازه باشد بعد از ازالهٔ خون فایده تمام دهد و از برای درد استخوان و بادهای که
از مردن باشد و همچنین از برای عقرب گزیده و مانند آن نافع بود ان شاء الله تعالی طریقه روغن صندل
امت صندل را برابر کرده روغن بادام یا روغن کنجد مخلوط کرده آن قدر که گل شود بعد از آن
او را در میان شیشه عطاری کرده که مکلس کرده باشند و اندک سیمر را کلوله کرده بر بر دهن
آن شیشه عطاری بگذارند و آن شیشه را در بر شب گذارند در میان منقلی که تر آن نورانی
داشته باشد و دهن آن شیشه را متصل بسوراخ کنند و ظرفی در تر آن بگذارند و پاره
آتش و خاکستر هموار بر سر آن بریزند تا روغن بیرون آید ادعیه راحت مفعول از حکیم عماد الدین
محمود زنبیق چهار مثقال ۱۰ فرفیون جاوشیر خندبیدستر شطرج حب الغار را در نور کان
آتش کنند باز زود عاقرقرحا قطرا ملح سعد کوه حلتیت سکنج برگ حنا مقل ازرق از هر یک
هر یک ۲ مثقال مصطکی مثقال ادرک کلوچه ادرک بابونه ادرک انب از هر یک دو دیر صابون رمیم
قالب موم را در یک سیر سه بزرگ سیر اجزا را در ده دن بکوبند و بپیزند و بعد از آن
روغن گل را در دیگ کنند و بجوشانند و پیه بز را با او بیامیزند و بجوشانند تا بگدازد
و بعد از آن در پارچه ابریشم مرتبه بر عدد و مفاصل بالکشت مالند و پرهیز از ترش و لبنیات
بکنند و ذرا خرچم اوند از جمیع امراض ماتو باشد طریقه کشیدن روغن بلادر چند نوع بود یکی آنکه
ابزیر را گرم کنند بنگ و بلادر را بدان بکوبند تا از آن روغن بکشد آنرا بگیرند و دیگر طریق حکیم یونان
بگیرند بلادر روغن گل از هر یک بیست درم و بلادر را اندک نرم کنند و با آن روغن بیامیزند و در تابه
کنند و بر آن بپوشند و چند روز بجوشانند تا نیک حل شود و بعد از آن بپالایند و احتیاط کنند
تا اگر روغن زیاده باشد در وزن بلادر اضافه کنند و زیاد و کم نباشد چنانکه بلادر در روغن بسوزد

بلکه بگدازد و دیگر آنکه بلادر را شکسته در بر صفحه از آجار بنهند و دسته‌ها دن را گرم کرده بدان
زور کنند تا از آن روغن در صفحه ظاهر شود آنرا بگیرند و در جمله این که دست و اعضا را از آلایش آن
و پیزر را از شنیدن بوی آن حفظ باید کرد و اگر بدستور کنند بگویند بغایت نرم داند که اندک غذا بپزند
و بر آتش قوی اندازند و شکنجه کنند روغنی با ملاست گرفته شود طریق کشیدن روغن چوب‌ها چنان
بود که بگویند چوب نیم خشک و سر او را دو گره اندر بر روی صفحه آهنین یا مسین بنهند و طوبی نهند
روغن از آن بر صفحه ظاهر شود آنرا با انگشت بردارند و نگاه دارند

197

tarikhema.org

395
198

394

BLANK PAGES

mandegar.tarikhema.org

tarikhema.ir

pdf.tarikhema.org

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چهل گزیده سگ دیوانه جراحت او نباید گذاشتن که درست شود و بجز بر نهادن و بلیدن
چهل روز جراحت گشاده داشتن تا زهر او بیالا بیند و بمطبوخ افتیمون طبع را نرم
داشتن و تریاق اربعه و فاروق دادن و جگر همان سگ دیوانه که گزیده باشد سود دارد
و در الذرایع بفایت نوشته است و اگر خواهند که بدانند که سگ دیوانه بوده است
یا نه قدری خمیر ان موضع که سگ گزیده است بالند اگر سگان دیگر ان خمیر بخورند
سگ دیوانه باشد و اگر نخورد خوردن و همدیگر دیوانه باشد

tarikhema.ir

SIAN.

BLANK PAGE

tarikhema.org
pdf.tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org

tarikhema.org

Text on fore-edge follows

mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

UCLA

فرمانروایی سنجاقی در حلب

UCLA Reprographic Service

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org

UCLA

END OF REEL

PLEASE REWIND

UCLA Reprographic Service

pdf.tarikhema.org

tarikhema.org
mandegar.tarikhema.org
tarikhema.ir
pdf.tarikhema.org